ایران

• سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴
• ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
• ۲ دسامبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۹۰۰
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

رئیس جمهوری:
جامعه با دستور و تهدید اصلاح نمی شود

رئیس قوه قضائیه:
کارگزاران نظام باید از حقوق مردم پاسداری کنند

رئیس مجلس:
تصمیم‌های حکمرانی باید با عاملیت زنان سازگار باشد

۲

روایت میدانی، تحلیل کارشناسی و بررسی سیاست‌های دولت برای مدیریت آلودگی هوا

چرا هوا اینقدر سنگین است؟

میدان | صدای خیابان درباره آلودگی هوا
نگرانی‌ها و پرسش‌های پرتکرار مردم

علم | پاسخ صاحب‌نظران به این پرسش
چرا امسال آلودگی شدیدتر احساس می‌شود؟

سیاست | برنامه دولت برای مهار آلاینده‌ها
از پایش هوشمند تا محدودیت‌های هدفمند

۳ ۸ ۱۸

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور در گفت‌وگو با «ایران»:

اصلاح طلبی نسخه نجات کشور است

● کسی را باید وارد دولت کرد که برنامه و راهبرد آن را قبول داشته باشد
● هر اصلاحی بدون همکاری و همراهی دیگر نهادها ممکن نیست

عکس: هست‌الله خواهی

۱۶

رهبر انقلاب پیگیر سلامت نویسنده سرشناس کشورمان شدند

گزارش «ایران» از آخرین وضعیت رضا امیرخانی

۶

شاخص کل سهام یک رکورد جدید ثبت کرد

چرایی همسویی بورس و ارز

شاخص کل بورس روز گذشته با صعود به محدوده ۳ میلیون و ۳۱۴ هزار واحد، بار دیگر در جایگاه بالاترین رکورد تاریخی ایستاد؛ رکوردی که البته این بار در هماهنگی با بازارهای رقیب یعنی ارز و طلا رخ داد. این رفتار هماهنگ میان دلار و بورس که البته به طور تاریخی نیز مشاهده می شد، طی یک سال گذشته کم‌نظیر بوده است.

۹

در صفحات «اجتماعی» بخوانید

تابلوی زیارت عاشورا، زندانی را از پای چوبه دار برگرداند | ۱۱
واردات ۳۱ هزار دستگاه خودرو از ابتدای سال | ۱۰
۱۲ هزار شیء تاریخی در انتظار ساخت موزه منطقه‌ای جیرفت | ۱۵
صفحه ویژه سرخابی‌ها / شهرآورد؛ نقطه جوش فوتبال | ۱۲

«ایران» از ۱ استراتژی جامع دولت برای افزایش تولید و بهینه کردن مصرف بنزین رونمایی می کند

نبرد ملی در دو جبهه اقتصادی

ایران روزانه حدود ۸ میلیون بشکه نفت و میعانات گازی تولید می کند که در صورت صادرات کل این میزان تولید، می توانست سالانه حدود ۱۸۰ میلیارد دلار درآمد ایجاد کند. اما به جای این درآمد سرشار، کشور اکنون در موقعیتی قرار دارد که ۶ تا ۸ میلیارد دلار از منابع ارزی گران قیمت خود را صرف واردات بنزین می کند.

۱

عیادت پزشکیان و قالیباف از سقاب اصفهانی

اعضای بدن دختر معاون رئیس جمهور اهدا شد

۱

پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی اسلام‌آباد در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد

«اکو» بستر تعمیق همکاری‌های ایران و پاکستان

۴

اکونومیست تحلیل کرد؛ چرا در حال حاضر نباید روی توافق آمریکا و ایران حساب باز کرد؟

سنگ بزرگ ترامپ در مسیر دیپلماسی

۵

حسب حال

گزارش مناظره دانشگاه آکسفورد: خطر منطقه‌ای؟! (۳)

سید عطاءالله مهاجرانی

نکته بسیار پراهمیتی که از «تونی بلر» درباره اقدام تاکتیکی و پیامدهای نسنجیده تاکتیک به عنوان بحران و فاجعه استراتژیک نقل کردم، روایت دیگری هم دارد که به عنوان تکمیل‌کننده بیان می‌کنم. در سال ۱۳۸۹ دعوت شدم تا در اجلاس ابوظبی شرکت کنم. دوستم مرحوم «محمد بن عیسی» وزیر خارجه سابق و نیز وزیر سابق فرهنگ مراکش که از جمله مشاوران نشست ابوظبی بود به من زنگ زد. گفت «در این نشست پنلی هست با حضور تونی بلر نخست‌وزیر سابق انگلستان، «جیمز جونز» رئیس سابق ستاد ارتش آمریکا و «یوشکا فیشر» وزیر خارجه سابق آلمان و پنل را «دیوید میلیبند» وزیر خارجه سابق انگلستان اداره می‌کند. شما هم در این پنل شرکت کنید.» محمد بن عیسی توصیه کرد این اجلاس مهم است و این پنل مهم‌ترین پنل! مدیریت اجرای نشست ابوظبی با «چتم هاوس» و مجری خانم «لیز دوست» گزارشگر کانادایی تلویزیون بی‌بی‌سی جهانی بود! آنچه خوبان همه دارند این اجلاس با هم داشت.

اجلاس بسته بود. بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و نظامی و امنیتی شرکت کرده بودند. برخی را مانند «یاسر عبد ربه» وزیر فرهنگ فلسطین یا «شاشی تارر» معاون سابق «خاویر پرز دکویار» دبیرکل سابق سازمان ملل و بعد وزیر کشور هند می‌شناختم. در پنل در کنار ژنرال جیمز جونز (با ژنرال دیوید جونز اشتباه نشود) نشسته بودم. گفتم: «واقعاً لازم بود شما در کارناوال مجاهدین خلق شرکت کنید و علیه نظام جمهوری اسلامی سخنرانی!؟» بهت زده شد. شاید اصلاً تصور چنین پرسشی را نداشت. گفت: «بدون تعارف برایتان بگویم؛ من برای یک سخنرانی ۸-۷ دقیقه‌ای ۵۰ هزار دلار گرفتم. با این پول با همسرم سالی چند تا سفر می‌رویم!» سازمان مجاهدین از این گونه مبالغ به «جان بولتون» و «پمپئو» وزیر خارجه سابق ترامپ و برخی سناتورهای آمریکایی و دیگر ژنرال‌ها پرداخته و می‌پردازد.

در ۱۱ ژانویه سال ۲۰۲۵ جیمز جونز در کارناوال پاریس مجاهدین خلق گفت «نظام جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است»؛ همین چند ماه پیش که برای مدتی شازده پهلوی و سلطنت‌طلبان ناکام به عنوان جایگزین جمهوری اسلامی برای‌شان بساط چیده بودند. ژنرال جیمز جونز از راه رسید و اعلام کرد: «جایگزین جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین است.» پیدا بود هزینه سفر، مثل همیشه تر و تازه رسیده و می‌رسد. وقتی در پنل نشست ابوظبی به پایان نظام جمهوری اسلامی اشاره کرد، گفتم «قبل از شما تونی بلر و «جرج بوش» کوچک همین نظر را داشتند. به همین خاطر تونی بلر از حمایت آمریکا و انگلستان از صدام به عنوان یک اقدام تاکتیکی نام برده است، منتها تونی بلر اعتراف می‌کند که اقدام تاکتیکی به فاجعه استراتژیک انجامید، حالا شما می‌خواهید همان اشتباه را که به تراژدی انجامید به عنوان یک کمدی تکرار کنید!؟» تونی بلر تعجب کرد که کجا چنین حرفی را زده است؟ کتاب خاطراتش توی کیفم بود. مثل جعبه مارگیری! کتاب را از توی کیف در آوردم. نشانه گذاشته بودم، های‌لایت کرده بودم. از روی کتاب خواندم. گفتم می‌توانم کتاب را به شما هدیه بدهم!

در بخش دیگری از سخنرانی آکسفورد، به نبود شناخت از ایران، از ملت ایران و تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از سوی آمریکا و غرب اشاره کردم. گفتم آمریکا بدون اینکه افغانستان و عراق را بشناسد هر دو کشور را اشغال کرد. جرج بوش برای ایراد سخنرانی پیروزی‌اش بعد از اشغال عراق، با هواپیمای جنگی (اس ۳ وایکینگ) در روز اول ماه مه سال ۲۰۰۳ بر عرشه ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» فرود آمد. اعلام کرد: «عملیات جنگی در عراق تمام شده است؛ ما پیروز شده‌ایم.» در پشت سر جرج بوش این شعار نصب شده بود: Mission Accomplished؛ یعنی «مأموریت تمام شد!»، اما تمام نشده بود. جرج بوش گفت: «آمریکا و ائتلاف به رهبری آمریکا برای آزادی و صلح جهانی جنگیده‌اند. آمریکا نه با اهداف نظامی، بلکه برای ساخت جامعه‌ای دموکراتیک با قانون و نهادهای آزاد و حقوق بشر در خاورمیانه اقدام کرده است.» «گفت خود پیداست از زانوی تو!» سه سال بعد در ۹ دسامبر سال ۲۰۰۶ از سوی هر دو حزب کنگره آمریکا گزارشی با عنوان «گزارش همیلتون بیکر» منتشر شد. در این گزارش به‌صراحت اعلام شده است که «آمریکا و نیروهای ائتلاف کشوری را اشغال کرده‌اند که نمی‌شناسند.» بعداً منتقدان اشغال عراق و سقوط نظام صدام حسین گفتند آمریکا عراق را در سینی طلا به ایران تقدیم کرد. در گزارش همیلتون-بیکر جمله عجیبی وجود دارد. پیرمردی عراقی به گروه تهیه‌کننده گزارش می‌گوید: «در عراق در پشت هر درختی و در پس هر سنگی یک ایرانی وجود دارد!»

گفتم: «بسیار خب! حالا آمریکا و ناتو و هم‌پیمانان منطقه‌ای می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهند. تمام توان و اراده و آرزوهایشان را در جنگ ۱۲روزه به میدان آوردند. به‌روشنی دیدند که مهم‌ترین رکن حمایت از نظام جمهوری اسلامی مردم ایران بودند. مگر ترامپ مردم تهران را به تخلیه شهر تهران تهدید نکرد!؟ حتی چهره‌های شاخص منتقدان بلکه معارضان جمهوری اسلامی نیز در این جنگ در کنار جمهوری اسلامی ایستادند و نه در کنار آمریکا و یا اسرائیل. همان ماجرای عدم شناخت ایران!»

شناخت ایران دشوارتر از افغانستان و عراق است. به نظرم داوری «سر دنیس رایت» سفیر انگلستان در دهه ۱۹۷۰ میلادی در ایران شایسته توجه است. داوری دنیس رایت (۲۰۰۵-۱۹۱۱) سفیر سابق انگلستان در تهران را «دور گلد» (۲۰۲۵-۱۹۵۳) سفیر سابق اسرائیل در سازمان ملل و نیز در لندن روایت کرده است. دور گلد در سال ۲۰۰۹ کتابی منتشر کرد با عنوان «طلوع ایران هسته‌ای». در این کتاب دور گلد مطلبی را از سر دنیس رایت در تهران روایت کرده است. دنیس رایت دو دوره در دهه ۱۹۷۰ سفیر انگلیس در تهران بود. زبان و ادبیات فارسی را بسیار خوب و روان می‌دانست. در خاطراتش نوشته است: «ایرانی‌ها مردمی هستند که وقتی دارند با شما صحبت می‌کنند، به موضوع دیگری فکر می‌کنند و در هنگام عمل، موضوع سومی را عمل می‌کنند!»[1]

البته از ملت و تمدن و فرهنگی که از جمله شطرنج و قالی ایرانی را به جهان عرضه کرده است، می‌توان شاهد چنین ژرفا و پیچیدگی‌هایی بود.

دنیس رایت با اقامت هشت ساله در ایران این درس را بسیار خوب آموخته بود. وقتی محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران، به باهاما رفته بود، دنیس رایت برای ملاقات شاه از طرف دولت انگلستان می‌رود. منتها به صورت کاملاً ناشناس و شبیه کاراکتر «هرکول پوآرو» با سبیل مصنوعی نوک تیز و ریش بزی و شاپو و عصای نقره ای. کاملاً تغییر شکل یافته بود. خانم فرح دیبا در کتاب زندگینامه‌اش به این دیدار اشاره کرده است. به نظرم دنیس رایت هم ایران را نشناخته بود، والا خودش را به آن حال و روز در نمی‌آورد. گمان نمی‌کرد سیر تا پیاز ماجرا را خانم فرح دیبا روایت کند.

ایران به نظرم چهار مشخصه دارد که آمریکا و غرب نتوانسته‌اند ایران را به‌درستی بشناسند:

۱- سابقه تمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی
۲- تاریخی که به روایت شاهنامه با دوره اساطیری آغاز می‌شود
۳- تجربه انقلاب اسلامی
۴- تجربه جنگ هشت‌ساله عراق و ورشو و ناتو علیه ایران.

ایران فیل در خانه تاریک نیست. می‌توان این کشور و ملت و تاریخ و زبان و فرهنگ و ادبیات آن را شناخت.

از ترامپ و نتانیاهو انتظاری نیست که ایران را بشناسند. تعجب از «برنارد لوئیس» است که مرشد نتانیاهو بود و در آخرین کتابش «یادداشت‌های یک قرن» که در صد سالگی‌اش منتشر کرد، از کوشش پیگیرش به عنوان مشاور «دیک چنی» برای تشویق آمریکا به حمله به ایران سخن گفته است. حتی از قول دوستان ایرانی‌اش نقل می‌کند که آنان گله کرده بودند آمریکا بر اساس حروف الفبا می‌بایست اول به ایران حمله می‌کرد!

چه باید گفت!؟ همان بی‌دانشی و بلاهت درباره ایران!

(ادامه دارد.)

(1) Dore Gold, The rise of nuclear Iran, how Tehran defies the west, 2011. P185.

عیادت پزشکیان و قالیباف از سقاب اصفهانی

اعضای بدن دختر معاون رئیس جمهور اهدا شد

مسعود پزشکیان رئیس جمهوری عصر دیروز با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران از اسماعیل سقاب اصفهانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهره‌وری انرژی عیادت کرد. سقاب اصفهانی به دلیل تألمات ناشی از درگذشت همسر و جراحت شدید ۳ فرزندش در یک حادثه تصادف در بیمارستان بستری شده است. رئیس جمهوری با حضور در بیمارستان، با ابراز همدردی مجدد با سقاب اصفهانی، خواستار رسیدگی فوری و کامل به وضعیت وی و فرزندان و پدر همسرش شد. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز دیروز با حضور در این بیمارستان از معاون رئیس جمهور عیادت و با ابراز همدردی با سقاب اصفهانی، برای وی و فرزندانش شفای عاجل آرزو کرد. گفتنی است روز گذشته «فارس» اعلام کرد که پزشکان مرگ مغزی دختر بزرگ آقای سقاب اصفهانی که ۱۴ سال دارد را اعلام کردند. فرزندان دیگر و نیز پدر همسر وی همچنان تحت مراقبت پزشکی هستند. در این تصادف سخت که حوالی ظهر یکشنبه گذشته در شهرستان ایوانکی رخ داد، خانم فاطمه حیدری ۳۴ ساله، همسر اسماعیل سقاب اصفهانی در دم جان خود را از دست داد و پدر همسر وی که راننده بود به همراه سه فرزند سقاب اصفهانی بشدت مجروح شدند. موسی بزرگی، رئیس پلیس راه استان سمنان اعلام کرد: «این تصادف رانندگی در ورودی شهر ایوانکی رخ داده است. با بررسی‌های تخصصی کارشناسان تصادفات پلیس راه استان مشخص شد علت تامه این سانحه عدم توانایی راننده تارا در کنترل وسیله نقلیه ناشی از خستگی و خواب آلودگی بود.»

نجات ۱۰ بیمار با اهدای اعضای بدن حسنا سقاب

دیروز به دنبال اعلام پزشکان مبنی بر مرگ مغزی دختر بزرگ سقاب اصفهانی، معاون رئیس جمهور با اعطای اعضای بدن فرزندش به بیماران نیازمند موافقت کرد. به گزارش «ایران»، مطابق بررسی‌های پزشکان، با اعلام رضایت اسماعیل سقاب اصفهانی به عنوان پدر متوفی، اعضای بدن مرحومه «حسنا سقاب اصفهانی» به ۱۰ بیمار نیازمند اعطا می‌شود تا به آنان زندگی دوباره ببخشد.

«ایران» از ۱ استراتژی جامع دولت برای افزایش تولید و بهینه کردن مصرف بنزین رونمایی می کند

نبرد ملی در دو جبهه اقتصادی

گروه اقتصادی/ دو دهه پس از تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، اقتصاد ایران نه تنها به رتبه اول اقتصادی منطقه دست نیافته، بلکه با فاصله گرفتن رقبا و همزمانی چندین بحران، رشد شتابان و مستمر نیز محقق نشده است. در قلب این ناکامی، مدیریت منابع انرژی به‌ویژه بنزین قرار دارد که با توزیع یارانه‌ای غیرهدفمند، به معضلی چندوجهی تبدیل شده است. اکنون دولت چهاردهم با در دستور کار قرار دادن اصلاح قیمت بنزین، تلاش می کند تا این چرخه معیوب را بشکند.

وضعیت پارادوکسیکال: ثروت نفت، فقر بودجه

ایران روزانه حدود ۸ میلیون بشکه نفت و میعانات گازی تولید می کند که در صورت صادرات کل این میزان تولید، می توانست سالانه حدود ۱۸۰ میلیارد دلار درآمد ایجاد کند. اما به جای این درآمد سرشار، کشور اکنون در موقعیتی قرار دارد که ۶ تا ۸ میلیارد دلار از منابع ارزی گران قیمت خود را صرف واردات بنزین می کند. این در حالی است که بخش بزرگی از جامعه (طبقات کم درآمد و روستایی) از مصرف اصلی این بنزین محروم هستند و منابع کشور به جای تأمین غذا و سلامت، صرف سوخت خودروهای شخصی می شود.

معادله ناعادلانه: برد اقلیت، باخت اکثریت

در واقع یک معادله ساده اما ناعادلانه شکل گرفته است: منابع ملی که باید صرف رفاه عمومی شود، به واردات بنزین تخصیص می یابد. قیمت پایین سوخت، تمایل به استفاده از خودروی شخصی را افزایش می دهد و مصرف بنزین را بالا می برد. این چرخه نه تنها منابع مالی کشور را می بلعد، بلکه به آلودگی هوای فاجعه‌بار کلانشهرها دامن می زند که خود بار مالی سنگینی بر بودجه سلامت وارد می کند.

سیاست زدایی از یک کالای اقتصادی

شش سال از آخرین اصلاح قیمت بنزین می گذرد. در این مدت، بنزین به دلیل واهمه از تبعات اجتماعی به یک کالای سیاسی دارای تابو تبدیل شده بود که باید برای حفظ ثروت ملی این روند دچار تحول می شد. با آغاز به کار دولت چهاردهم، دو راه حل در برابر این معضل قرار داشت: افزایش تولید و جذب سرمایه گذاری از یک سو و بهینه‌سازی مصرف از سوی دیگر. دولت برای خروج از این بن‌بست تاریخی، یک استراتژی جامع در دو جبهه همزمان طراحی کرده است.

افزایش تولید و جذب سرمایه‌گذاری

برای تأمین منابع، دولت نیاز به سرمایه گذاری‌های خارجی و دانش و فناوری جدید داشت که در این مورد خاص، تحریم‌ها بسیار اثرگذار بوده است. اما دولت برای بهبود این روند اقداماتی نیز انجام داد. اولین اقدام تعریف حدود ۱۳۰ میلیارد دلار پروژه در بخش بالادستی نفت و گاز بوده است. همزمان فرآیند بوروکراتیک انعقاد قراردادها به حدود ۵ ماه کاهش یافت در حالی که در قراردادهای ۳ ساله این فرآیند بوروکراتیک مدت زمان طولانی تری را می گرفت تا نرخ سود تضمین شده برای سرمایه گذاران از ۱۵-۱۴ درصد به ۲۳-۲۰ درصد برای جبران ریسک تحریم‌ها تبدیل شد. این فرآیند مرهون پیگیری شخصی رئیس جمهوری در جلسات هفتگی (چهارشنبه‌ها بعد از جلسه هیأت دولت) برای رفع موانع پروژه‌ها بوده است.

بهینه‌سازی مصرف و تنوع بخشی به سبد سوخت

در دولت‌های پیشین حدود سه میلیارد دلار سرمایه گذاری برای اجرای سازوکارهای سوختگیری بر مبنای CNG خودروها هزینه شد اما این حوزه به دلیل قیمت پایین بنزین هیچ مزیتی نداشت و با الطبع با استقبال چندانی نیز روبه‌رو نشد اما به نظر می‌رسد که با اصلاح قیمتی بنزین، راه برای موج جدیدی از تبدیل خودروها از بنزینی به گازسوز ایجاد شود. در این باره دولت در صدد رایگان کردن تبدیل خودروها به خودروهای گازسوز برای همه متقاضیان از طریق سامانه‌ای یکپارچه است. بدین ترتیب سرمایه گذاری ۳ میلیارد دلاری قبلی در زیرساخت‌های گاز طبیعی با صدور مجوز برای بخش خصوصی جهت احداث ایستگاه‌های CNG احیا می شود. دولت در این برنامه، همچنین به سوخت LPG (گاز مایع) و صدور مجوز احداث جایگاه در شعاع ۱۰۰ کیلومتری پالایشگاه‌ها توجه داشته است. همچنین سیاست گذاری برای واردات خودرو با اولویت به خودروهای هیبریدی (تعرفه ۱۵درصدی) و برقی (تعرفه ۴درصدی) و کم مصرف (تعرفه ۱۲۰درصدی) انجام شده است. اقدام دیگر، تأمین منابع برای نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی (واگن و لکوموتیو) از محل منابع صندوق توسعه ملی بوده است.

منطق اقتصادی: از یارانه پنهان تا شفافیت مالی

محاسبات نشان می دهد قیمت تمام شده هر لیتر بنزین وارداتی برای دولت حدود ۶۶ هزار تومان است. حتی با حذف یارانه ۵۰۰۰ تومانی از سهمیه سوم برای برخی خودروها از جمله خودروهای مناطق آزاد و وارداتی دولت همچنان ۶۱ هزار تومان یارانه پنهان روی هر لیتر پرداخت می کند. دولت تأکید دارد درآمد حاصل از افزایش قیمت (تا سقف ۲۰۰۰ تومان به ازای هر لیتر) کاملاً به خزانه بازگردد و برای حمایت از معیشت مردم هزینه شود، بدون آنکه حتی یک ریال آن صرف جبران کسری بودجه دولت شود.

چرا اصلاح قیمت بنزین اجتناب ناپذیر است؟

اصلاح قیمت بنزین یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت اقتصادی-اجتماعی است. دلیل این ضرورت را می توان در چند محور خلاصه کرد: اول توقف ریخت‌وپاش منابع ملی است. ادامه روند کنونی یعنی هدررفت سالانه میلیاردها دلار از سرمایه‌های کشور برای تأمین سوختی ارزان که بیشترین استفاده از آن را قشرهای مرفه و دارای خودروی شخصی می برند. این منابع می تواند صرف بهداشت، آموزش، رفاه عمومی و توسعه زیرساخت‌ها شود. همچنین اگر مسیر فعلی ادامه پیدا کند دولت ۵ سال دیگر مجبور است حدود ۱۵ میلیارد دلار برای واردات بنزین هزینه کند که در عمل امکانپذیر نیست و روند عرضه را همچون برق در چند سال اخیر دچار توقف می کند. موضوع دوم ایجاد عدالت توزیعی است. یارانه پنهان بنزین به نوعی بازتوزیع ثروت به نفع ثروتمندان است. اصلاح قیمت به دولت امکان می دهد با درآمد حاصل، حمایت‌های هدفمندی را به سمت گروه‌های کم درآمد و محروم هدایت کند. دلیل سوم نجات محیط زیست و سلامت عمومی است. قیمت پایین بنزین مشوق استفاده از خودروی شخصی و عامل اصلی آلودگی هوای کلانشهرهاست. افزایش نسبی قیمت، انگیزه‌ای برای تغییر الگوی مصرف و گرایش به حمل‌ونقل عمومی و خودروهای پاک ایجاد می کند.

و در آخر زمینه‌سازی برای تحول در صنعت انرژی مهم است. تنها با ایجاد مزیت قیمتی برای سوخت‌های پاک مانند گاز CNG و LPG، سرمایه گذاری‌های کلان در این بخش به ثمر می نشیند و وابستگی به بنزین کاهش می یابد.

در کوتاه‌مدت، توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش بار مالی بودجه. در میان مدت، بهبود کیفیت هوا و سلامت جامعه و در بلندمدت، ایجاد زیرساخت برای اقتصادی با بهره‌وری انرژی بالاتر که کمتر در دام رانت سوخت ارزان گرفتار است. اصلاح قیمت بنزین، اگرچه دشوار است، اما سنگ‌بنیان ضروری برای خروج از چرخه معیوب کنونی و حرکت به سمت الگوی توسعه پایدار است.

اخبار

تسلیت رهبر انقلاب به معاون رئیس جمهور

در پی تماس تلفنی از سوی دفتر مقام معظم رهبری با آقای «اسماعیل سقاب اصفهانی»، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، پیام دلجویی و تسلیت رهبر انقلاب درپی فوت همسر و آسیب‌دیدگی فرزندان ایشان در حادثه دردناک پیش‌آمده، به وی ابلاغ شد. معاون رئیس جمهور در این تماس از ابراز محبت رهبر معظم انقلاب تشکر کرد.

تأکید رئیس قوه قضائیه بر پاسداری از اصول قانون اساسی

رئیس قوه قضائیه روز گذشته در شورای عالی قوه قضائیه، با گرامیداشت سالروز تصویب قانون اساسی اظهار کرد: «همه ما کارگزاران نظام و مردم باید ملتزم به قانون اساسی باشیم، قانون اساسی که میثاق ملی ما و یکی از مترقی‌ترین قوانین موجود در دنیاست.» به گزارش میزان، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با اشاره اینکه فصل سوم قانون اساسی ناظر بر حقوق ملت است، تأکید کرد: «همه کارگزاران نظام و همه ما مسئولان قضایی که دور این میز نشسته‌ایم باید التزام و تعهد به حقوق مردم داشته باشیم و از این حقوق پاسداری و صیانت کنیم.»

معاون اول رئیس جمهور:

درهای مجامع بین‌المللی را به روی اساتید داخلی نبندیم

معاون اول رئیس جمهور در چهارمین جلسه ستاد توسعه فناوری و کاربرد هوش مصنوعی، بر ضرورت ایجاد یک الگوی حکمرانی داده‌ها در بخش حاکمیتی تأکید کرد و گفت: «نباید درها را بر روی اساتید و دانشجویان ایرانی برای حضور در کنفرانس‌ها و مجامع دانشگاهی بین‌المللی ببندیم.» به گزارش ایرنا، محمدرضا عارف افزود: «باید عقب‌ماندگی‌ها در زمینه هوش مصنوعی برای رسیدن به جایگاه اول منطقه جبران شود.»

رئیس جمهور و رئیس مجلس روایتی نزدیک از نقش خانواده ارائه کردند

پزشکیان: جامعه با دستور و تهدید اصلاح نمی شود

گزارش

رئیس جمهوری صبح دیروز در دومین اجلاسیه بین‌المللی «خانواده، آینده، پیوندهای پایدار» که در تالار وحدت برگزار شد، درباره ضرورت بازتعریف پیوندهای انسانی و اصلاح آموزش سخن گفت. بنا به تأکید مسعود پزشکیان، این اصلاح آموزش از گذر الگوهای رفتاری عبور می‌کند، نه شعارها و خطابه‌های یک‌رویه. رئیس مجلس شورای اسلامی هم که عصر دیروز در همان تالار و همان اجلاسیه سخنرانی کرد، از حکمرانی خانواده‌محور و عاملیت زنان در ایران گفت. چنین اجلاسی از این منظر می‌تواند اهمیت داشته باشد که سران دو قوه مجریه و مقننه، دو موضع یکسان را در یک صحن واحد و با تصویری هم‌زمان از رویکرد دولت و مجلس نسبت به «خانواده» ترسیم کردند. در این الگو؛ زنان، عناصر محوری جامعه و خانواده، بنیان آن است و اصلاح این دو عنصر و نهاد و تقویت جایگاه آنان، جز با راهبردهای نرم‌افزارانه و پذیرش‌های توأم با مدارا میسر نخواهد بود.

پزشکیان و ضرورت اصلاح آموزش و مهارت‌آموزی

صبح دیروز اختتامیه دومین اجلاسیه بین‌المللی «خانواده، آینده، پیوندهای پایدار» با سخنرانی رئیس جمهوری برگزار شد. محور این اجلاسیه، بازنگری در شیوه‌های زیست اجتماعی، ارتباطات خانوادگی و ضرورت بازتعریف آموزش در عصر جدید بود. پزشکیان در سخنان خود بر این نکته تکیه کرد که «پیوندهای انسانی بر بنیان صداقت استوار می‌شوند. اگر خانواده بر پایه راستی بنا شود، هیچ ویروس یا گسیختگی‌ای توان نفوذ در آن را نخواهد داشت.»

پزشکیان با مروری بر تغییر سبک زندگی ایرانیان، از افزایش تشریفات و فاصله گرفتن از سادگی گذشته انتقاد کرد و گفت: «در گذشته تشریفات امروزی وجود نداشت، زندگی‌ها ساده شکل می‌گرفت و زن و شوهر تا پای جان برای یکدیگر می‌ایستادند. مهریه‌های نجومی نداشتیم و زندگی بر پایه ارزش‌های الهی و معنوی شکل می‌گرفت، نه مظاهر دنیوی.» او تأکید کرد که «بازگشت به روح زندگی مشترک، تنها با تقویت ارتباطات واقعی و پرهیز از ظاهرسازی ممکن است.» رئیس جمهوری؛ نقش خانواده، محله، خانه و مدرسه را چهار ضلع اصلی شکل‌دهنده شخصیت فرد برشمرد و افزود: «اگر کسی با ما مخالفت کرد، نباید دعوا کنیم یا قواعد را به هم بزنیم. تفاوت نگاه‌ها به معنای ضدیت دیگران با ما نیست.» به‌گفته او «اختلاف‌نظر دشمنی نیست» و اصل در روابط انسانی، تعامل و مقایسه عملکردهاست، نه حذف و تقابل. پزشکیان، کینه و انتقام‌جویی را آفت اجتماعی خواند و تأکید کرد که «برای پرورش نسلی توانمند و صبور، باید نظام آموزشی دگرگون شود.» رئیس جمهوری یکی از خطاهای رایج خانواده‌ها را این دانست که برخی والدین با ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس خاص، موفقیت را تضمین‌شده می‌دانند. او تصریح کرد: «نخبه‌ها هم بدون شبکه انسانی و مهارت کار گروهی موفق نمی‌شوند. کودکان باید با چالش‌ها مواجه شوند تا مهارت حل مسأله را بیاموزند. در جامعه لزوماً مثل فضای خانواده کسی ناز آنان را نمی‌کشد و ممکن است چالش و تلنگری باعث شود به فکر تغییر شرایط بیفتند.» او با تشبیه سختی‌های زندگی به مسیر صعود به قله گفت: «خانواده مستحکم، خانواده‌ای است که اعضایش دست در دست هم بگذارند و از مسیر دشوار نگریزند.» رئیس جمهوری، تغییر جامعه را نیازمند اصلاح فردی دانست و گفت: «پیام‌های ما باید در رفتارمان دیده شود. با دستور و تهدید، جامعه اصلاح نمی‌شود.» او زندگی در جامعه‌ای با باورهای الهی را مایه افتخار دانست و تأکید کرد که «الگوی رفتار درست، بهترین ابزار برای تربیت نسل آینده است.»

> بازگشت به روح زندگی مشترک، تنها با تقویت ارتباطات واقعی و پرهیز از ظاهرسازی ممکن است

تصمیمات حکمرانی با عاملیت زنان سازگار باشد

رئیس مجلس شورای اسلامی نیز عصر دیروز در این اجلاسیه با بیان اینکه «رویکرد ما در حکمرانی، عبور از مفهوم فریبنده برابری جنسیتی و رسیدن به عدالت جنسیتی است»، گفت: «اگر کشوری رشدیافته و پیشرفته می‌خواهیم، باید خانواده به عنوان محور جامعه و زن به عنوان محور خانواده آگاهانه و آزادانه کنشگری کند؛ بدون آنکه حقوق انسانی خود را از دست بدهد؛ بدون آنکه کرامت زنانه خود را هزینه کند؛ بدون آنکه ناچار شود یکی را انتخاب و دیگری را فدا کند.» محمدباقر قالیباف با تأکید بر این نظر که «برخلاف تبلیغات سوء، حضور تعیین‌کننده زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف محصول مستقیم نگاه تحرک‌بخش و تعالی‌دهنده انقلاب اسلامی است»، یکی از راه‌های برون‌رفت از چالش‌های معیشتی و رونق اقتصادی را بازگشت به الگوی اصیل مشارکت و بنگاه‌داری خانوادگی دانست و افزود: «باید به سمت الگویی حرکت کنیم که در آن خانواده، به عنوان بازیگر کلیدی در میدان تولید سرمایه اجتماعی و حتی اقتصاد ایفای نقش کند.» رئیس قوه مقننه با تأکید بر اینکه «نظام سیاست‌گذاری کشور باید با حساسیت، از هرگونه دوگانه‌سازی کاذب و تقابل‌گرایانه میان رسالت مادری و کنشگری اجتماعی پرهیز کند»، اظهار کرد: «اگر جامعه‌ای از درون سالم و متعادل می‌خواهیم، باید در فکر کنار زدن موانع بیرونی خانواده‌محوری باشیم و اگر زن را محور خانواده می‌دانیم، همه تصمیم‌ها و اقدام‌های حکمرانی، باید با عاملیت زنان سازگار باشد.»

پزشکیان: فرمایشات رهبری یک پشتوانه محکم است

رئیس جمهوری در جلسه یکشنبه گذشته هیأت وزیران، با قدردانی از حمایت و پشتیبانی رهبر معظم انقلاب، تأکید کرد: «فرمایشات ایشان برای دولت یک پشتوانه محکم و ارزشمند است و مسئولیت همه اعضا را در حل مشکلات سنگین‌تر کرده است.»

وی با اشاره به اهمیت انسجام و وحدت در دولت، تصریح کرد: «مهم‌ترین دستورکار ما، تلاش شبانه‌روزی، پشتکار و امید به آینده برای حل مشکلات مردم و کشور است.

اطمینان دارم اگر دست به دست هم بدهیم، هیچ‌کس نمی‌تواند برای کشور ما مشکلی ایجاد کند.» پزشکیان گفت: «با همت و جدیت همه اعضا، امکان ندارد بر مشکلات فائق نیاییم.»

رونمایی نسخه اولیه سامانه رصد برخط

یکشنبه در نشستی با حضور رئیس جمهوری در نهاد ریاست جمهوری، از نسخه اولیه «سامانه رصد برخط پروژه‌های ملی» رونمایی شد. به گفته پزشکیان، این سامانه می‌تواند دولت را یک گام به سوی شفافیت، پاسخگویی و نظارت عمومی پیش ببرد. در این نشست مجری و طراح سامانه، نخستین نسخه عملیاتی آن را معرفی کرد. ایجاد این سامانه به دنبال تأکید رئیس جمهوری بر ضرورت رصد لحظه‌ای پروژه‌های ملی در حوزه‌هایی همچون نیروگاه‌های خورشیدی، توسعه مدارس، کیفیت‌بخشی به آموزش، نظام ارجاع و پزشک خانواده، مدیریت منابع آب و کشاورزی و جمع‌آوری گازهای همراه نفت در دستور کار قرار گرفته بود. پزشکیان، ایجاد یک «اتاق عملیات» با حضور نمایندگان همه دستگاه‌ها را ضروری دانست: «می‌تواند بالاترین سطح هماهنگی را میان نهادهای متولی پروژه‌ها ایجاد کند و امکان نظارت مستقیم رئیس جمهوری بر رفع مشکلات و موانع را فراهم آورد.»

بررسی کارنامه یکساله نهاد ریاست جمهوری

یکشنبه گذشته، در نشستی دو ساعته در ساختمان کوثر در نهاد ریاست جمهوری که با حضور پزشکیان برگزار شد، محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس جمهوری گزارش عملکرد یک‌ساله بخش‌های مختلف نهاد را ارائه کرد. در این گزارش شفاف‌سازی منابع مالی و بودجه، تهیه برآیند ظرفیت‌های انسانی و زیرساختی، طراحی داشبورد مدیریتی و تسهیل فرآیندهای اداری تشریح شد. پزشکیان با تأکید بر اینکه «مأموریت اصلی نهاد خدمت به مردم است»، اظهار کرد: «وقتی هم مراجعان از کیفیت خدمات ناراضی هستند و هم کارکنان، یعنی نظام اداری نیازمند بازتعریف است.» او افزود: «مسئولیت‌ها و اختیارات هر بخش باید روشن باشد تا کارکنان نتوانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و مراجعان نیز توقعات خارج از اختیارات نداشته باشند.»

آگهی مناقصه عمومی
(دو مرحله‌ای) نوبت اول

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه
۱	۱۴۰۴/ت/۰۲۰	بهینه‌سازی طرح سامانه سکان، تأمین، ساخت، و نظارت بر نصب و نظارت بر راه‌اندازی ۳ مجموعه کامل سامانه هدایت و سکان (شامل پاورپک، تیغه سکان، سیستم کنترل و مونیتورینگ و کلیه متعلقات مربوطه) مرتبط به سه فروند شناور	۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

● شرایط اختصاصی:
کلیه متقاضیان می‌بایست: ۱- دارای جایگاه حقوقی بوده و تأیید صلاحیت مربوطه را داشته باشند. ۲- دارای توانایی مالی و فنی باشند. ۳- دارای حسن سابقه مرتبط باشند. ۴- دارا بودن و ارائه گواهی نامه معتبر سمتا (دارای تاریخ اعتبار) و یا درصورت عدم وجود گواهی‌نامه مربوطه، ثبت‌نام در مرکز راهبردی سامانه مدیریت‌تأمین‌کنندگان ودجا (سمتا) (طبق مدارک ارائه شده در اسناد مناقصه) الزامی می‌باشد.

● محل و مهلت فروش و نحوه دریافت و عودت اسناد:
از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ غیر از ایام تعطیل رسمی از ساعت ۷ صبح تا پایان وقت اداری از طریق مراجعه حضوری به آدرس:
بندرانزلی- بعداز پل ولایت- خیابان تکاوران- خیابان مهدیه- روبه‌روی معاونت صید و بنادرماهیگیری- صنایع دریایی شهید تمجیدی
به‌شماره تلفن: ۰۱۳-۴۳۵۱۰۱۹۱ و نمابر ۰۱۳-۴۳۵۱۰۰۵۳
مهلت عودت و تحویل پیشنهادات: از زمان دریافت اسناد تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ ساعت ۱۶

● مبلغ فروش اسناد مناقصه:
مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت هر مناقصه، واریز به شماره شبا IR۶۷-۰۱۰۰۰۰۰۴۰۰۱۱۴-۳۲۰۴-۰۵۰۴-۰۴ به‌نام سازمان صنایع دریایی نزد بانک سپه.
- سایر شرایط و استانداردها و گواهی‌نامه‌های لازم در اسناد مناقصه اعلام شده است.
- پرداخت هزینه آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

نفت پارس

آگهی دعوت به شرکت در مزایده عمومی فروش اقلام مازاد مستعمل ۷-۱۴۰۴ (غیر مستمر)

شرکت نفت پارس در نظر دارد اقلام مستعمل و مازاد غیرمستمر خود را که شامل اقلام ذیل می‌باشد از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:
۱- انواع لوازم یدکی خودرو و لیفتراک مستعمل (طبق لیست)
۲- انواع لوازم برقی /ابزار دقیق / تاسیساتی مستعمل (طبق لیست پیوست)
۳- انواع لوازم اداری و کامپیوتری (طبق لیست پیوست)
۴- انواع پمپ و لوازم اداری مستعمل (طبق لیست پیوست)
۵- سایر اقلام (انواع مس و کابل مسی /انواع برنج و سفاله برنج /انواع استیل)
● از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آورد برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت فرم‌های مربوطه، جهت شرکت در مزایده و تحویل پاکات از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ از ساعت ۸ الی ۱۵:۳۰ (به غیر از ایام تعطیل) به‌دبیر خانه شرکت نفت پارس به‌نشانی:
پالایشگاه شرکت نفت پارس واقع در کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص کرج مراجعه و یا از طریق وبسایت شرکت نفت پارس به آدرس: https://parsoilco.com اسناد را دریافت نمایند.
● لازم به ذکر است جهت بازدید از اقلام مازاد و ضایعاتی از تاریخ چاپ آگهی از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ (به غیر از ایام تعطیل) به واحد فروش ضایعات و مزایده ها مراجعه نمایند. (شماره تماس: ۰۲۱۴۶۸۱۵۰۲۳)
● این آگهی صرفا به منزله دعوت به مزایده می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
● به پیشنهاد های فاقد امضاء/ مهر، مشروط، مبهم، فاقد سپرده و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی مزایده واصل شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● انجام مزایده مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.

PPC شرکت پتروشیمی پردیس Pardis Petrochemical Company

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی پردیس (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۳۱۳۴۹ شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۲۳۸۸۸

بدین‌وسیله به استحضار تمامی سهامداران، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی می‌رساند، مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی پردیس (سهامی عام) ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ در محل مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش واقع در تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از صدا و سیما، خیابان استقلال، برگزار خواهد شد.

دستور جلسه:
۱. استماع گزارش فعالیت هیأت‌مدیره، گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
۲. اتخاذ تصمیم در مورد تصویب صورت‌های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
۳. اتخاذ تصمیم در مورد میزان سود تقسیمی
۴. انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت (اصلی و علی‌البدل) و تعیین حق الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
۵. انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
۶. انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
۷. تعیین پاداش هیأت‌مدیره
۸. تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره
۹. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه است.

نحوه حضور در جلسه:
سهامداران حقیقی می‌توانند شخصا یا از طریق وکیل با ارائه وکالت‌نامه رسمی و یا قائم مقام قانونی شخص حقیقی صاحب سهم و درخصوص سهامداران حقوقی نیز نماینده یا نمایندگان شخص حقوقی صاحب سهم به شرط ارائه مدرک وکالت (اعم از عادی یا رسمی) یا نمایندگی با امضای صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی، حضور به هم رسانند.
برگه ورود به جلسه مجمع از ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ در محل برگزاری مجمع توزیع می‌گردد. همراه داشتن کارت ملی جهت کلیه مراجعین الزامی می‌باشد.
سهامداران محترم می‌توانند جهت مشاهده آنلاین و طرح سؤالات در زمان برگزاری مجمع به تارنمای saham.paupc.ir مراجعه نمایند.

هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی پردیس (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی‌عام) NOPC

آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران (دو مرحله‌ای)

تجدید مناقصه شماره ۱۴۰۳/۲۱ — نوبت دوم

ردیف	عنوان	شرح
۱	نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت پتروشیمی نوری، صندوق پستی: ۱۱۵-۷۵۳۹۱ تلفن‌های تماس: ۴-۰۷۷-۳۷۳۲۳۲۵۰ داخلی ۲۲۵۱-۲۲۵۵ - دورنگار: ۰۷۷-۳۷۳۲۴۷۷۵ سایت اینترنتی: www.nopc.co
۲	موضوع مناقصه	ساخت ۶۹ آیتم شیرآلات صنعتی (ساخت داخل)
۳	تاریخ، مهلت، نشانی دریافت و تحویل اسناد استعلام کیفی مناقصه‌گران	مناقصه‌گران می‌توانند فرم‌های ارزیابی کیفی را از طریق مراجعه به سامانه الکترونیکی معاملات شرکت پتروشیمی نوری به نشانی tender.nopc.co مشاهده یا از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی www.nopc.co دریافت نموده و بعد از تکمیل آنها به‌همراه مدارک مربوطه، حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یک‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ در سامانه گفته شده در بالا، بارگذاری و همچنین به‌صورت الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی tec@nopc.co که فقط عنوان و شماره مناقصه و نام شرکت متقاضی در قسمت موضوع ایمیل قید شده باشد؛ ارسال نمایند.
۴	مدت اعتبار پیشنهادها	در اسناد مناقصه آورده خواهد شد.
۵	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (پس از مرحله ارزیابی کیفی و دعوت از مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده؛ همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد)	به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سه میلیارد و ششصد میلیون ریال) و یا واریز وجه نقد به‌حساب جاری شماره ۲۶۶۱۰۲۶۶۱۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی نوری به‌نام شرکت پتروشیمی نوری

شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره شناسه ملی و شماره اقتصادی مؤدیان مالیاتی
۲- داشتن تجربه و دانش فنی کافی مرتبط با موضوع مناقصه و حسن سابقه در کارهای قبلی
۳- داشتن توانایی مالی و ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی معتبر
۴- ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهی‌نامه‌های مرتبط با سیستم‌های مدیریتی متناسب با موضوع مناقصه درصورت وجود
۵- دارا بودن تأییدیه‌های مورد نیاز کسب و کار از مراجع ذیصلاح
۶- ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مربوط به آخرین سال مالی
۷- تکمیل فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی و ارسال مدارک مربوط
شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک دریافت شده و ارزیابی توانمندی متقاضیان درچارچوب ضوابط و مقررات، نسبت به توزیع اسناد مناقصه بین شرکت‌های واجد شرایط اقدام خواهد نمود. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. در ضمن به درخواست‌ها و مدارک ارسالی بعد از مدت گفته شده ترتیب اثر داده نخواهد شد و سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه آمده است.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری

شرکت کیمیای پارس خاورمیانه Kimia Pars Khavarmianeh Co

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت کیمیای پارس خاورمیانه (سهامی خاص)

شماره ثبت ۲۲۲۰ کنگان و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۳۶۳۳۲

بدین‌وسیله از سهامداران محترم شرکت کیمیای پارس خاورمیانه (سهامی خاص) یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ در محل ساختمان صندوق ذخیره فرهنگیان به نشانی تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان عطار پلاک ۱۰، طبقه ۲، سالن جلسات به کدپستی ۱۹۹۴۶۴۳۴۱۱ تلفن ۰۲۱-۸۸۶۶۰۷۱۹ تشکیل می‌شود، حضور به‌هم برسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیأت‌مدیره درخصوص کاهش سرمایه
۲- استماع گزارش بازرس قانونی شرکت درخصوص کاهش سرمایه
۳- تصمیم گیری راجع به کاهش سرمایه و اصلاح ماده مربوطه در اساسنامه
۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده باشد.

هیأت‌مدیره شرکت کیمیای پارس خاورمیانه (سهامی خاص)

گزارش

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

«ایران» نسبت دولت و جامعه در آلودگی هوا را بررسی کرد

نگاه ملی به مسأله ملی

دولت به مسأله آلودگی هوا چگونه نگاه می‌کند و برای رفع آن چه کرده است، یا این که قرار است چه بکند؟ نوع پاسخ به این سؤالات به نوبه خود نوع رابطه متقابل جامعه و ساختارهای حکمرانی، به‌خصوص دولت را نیز مشخص می کند. به این معنی که در این روزهای آلودگی هوا، جامعه به صورت روزمره درگیر معضلی است که کیفیت زیست روزانه و مطلوبیت سلامت جسمانی آن را تهدید می‌کند. جامعه در پی آن است تا دریابد نوع واکنش، نوع نگاه و نوع تحرک و اقدامات دولت به مثابه عضو مهم نظام حکمرانی نسبت به مسأله‌های آن چیست؟ آیا این مسأله او را به تحرک واداشته و گامی برداشته است، یا اینکه دولت نیز همچون مردم در انتظار باد و باران است تا قدری از آلودگی محیط زیست او بکاهد؟ در دولتی که یک پزشک رئیس دولت باشد، طبیعی است که سلامت مردم، به ویژه آلودگی هوا جزو اولویت‌های نخست دولت قرار بگیرد. اما مسأله فقط این نیست که الزامات پزشکی مرتبط با سلامت مردم محرک دولت و رئیس‌جمهوری برای پیگیری حل این مسأله باشد. شواهد نشان می دهد دولت این مسأله را از منظر حقوق شهروندی و از منظر حق ایرانیان برای برخورداری از زیست بهینه و مطلوب دنبال می‌کند. اما انباشت طولانی مدت مسأله‌ها، زمینه ایجاد و اجرای اقدامات عاجل که به فوریت مسأله را رفع کند، از میان برده است. تاریخ طولانی ایجاد و انباشت مسأله، یافتن راه حل‌ها و اثربخشی راه حل‌ها را نیز طولانی کرده است.

نگاه دولت چهاردهم به مسأله آلودگی هوا

در میان همه برنامه‌های راهبردی دولت چهاردهم، اگر بخواهیم فقط یک برنامه را نام ببریم که دولت و شخص رئیس‌جمهوری به آن اهتمام ویژه دارند و آن را در قیاس با سایر برنامه‌ها در اولویت قرار می‌دهند؛ مسأله کاهش آلودگی هواست. شخص رئیس دولت چهاردهم به طور ویژه این راهبرد را دنبال می‌کند؛ مسعود پزشکیان. علت این تأکید ویژه شاید این باشد که رئیس جمهوری پزشک است و این دانش و سابقه تجربی و عملی در حوزه سلامت، باعث شده است پزشکیان مسأله آلودگی هوا را به صورت ویژه دنبال کند. در همین راستا، سخن اخیر قائم‌پناه مبنی بر اینکه «اگر آلودگی هوا بیش از این میزان شود، کشتار می‌کند» فقط اظهارنظر رسانه‌ای یک مسئول نبود، اظهارنظر معاون رئیس‌جمهوری است که جایگاه مدیریت سطح عالی دارد که نشان می‌دهد این مدیر عالی‌رتبه دولت، هم اهمیت ملی این مسأله را می‌داند و هم راهکارهای ملی آن را دنبال می‌کند. اما نباید فقط به اظهارنظر بسنده کرد. غیر از این اظهارنظرها، چه شواهدی وجود دارد، یا بر چه اساسی می‌توان ادعا کرد که دولت چهاردهم نسبت به حل مسأله آلودگی هوا اهتمام ویژه دارد و آن را مسأله‌ای در کنار سایر مسائل محیط زیستی نمی‌بیند؟ این شواهد و ادله را باید در رفتار دولت چهاردهم در پاییز سال گذشته ارزیابی کرد. پاییز ۱۴۰۳ کمتر از ۳ ماه از فعالیت دولت چهاردهم نگذشته بود که دولت با تأکید و حمایت رئیس‌جمهوری و با راهبری معاون اجرایی رئیس‌جمهوری یک تصمیم راهبردی گرفت: توقف مازوت سوزی. ۱۶ آبان ماه قائم پناه اعلام کرد که «بنا به دستور رئیس‌جمهوری، مازوت سوزی در سه نیروگاه در اراک، کرج و اصفهان متوقف شده است.» وی در همین اظهارنظر، با اشاره به تأثیر توقف این مازوت سوزی در بروز خاموشی مقطعی برق، گفت: «از همه مردم به خاطر این مسأله عذرخواهی می‌کنم. واقعاً چاره‌ای نداریم. ما راضی نیستیم این سم (آلودگی ناشی از مازوت سوزی) در شهرهایی مثل اصفهان، کرج، اراک و شهرهای دیگر تولید شود و ترجیح دادیم خاموشی مختصری به طور منظم و با اطلاع قبلی در طول شبانه‌روز اتفاق بیفتد.» البته قضیه به این سادگی نبود. یعنی تصمیم به توقف مازوت سوزی و اجرای این تصمیم به سادگی همین اظهارنظر قائم پناه در مقام معاون اجرایی رئیس‌جمهوری نبود. در «جلسه کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا» که این خبر بعد از آن اعلام شد، بحث‌های زیادی درگرفت و عده‌ای از اعضای دولت که در این جلسه هم حاضر بودند، به طور جدی مخالف این تصمیم بودند. کار به حدی بالا گرفت که در نهایت، قائم پناه ناچار شد برای مقابله با مخالفت‌های دیگر اعضای جلسه، اعلام کند که توقف مازوت سوزی دستور رئیس‌جمهوری است و من هم نماینده رئیس‌جمهوری در این جلسه هستم، پس این تصمیم باید اجرا شود.» پس از آن جلسه، بحث زیادی در رسانه‌ها در گرفت مبنی بر اینکه دولت بین خاموشی‌های مقطعی و سلامت مردم، سلامت مردم را انتخاب کرده و این را نیز به صورت شفاف اعلام کرده است. البته نباید از کنار این واقعیت گذشت که مدتی بعد از این تصمیم، یعنی زمانی که آشکار شد به دلیل کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های رژیم صهیونیستی (آن‌طور که وزیر نیرو بعدها اعلام کرد) اشکالات جدی در فرآیند ذخیره‌سازی سوخت در کشور وجود داشته و دولت برای جلوگیری از بروز خاموشی‌های بیشتر در شهرها و صنایع، ناچار شده است بار دیگر مازوت سوزی را از سر بگیرد. وقتی که این اتفاق افتاد و مازوت سوزی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آلایندگی در برخی کلان‌شهرها آغاز شد، رئیس‌جمهوری دوم بهمن ماه ۱۴۰۳ بابت این مسأله از مردم عذرخواهی کرد. پزشکیان گفت: «نمی‌خواستیم مازوت بسوزانیم، ولی مجبور شدیم... برای سوزاندن مازوت شرمنده مردم هستیم، دلمان نمی‌خواست این اتفاق بیفتد، ولی چاره‌ای نداشتیم... اگر این کار را نمی‌کردیم، باید گاز خانه‌های مردم را قطع می‌کردیم.»

راهکارهای چند بعدی دولت

اما راهکار دولت برای رفع و مدیریت آلودگی هوا فقط توقف مازوت سوزی نبود که در نهایت آن را هم به دلیل ناترازی و خرابکاری در تأمین سوخت نیروگاه‌ها، ناچار شد کنار بگذارد. دولت راهکارهای چندبعدی دیگری را هم دنبال کرد که می‌توان این راهکارها را در یک جمله خلاصه کرد: متنوع‌سازی سوخت مورد استفاده در کشور. به عنوان مثال مطابق گزارش‌های رسمی، «بیش از ۶۱ درصد آلودگی هوای تهران مربوط به عوامل متحرک مثل کامیون، سواری و موتورسیکلت است.» بر همین اساس قائم‌پناه اسفند سال گذشته در جلسه «کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا» اعلام کرد که دولت علاوه بر کمک به نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و گسترش آن، برقی کردن این ناوگان، برقی کردن موتورسیکلت‌ها و برقی کردن خودروها در کشور را در دستورکار خود دارد. تأکید رئیس‌جمهوری بر استفاده از انرژی خورشیدی برای تولید برق پاک به جای احداث نیروگاه‌های حرارتی جدید در کشور، ناشی از همین بود. این رویکرد پزشکیان از ابتدای دولت در دستورکار قرار گرفت و امروز هم با شتاب فزاینده‌ای در حال پیش رفتن است. هدف نهایی، آن چیزی است که پزشکیان به تازگی اعلام کرده است؛ کاهش مصرف گاز در خانه‌ها و کارخانه‌ها و تحویل گاز به نیروگاه‌ها برای تولید برقی که باید به خانه‌ها و کارخانه‌ها اختصاص یابد. تعیین ضرب‌الاجل از سوی رئیس‌جمهوری برای شرکت‌های خودروسازی مبنی بر ساختن موتوری برای خودروهای تولید داخل که هم مصرف کمتر و هم آلایندگی کمتر داشته باشند، تصمیم دیگر دولت و رئیس‌جمهوری بود. ایجاد ایستگاه‌های شارژ برای خودروها و موتورسیکلت‌های برقی در شهرها، تأمین منابع برای سرعت دادن به اسقاط خودروهای فرسوده و برقی‌سازی تاکسی‌ها، از دیگر راهکارهایی است که دولت چهاردهم، بویژه در کارگروه‌های مرتبط با حوزه آلودگی هوا و با مأموریت دادن به معاون اجرایی رئیس‌جمهور دنبال می‌کند.

> همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های همزمان را به مراتب دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت بکاهد

مسأله‌ای به نام تاریخ طولانی مسأله‌ها

نکته امروز مردم، یعنی امروزی که مردم روزها کارشان را در آلودگی هوا آغاز می‌کنند و در آلودگی هوا هم به پایان می‌برند، این است که این راهکارها چه زمانی عملیاتی می‌شوند و چه زمانی به نتیجه می‌رسند و درنهایت اینکه روزهای پاک برای تهران و دیگر شهرها چه زمانی از راه می‌رسد؟ برای فهمیدن اینکه این راهکارها چه زمانی نتیجه می‌دهد، باید به این توجه کرد که سابقه یا تاریخچه این مسأله‌ها چیست و چقدر است؟ به دیگر سخن، خصلت انباشتی بودن مسأله آلودگی هوا باعث می‌شود از سرعت به نتیجه رسیدن راهکارها کاسته شود. به عنوان مثال، برقی کردن تاکسی‌ها فرآیندی زمانبر است، همچنان که راه‌اندازی ایستگاه‌های شارژ نیز. در عین حال، از رده خارج کردن حجم انبوه خودروهای فرسوده، دست‌کم به اندازه نصف زمانی که این خودروها وارد چرخه شده‌اند، زمان می‌برد. به عبارت دقیق‌تر، حل معضل آلودگی هوا، مسأله‌ای چند بعدی است که دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی چون نیرو (تأمین برق و ایستگاه‌های برقی)، کشور (توسعه حمل‌ونقل عمومی)، نفت (تأمین گاز برای نیروگاه‌ها)، اقتصاد (ایجاد بازار برای گواهی صرفه‌جویی در مصرف سوخت) و مانند این را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین رکن در این زمینه، شهروندان هستند که به عنوان صاحبان خودروها، موتورسیکلت‌ها و نیز صاحبخانه‌ها، آیا تمایل به تغییر مصرف از بنزین به برق برای وسیله حمل‌ونقل خود و نیز تغییر مصرف از گاز به برق در خانه‌های خود را دارند یا خیر؟ و اگر این تمایل وجود ندارد، چطور می‌توان این همکاری را در راستای یک پروژه کلان ملی جلب کرد.

مسأله چند بعدی با راه‌حل چند بعدی

برخلاف تصویری که از درون ایران برای بیرون ایران ساخته می‌شود تا چهره‌ای بیگانه‌خواه از وضعیت ایران ارائه شود، وضعیت جامعه و دولت ایران نه تنها از هم گسسته نیست، بلکه دارای پیوستگی نیز هست. از بیرون چنین القا می‌شود که آلودگی هوا مسأله‌ای ماندگار برای ایران است. این القای نادرستی است. زیرا بقای این مسأله تا امروز، به معنای بقای همیشگی آن نیست. دلیل بی‌دوام بودن وضعیت فعلی آلودگی هوا، در راهکارها و سرعت راهکارهایی است که دولت در پیش گرفته است. برخی از راهکارهای دولت با سرعت مطلوبی پیش می‌رود؛ مانند تأمین برق از انرژی پاک خورشید که بنا به آمار رئیس‌جمهوری، نیروگاه‌های برق خورشیدی نصب شده در دولت چهاردهم ۷ برابر همه ادوار و همه دولت‌های گذشته است. هدف از این سرعت هم، تحقق این راهبرد است که برق پاک، که گاهی می‌تواند از سوزاندن گاز هم به دست بیاید، به منبع اصلی انرژی در کشور، از خانه تا کارخانه تبدیل شود. اما سایر پروژه‌های دولت، اعم از برقی‌سازی خودروها و موتورسیکلت‌ها، ایجاد بازار گواهی صرفه‌جویی یا از رده خارج کردن خودروهای فرسوده با سرعت مطلوبی پیش نمی‌رود. اما این به معنی توقف این پروژه‌ها نیست. بلکه حکایت از آن دارد که چندبعدی بودن مسأله آلودگی هوا، راه‌حل‌ها را نیز چندبعدی کرده و همین امر باعث می‌شود تا تصمیم ساز زمان بیشتری را صرف ایجاد همکاری و تعریف بستر و زمینه‌های کار مشترک میان چندین و چند دستگاه مختلف کند.

آلودگی هوا و دیگر مسأله‌های انباشته

وضع هوا خوب نیست و آلودگی آن غیرقابل تحمل و برای همین است که دولت برای حفظ سلامت شهروندان، به ناچار راه‌های بسیار کوتاه مدت مانند تعطیلی شهرها، مدارس و اداره‌ها را انتخاب می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد یک یا چند عامل باعث افزایش اثرات روانی آلودگی هوا بر ذهن یا افکار جامعه شده است. این علت یا علت‌ها، وجود مسائل دیگر مانند تورم، سختی معیشت و حتی بحران کمبود آب است. به دیگر سخن، همزمانی‌های این مسأله‌ها، باعث شده است که وزن هر یک بر دیگری هم تأثیر بگذارد و به این ترتیب، مثلاً وزن آلودگی هوا همراه با وزن سختی معیشت یا وضع بنزین احساس شود. طبیعتاً شدت احساس مسأله آلودگی هوا در این شرایط، بسیار بیشتر از زمانی است که فقط پای مسأله آلودگی هوا در میان بود. اما مسأله این است که همزمانی مسأله انباشت شده آلودگی هوا، با دیگر مسأله‌های انباشت شده مانند بنزین، معیشت و آب، نه تنها برای مردم بلکه برای دولت نیز احساس می‌شود. به عبارت دیگر، همچون مردم که مسأله‌ها را باهم احساس می‌کنند، دولت نیز می‌بایست همزمان برای این مسأله‌ها به دنبال راه‌حل باشد. این درحالی است که همزمانی مسأله‌ها، یافتن راه‌حل‌های همزمان را به مراتب دشوار می‌سازد. زیرا راه‌حل‌های همزمان به معنی تقسیم ظرفیت‌ها و تقسیم منابع دولت، اعم از منابع اداری و مالی برای حل مسأله است. این امر می‌تواند از سرعت اجرای راهبردها در هر حوزه، اعم از آب، هوا و معیشت بکاهد. به نظر می‌رسد در پاسخ به چنین شرایطی است که دولت و بویژه شخص رئیس‌جمهوری سعی دارند توان بیشتری را صرف حل مسأله‌های کشور و مردم کنند.

هوا می‌آید

بنا به تصویر ارائه شده، می‌توان گفت هم دولت و هم جامعه در تکاپوی بهبود امور - اینجا حل مسأله آلودگی هوا- است. اما اینکه هوای پاک چه زمانی می‌آید، در گرو فهم ملی این مسأله است که این مسأله‌ها اساساً ملی هستند و هر بخشی، از دولت و جامعه یا دیگر نهادها، نقشی و سهمی در آن دارد. دولت سر ایستادن ندارد، اما سؤال این است که چه بخشی و چه کسی سر آن دارد که به دولت بپیوندد؟

دفاعی

علی عوض‌خواه
گروه سیاسی

رزمایش ضدتروریستی سازمان شانگهای چرا در آذربایجان شرقی برگزار می‌شود؟

تعریف شرقی از تروریسم با مرجعیت ایران

رزمایش مشترک ضدتروریستی «سهند۲۰۲۵» که از دیروز در منطقه عملیاتی تیپ مکانیزه حضرت امام زمان(عج) نیروی زمینی سپاه پاسداران در شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی آغاز شده است، در ظاهر یک رزمایش پنج‌روزه ضدتروریستی است، اما در باطن یکی از رخدادهای راهبردی ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. این دومین رزمایش مشترک ضدتروریستی سازمان همکاری اقتصادی شانگهای پس از رزمایش ۲۰۲۴ در «سین‌کیانگ» چین است که برای نخستین بار، ایران میزبانی آن را برعهده گرفته است. این امر نشان دهنده جهش جایگاه تهران از «عضو جدید» به «شریک محوری» در این پیمان بزرگ شرقی است.

برگزاری چنین رزمایشی در خاک ایران، همکاری‌های نظامی تهران با قدرت‌های کلیدی شانگهای را به مرحله عملیاتی و میدانی ارتقا داده است. موضوعی که پس از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری اقتصادی شانگهای، پیام روشنی به همراه دارد. این پیام که ایران در حال تبدیل شدن به یکی از محورهای اصلی این پیمان، به ویژه در حوزه امنیتی است.

به نظر نمی‌رسد که انتخاب استان آذربایجان شرقی به‌عنوان محل برگزاری این رزمایش نیز تصادفی بوده باشد. این منطقه در نقطه تلاقی سه مسیر راهبردی منطقه‌ای و جهانی قرار دارد: کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، مسیرهای انتقال انرژی از حوزه خزر به خلیج فارس و بندر چابهار و درنهایت، نزدیک‌ترین نقطه از خاک ایران به منطقه حساس قفقاز جنوبی و آسیای میانه نیز محسوب می‌شود. با توجه به این مسأله، ایران با انتخاب این منطقه برای برگزاری این رزمایش، این پیام را مخابره کرد که قادر است امنیت این مسیرهای حیاتی تمدنی و بین‌المللی را در برابر هرگونه تهدید تروریستی، خرابکاری یا عملیات نیابتی تضمین کند. به دیگر سخن، درزمایش «سهند-۲۰۲۵» به واقع، به هم‌پیمانان شرقی ایران اطمینان می‌دهد که این عضو سازمان همکاری اقتصادی شانگهای یک ضامن امنیتی قابل اعتماد است. از منظر اقتصادی نیز این رزمایش احتمالاً پیش‌درآمدی برای قراردادهای بزرگ‌تر خواهد شد. در همین رابطه رزمایش ضدتروریستی که از روز گذشته در منطقه شمال غرب کشورمان آغاز شده است، می‌تواند ضمن اعتمادسازی امنیتی، به عنوان مثال شتاب دهنده تکمیل قطعه رشت-آستارا در کریدور شمال-جنوب باشد. اساساً وقتی اعتماد امنیتی ایجاد شود، اعتماد سیاسی و اقتصادی نیز به‌طور طبیعی افزایش پیدا می‌کند.

اما جدای از هر چیزی، مهم‌ترین هدف این رزمایش را باید در حوزه ایدئولوژیک آن جست‌وجو کرد. با توجه به رزمایش سال قبل در چین و برگزاری رزمایش امسال در ایران، می‌توان گفت سازمان همکاری اقتصادی شانگهای به دنبال تعریف مستقل و غیرغربی از مقوله «تروریسم» است. در حالی که غربی‌ها به ویژه آمریکا طی دهه‌های گذشته تروریسم را به تروریسم خوب - مانند گروهک منافقین یا گروهک‌های تجزیه‌طلب در شرق و غرب ایران- و تروریسم بد یعنی گروه‌های محور مقاومت و گروه‌های آزادی‌خواه در منطقه تقسیم‌بندی کرده‌اند، برگزاری این رزمایش نشان می‌دهد سازمان شانگهای راهبرد دیگری را برگزیده است؛ این راهبرد که کشورهای شرقی هم می‌توانند و هم باید تعریف خود از تروریسم را داشته باشند. این تعریف، مستقل از تعریف غربی و دربرگیرنده واقعیت‌های عینی کشورهاست، نه تحریف‌های مبتنی بر منافع سیاسی غرب. زیرا تحریف‌های غربی گاهی تروریست‌های سوری را تحریم می‌کند و گاه از آنان در کاخ سفید پذیرایی می‌کند. به ویژه اینکه در ماه‌های اخیر، برخی کشورهای وابسته به غرب مانند استرالیا با تروریستی خواندن سپاه پاسداران سعی در جلب رضایت امریکا و رژیم اسرائیل داشته‌اند. اما برگزاری رزمایش ضدتروریستی «سهند-۲۰۲۵» در آذربایجان شرقی و از قضا به میزبانی سپاه پاسداران، نشان می‌دهد نه چین و روسیه و نه دیگر اعضای سازمان شانگهای، این اقدامات ضدایرانی غرب و کشورهای وابسته به غرب مانند استرالیا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران را تأیید نکرده و اساساً برخلاف راهبرد تعیین شده آنان حرکت می‌کنند. به این ترتیب، ارائه تعریفی کاملاً شرقی از تروریسم را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای برگزاری رزمایش ضدتروریستی اعضای شانگهای، ابتدا در «سین‌کیانگ» چین در سال ۲۰۲۴ و حالا رزمایش «سهند ۲۰۲۵» در شهر شبستر آذربایجان شرقی در ایران دانست.

در این میان، نقش جمهوری اسلامی ایران کاملاً محوری است. ایران تنها کشوری در جهان است که همزمان در دو سوی مرزهای شرقی و غربی خود با تهدیدهای تروریستی فعال مواجه بوده و از قضا موفقیت‌های قابل توجهی هم در مقابله با تروریسم کسب کرده است. توافق با دولت عراق و اقلیم کردستان عراق برای خلع سلاح گروهک‌های تجزیه‌طلب و پاکسازی مرزهای غربی و نیز مواجهه قاطعانه با گروهک‌هایی مانند «جیش الظلم» در آن سوی مرزهای جنوب شرقی، شاهد مثال این مدعاست. به دیگر سخن، در میان کشورهای عضو سازمان شانگهای، ایران کشوری است که تجربه عملی بسیاری در مبارزه با تروریسم را دارد. با توجه به این دلایل، وقتی سازمان شانگهای تصمیم می‌گیرد دومین رزمایش ضدتروریستی خود را در ایران برگزار کند، در واقع اعلام می‌کند که تعریف ایران از تروریسم را به‌عنوان تعریف مرجع پذیرفته است. به دیگر سخن، برگزاری دومین رزمایش ضدتروریستی تمام اعضای شانگهای در ایران، نشان از آن دارد که کشورهایی چون روسیه، چین و پاکستان، به تعریف ایران از تروریسم، به‌عنوان کشوری که مبارزه با تروریسم برایش شعار نیست، بلکه یک تجربه زیسته و موفق است، اعتماد دارند. به همه این دلایل، رزمایش «سهند ۲۰۲۵» را باید در راستای سیاست‌های یک پیمان شرقی دانست، مبنی بر اینکه «تروریسم» مشخصاً آن چیزی نیست که غربی‌ها به دنبال تئوریزه کردن آن در دنیا هستند.

عکس: مهر

> برگزاری دومین رزمایش ضدتروریستی تمام اعضای شانگهای در ایران، نشان از آن دارد که کشورهایی چون روسیه، چین و پاکستان، به تعریف ایران از تروریسم، به‌عنوان کشوری که مبارزه با تروریسم برایش شعار نیست، بلکه یک تجربه زیسته و موفق است، اعتماد دارند

یادداشت

آغاز دوره جدید امنیت منطقه‌ای

فداحسین مالکی
سفیر سابق ایران در افغانستان و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

در اجلاس شهریورماه امسال سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی شانگهای، رویکرد کشورهای عضو در مقایسه با اجلاس‌های پیشین خود کاملاً متفاوت بود. این تحول پس از حملات شدید و وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران رخ داد. این حادثه نقطه عطفی در رفتار سیاسی و امنیتی این سازمان ایجاد کرد و واکنش جدی و هماهنگ کشورهای عضو شانگهای را در پی داشت. اعضا به‌صورت جمعی بیانیه‌ای صادر کردند که در آن اقدام رژیم صهیونیستی محکوم شد و علاوه بر آن، حمایت آمریکا از این حملات نیز مورد انتقاد قرار گرفت؛ رویدادی که از منظر دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تأمل و تحلیل است.

در کنار این بیانیه واحد، شاهد انتشار یک بیانیه مشترک میان ایران، چین و روسیه نیز بودیم که در پی تصمیم غربی‌ها برای فعال کردن «اسنپ‌بک» علیه کشورمان رخ داد. این موضوع نشان داد که سازمان شانگهای در حال رسیدن به سطحی از انسجام و اراده سیاسی است که می‌تواند نسبت به رفتارهای بی‌ثبات‌کننده برخی کشورها، موضع‌گیری‌های روشن‌تری اتخاذ کند. به دیگر سخن، سازمان شانگهای پس از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داد که نسبت به تهدیدات امنیتی واقعی منطقه حساسیت دارد و می‌خواهد نقش فعال‌تری در واکنش به رفتارهای مشکل‌ساز و تهدیدآمیز بازی کند. این تحول را باید اقدامی مثبت، سازنده و مهم در مسیر تقویت چندجانبه‌گرایی و امنیت جمعی دانست.

از سوی دیگر، مسأله مبارزه با تروریسم همچنان یکی از محورهای ثابت و اساسی در دستورکار سازمان همکاری شانگهای است. رزمایشی که قرار است در شمال شرق ایران برگزار شود، از این منظر دارای اهمیت است. زیرا جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته نقشی محوری و تعیین‌کننده در مبارزه با گروه‌های تروریستی ایفا کرد و در عمل بار سنگینی از مقابله با جریان‌های افراطی و تهدیدات امنیتی منطقه‌ای را بر دوش کشید. این نقش‌آفرینی ایران نه تنها به امنیت داخلی و ثبات کشورهای همسایه کمک کرد، بلکه آثار آن به شکل مستقیم در ارتقای امنیت بین‌المللی نیز قابل مشاهده بوده است.

باوجود این، آنچه مایه تأسف و تعجب است، وجود یک دوگانگی آشکار در برخورد برخی قدرت‌ها با مسأله تروریسم است. از یک طرف کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که هزینه‌های انسانی، مالی و سیاسی جدی در مبارزه با تروریسم پرداخت کرده‌اند و همچنان در این مسیر فعال‌اند؛ و از سوی دیگر شاهدیم کشورهایی که خود به ایجاد ناامنی، رفتارهای خشونت‌آمیز و حتی حملات گسترده علیه مردم غیرنظامی دست می‌زنند- مانند رژیم صهیونیستی و جنایات سنگینی که در غزه مرتکب شد- از حمایت قدرت‌هایی مانند آمریکا برخوردار می‌شوند. این رفتارهای متناقض با اصول اعلامی خودِ این کشورها و با معیارهای جهانی عدالت و امنیت، در عمل قابل پذیرش برای افکار عمومی جهان نیست. این دوگانگی نشان می‌دهد جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مستقل و قدرتمند است. سازمان‌هایی مانند شانگهای می‌خواهند با ارائه تعاریف دقیق و واقعی از مفهوم تروریسم، سازوکارهایی را برای جلوگیری از سوءاستفاده سیاسی از این مفهوم ایجاد کنند.

سیدعلی عباس، پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی اسلام‌آباد در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد

«اکو» بستر تعمیق همکاری‌های ایران و پاکستان

گفت‌وگو

رضا عدالتی پور
گروه دیپلماسی

تحولات اخیر و سفرهای پرتعداد مقامات عالی‌رتبه ایران و پاکستان، بویژه پس از جنگ ۱۲روزه، زمینه‌ساز تعمیق گفت‌وگوهای امنیتی میان تهران و اسلام‌آباد شده است. سیدعلی عباس پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی اسلام‌آباد در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به این موضوع تأکید می‌کند که او معتقد است این گفت‌وگوها نه تنها به تقویت ثبات امنیتی منجر می‌شود بلکه می‌تواند پایه‌ای برای همکاری‌های نهادی در قالب سازمان اکو و شکل‌گیری معماری امنیتی جمعی در جنوب غرب آسیا باشد.

با توجه به سفرهای علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به پاکستان نقش تعاملات امنیتی دوجانبه تهران-اسلام‌آباد در شکل‌دهی یک چهارچوب همکاری چندجانبه در قالب اکو چیست و چگونه می‌تواند به ایجاد معماری امنیتی جمعی در جنوب غرب آسیا کمک کند؟

موضع پاکستان در طول جنگ ۱۲روزه براساس اصول دیرینه منشور سازمان ملل شکل گرفت. اسلام‌آباد با مردم ایران ابراز همبستگی کرد و نسبت به، به‌کارگیری زور و نقض حقوق بین‌الملل ابراز نگرانی کرد و بار دیگر بر موضع ثابت خود درباره ضرورت حفاظت از غیرنظامیان و دفاع از حقوق مردم فلسطین تأکید کرد؛ موضعی که در امتداد رویکرد کلی پاکستان در قبال منازعات خاورمیانه است.

با این حال، آن رویداد به تقویت سطح اعتماد سیاسی و گفت‌وگو میان پاکستان و ایران کمک کرده است. این وضعیت فضای مناسبی برای طرح مباحث منسجم‌تر درباره امنیت مرزها، مقابله با تروریسم، قاچاق و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی ایجاد کرده است؛ حوزه‌هایی که هر دو کشور با تهدیدهای مشابهی روبه‌رو هستند و در ثبات آنها ذی‌نفع‌اند. در چهارچوب اکو نیز تمرکز طبیعی پاکستان بر همکاری اقتصادی و اتصال‌پذیری است. در این بستر، اسلام‌آباد برای شکل‌های «نرم» و کارکردی همکاری امنیتی از جمله تبادل اطلاعات درباره تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، مدیریت هماهنگ بحران‌ها، ایمنی دریایی و حفاظت از کریدورهای تجاری ارزش قائل است.

پاکستان در جنگ ۱۲روزه موضع حامی ایران را اتخاذ کرد؛ این هم‌سویی راهبردی چه اثراتی برای بازطراحی همگرایی دفاعی و نظامی دارد و آیا می‌توان از آن به‌عنوان یک نقطه آغاز برای گفت‌وگوی امنیتی ساختاریافته در سازمان اکو بهره گرفت؟

دیدارهای اخیر در سطح عالی از جمله سفر دکتر علی لاریجانی بدون تردید به گفت‌وگوی امنیتی ایران و پاکستان عمق و ساختار بیشتری بخشیده است. محور این گفت‌وگوها بر مقابله با تروریسم، ثبات مرزی، تحولات غزه و ضرورت رفع موانع همکاری اقتصادی در مسیر رسیدن به هدف بلندپروازانه تجاری متمرکز بوده است. این روند نشان‌دهنده بلوغ روابط دوجانبه‌ای است که در آن حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیش از گذشته درهم تنیده شده‌اند. از نگاه پاکستان، اعتماد و تجربه‌ای که در سطح دوجانبه ایجاد شده، می‌تواند به‌طور سودمند اما تدریجی و فنی پایه همکاری‌های نهادی مثل اکو قرار گیرد. اسلام‌آباد از تشکیل کارگروه‌های موضوعی زیر چتر اکو استقبال خواهد کرد؛ برای مثال در حوزه‌های مدیریت مرز، مقابله با مواد مخدر، مسائل سایبری، ایمنی دریایی و واکنش به بحران‌ها چنین رویکردی با مأموریت اکو و الگوی متنوع مشارکت‌های اعضای آن همخوان خواهد بود.

> دیدارهای اخیر در سطح عالی از جمله سفر دکتر علی لاریجانی بدون تردید به گفت‌وگوی امنیتی ایران و پاکستان عمق و ساختار بیشتری بخشیده است. از نگاه پاکستان، اعتماد و تجربه‌ای که در سطح دوجانبه ایجاد شده، می‌تواند به‌طور سودمند اما تدریجی و فنی پایه همکاری‌های نهادی مثل اکو قرار گیرد

با توجه به پیمان همکاری دفاعی پاکستان با عربستان که مورد استقبال ایران قرار گرفت، آیا اکو می‌تواند به بستری برای هم‌افزایی امنیتی میان اعضایی تبدیل شود که گاه در دو سوی معادلات ژئوپلیتیک قرار می‌گیرند؟ اگر بله، سازوکار این همگرایی چیست؟

روابط امنیتی و دفاعی پاکستان با ایران و عربستان بر پایه سیاستی ثابت استوار است؛ سیاستی که مبتنی بر پرهیز از دخالت در مناقشات درون‌جهانی مسلمانان و تشویق به گفت‌وگو و کاهش تنش است. هرچند کشورهای عربی خلیج فارس عضو اکو نیستند با این حال، تحولات در حوزه اکو به طور ناگزیر از طریق جریان انرژی، مسیرهای تجاری و کریدورهای سرمایه‌گذاری بر امنیت خلیج فارس تأثیر می‌گذارد.

از این منظر، پاکستان اکو را بخشی از معماری گسترده‌تر ثبات‌ساز در همسایگی خود می‌داند. یک فضای یکپارچه‌تر در اکو با تمرکز بر تجارت، اتصال‌پذیری و تعاملات مردمی که می‌تواند از قطبی‌سازی بکاهد و برای همه شرکا از جمله کشورهای خلیج فارس، گزینه‌های اقتصادی و لجستیکی قابل اعتمادتری فراهم کند.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در نشست اخیر وزرای خارجه این سازمان به ظرفیت‌های بالفعل نشده آن اشاره کرد. چگونه افزایش اراده سیاسی میان اعضای اکو می‌تواند بر ارتقای همکاری‌های اقتصادی و امنیتی ایران و پاکستان اثربگذارد؟

توجه تازه‌ای که به سازمان اکو شده از جمله تأکید وزیر خارجه ایران، عباس عراقچی بر ظرفیت‌های آن درست در مقطعی مطرح می‌شود که ایران و پاکستان هر دو به‌دنبال یک چهارچوب روشن برای همکاری اقتصادی منطقه‌ای هستند. برای پاکستان، اکو همیشه یک بستر طبیعی برای پیشبرد ایده‌هایش درباره اتصال‌پذیری منطقه‌ای و رویکرد ژئواکونومیک بوده است. اگر این اراده سیاسی به مرحله اجرا برسد، می‌تواند همکاری پاکستان و ایران را در سه زمینه عملی تقویت کند. اول، با عملیاتی کردن توافق‌های موجود مانند بازارچه‌های مرزی، تسهیل رویه‌های گمرکی و بهبود مسیرهای حمل‌ونقل، اکو می‌تواند به افزایش تجارت دوجانبه کمک کند و آن را در زنجیره‌های تأمین گسترده‌تر منطقه‌ای قرار دهد. دوم، اکو یک چتر مناسب برای پروژه‌های انرژی، ترانزیت و حتی اتصال دیجیتال فراهم می‌کند؛ پروژه‌هایی که بنادر پاکستان را به ایران، آسیای مرکزی و ترکیه وصل می‌کند و با جهت‌گیری‌های سیاستی خود پاکستان نیز سازگار است. سوم، هرچه وابستگی اقتصادی بیشتر شود، می‌تواند فضای مساعدتری برای همکاری در مسائل امنیتی مشترک در امتداد مرز پاکستان و ایران از جمله مقابله با تروریسم، قاچاق و مواد مخدر ایجاد کند. برای پاکستان، کارکرد اصلی اکو در همکاری اقتصادی و افزایش اتصال‌پذیری تعریف می‌شود. در همین چهارچوب گسترده، جا برای برخی همکاری‌های امنیتی تنظیم شده نیز وجود دارد؛ برای نمونه، تشکیل کارگروه‌های فنی درباره مدیریت مرز، واکنش به بحران‌ها و مقابله با تروریسم یا همکاری‌های ضد مواد مخدر آن‌هم به‌گونه‌ای که اولویت‌های همه کشورهای عضو به‌طور کامل رعایت شود.

آیا تبدیل اکو به یکی از پویاترین مناطق نوظهور جنوب جهانی نیازمند ادغام ظرفیت‌های اقتصادی با ترتیبات امنیتی است و در این میان نقش ویژه پاکستان به عنوان بازیگری با پیوندهای استراتژیک متنوع (ایران، چین، عربستان)، چیست؟

پاکستان از نظر جغرافیایی در مرکزِ جاه‌طلبی‌های اکو برای تقویت اتصال‌پذیری قرار دارد. این کشور دریای عرب و مسیرهای ورودی به خلیج فارس را به آسیای مرکزی، غرب چین و از طریق ترکیه به اروپا وصل می‌کند. همین موقعیت برای پاکستان نقشی طبیعی به‌عنوان یکی از دولت‌های کلیدی در اجرای چشم‌انداز اکو ایجاد می‌کند. پاکستان به صورت عملی می‌تواند در چند زمینه کمک کند؛ می‌تواند برای همسو کردن پروژه‌های اولویت‌دار اکو با کریدورهایی که هم‌اکنون در حال توسعه‌اند، بویژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان تلاش کند.

این همسویی به صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران از ایران، آسیای مرکزی و ترکیه امکان می‌دهد از طریق بنادر پاکستان به بازارهای چین و بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند.

پاکستان همچنین می‌تواند بر پایه اقدامات عملی که تاکنون با ایران انجام داده است، مانند افتتاح بازارچه‌های مرزی و بهبود راه‌های ارتباطی، پیش برود و گسترش آنها را تحت برند اکو تشویق کند.

این کار توانایی اکو در ارائه منافع ملموس در زمین را نشان خواهد داد. علاوه بر این، اسلام‌آباد می‌تواند از کانال‌های دیپلماتیک خود با شرکای عربی استفاده کند تا سرمایه‌گذاری بیشتری از کشورهای خلیج فارس برای پروژه‌های لجستیک، انبارداری، انرژی و صنعتی مبتنی بر اکو جذب کند و اکو را به‌عنوان پلی زمینی میان خلیج فارس و اوراسیا معرفی نماید. در همین راستا پاکستان می‌تواند در داخل اکو مدافع هماهنگی مقررات، توافقنامه‌های ترانزیت مدرن، گمرک دیجیتال، تسهیل تجارت الکترونیک و شناسایی متقابل استانداردها باشد؛ اقداماتی که هزینه نسبتاً کمی دارند اما می‌توانند تجارت و سرمایه‌گذاری درون اکو را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهند.

در شرایطی که ایران به دنبال تقویت «عمق راهبردی شرقی» خود است، تا چه حد پاکستان می‌تواند حلقه اتصال طرح‌های زیربنایی، انرژی و حمل‌ونقل در اکو باشد و آیا این ظرفیت می‌تواند به الگوی یک اتحاد اقتصادی، امنیتی پایدار تبدیل شود؟

جست‌وجوی ایران برای دستیابی به «عمق راهبردی شرقی» با گرایش پاکستان به نگاه ژئواکونومیک همزمان شده است. هر دو کشور از پروژه‌های اتصال‌پذیری حمایت می‌کنند که انرژی و تولیدات صنعتی خلیج فارس را به جنوب آسیا، آسیای مرکزی و غرب چین متصل می‌کند. پاکستان می‌تواند در سه حوزه نقش پیونددهنده مهمی ایفا کند. در حوزه انرژی، پاکستان و ایران پیش‌تر در زمینه برق مرزی همکاری دارند و بحث‌های طولانی‌مدتی نیز درباره گزینه‌های خط لوله گاز وجود داشته است. در حوزه زیرساخت و حمل‌ونقل، پاکستان می‌تواند به اتصال بنادر ایران و مناطق ویژه اقتصادی آن به مسیرهای کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) و شبکه‌های جاده‌ای و ریلی آسیای مرکزی کمک کند و دسترسی در هر دو جهت را بهبود بخشد. اقدامات مشترک اخیر برای رفع گلوگاه‌های لجستیکی و تسهیل تجارت مرزی نیز نشانه‌های امیدوارکننده‌ای هستند. در نهایت، تجربه پاکستان در حوزه‌هایی مانند دیجیتالی‌سازی گمرک، استفاده از سیستم TIR و مدل‌های مشارکت بخش خصوصی و دولتی می‌تواند در چهارچوب اکو به اشتراک گذاشته شود تا تأمین مالی و اجرای پروژه‌های بزرگ را حمایت کند. در تمامی این بخش‌ها، پاکستان از چهارچوب‌های فراگیر حمایت می‌کند که برای مشارکت شرکای فرامنطقه‌ای علاقه‌مند نیز تحت شرایط شفاف و مبتنی بر قوانین باز باشد.

با این رمزینه
متن کامل گفت‌وگو را بخوانید.

دعوت به مجمع عمومی عادی
شرکت مهرنگ منطقه آزاد انزلی
بدین‌وسیله از کلیه اعضای محترم شرکت مهرنگ منطقه آزاد انزلی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۴۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۲۹۱۸۳۹۶ دعوت به عمل می‌آید تا جهت تشکیل مجمع عمومی عادی در تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ در محل شرکت حضور یابند.
دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره ۲- انتخاب بازرسین ۳- تعیین مدیرعامل
شماره تماس در جهت هماهنگی و اطلاعات بیشتر: ۰۹۳۸۹۱۸۴۶۶۶

ایران
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

آگهی مزایده عمومی
شماره ۴۰۴/۳۱ نوبت دوم
شامل "روغن‌های مستعمل و ضایعاتی"
شرکت مبین انرژی خلیج فارس واقع در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مازاد شامل "۹۰ هزار کیلوگرم روغن‌های مستعمل و ضایعاتی" مطابق شرح و اسناد پیوست، را از طریق مزایده عمومی واگذار نماید.
شرکت‌های متقاضی، می‌توانند از طریق سامانه جامع معاملات به آدرس Contract.mobinec.ir که لینک آن در سایت شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس www.mobinec.ir قابل دسترسی است نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.
مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ و استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس، دبیرخانه کمیسیون معاملات می‌باشد.
شرکت‌ها می‌توانند به‌صورت کتبی یک نفر نماینده جهت شرکت در جلسه گشایش پاکت‌های پیشنهادی که در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ساعت ۱۰:۰۰ صبح برگزار خواهد شد، معرفی نمایند.
مبلغ تضمین شرکت در مزایده مبلغ هفتصد میلیون (۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز نقدی به‌حساب جاری الکترونیک (جام) شماره ۱۸۵۳۶۴۸۹۲ نزد بانک ملت شعبه مبین عسلویه به‌نام شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس خواهد بود.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه آمده است.
بدیهی است ارائه اسناد مذکور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان به‌وجود نخواهد آورد و اسناد و مدارک دریافتی غیرقابل استرداد می‌باشد.
مکان و تاریخ بازدید اقلام موجود در مزایده:

تاریخ بازدید	ساعت بازدید	نشانی
۱۴۰۴/۰۹/۰۹ الی ۱۴۰۴/۰۹/۲۲	از ساعت ۹ صبح الی ۱۶ عصر	استان بوشهر، عسلویه، شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس، تدارکات و انبارها - دره رحمان تلفن: ۰۷۷۳۷۲۹۵۰۰۰ - ۰۷۷۳۷۲۹۵۴۶۵ ۰۹۱۶۳۳۲۵۶۱۴ ۰۹۱۸۳۳۷۲۱۵۵ ۰۹۱۷۳۰۷۱۱۶۳ تماس تلفنی از ساعت ۸ الی ۱۸

•تلفن و ایمیل دبیرخانه کمیسیون معاملات: ۰۷۷،۳۷۲۹،۵۱۴۶ و tender@mobinec.ir
روابط عمومی شرکت مبین انرژی خلیج فارس

آگهی شرکت در مناقصه عمومی
انجام امور خدماتی و پشتیبانی به‌صورت حجمی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران
سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در نظر دارد انجام امور خدماتی و پشتیبانی اماکن در اختیار سازمان را در حوزه ستادی سازمان با حداقل نیروی پیشنهادی به تعداد ۹۳ نفر به مدت یک‌سال شمسی از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌هایی که مجوز لازم از مراجع ذی‌ربط را داشته باشند واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ درج آگهی در روزنامه، سایت سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران www.corc.ir، با مراجعه به آگهی مزایده شماره ۲۰۰۴۰۰۱۱۵۱۰۰۰۰۰۹ مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir، نسبت به برداشت اسناد مزایده، اقدام و تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ نسبت به ارائه پیشنهادات اقدام نمایند.
روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران

آگهی مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی به‌منظور انتخاب پیمانکار (یکپارچه)
نوبت دوم
کد فراخوان سامانه ستاد: ۲۰۰۴۰۹۲۰۵۲۰۰۰۰۲۰
شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نظر دارد درخصوص انتخاب پیمانکار فعال و واجد صلاحیت به‌منظور دریافت خدمات مورد نیاز خود به‌شرح ذیل اقدام نماید. لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های معتبر در این زمینه جهت شرکت در این فرآیند دعوت به‌عمل می‌آید.
کلیه مراحل برگزاری فرآیند انتخاب پیمانکار از دریافت اسناد تا تحویل آنها و اعلام نتایج از طریق درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) انجام می‌شود.
۱- کارفرما: شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۲- آدرس کارفرما: تهران، خیابان شیخ بهایی شمالی، پلاک ۱۴۴، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، طبقه هشتم شرقی، دفتر طرح پتروشیمی اسلام آباد غرب
۳- موضوع خدمات: ارائه خدمات جامع پشتیبانی طرح پتروشیمی اسلام آباد غرب
۴- گواهی‌نامه معتبر صلاحیت و زمینه تخصصی موردنیاز: تصویر گواهی‌نامه معتبر تعیین صلاحیت و رتبه‌بندی درزمینه خدمات عمومی (کد ۴) از وزارت رفاه، کار و تأمین اجتماعی با رتبه پنج یا بالاتر
۵- روش انتخاب پیمانکار: مناقصه عمومی یکپارچه همراه با ارزیابی کیفی.
۶- امتیاز ارزیابی کیفی و حداقل امتیاز قابل قبول: کلیه شرکت‌کنندگان پس از ارزیابی کیفی و درصورت کسب حداقل امتیاز لازم، مجاز به شرکت در مراحل بعدی فرآیند انتخاب پیمانکار می‌باشند. روش ارزیابی به‌صورت وزنی براساس امتیازات تعیین شده صورت خواهد پذیرفت. حداقل امتیاز مورد قبول در ارزیابی کیفی ۵۰ امتیاز می‌باشد.
۷- تاریخ، مهلت و نشانی محل دریافت اسناد: از تاریخ انتشار لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۵، صرفاً با مراجعه به درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.
۸- نحوه دریافت اسناد: دریافت اسناد صرفاً از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir امکان‌پذیر بوده و متقاضیان درصورت تمایل می‌توانند به درگاه مزبور مراجعه نمایند.
درصورت عدم عضویت قبلی، لازم است مراحل ثبت‌نام در سایت یاد شده تا دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت درفرآیند ارزیابی توسط متقاضی محقق شود. (اطلاعات تماس ۰۲۱۴۱۹۳۴)
این آگهی در تارنمای شرکت ملی صنایع پتروشیمی به آدرس www.nipc.ir در دسترس و قابل‌رؤیت می‌باشد.
۹- تاریخ، مهلت و نشانی محل تحویل اسناد: مهلت تحویل اسناد مناقصه به‌صورت الکترونیکی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.
شناسه ۲۰۵۸۷۱۰
روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی فشرده
تقاضای شماره: EK74/1075803042-AS نوبت اول
خرید تجهیزات صوت و تصویر سالن کنفرانس
شرکت انتقال گاز ایران (سهامی خاص)
شرکت انتقال گاز ایران در نظر دارد مناقصه تأمین اقلام تقاضا را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) برگزار نماید. تمامی مراحل برگزاری مناقصه(دریافت استعلام ارزیابی کیفی /فنی، ارائه اسناد، دریافت باقی مانده اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت ها) به‌صورت الکترونیکی و از طریق درگاه سامانه الکترونیکی دولت(ستاد) انجام خواهد گرفت.
۱-نام و نشانی مناقصه‌گزار: ستاد شرکت انتقال گاز ایران- تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان پردیس - پلاک۳
۲-موضوع مناقصه: خرید تجهیزات صوت و تصویر سالن کنفرانس
۳-محل تحویل کالا: انبار شرکت انتقال گاز ایران مستقر در منطقه ۳ عملیات انتقال گاز-باقرشهر
۴- مهلت زمانی دریافت کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی/فنی و اسناد مناقصه: ساعت ۰۸:۰۰ روزسه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ تا ساعت۱۶:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸، فقط از طریق سامانه ستاد خواهد بود.
۵- مهلت زمانی ارائه و بارگذاری کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی / فنی و اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶، فقط از طریق سامانه ستاد توسط مناقصه‌گران بارگذاری شود.
۶- شماره فراخوان مناقصه ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد): ۲۰۰۴۰۹۲۰۳۶۰۰۰۰۰۶
۷- نحوه دریافت اسناد کاربرگ‌های استعلام ارزیابی کیفی: از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir
۸- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مطابق مصوبه‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ- تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران و اصلاحیه بعدی آن خواهد بود.
۸-۱- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار میزان ۱/۸۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ومتناسب با انواع تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ- تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲(شرکت‌های ایرانی در مقابل تضمین فرآیند ارجاع کار و تضامین انعقاد قرار داد ارزی - ریالی و ضمانت‌نامه پیش پرداخت مجاز هستند به جای ضمانت‌نامه‌های ارزی، ضمانت‌نامه ریالی بانکی معتبر براساس نرخ تسعیر (سامانه نظارت ارز) نیما در زمان تسلیم ارائه نمایند. در هر دوره دوازده ماهه که نرخ تسعیر ارز ده درصد افزایش داشته باشد می‌باید مبلغ ضمانت‌نامه به روز شده و کسری آن تحویل شرکت (خریدار) شود.)
۹-اطلاعات تماس مناقصه‌گزار: مناقصه‌گران برای دریافت اطلاعات بیشتر با داشتن هرگونه ابهام درخصوص اسنادمناقصه می‌باید درخواست خود را به‌صورت مکتوب به نمابر شماره ۰۲۱-۸۱۳۱۴۱۷۷ ارسال نمایند.
تبصره: اسناد ارزیابی کیفی و فنی، اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به‌صورت فشرده در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی بارگذاری شده که مناقصه‌گر مجاز به دریافت آن خواهد بود. بنابراین مسؤولیت اطلاع از روند بارگذاری مناقصه و کنترل‌های لازم بر عهده مناقصه‌گران می‌باشد.
۱۰- گشایش پیشنهادها: پاکات پیشنهاد قیمت، ساعت ۰۹:۰۰ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۷ به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان پردیس - پلاک۳ بازگشایی خواهد شد.
۱۱- سایر شرایط متقاضیان شرکت در مناقصه:
۱۱-۱- توانایی تهیه وتسلیم ضمانت‌نامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ کل مبلغ پیشنهادی(درصورت برنده شدن)، متناسب با انواع تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ- تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲
۱۱-۲-مبلغ برآورد کارفرما: ۳۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
۱۲- اطلاعات کلی مناقصه در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور با کد فراخوان۶ ۲۰۰۴۰۹۲۰۳۶۰۰۰۰۰ و سایت shana.ir موجود می‌باشد.
۱۳- پاکات پیشنهاد نرخ مناقصه‌گرانی بازگشایی خواهد شد که براساس آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات تأیید صلاحیت شده باشند.
WWW:NIGTC:IR WWW:SHANA:IR
روابط عمومی شرکت انتقال گاز ایران
شناسه ۲۰۶۰۱۶۴

عکس: Ruters

اکونومیست تحلیل کرد؛ چرا در حال حاضر نباید روی توافق آمریکا و ایران حساب باز کرد

سنگ بزرگ ترامپ در مسیر دیپلماسی

تحلیل

علیرضا حجتی
دبیر گروه بین الملل

رئیس جمهوری آمریکا از هر تریبونی به دروغ ادعا می‌کند ایران به شدت دنبال توافق با اوست اما آیا در تهران کسی به فکر مذاکره با کاخ سفید ترامپ است؟ پاسخ منفی است چون از نقطه نظر مقامات کشورمان و همچنین واقعیات میدان، واشنگتن در شرایط مذاکره قرار ندارد. موضوعی که در گمانه‌زنی‌های بین‌المللی و موج‌های رسانه‌ای که در پی سفر سران کشورها به آمریکا یا مقامات منطقه‌ای به تهران مبنی بر رد و بدل کردن پیغام میان واشنگتن-تهران ایجاد می‌شود، چیزی بیشتر از یک هیاهو نیست؛ درست است که کانال‌های غیررسمی برای تبادل پیام با دیپلماسی «بک چنل» گشوده است اما در واشنگتن دی‌سی همچنان در برهمان پاشنه می‌چرخد: دونالد ترامپ و تیمش خواهان امضای تسلیم‌نامه ایران هستند نه یک توافق گفت‌وگو شده و برپایه عرف داده و ستانده در میز مذاکره. این همان چیزی است که در ایران متفق‌القول از آن تحت عنوان دیکته‌نویسی آمریکا یاد کرده و شرایط را حتی برای گفت‌وگو مناسب نمی‌بینند.

رئیس جمهوری آمریکا به خاطر عجله‌اش در کسب دستاوردهای زودهنگام، در طرح‌ریزی یک دیپلماسی منسجم ناتوان است. او می‌خواهد تمام مشکلات را یکجا و با هم حل کند و سیاست خارجی را نه یک پروسه و میدان شطرنج بلکه امر ساده‌سازی شده و معادله‌ای تک مجهولی می‌بیند؛ در نتیجه با یک ذهنیت ساده‌ساز به سراغ حل مسأله می‌رود. ترامپ به زعم خود خواهان حل همه آنچه که مشکلات ایران می‌نامد در یک مرحله است؛ چه زمانی که سال ۲۰۱۸ به امید یک توافق جامع‌تر، برجام را کنار گذاشت، چه در خرداد با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، برنامه اتمی ایران را در جعبه ابهام هسته‌ای قرار داد. در حقیقت غیر از خودش هیچ کس حتی نتانیاهو باور نکرده است که برنامه ایران در عملیات موسوم به چکش نیمه شب نابود شد. حالا همه چیز پیچیده‌تر شده است همان طور که با خروج از برجام تاریخ به سمت دیگری تغییر جهت داد. در ۳ ماه طوفانی، طرف غربی هرچه در توان داشت از حمله نظامی تا چکاندن ماشه در شورای امنیت سازمان ملل، برای انهدام ایران به کار گرفتند. بنابراین ۲ طرف یکدیگر را در چنین موقعیتی می‌بینند؛ آمریکا و اروپایی‌ها در ادراک خود یک ایران تضعیف شده را ترسیم کرده که بدون مذاکره می‌شود به تسلیم کشاندش و در ایران هم این منطق جاری است که وقتی طرف مقابل برای انهدام آمده، حداقل در مقطع کنونی فضایی برای تنفس دیپلماسی وجود ندارد. تکاپوی ترامپ و اروپایی‌ها برای گفت‌وگوی جدید با ایران از عدم اطمینان آنها از نتایج حملات ژوئن است، همه چیزی که اسرائیل و آمریکا از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران کسب کردند پارامترهایی مشمول زمان هستند که با گذشت زمان از بین خواهند رفت.

دالیا داساکی پژوهشگر ارشد در دانشگاه UCLA، مدیر «ابتکار معماری‌های امنیت منطقه‌ای» و نویسنده کتاب «خصومت ماندگار: شکل‌گیری سیاست آمریکا در قبال ایران» طی یادداشتی در اکونومیست وضعیت جاری را تحلیل کرده است.

سال ۲۰۲۵ با وعده گفت‌وگو آغاز شد. با این حال، پس از پنج دور مذاکره بین ایالات‌متحده و ایران با میانجیگری عمان، رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ به نیروهای مسلح کشورش دستور داد تا در ماه ژوئن به حمله اسرائیل به ایران بپیوندند. بمب‌افکن‌های B-2 آمریکایی به مستحکم‌ترین تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی حمله کردند و ترامپ آنها را نابودشده اعلام کرد. اکنون او ادعا می‌کند که به قطار صلح بازگشته است و در ماه اکتبر به کنست اسرائیل گفت که «دست دوستی و همکاری به روی ایران باز است». در ماه نوامبر، در حالی که در کاخ سفید کنار محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی نشسته بود، اصرار داشت که ایرانی‌ها «به شدت خواهان توافق هستند» و علاوه بر این، ترامپ تأکید کرد «کاملاً پذیرای آن است و ما با آنها صحبت می‌کنیم.»

آیا توافقی در راه است؟ احتمالات خلاف این گزاره است. تفکر جادویی برای دستیابی به پیشرفت‌های واقعی کافی نیست، به خصوص وقتی که طرفین این رویارویی، سابقه آمریکا و ایران را دارند.

در واقع، علاقه فعلی ترامپ به توافق، پس از سابقه طولانی تلاش‌های مشابه، که هر کدام نتوانسته‌اند الگوی خصومت میان دو کشور را بشکنند، حاصل شده است. از زمان انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، لحظات متعددی وجود داشته است که شرایط ژئوپلیتیکی به نفع گشایش بوده و رؤسای جمهوری آمریکا - از رونالد ریگان گرفته تا جو بایدن - وسوسه شده‌اند که چنین گشایشی را دنبال کنند. چنین گشایش‌هایی در نهایت به بن‌بست و گاهی اوقات به درگیری نظامی مستقیم، از جنگ نفتکش‌ها در دهه ۱۹۸۰ گرفته تا حملات ژوئن گذشته، منجر شده است. حتی توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵، تحت ریاست جمهوری باراک اوباما، که او نیز «دست یاری به سوی ایران» دراز کرد، آن‌طور که برخی امیدوار بودند، تحول‌آفرین نبود.

علی‌رغم دیدگاه متعارف گیج‌کننده در میان تحلیلگران سیاست خارجی مبنی بر اینکه ترامپ توانایی انجام همه کارهایی را دارد که دیگران نمی‌توانند، دلایلی وجود دارد که شک کنیم این بار متفاوت خواهد بود. اعتماد همیشه بین آمریکا و ایران کم بوده است، اما با توجه به سابقه ترامپ شامل خروج او از توافق هسته‌ای؛ سیاست‌های «فشار حداکثری» او؛ حمله و ترور سردار قاسم سلیمانی یک فرمانده ارشد نظامی ایران، در دوره اول ریاست جمهوری‌اش و حمایت تمام‌عیار او از حمله اسرائیل و مشارکت در آن، غیرقابل پیش‌بینی بودن او فقط دیپلماسی را دشوارتر می‌کند.

البته یک استدلال مخالف نیز وجود دارد: این ادعا که ایران چاره‌ای جز بازگشت به میز مذاکره با دستی ضعیف‌تر نخواهد داشت. این ادعا که رهبران این کشور می‌خواهند از حمله مجدد جلوگیری کنند و بقا دغدغه اصلی آنهاست؛ وضعیتی که ممکن است ایران را به سمت امتیازدهی هسته‌ای در تلاش برای کاهش تحریم‌ها سوق دهد. همچنین رهبران ایران نمی‌خواهند روند رو به بهبود روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را به خطر بیندازند. عربستان سعودی از بازگشت به دیپلماسی حمایت می‌کند و به دنبال تسهیل آن است. اما ممکن است ایران مشتاق توافق نباشد. پس از حمله ژوئن، ایران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را کاهش داد. این کشور در حال بازسازی و تقویت برنامه موشکی خود است و همچنان بر حق غنی‌سازی اورانیوم خود اصرار دارد. حملات ژوئن ممکن است استدلال‌ها برای گزینه هسته‌ای را در بحث‌های داخلی ایران تقویت کرده باشد. رهبران ایران مرتباً هشدار می‌دهند که در صورت هدف قرار گرفتن مجدد ایران، حمله ویرانگرتری به اسرائیل انجام خواهند داد و این نشان می‌دهد که آنها برای جلوگیری از جنگ دیگری، به همان اندازه که روی گفت‌وگو حساب می‌کنند، روی بازدارندگی نظامی نیز حساب می‌کنند. با توجه به اینکه حمله ژوئن درست زمانی رخ داد که طرفین درگیر گفت‌وگو بودند، جای تعجب نیست که مزایای دیپلماسی در حکمرانی ایران مورد بحث و بازنگری قرار گیرد.

در هر صورت، تعهد ترامپ به دیپلماسی ضعیف است. او پیام‌های ضد و نقیضی می‌فرستد، از توافق صحبت می‌کند اما از تحریم‌های شدیدتر، از جمله حمایت از اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل توسط اروپا علیه ایران حمایت می‌کند. او از تمایل به اجتناب از جنگ صحبت می‌کند اما حمله نظامی بی‌سابقه‌ای را آغاز کرده است. مواضع دولت او در مورد شرایط هسته‌ای از زمان جنگ ژوئن تنها سخت‌تر شده است و از تمایل اولیه برای پذیرش سطح پایین غنی‌سازی اورانیوم به موضع حداکثری «غنی‌سازی صفر» تغییر یافته که خط قرمزی برای ایران و مانعی در مذاکرات قبلی است. ترامپ ممکن است مشتاق یک «پیروزی» دیگر در صلح باشد، اما اگر توافقی عملی به نظر نرسد، می‌تواند به‌راحتی به زور و اجبار روی آورد.

تلاش‌ها برای بی‌ثبات کردن دولت ایران تا امروز شکست خورده، اما بعید است که چنین جاه‌طلبی‌هایی از بین رفته باشند در واقع، «جنگ سایه» اسرائیل و ایران، از جمله اقدامات متقابل خرابکارانه و حملات سایبری، ادامه داشته است. ایران با وجود آسیب‌پذیری‌هایش، مقاوم بوده است.

خلاصه اینکه، به نظر نمی‌رسد وضعیت به نفع یک توافق بزرگ‌تر و بهتر برای تنظیم مجدد روابط آمریکا و ایران باشد. در بهترین حالت، توافق‌های جزئی - محدودیت‌های محدود هسته‌ای در ازای کاهش محدود تحریم‌ها - ممکن است از درگیری نظامی بیشتر جلوگیری کند. با این حال آیا تغییرات دگرگون‌کننده‌ای که بتواند ایران و آمریکا را از مسیر تقابل خارج کند در راه خواهد بود؟ این همان تفکر جادویی است.

> تعهد ترامپ به دیپلماسی ضعیف است. او پیام‌های ضد و نقیضی می‌فرستد، از توافق صحبت می‌کند اما از تحریم‌های شدیدتر علیه ایران حمایت می‌کند. مواضع دولت او در مورد شرایط هسته‌ای از زمان جنگ ژوئن تنها سخت‌تر شده است و به موضع حداکثری «غنی‌سازی صفر» تغییر یافته که خط قرمزی برای ایران و مانعی در مذاکرات قبلی است

نقش توافق هسته‌ای عربستان و آمریکا در بازآرایی نظام امنیت انرژی هسته‌ای خلیج‌فارس

یادداشت

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

وزارت انرژی ایالات‌متحده و وزارت انرژی عربستان سعودی در ۱۹ نوامبر ۲۰۲۵ (۲۸ آبان) با امضای «بیانیه مشترک تکمیل مذاکرات همکاری هسته‌ای غیرنظامی» گامی راهبردی برداشتند که می‌تواند نقطه عطفی در معماری ژئواکونومیک انرژی خاورمیانه باشد. این توافق؛ چهارچوبی بر اساس «بخش ۱۲۳» قانون انرژی اتمی آمریکا در مورد همکاری با سایر ملل، نه‌تنها شامل انتقال فناوری رآکتور، بلکه تعهدات طولانی‌مدت در زمینه امنیت، نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای است. این همکاری اما درعین حال، محدودیت‌های راهبردی مهمی دارد. در حالی که آمریکا فناوری نیروگاهی صادراتی را منتقل می‌کند، عربستان از ظرفیت غنی‌سازی و بازفرآوری منع شده است؛ موضوعی که پیامدهای عمیقی برای توازن قدرت منطقه‌ای، امنیت سوخت و تعادل ژئوپلیتیک دارد. در واقع، این توافق، عربستان را به دومین کشور عربی (پس از امارات) با برنامه هسته‌ای پیشرفته، اما با وابستگی فنی به آمریکا، تبدیل می‌کند. این توافق هنوز نهایی نشده و باید برای تصویب به کنگره آمریکا ارسال شود که ممکن است چندین ماه طول بکشد.

جزئیات توافق عربستان و آمریکا

توافق بخش ۱۲۳ (Agreement ۱۲۳ Section) که بر اساس «بخش ۱۲۳» قانون انرژی اتمی آمریکا (Atomic Energy Act ۱۹۵۴) در مورد همکاری با سایر ملل تنظیم می‌شود، چهارچوبی قانونی برای همکاری هسته‌ای غیرنظامی بین ایالات‌متحده و شرکای خارجی فراهم می‌کند. این توافق نه‌تنها یک سند تجاری بلکه یک چهارچوب سیاسی و فنی است که بر عدم اشاعه هسته‌ای (Nonproliferation) تمرکز دارد و امکان صادرات فناوری، تجهیزات و مواد هسته‌ای آمریکایی را به عربستان سعودی می‌دهد. در حال حاضر (نوامبر ۲۰۲۵)، دو کشور یک «بیانیه مشترک تکمیل مذاکرات» (Joint Declaration on the Completion of Negotiations on Civil Nuclear Energy Cooperation) امضا کرده‌اند که پیش‌درآمدی بر توافق رسمی ۱۲۳ است؛ اما متن کامل هنوز نهایی نشده و باید برای تصویب به کنگره آمریکا ارسال شود. جزئیات فنی کلیدی مذاکرات اخیر به ترتیب ذیل قابل بررسی است.

(۱) معیارهای عدم اشاعه هسته‌ای (Nonproliferation Criteria): توافق ۱۲۳ باید معیار سختگیرانه عدم اشاعه را رعایت کند؛ که هدف آنها جلوگیری از استفاده دوگانه (Dual-use) فناوری برای اهداف نظامی است. حفاظت از مواد و تجهیزات بدین‌صورت که تمام مواد هسته‌ای منتقل‌شده (مانند اورانیوم غنی‌شده کم یا سوخت راکتور) باید تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) قرار گیرند. عربستان موظف است پروتکل اضافی (Additional Protocol) به توافق پادمانی (Safeguards) را امضا کند که دسترسی گسترده‌تری به تأسیسات هسته‌ای فراهم می‌کند. حقوق رضایت آمریکا (Consent Rights) بدین نحو که ایالات‌متحده حق وتو بر هرگونه بازانتقال (Retransfer)، غنی‌سازی (Enrichment) یا بازفرآوری (Reprocessing) مواد آمریکایی را دارد. در نسخه «استاندارد طلایی» (Gold Standard)؛ مشابه توافق با امارات در ۲۰۰۹، عربستان باید صریحاً غنی‌سازی و بازفرآوری را برای همیشه ممنوع اعلام کند. این شرط، اصلی‌ترین چالش فعلی مذاکرات است؛ زیرا عربستان اصرار بر حفظ حق غنی‌سازی داخلی (برای چرخه سوخت کامل) دارد. استفاده صلح‌آمیز بدین وصف که تمام فعالیت‌ها محدود به تولید برق، آب‌شیرین‌کن‌ها و تحقیقات غیرنظامی است. هیچ حمایتی از تولید سلاح هسته‌ای مجاز نیست و عربستان باید به معاهده عدم اشاعه (NPT) پایبند بماند.

(۲) دامنه فنی همکاری (Scope of Cooperation): انتقال فناوری و تجهیزات شامل صادرات راکتورهای پیشرفته (مانند AP۱۰۰۰ شرکت وستینگهاوس)، توربین‌ها، سیستم‌های کنترل ایمنی و نرم‌افزارهای شبیه‌سازی می‌باشد. هدف، ساخت ۲ تا ۴ نیروگاه هسته‌ای بزرگ (هرکدام ۱ تا ۱/۵ گیگاوات) در عربستان تا ۲۰۳۵ است که می‌تواند ۱۵ تا ۲۰ درصد از نیاز برق کشور را تأمین کند. در رابطه با چرخه سوخت (Fuel Cycle) عربستان می‌تواند اورانیوم خام (از معادن مانند جبل صاید) استخراج و صادر کند؛ اما غنی‌سازی و فراهم آوردن سوخت باید توسط شرکت‌های آمریکایی (مانند Centrus Energy) انجام شود. این امر به تنوع زنجیره تأمین آمریکا در برابر محدودیت‌های روسی کمک می‌کند؛ اما عربستان را از استقلال کامل در سوخت‌رسانی محروم می‌سازد. جهت ایمنی و امنیت (Safety and Security) الزام به رعایت استانداردهای IAEA برای حفاظت فیزیکی (Physical Protection) در برابر سرقت یا حملات و همکاری در آموزش پرسنل سعودی برای عملیات رآکتورها شامل تبادل دانش در زمینه مدل‌سازی حوادث (Accident Modeling) و مدیریت پسماندهای هسته‌ای مقرر می‌گردد.

(۳) فرآیند تصویب و اجرا (Approval and Implementation Process): پس از امضای نهایی توسط رئیس‌جمهوری، توافق برای کنگره ارسال می‌شود. رئیس‌جمهوری باید تأیید کند که توافق «ریسک غیرمنطقی برای امنیت ملی» ایجاد نمی‌کند. کنگره می‌تواند با قطعنامه مشترک آن را رد کند؛ اما سابقه نشان می‌دهد اکثر توافق‌ها (۲۶ مورد فعلی) تصویب می‌شوند. بدون توافق ۱۲۳، همکاری محدود به «مجوزهای ۸۱۰» (Authorizations ۸۱۰ Part) است که فقط فناوری غیرمحرمانه را پوشش می‌دهد. توافق کامل، همکاری فنی عمیق‌تری مانند طراحی رآکتور را مجاز می‌کند. مدت توافق معمولاً ۳۰ ساله با امکان تمدید و شامل مکانیسم‌های بازبینی دوره‌ای برای انطباق با تغییرات IAEA می‌باشد.

معماری هسته‌ای مدیریت‌شده

یکی از جنبه‌های مهم این توافق، حذف کامل غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم از قلمرو سعودی است. در بیانیه انرژی آمریکا، تأکید شده که این توافق «تعهد محکم به عدم اشاعه» دارد و همکاری باید در چهارچوب استانداردهای بین‌المللی نظارتی و ایمنی انجام شود. اگر چنین تعهدی در متن نهایی گنجانده شود، این به معنای آن خواهد بود که عربستان می‌تواند برق هسته‌ای تولید کند؛ اما نمی‌تواند چرخه سوخت ملی خود را بسازد. این همان الگوی «هسته‌ای شدن بدون استقلال چرخه سوخت» است که برخی آن را مدلی کنترل‌شده می‌دانند؛ مدلی که آمریکا آن را برای حفظ تأثیر استراتژیک در منطقه ترجیح می‌دهد.

در سطح منطقه‌ای، این توافق می‌تواند به ایجاد «معماری هسته‌ای مدیریت‌شده در خلیج‌فارس» کمک کند؛ جایی که کشورهای منطقه با دسترسی به انرژی هسته‌ای، تحت نظارت بین‌المللی باقی بمانند و چرخه سوخت مستقل نداشته باشند. این مدل می‌تواند به آمریکا امکان دهد نفوذ فناوری خود را در منطقه گسترش دهد بدون اینکه ریسک اشاعه هسته‌ای را به‌طور کامل پذیرفته باشد.

این توافق ژئوپلیتیک تأثیرات مهمی بر توازن قدرت در خاورمیانه دارد. اول آنکه با مشارکت آمریکا در پروژه‌های هسته‌ای عربستان، نفوذ فناورانه واشنگتن در منطقه بیشتر تقویت می‌شود. این می‌تواند به معنای محدود شدن نفوذ رقبا مانند چین یا روسیه در بازار انرژی هسته‌ای خلیج‌فارس باشد. دوم، این مدل همکاری می‌تواند تبدیل به الگوی منطقه‌ای شود. سعودی که به توافق ۱۲۳ تن داده، ممکن است به الگویی برای سایر کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس تبدیل شود؛ کشورهایی که خواهان انرژی هسته‌ای‌اند اما ممکن است از چرخه سوخت مستقل صرف‌نظر کنند؛ در ازای فناوری، سرمایه و تضمین عدم اشاعه. سوم، این توافق به موقعیت ایران نیز بازخورد مهمی دارد. در حالی که عربستان هسته‌ای شدن را تجربه می‌کند، عدم دسترسی به چرخه سوخت مستقل باعث می‌شود ایران همچنان یکی از معدود کشورهایی باشد که توانایی کافی در چرخه کامل سوخت دارد. این وضعیت می‌تواند به تهران اهرم راهبردی مهمی در مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی بدهد. عربستان می‌خواهد مانند توافق با امارات، شرط «مقایسه با همسایگان» (Parity Clause) را حفظ کند؛ یعنی اگر ایران غنی‌سازی کند، عربستان هم حق داشته باشد. آمریکا اما بر «استاندارد طلایی» اصرار دارد تا از مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه جلوگیری کند.

> در حالی که عربستان هسته‌ای شدن را تجربه می‌کند، عدم دسترسی به چرخه سوخت مستقل باعث می‌شود ایران همچنان یکی از معدود کشورهایی باشد که توانایی کافی در چرخه کامل سوخت دارد. این وضعیت می‌تواند به تهران اهرم راهبردی مهمی در مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی بدهد

روشن‌ساز کلام

اگر این توافق ۱۲۳ به‌طور کامل اجرایی شود، ما شاهد شکل‌گیری یک «نظام امنیت انرژی هسته‌ای نوین در خلیج‌فارس» خواهیم بود: یک معماری مدیریت‌شده که در آن آمریکا بازیگر فناوری مرکزی است و عربستان مصرف‌کننده استراتژیک اورانیوم. درعین حال، امکان توسعه تدریجی ظرفیت داخلی اورانیوم سعودی وجود دارد؛ اما در چهارچوبی که آمریکایی‌ها بخش حساس چرخه سوخت را در کنترل دارند. در بلندمدت، این مدل می‌تواند به یک «استراتژی مقاوم‌سازی زنجیره تأمین انرژی» تبدیل شود: عربستان نقش تأمین‌کننده کلیدی اورانیوم را ایفا می‌کند، آمریکا فناوری و بازار را فراهم می‌کند و نظم هسته‌ای منطقه در یک چهارچوب عدم اشاعه حفظ می‌شود.

پیاده‌سازی این چشم‌انداز اما با مخاطراتی نیز همراه است: از هزینه پروژه‌های هسته‌ای تا تضمین پایداری مالی؛ از پذیرش نظارت آژانس بین‌المللی تا مدیریت پسماند. موفقیت این توافق بستگی به تعادل دقیق میان منافع اقتصادی و نگرانی‌های امنیتی دارد.

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

بیشترین واردات با کمترین وابستگی!

موضوع کمک‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا به اسرائیل در چند دهه اخیر مسأله‌ای نیست که بتوان آن را منکر شد و تأثیر آن بالاخص در توانمندی نظامی و تاب‌آوری ارتش اسرائیل در جنگ‌های مختلف از جمله طی دو سال اخیر در پژوهش‌های مختلف مورد بحث و تأیید قرار گرفته است. اخیراً آماری مفصل و رسمی از سوی مرکز شورای روابط خارجی آمریکا (CFR) منتشر شده که داده‌های جالبی دارد. بر اساس آن، اسرائیل از زمان تأسیس جعلی‌اش، بزرگ‌ترین دریافت‌کننده تجمیعی کمک‌های خارجی ایالات‌متحده بوده و بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار (با احتساب تورم) در مجموع (اقتصادی و نظامی) دریافت کرده، رقمی که به شدت شوکه‌کننده است.

آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ کمک‌های اقتصادی قابل‌توجهی به اسرائیل ارائه داد، اما اگر آن دوران را فاکتور بگیریم، تقریباً تمام کمک‌های کاخ سفید تا امروز یعنی حدود ۲۷۰ میلیارد دلار صرف حمایت از ارتش اسرائیل شده است.

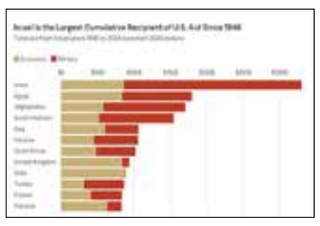

جالب است بدانیم یکی از تفاوت‌های ویژه اسرائیل نسبت به دیگر بازیگرانی که آمریکا به آنها کمک نظامی می‌کند، مجاز بودن به استفاده از بخشی از کمک‌ها برای خرید تجهیزات از شرکت‌های نظامی داخلی اسرائیل است! یعنی آمریکا به دولت اسرائیل کمک بلاعوض می‌کند تا ارتش اسرائیل از شرکت‌های سهامی زیرمجموعه وزارت جنگ اسرائیل، تجهیزات بخرد! این مزیت به هیچ‌یک از سایر دریافت‌کنندگان کمک‌های نظامی آمریکا اعطا نشده و آنها ملزم به خرید از شرکت‌های آمریکایی هستند. البته قرار است این مزیت خرید داخلی در چند سال آینده به تدریج حذف شود. طبق گزارش‌ها، کمک‌های آمریکا ۲۰ درصد از بودجه نظامی اسرائیل را در سال‌های قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تشکیل می‌داده است.

در بخش دیگری از گزارش مرکز CFR، نموداری منتشر شده که میزان واردات سلاح کشورهای منطقه را نشان می‌دهد. در این نمودار، میان سلاح‌های وارداتی از آمریکا و غیرآمریکا برای هر کشور در منطقه تفکیک و میزان واردات سلاح در اسرائیل، مصر، عراق، کویت، قطر، عربستان و امارات در یک مقیاس مشترک از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ مقایسه شده است.

در این جدول، ستون قرمزرنگ میزان واردات سلاح از آمریکاست. مقایسه نمودارها نشان می‌دهد سهم سلاح‌های آمریکایی در سلاح‌های وارداتی اسرائیل، بیش از هر کشور دیگر منطقه و ۷۸ درصد است! این میزان برای مصر ۳۴ درصد، عراق ۵۲ درصد و عربستان ۶۴ درصد است.

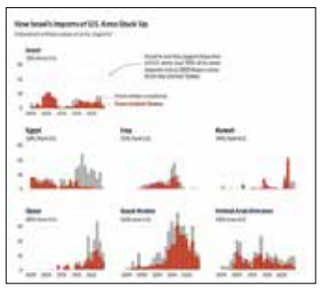

اما این نمودار یک لایه پنهان دیگری هم دارد و آن اینکه حجم واردات سلاح کشورهایی مثل قطر، عربستان، مصر و اخیراً کویت! بیش از اسرائیل است و برخی حتی فاصله زیادی با رژیم صهیونیستی دارند. درست است که اسرائیل در واردات سلاح، بسیار به آمریکا و بیش از هر کشور دیگری وابسته است که یک دلیل آن کمک‌های نظامی آمریکاست، اما جزو کمترین‌ها در واردات سلاح قرار دارد. در حقیقت اسرائیل با بهره‌گیری از ظرفیت و سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در صنعت نظامی با وارد کردن سلاح، توان داخلی را به مرور افزایش داده تا جزو خودمتکی‌ترین‌ها در مقایسه با رقیبان عربی خودش در منطقه باشد. بر اساس گزارش‌ها، تخمین زده می‌شود اسرائیل بین ۶۵ تا ۷۵ درصد نیازهای نظامی را در داخل تولید می‌کند.

در پایان خوب است به یک قانون تصویب شده در کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان «برتری کیفی نظامی» (Qualitative Militar Edge) در روابط اسرائیل و آمریکا اشاره کنیم. طبق این قانون که به طور مخفف به QME مشهور شده است، آمریکا باید اطمینان حاصل کند که هر گونه سلاحی که به سایر کشورهای خاورمیانه ارائه می‌دهد، اسرائیل و برتری نظامی او را به خطر نمی‌اندازد. در چندین مورد، این امر مستلزم آن شده است که ایالات‌متحده به‌عنوان بخشی از فروش‌های بزرگ‌تر تسلیحات منطقه‌ای، تسلیحات جبرانی را در اختیار اسرائیل قرار دهد.

اختصاصی «ایران»

آخرین وضعیت آقای نویسنده

سمیه افشین فر/ دکتر حسین کرمانپور سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به «ایران» گفت: «بر اساس اطلاعاتی که تا ساعت ۸ شب دهم آذر از بیمارستان گرفته‌ام همان‌طور که اطلاع دارید آقای امیرخانی سقوطی داشته‌اند که موجب ضربه سختی به بدن، اندام‌ها و سرشان شده است. تجربه نشان داده که این ضربات در لحظات اول خونریزی‌های شدید داخلی به همراه دارد که خوشبختانه در مورد آقای امیرخانی این خونریزی‌ها تا این لحظه اتفاق نیفتاده است و پیش‌بینی هم می‌شود که ان‌شاءالله دیگر خونریزی داخلی نداشته باشند.»

کرمانپور با بیان اینکه این موارد شانس بیمار را برای بهبودی بهتر می‌کند، ادامه داد: «از طرف دیگر برخی از قسمت‌های اندام دچار شکستگی شده است که روال درمانی آن ادامه پیدا خواهد کرد و درمان شکستگی‌ها انجام خواهد شد. یک جابه‌جایی و دررفتگی لگن داشتند که امروز اینجا جابه‌جایی هم درمان شد و به حالت طبیعی برگشت.»

سخنگوی وزارت بهداشت افزود: «در حال حاضر بیشترین نگرانی یا مشکلی که ما داریم مشکل مغز ایشان است که ضربه سختی خورده و مثل هر جای بدن که ضربه می‌خورد و بعد از ضربه دچار تورم می‌شود انتظار می‌رود که در دو سه روز اول این تورم تشدید شود و بعد قضاوت‌های بعدی را می‌شود، مطرح کرد. در مورد سطح هوشیاری ایشان هم همچنان همان سطح هوشیاری قبل است و سطح هوشیاری پایینی است که باز هم به نظر می‌رسد هم به دلیل مصرف داروها و هم به دلیل ضربه سختی است که دیده است.»

کرمانپور تأکید کرد: «فعلاً باید منتظر بمانیم در این دو سه روز اول بعد از حادثه، بدن پاسخ خودش را به ضربه‌ای که خورده بدهد و روال درمانی هم ادامه پیدا کند. همکاران ما با قوت در حال درمان هستند ان‌شاءالله منتظر باشیم تا همزمانی پاسخ بدن از یک طرف، شدت اتفاقاتی که افتاده از طرف دیگر و درمان همکاران ما از سوی دیگر جواب بدهد و ان‌شاءالله و به امید خدا آقای امیرخانی به روال طبیعی برگردند.»

وزارت بهداشت از لحظات اولیه این اتفاق، نظر به حساسیت افکارعمومی و جامعه فرهنگی هنری کشور با جدیت و حساسیت روند درمان این نویسنده ارزنده کشورمان را دنبال می‌کند تا هم با اطلاع‌رسانی شفاف از بروز شایعات در این زمینه جلوگیری و هم روند درمان به طور ویژه دنبال شود.»

در تماس تلفنی از سوی دفتر مقام معظم رهبری با همسر رضا امیرخانی، با ابلاغ سلام و نگرانی رهبر معظم انقلاب از حادثه پیش آمده برای این نویسنده متعهد کشورمان، تأکید شد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دعاگوی سلامتی و بهبود وی هستند. همسر امیرخانی نیز در این تماس از رهبر معظم انقلاب تشکر کرده و از همه خواست برای سلامتی او دعا کنند. رضا امیرخانی، نویسنده سرشناس کشورمان نهم آذر ماه در منطقه مشاء دماوند دچار سانحه سقوط پاراگلایدر شد.

امیرخانی، نویسنده و منتقد ایرانی؛ متولد ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ در تهران است و در حال حاضر ۵۲ سال دارد. زندگی شخصی‌اش در کنار نوشتن و فعالیت‌های فرهنگی می‌گذرد.

او نویسنده کتاب‌هایی چون «من او»، «قیدار» و «نیم‌دانگ پیونگ دانگ»، «بی وتن» و «جانستان کابلستان» است. استفاده از سبک گفتاری و عامیانه در کنار نثر ادبی فاخر، طرح مسائل فرهنگی-اجتماعی با لحن داستانی، نگاه انتقادی و درعین‌حال وطن‌دوستانه، علاقه ویژه به رابطه فرد و جامعه مدرن ایرانی از ویژگی‌های این نویسنده به شمار می‌رود.

او چتربازی و پاراگلایدر سواری را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کرد، اما عصر روز یکشنبه نهم آذر ماه در منطقه مشاء دماوند دچار سانحه شد و اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است.

خبر

وزیر آموزش و پرورش:

آموزش‌های مجازی باید باکیفیت باشند

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به غیرحضوری شدن مدارس به دلیل شرایط آلودگی هوا، تأکید کرد: «لازمه غیرحضوری شدن کلاس‌های درس و ارائه آموزش‌های مجازی داشتن کیفیت مطلوب برای حداکثر بهره‌وری دانش‌آموزان است.»

به گزارش ایرنا، علیرضا کاظمی در نشست شورای معاونان وزارت آموزش و پرورش، گفت: «اولویت اصلی ما، حفظ سلامت دانش‌آموزان است، اما ارائه باکیفیت آموزش از طریق فضای مجازی اصل بسیار مهمی است که نباید مورد غفلت واقع شود. البته انتظار داریم پیش از تعطیلی مدارس، از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات برای کنترل منابع آلاینده و کاهش آلودگی هوا استفاده شود چراکه تعطیلی مدارس می‌تواند منجر به افت تحصیلی دانش‌آموزان شود.»

وزیر آموزش و پرورش گفت: «سیاست محوری وزارت آموزش و پرورش برگزاری کلاس با حضور دانش‌آموزان و آموزش حضوری است. معاونت‌های آموزشی موظفند که بر کیفیت آموزش‌های غیرحضوری و فضای مجازی در زمان تعطیلی مدارس نظارت کامل داشته باشند.»

کاظمی با اشاره به سیاست این وزارتخانه برای توسعه مدارس ایرانی در خارج از کشور، گفت: «در همین ارتباط ۴ مدرسه ایرانی جدید شامل ۲ مدرسه در کردستان عراق، یک مدرسه در جده عربستان و یک مدرسه هم در دوحه قطره راه‌اندازی می‌شود.»

مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت رفاه در گفت‌وگو با «ایران»:

۲۶۰ هزار کودک تحت پوشش طرح سوءتغذیه قرار گرفته‌اند

اعتبار حمایتی مادران باردار و دارای کودک شیرخوار در طرح «یسنا» شارژ شد و از امروز قابل استفاده است

گزارش خبری

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

مادران باردار و مادرانی که فرزند شیرخوار دارند و در سه دهک اول درآمدی هستند، مشمول طرح «یسنا» می‌شوند و می‌توانند از امروز با مراجعه به فروشگاه‌های طرف قرارداد با کالابرگ الکترونیکی، اقلام مورد نیازشان را از میان ۱۶ قلم کالای در نظر گرفته شده، خریداری کنند. مبلغ طرح یسنا روی کدملی سرپرستان خانوار شارژ می‌شود. اما مسئولان وزارت رفاه از تغییر رویکرد در پرداخت حمایت‌های نقدی و غیرنقدی به مادران خبر می‌دهند و می‌گویند: «از سال آینده، اعتبارات طرح «یسنا» مستقیماً روی کدملی مادر فعال و شارژ می‌شود و دیگر به حساب سرپرست خانوار واریز نمی‌شود.»

سال ۱۴۰۲ طرح یسنا و طرح حمایت از کودکان مبتلا به سوءتغذیه زیر ۵ سال برای افرادی که در دهک‌های ۱ تا ۷ قرار داشتند و نیازمند حمایت بودند، شکل گرفت تا از خدمات حمایتی، غذایی و بهداشتی برخوردار شوند. حالا آن‌طور که بررسی‌ها نشان می‌دهد با اجرایی شدن این طرح‌ها حدود ۴۲ درصد مشکلات تغذیه‌ای و رشد کودکان این طرح بهبود پیدا کرده است.

سرپرستان خانوار می‌توانند از طریق نرم‌افزار «شما» میزان اعتبار شارژ شده برای طرح‌های حمایتی در بستر کالابرگ الکترونیکی از جمله یسنا و سوءتغذیه را استعلام کنند. زهرا قیومی مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه در بررسی‌های انجام شده طرح‌های «کاهش سوءتغذیه کودکان زیر پنج سال» و «یسنا» باعث بهبود تغذیه جامعه هدف شده است، به «ایران» می‌گوید: «طرح یسنا براساس ماده (۲۴) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اجرایی شد. در این قانون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شد تا مادران باردار، دارای فرزند شیرخوار و زیر ۵ سال را حمایت غذایی و بهداشتی کند. یعنی به گروه‌هایی خاصی از جامعه که با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شناسایی می‌شوند، بسته‌های غذایی و بهداشتی رایگان ارائه می‌شود. البته در قانون آمده، ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی (ره) هم در این اقدام مشارکت کنند. در این بخش وزارت رفاه با همکاری ستاد ملی جمعیت طرح یسنا را از سال ۱۴۰۲ اجرا کرده است.»

او با بیان اینکه اعتبارات این طرح با هماهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور و از طریق ستاد ملی جمعیت ابلاغ می‌شود و بعد به وزارت رفاه می‌رسد، توضیح می‌دهد: «در طرح یسنا، اطلاعات مادران باردار از وزارت بهداشت دریافت می‌شود. یعنی طی ۹ ماه بارداری، مادر تحت پوشش قرار خواهد گرفت. برای اینکه مادران باردار شناسایی شوند، باید به مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت شهری و روستایی مراجعه کنند تا اطلاعات‌شان ثبت شود. اطلاعات آنها از طریق دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به وزارت بهداشت و سپس به وزارت رفاه منتقل می‌شود. ما هم طبق آزمون وسع دهک‌بندی خانوار را انجام و مادران باردار مشمول را تحت پوشش طرح یسنا قرار می‌دهیم.»

شارژ اعتبار سرپرستان خانوار دارای مادر باردار و فرزند زیر ۲ سال از امروز

مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت رفاه با اشاره به ویژگی‌های مادران دارای فرزند شیرخوار هم می‌گوید: «شیرخوارگی تا پایان دو سالگی کودک در نظر گرفته شده است. پس مادرانی که دارای فرزند زیر دو سال هستند هم تحت پوشش این طرح قرار می‌گیرند و اولویت‌بندی را برای سه دهک اول جامعه گذاشتیم و ان‌شاءالله از امروز حساب سرپرستان خانوار دارای مادر مشمول شارژ می‌شوند و مادران می‌توانند اقلام مورد نیازشان را از طریق فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابرگ الکترونیکی تهیه کنند. اکنون این اعتبار خرید در حساب سرپرستان خانوار شارژ می‌شود، اما با برنامه‌ریزی که انجام شده است، از سال آینده اعتبارات در حساب مادران شارژ خواهد شد. یعنی تمام کارت‌های بانکی که به کدملی مادر متصل است، قابلیت خرید از فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابرگ الکترونیکی را خواهد داشت.»

دکتر قیومی با بیان اینکه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار مادر باردار و دارای فرزند زیر ۵ سال را در پنج دهک اول شناسایی کرده‌ایم، می‌گوید: «افرادی که در دهک یک تا سه قرار دارند، با اولویت از امروز شارژ می‌شود و تا ۱۰ روز آینده دهک‌های ۵ و ۴ هم شارژ خواهند شد.»

او درباره برنامه ارتقای امنیت غذایی کودکان زیر ۵ سال مبتلا به سوءتغذیه کشور توضیح می‌دهد: «کودکان دارای سوءتغذیه از شش ماهگی که می‌توانند مواد غذایی با بافت نرم را میل کنند، تحت حمایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار می‌گیرند. شناسایی این کودکان از طریق مراکز و خانه‌های بهداشت شهری و روستایی انجام می‌شود. زمانی که کودک متولد می‌شود و کارت بهداشت برایش صادر می‌شود، قد، وزن و BMI او اندازه‌گیری شده و مبتنی بر استانداردهای رشد سنجیده می‌شود. حالا اگر این اندازه‌ها یعنی قد و وزن کودک پایین‌تر از استانداردهای لازم باشد، در یک بازه شش ماهه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. اگر این کاهش وزن، قد و شاخص BMI کودک ناشی از نبود مواد غذایی کافی باشد، کارشناسان تغذیه او را به دانشگاه‌های علوم پزشکی و در نهایت به وزارت بهداشت معرفی می‌کنند. ما در وزارت رفاه دهک درآمدی سرپرست کودک را بررسی می‌کنیم، اگر در دهک ۱ تا ۷ باشد، حساب سرپرست خانوار شارژ می‌شود. ناگفته نماند مبلغ واریزی برای هر کودک جداست، یعنی اگر در یک خانواده سه کودک در این بازه سنی دارای سوءتغذیه باشند برای هر سه مبلغ جدا واریز می‌شود.»

یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به هر کودک پرداخت می‌شود

دکتر قیومی می‌گوید: «برای هر کودکی که دهک یک تا پنج باشد مبلغ یک میلیون و سیصد هزار تومان، برای دهک ۶ و ۷ هم مبلغ ۸۰۰ هزار تومان و برای هر کودک زیر ۵ سال دارای سوءتغذیه واریز می‌شود. ان شاءالله این مبلغ اعتباری هم طی چند روز آینده روی کدملی سرپرستان خانوار کودکان مشمول شارژ خواهد شد و می‌توانند تا پایان سال از این اعتبار تا ۷ مرحله استفاده کنند.»

> برای هر کودکی که دهک یک تا پنج باشد مبلغ یک میلیون و سیصد هزار تومان، برای دهک ۶ و ۷ هم مبلغ ۸۰۰ هزار تومان برای هر کودک زیر ۵ سال دارای سوء تغذیه واریز می‌شود

برنامه ارتقای امنیت غذایی کودکان زیر ۵ سال مبتلا به سوءتغذیه از سال ۱۴۰۲ با ۷ مرحله پرداختی شروع شد و در سال ۱۴۰۳ تعداد پرداختی‌ها به ۱۱ مرحله رسید و در سال ۱۴۰۴ هم که از این ماه شروع می‌شود، حدود ۷ مرحله شارژ می‌شود.

مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت رفاه با بیان این موضوع که مبلغ شارژ شده در حساب مادران باردار و دارای کودک شیرخوار هم می‌گوید: «اعتباری که برای مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار در نظر گرفته شده، متفاوت است. برای سه دهک اول جامعه حدود ۶۵۰ هزار تومان است و دهک‌های ۵ و ۴ مبلغ ۵۰۰ هزار تومان در حساب‌های‌شان شارژ می‌شود که می‌توانند ۱۶ قلم غذایی و پوشک بچه رایگان را که برای خانوار مشمول در نظر گرفتیم، براساس نیازشان تهیه کنند. محصولات شامل لبنیات، پروتئین، حبوبات، غلات، مغزها، سبزیجات و میوه‌هاست. ما اقلامی مثل قند و شکر را که مردم می‌توانند از مسیر کالابرگ الکترونیکی خرید کنند حذف، اما میوه، سبزی و مغزیجات را به اقلام اضافه کردیم البته در طرح یسنا علاوه بر سبد غذایی، مادران می‌توانند پوشک کودک هم خرید کنند.»

بهبود ۴۲ درصدی رشد و تغذیه در کودکان مورد حمایت

او با بیان اینکه اجرای این طرح در کشور از سال ۱۴۰۲ آغاز شده است و نتایج مطلوبی در برداشته است، توضیح می‌دهد: «هر سالی که حساب سرپرستان شارژ می‌شود، افراد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. چون ممکن است، برخی خرید کنند اما از روی غفلت یا سهواً والدین اقلام غذایی را به اندازه کافی در اختیار کودک قرار ندهند. به همین دلیل سنجش ماهانه تا پایان یک سالگی و بعد ۱۸ ماهگی ادامه خواهد داشت و کودکان ارزیابی می‌شوند این روند ادامه دارد تا پایان پنج سالگی. اگر بچه رشد کافی نداشته باشد یا بهبود پیدا نکرده باشد، حتماً ارزیابی مجدد خواهد شد که دلیل آن مشخص شود. شاید عدم رشد مناسب کودک اصلاً برای تغذیه نباشد و بیماری خاصی این مشکل را ایجاد کرده باشد. اما براساس آمار همکاران‌مان در وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۹ درصد و سال ۱۴۰۳ حدود ۴۲ درصد بهبود در وضعیت رشد و تغذیه کودکان داشتیم. مثلاً در خصوص لاغری شدید که همان سوءتغذیه حاد است این بهبود محقّق شده است.»

مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت رفاه با اشاره به تعداد کودکانی که مشمول این طرح شده‌اند، می‌گوید: «سال ۱۴۰۲ با آغاز اجرای طرح حدود ۱۳۶ هزار کودک را در ۱۳۱ هزار خانواده شناسایی کردیم و سال ۱۴۰۳ حدود ۱۳۴ هزار کودک در ۱۳۰ هزار خانواده و امسال ۲۶۰ هزار کودک در ۲۵۲ هزار خانواده را تحت پوشش قرار می‌دهیم. یک سبد مطلوب غذایی و مقرون به صرفه براساس آنچه انستیتو تغذیه در نظر گرفته است، برای یک فرد بالغ ۲۳۸۶ کیلو کالری در روز است که کودکان حدود ۶۰ درصد آن اقلام را مصرف می‌کنند. عددی که برای رفع سوءتغذیه پیش‌بینی شده، تقریباً می‌تواند پوشش مناسبی از آن اقلام را از لحاظ هزینه داشته باشد. اما برای طرح یسنا پوشش این مقدار کمتر است که در تلاش هستیم سبد هزینه‌ای بزرگ‌تری را با استمرار بیشتر داشته باشیم. امسال به علت شرایط خاص اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی کشور که جنگی را هم پشت سرگذاشتیم کمی کارها به تعویق افتاد که تلاش می‌کنیم از این ماه که حساب‌ها شارژ شده و به صورت مستمر پرداخت‌ها انجام شود.»

امسال پرداختی در ۷ مرحله انجام می‌شود

دکتر قیومی با اشاره به اینکه سال ۱۴۰۲ برای این طرح، ۱٫۴ همت بودجه در نظر گرفته شده بود، توضیح می‌دهد: «سال ۱۴۰۳، ۱٫۶ همت و سال جاری نزدیک به ۳ همت که تاکنون ۲٫۵ همت آن محقّق شده است که در ۷ مرحله پرداخت می‌شود و جمعیت هدف هم تقریباً صددرصد افزایش پیدا کرده است. یعنی از ۱۳۴ هزار نفر به ۲۶۰ هزار نفر رسیدیم. همچنین تعداد مراحل هم افزایش پیدا کرده است و حدود ۲۰ درصد مبلغ سبد رشد داشته است. با اعتباراتی که پیش‌بینی کردیم و افزایشی که داشتیم به نظر می‌رسد برای سال آینده هم بتوانیم همین روند را پوشش دهیم.»

شاید برای بعضی افراد سؤالی ایجاد شود که چرا تحت پوشش این طرح نیستند. دکتر قیومی در این باره می‌گوید: «شناسایی افراد برای این طرح توسط وزارت بهداشت و از طریق خانه‌های بهداشت انجام می‌شود. اگر مادری باردار شده اما به خانه بهداشت برای تشکیل پرونده مراجعه نکرده است، چطور می‌توانیم او را شناسایی کنیم. ولی اگر مراجعه کرده و پرونده تشکیل داده به ما معرفی می‌شود. ما هم مبتنی بر دهک خانوار یعنی یک تا پنج با اولویت دهک یک تا سه هدفگذاری می‌کنیم. یعنی در ابتدا اعتبار برای سه دهک اول شارژ می‌شود و بعد دو دهک دیگر. این موضوع برای کودکان دارای سوء تغذیه هم صدق می‌کند. وقتی والدین کودک بعد از زدن واکسن‌های ضروری دیگر به خانه‌های بهداشت برای ارزیابی شرایط کودک مراجعه نکرده‌اند چطور می‌توانیم شرایط کودک را بررسی کنیم. پس اگر افراد فکر می‌کنند مشمول دریافت این بسته هستند باید کودک‌شان را برای سنجش‌های دوره‌ای به مراکز و خانه‌های بهداشت ببرند و از لحاظ تغذیه بررسی شوند تا اگر نیاز به حمایت دارند، در مراحل بعدی بتوانیم آنها را تحت پوشش قرار بدهیم.»

در بیست‌وهفتمین همایش سالانه آسیب‌شناسی و طب آزمایشگاه مطرح شد

خدمات آزمایشگاهی کالای لوکس نیست

آزمایشگاه‌های تشخیص طبی بخش حیاتی نظام سلامت هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند تشخیص، درمان و پیشگیری از بیماری‌ها دارند. با این حال، در سال‌های اخیر، بسیاری از مراجعه‌کنندگان در ایران از کیفیت، هزینه و نحوه ارائه خدمات در این مراکز رضایت ندارند. بررسی ساختار خدمات آزمایشگاهی کشور نشان می‌دهد که ترکیبی از مشکلات مدیریتی، فنی، زیرساختی و اقتصادی باعث شده تجربه مردم در مراجعه به آزمایشگاه‌ها کمتر از حد مطلوب باشد. بیست‌وهفتمین همایش سالانه آسیب‌شناسی و طب آزمایشگاه با حضور استادان برجسته داخلی و خارجی از چهارم آذر به مدت ۴ روز در مرکز همایش‌های بین‌المللی ایران‌مال برگزار شد تا به آسیب‌شناسی، مسائل و مشکلات خدمات آزمایشگاهی در کشور بپردازد.

کلانشهرها تعداد زیادی آزمایشگاه خصوصی و دولتی دارند، اما مناطق کوچک و روستایی از کمبود امکانات آزمایشگاهی رنج می‌برند که این نبود توازن باعث افزایش هزینه و اتلاف وقت برای بیماران می‌شود. به‌جز این موارد موضوعاتی مانند افزایش مداوم قیمت کیت‌ها، مواد مصرفی و هزینه‌های جاری بر قیمت و کیفیت خدمات آزمایشگاهی در کشور اثرگذار است.

دکتر فرید کرمی، عضو هیأت‌مدیره انجمن علمی آسیب‌شناسی ایران، با بیان این مطلب به «ایران» می‌گوید: «آزمایشگاه‌ها مانند کارمندان دولت فقط یک بار در سال افزایش تعرفه دارند؛ اما قیمت مواد مصرفی، تجهیزات و هزینه‌های زندگی ماه به ماه بالا می‌رود. آزمایشگاه هر بار که یک کیت یا ماده جدید سفارش می‌دهد، با قیمت‌گذاری جدید و افزایش مجدد روبه‌رو می‌شود. داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها نیز همین مشکل را دارند.

او با اشاره به مشکلات شدید مالی و بیمه‌ای حوزه آزمایشگاه به خبر قطع بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی اشاره می‌کند: «چند روز پیش خبری منتشر شد که بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی فعلاً خدمات را پوشش نمی‌دهد؛ ما نیز این مسأله را در آزمایشگاه‌ها به شکل ملموس مشاهده کرده‌ایم. یعنی زمانی که بازنشستگان برای انجام آزمایش مراجعه کردند، خدمات بیمه تکمیلی در سامانه ثبت نمی‌شد و آنها عملاً بدون پوشش بیمه‌ای مانده بودند. در نظر بگیرید فردی که سال‌ها کار کرده و امروز در دوران بازنشستگی بیشترین نیاز را به خدمات آزمایشگاهی و درمانی دارد، اکنون باید تمام هزینه‌ها را از جیب پرداخت کند.»

لزوم حمایت جدی بیمه‌ها از خدمات آزمایشگاهی

هزینه‌های آزمایش در مراکز خصوصی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است، در حالی که پوشش بیمه‌ای در عمل کارآیی چندانی ندارد. بسیاری از بیمه‌های پایه، تعرفه‌های پایین‌تری نسبت به نرخ واقعی دارند و بیمه‌های تکمیلی نیز فرآیند تسویه پیچیده‌ای در نظر گرفته‌اند. در نتیجه، مردم گاهی مجبورند تمام هزینه را نقدی پرداخت کنند و بعد برای دریافت وجه از بیمه، مراحل طولانی را پشت سر بگذارند. این مسأله بویژه برای طبقات کم‌درآمد فشار مالی ایجاد می‌کند. دکتر کرمی درباره بازگشت خدمات سلامت به طبقه برخوردار جامعه می‌گوید: «آزمایشگاه یک کالای لوکس نیست. در بسیاری از کشورها هزینه واقعی خدمات سلامت از توان مالی اکثریت مردم بیشتر است و همین دلیل وجود بیمه‌های پایه و تکمیلی است. امروز در ایران در حال حرکت به سمتی هستیم که خدمات آزمایشگاهی، بستری و حتی جراحی فقط برای کسانی که توان پرداخت نقدی دارند قابل‌دسترسی است. این یک هشدار جدی است.»

> امروز در ایران در حال حرکت به سمتی هستیم که خدمات آزمایشگاهی، بستری و حتی جراحی فقط برای کسانی که توان پرداخت نقدی دارند قابل‌دسترسی است. این یک هشدار جدی است

عضو هیأت‌مدیره انجمن آسیب‌شناسی نسبت به استفاده از روش‌های کم‌کیفیت به‌دلیل محدودیت مالی نیز هشدار می‌دهد: «برخی آزمایش‌ها مانند تومورمارکرها نیازمند روش‌های بسیار حساس هستند تا بتوانند مقادیر بسیار کم مواد را در خون تشخیص دهند. اگر از روش‌های کم‌حساسیت استفاده شود، تشخیص دیرتر انجام می‌شود و جان بیماران به خطر می‌افتد. متأسفانه به‌دلیل مشکلات مالی و محدودیت‌های سازمان تأمین اجتماعی، آزمایشگاه‌ها برای استفاده از روش‌های پیشرفته دچار مشکل شده‌اند.» دکتر کرمی با بیان اینکه حذف پوشش بیمه تکمیلی فقط محدود به آزمایشگاه‌ها نیست و بیمارستان‌های مخصوص بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز فعلاً پوششی دریافت نکرده‌اند، توضیح می‌دهد: «این مسأله باید هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود تا بازنشستگان از ابتدایی‌ترین خدمات محروم نمانند. آزمایشگاه‌ها ستون تشخیص پزشکی هستند. اگر شرایط به همین شکل ادامه پیدا کند و خدمات فقط برای افراد دارای توان مالی ارائه شود، مجموعه آزمایشگاه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل خواهند شد. انتظار داریم مسئولان به‌طور جدی برای اصلاح نظام پرداخت و حل بحران بیمه‌ها اقدام کنند.»

افزایش آزمایش‌های غیرضروری

همان قدر که برخی از افراد از تزریق یا خون‌گیری می‌ترسند، اما بسیاری از مردم هم تصور می‌کنند با انجام مرتب آزمایش بدون سایر مراقبت‌ها می‌توانند بیماری‌شان را کنترل کنند که همین باعث افزایش آزمایش‌های غیرضروری شده است. کرمی درباره این موضوع می‌گوید: «در سیستم‌های سلامت پیشرفته، خطوط راهنمای تشخیص و درمان وجود دارد و هر آزمایشی انجام نمی‌شود، اما در ایران بخش زیادی از آزمایش‌ها به درخواست مستقیم بیماران انجام می‌شود. بنابراین نبود راهنماهای بالینی و نظارت بیمه‌ای باعث شده هزینه‌های غیرضروری به مردم و به سیستم تحمیل شود. به طور کلی بسیاری از مردم هنوز آزمایش دوره‌ای را فقط در زمان بیماری جدی انجام می‌دهند، در حالی که سلامت عمومی جامعه نیازمند آزمایش‌های پیشگیرانه است.»

آزمایشگاه‌هایی بدون رتبه‌بندی

آزمایشگاه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تشخیص و مراقبت پزشکی، نقشی حیاتی در تصمیم‌های درمانی دارند. همچنین هرگونه خطا یا ضعف در عملکرد آنها می‌تواند به اشتباه در تشخیص، درمان ناکارآمد یا اتلاف منابع منجر شود. رتبه‌بندی آزمایشگاه‌ها یک سازوکار علمی و مدیریتی برای ارزیابی، مقایسه و نظارت بر کیفیت عملکرد آن‌هاست؛ فرآیندی که به شفافیت، رقابت سالم و بهبود استانداردها کمک می‌کند. محمدعلی برومند عضو هیأت مدیره انجمن علمی آسیب‌شناسی ایران، با اشاره به چالش‌های کیفیت آزمایشگاه‌ها در کشور می‌گوید: «نبود یک سیستم اعتباربخشی مستقل و استاندارد، بیماران را با ریسک مواجه می‌کند و باعث شده کیفیت خدمات آزمایشگاهی هنوز در سطحی حداقلی باقی بماند.»

او درباره وضعیت کیفیت آزمایشگاه‌ها به «ایران» می‌گوید: «حدود ۸ تا ۱۰ سال پیش وزارت بهداشت تلاش کرد تا با اعطای لوح کیفیت به آزمایشگاه‌ها، سطح خدمات آزمایشگاهی را ارتقا دهد. اما به دلیل شرایط مدیریتی و تداخل‌های سازمانی در کشور، این اقدام در همان ابتدا محدود شد.»

او با بیان اینکه در بسیاری از کشورها، یک مؤسسه اعتباربخشی معتبر و مستقل این فرآیند را مدیریت می‌کند، اما در ایران این امکان هنوز فراهم نشده است، توضیح می‌دهد: «به همین دلیل بیماران با تنوع وسیعی از کیت‌ها و تجهیزات مواجه هستند؛ از کیت‌های معتبر بین‌المللی گرفته تا محصولاتی که توسط شرکت‌هایی با سابقه کوتاه در بازار عرضه می‌شوند و هیچ درجه‌بندی یا نظارت دقیقی بر کیفیت آنها وجود ندارد.» به نظر برومند، سیاست‌های موجود، بویژه در شرایط محدودیت ارزی، تنها به حداقل نیازهای مربوط به تحویل خدمات به بیمار توجه دارد و تعریف کیفیت جامع تغییر چندانی نکرده است.

آیا ایران می‌تواند اولین الگوی جهانی «یارانه هوشمند انرژی» را ایجاد کند؟

بنزین شهروندی؛ گذار به یارانه هوشمند

عکس: علیرضا خضرایی/ شانا

مدل «بنزین شهروندی» که به کد ملی افراد اختصاص می‌یابد و با بلاک‌چین، هوشمندسازی، اقتصاد دیجیتال و حکمرانی داده پشتیبانی می‌شود، می‌تواند ایران را به الگویی نوین در مدیریت هوشمند انرژی و توجه به سازوکارهای علم اقتصاد تبدیل کند

پیشنهاد کارشناس

مجتبی توانگر
پژوهشگر اقتصاد دیجیتال و حکمرانی داده

نابرابری در بهره‌مندی از یارانه بنزین در کشورمان از مشکلات دیرینه است. سیستم فعلی بر اساس خودرو طراحی شده و خانواده‌ای با چند خودرو چند برابر یک فرد بدون خودرو از یارانه بهره می‌برد، در حالی که گروه‌های کم‌درآمد در عمل سهمی از این یارانه نمی‌برند. این شیوه توزیع باعث شده که آزادسازی قیمت‌ها همواره با نگرانی از فشار بر اقشار آسیب‌پذیر همراه باشد و نتیجه عدم توجه به سازوکار بازار؛ بازار سیاه و سوءاستفاده‌های گسترده را شکل داده است.

برای رفع این چالش، مدل «بنزین شهروندی» پیشنهاد شده است که سهمیه بنزین به هر کد ملی اختصاص یابد و هر فرد مالک سهمیه خود باشد؛ سهمیه‌ای که برای مصرف شخصی یا فروش محدود در بازار داخلی قابل استفاده است. این رویکرد علاوه بر ایجاد عدالت، امکان ایجاد یک بازار با قواعد مشخص و هوشمند را فراهم می‌کند.

۱- اما اجرای این مدل حداقل در کوتاه مدت بدون استفاده از فناوری‌های نوین و حکمرانی داده به شکست خواهد انجامید. تجربه جهانی نشان می‌دهد که مکانیزم‌های سنتی آزادسازی سوخت، حتی در کشورهای توسعه‌یافته، بدون داده‌های واقعی و ابزار نظارت دیجیتال، به نوسانات شدید قیمت، فشار بر دهک‌های ضعیف و رشد بازار سیاه منجر شده است.

نمونه بارز این موضوع، تجربه مکزیک در سال ۲۰۱۷ است. آزادسازی ناگهانی قیمت بنزین بدون زیرساخت داده‌ای و بدون آمادگی کافی، با افزایش حدود ۲۰ درصدی قیمت‌ها، منجر به اعتراضات گسترده مردمی شد که به «گازولینازو» معروف گردید.[1] این اعتراضات شامل مسدود کردن بزرگراه‌ها، تعطیلی جایگاه‌های سوخت و تظاهرات وسیع در سراسر کشور بود.

در مقابل، در برخی کشورهای اروپایی با استفاده از سنسورهای هوشمند و سیستم‌های دیجیتال ثبت و نظارت بر مصرف انرژی، توانسته‌اند تقلب و اتلاف انرژی را به شکل قابل توجهی کاهش دهند.

۲- به‌جای تعیین قیمت مازاد مصرف صرفاً براساس حدس یا تصمیم دولت، سامانه هوشمند می‌تواند با تحلیل داده‌های واقعی مصرف خانوارها، ظرفیت تولید داخلی، نوسانات قیمت جهانی نفت و وضعیت بازار داخلی، قیمت لحظه‌ای را پیشنهاد دهد.

این سامانه می‌تواند سقف و کف قیمت روزانه تعیین کند تا از نوسان‌های شدید جلوگیری شود و در عین حال، امکان آزادسازی واقعی و عادلانه را فراهم سازد.

تجربه کالیفرنیا در زمینه قیمت‌گذاری پویا برای برق نشان می‌دهد که با استفاده از تحلیل مصرف و پیش‌بینی تقاضای لحظه‌ای، مشتریان مسکونی مجهز به ترموستات‌های برنامه‌پذیر توانسته‌اند در زمان اوج مصرف، حدود ۱۵ درصد کاهش بار اوج داشته باشند.[2]

چنین مدلی احتمالاً می‌تواند برای بنزین نیز در ایران شبیه‌سازی شود تا برای بهینه‌سازی مصرف بنزین و کاهش فشار اقتصادی بر دهک‌های ضعیف به‌کار گرفته شود.

۳- در این مدل، به هر فرد یک سهمیه مشخص ماهانه تعلق می‌گیرد و این سهمیه در صورت عدم نیاز قابل فروش در بازار داخلی با محدودیت‌های قیمت و زمان‌بندی است.

این محدودیت‌ها مانع شکل‌گیری نوسانات شدید، احتکار و سوءاستفاده می‌شوند و بازار را کنترل‌شده اما رقابتی نگه می‌دارند. خانوارهای کم‌درآمد که خودرو ندارند، می‌توانند سهمیه خود را به بازار بفروشند و به درآمد واقعی برسند. در مقابل، خانواده‌های پرمصرف یا صاحبان چند خودرو مجبور هستند مصرف اضافی خود را با قیمت واقعی خریداری کنند.

۴- می‌توانیم تمام تراکنش‌های خرید و فروش سهمیه را روی بلاک‌چین ثبت نماییم که غیرقابل تغییر و شفاف هستند و هر سهمیه قابل ردیابی است.

هم‌زمان، سنسورهای هوشمند در خودروها و جایگاه‌ها مصرف واقعی را ثبت می‌کنند و الگوریتم‌های هوش مصنوعی، الگوهای غیرعادی مصرف یا قاچاق را شناسایی و هشدار می‌دهند.

در اروپا، پروژه «Guarantee of Origin» با ترکیب بلاک‌چین و Smart Meter، امکان جعل سوخت و تقلب در مصرف انرژی را به حداقل رسانده است.[3]

در ایران، این فناوری می‌تواند جلوی بازار سیاه بنزین و سوءاستفاده از سهمیه‌ها را بگیرد. البته استفاده از بلاک‌چین و هر ابزار هوشمند در واقع برای تسهیل سازوکار بازار و مشارکت مردم در اقتصاد است.

۵- با داده‌های تاریخی و هوش مصنوعی، سناریوهای مختلف سیاستی می‌توانند پیش‌بینی و شبیه‌سازی شوند تا پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تصمیمات مشخص شود.

این مدل مشابه مدل‌های «Energy System Modeling» در آلمان و هلند است که امکان پیش‌بینی تأثیر تغییر قیمت انرژی، مصرف و عدالت اجتماعی را فراهم می‌کند.[4]

تصمیم‌گیران ایرانی می‌توانند قبل از اجرای هر تغییر، اثرات واقعی آن بر دهک‌های مختلف، شهرها و مناطق مرزی را شبیه‌سازی و برنامه را اصلاح کنند.

۶- مدل «بنزین شهروندی» که به کد ملی افراد اختصاص می‌یابد و با بلاک‌چین، هوشمندسازی، اقتصاد دیجیتال و حکمرانی داده پشتیبانی می‌شود، می‌تواند ایران را به الگویی نوین در مدیریت هوشمند انرژی و توجه به سازوکارهای علم اقتصاد تبدیل کند.

این سیستم سه هدف اساسی را به طور همزمان دنبال می‌کند: اول، عدالت اجتماعی را با اختصاص سهمیه به افراد و نه خودروها برقرار می‌سازد. دوم، بازار را کارآمد و رقابتی می‌کند و از تشکیل بازار سیاه پیشگیری می‌نماید. سوم، شفافیت و کنترل کامل را برای شهروندان و نهادهای نظارتی فراهم می‌آورد.

با اجرای این طرح، ایران می‌تواند اولین کشور در جهان باشد که یارانه انرژی را بر اساس افراد، بازار کنترل‌شده و فناوری‌های نوین دیجیتال مدیریت می‌کند و در عین حال از هدررفت منابع جلوگیری کرده و بهره‌وری انرژی را افزایش دهد.

این تحول نه تنها مسأله توزیع یارانه را حل می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای گذار به اقتصاد دیجیتال و مدیریت هوشمند منابع ملی فراهم می‌سازد.

1- Mexico petrol price hike sparks protests and looting», Euronews, 6 Jan 2017
2- «Potential Impacts of Dynamic Pricing on Electricity Consumers», Lawrence Berkeley National Laboratory,
3- J. K. et al., «Guarantee of Origin and Blockchain Integration in Energy Systems», Energy Reports, 2021
4- F. K. et al., «Energy System Modeling for Policy Simulation», Energy Policy, 2020.

روزنامه ایران از جنبه مسئولیت اجتماعی و ایجاد فضای لازم برای بحث دقیق و کارشناسی میزبان پیشنهادهای صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله اصلاح قیمت‌های حامل‌های انرژی است. اما نشر این دیدگاه‌ها لزوماً به معنای تأیید همه یا بخشی از محتواهای منتشرشده توسط «ایران» نیست.

بنگاه

تمدید گواهینامه بین‌المللی سیستم مدیریت انرژی

گواهینامه بین‌المللی استاندارد iso۵۰۰۰۱ شرکت پتروشیمی شازند بر اساس اقدامات مؤثر و مستمر این شرکت و همچنین انجام ممیزی مراقبتی، به مدت یک سال دیگر تمدید شد. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل، شرکت پتروشیمی شازند دارنده گواهینامه‌های بین‌المللی در زمینه‌های سیستم مدیریت کیفیت، محیط زیست، ایمنی و سلامت شغلی و امنیت اطلاعات، در زمینه سیستم مدیریت انرژی نیز گام‌های مؤثری برداشته و اقدامات مؤثر و مستمری را در این زمینه انجام داده است.

حمایت صندوق ضمانت سپرده‌ها از استمرار فعالیت و طرح احیای بانک سرمایه

هیأت مدیره جدید بانک سرمایه در اولین روزهای کاری خود با مدیرعامل صندوق ضمانت سپرده‌ها دیدار و گفت‌وگو کردند. به گزارش روابط عمومی بانک سرمایه، اعضای جدید هیأت مدیره این بانک در اولین روز از آذرماه، با حضور در صندوق ضمانت سپرده‌ها با دکتر عارف نوروزی، مدیرعامل صندوق ضمانت سپرده‌ها، دیدار کردند.

مدیرعامل صندوق ضمانت سپرده‌ها در این دیدار با تبریک انتخاب اعضای جدید هیأت مدیره بانک سرمایه از سوی سهامداران این بانک و با اشاره به حمایت بانک مرکزی و صندوق ضمانت سپرده‌ها از استمرار فعالیت‌ها و طرح احیای بانک سرمایه، بر ضرورت هماهنگی در انجام تکالیف حاکمیتی و نیز تعامل با ذی‌نفعان و سهامداران و استفاده از ظرفیت‌های وزارت آموزش و پرورش و ارائه خدمات جدید به فرهنگیان تأکید کرد.

انتصاب فرمانده ارشد پدافند غیرعامل منطقه نفتی بندرعباس

ایران آنلاین/ بندرعباس- فرمانده ارشد پدافند غیرعامل و مدیریت شرایط اضطراری منطقه نفتی بندرعباس معرفی شد. طی حکمی از سوی سرتیپ پاسدار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، وحید قانعی‌فرد، مدیرعامل شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس، به سمت «فرمانده ارشد پدافند غیرعامل و مدیریت شرایط اضطراری منطقه نفتی بندرعباس» منصوب شد. حکم انتصاب قانعی‌فرد در آیینی با حضور عبدالرحمن کشوری، معاون انرژی سازمان پدافند غیرعامل کشور، اعطا شد.

در متن حکم انتصاب، با تأکید بر اهمیت حیاتی و راهبردی منطقه نفتی غرب بندرعباس، بر لزوم هماهنگی مؤثر و به کارگیری ظرفیت‌های موجود برای رعایت الزامات پدافند غیرعامل و آمادگی در برابر شرایط اضطراری ناشی از تهدیدات تصریح شده است.

آگهی مناقصه عمومی

سایپاپرس

شرکت سایپا پرس (سهامی خاص) در نظر دارد، خدمات جرثقیل ۴۰ یا ۶۰ تن مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. لذا از عموم متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ با مراجعه به سایت www.saipapress.net اسناد مناقصه را دریافت و تسلیم نمایند.

تلفن تماس: ۵۱۰۲۲۸۱۵-۵۱۰۲۲۸۴۹

آگهی مناقصه

شماره ۴۱۰۴۱۲۴ نوبت دوم

شرکت ملی صنایع مس ایران

شرکت ملی صنایع مس ایران با عنوان مناقصه‌گزار در نظر دارد پروژه **«احداث انبار جدید روباز ضایعات مجموعه کارخانجات مس خاتون‌آباد»**، را به شرکت‌ها یا مؤسسات واجدصلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت‌های رسمی این شرکت به‌شرح ذیل مراجعه نمایید.

www.nicico.com
www. sarcheshmeh.nicico.com
www.dargah.nicico.com
www. shahrbabak.nicico.com

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی

چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ/پلیت ستر ۴/۵ ورقی/برش و تاکنی روزنامه

۸۴۷۱۱۵۰۵-۷

آدرس دفتر: تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

آدرس چاپخانه: چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

اجاره واحد تجاری

رویاساختمان آریا

گروه توسعه ساختمان تدبیر

ردیف	نام پروژه	کاربری	طبقه و موقعیت واحد	مساحت قطعی (متر مربع)	ضمائم	مبلغ پایه اجاره بها، ماهیانه (ریال)	مبلغ ودیعه (ریال) (ثابت)
۱	گلستان	تجاری	همکف جنوبی	۱۷۵.۸۵	۸ واحد پارکینگ	۲،۰۷۰،۰۰۰،۰۰۰	۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰

نشانی: تهران، مجیدیه شمالی، خیابان شهید محمد مولوی، ملکنده (نبش گلستان ۱۰)، پلاک ۲

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) وابسته به گروه توسعه ساختمان تدبیر (سهامی خاص) درنظر دارد نسبت به واگذاری یک واحد تجاری خود درقالب قرارداد اجاره واقع در پروژه گلستان (شهید کرد) به شرح جدول فوق از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید.

متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ طی روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ جهت اخذ اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد شرکت در مزایده به دفتر فروش شرکت به نشانی ذیل مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان۳۳، پلاک۱۴، طبقه پنجم

شماره های تماس:

۰۲۱ -۸۸۱۹۱۷۴۹-۸۸۱۹۴۱۷۸-۸۸۱۹۸۴۲۹-۸۴۳۴۹۳۲۷

شرایط شرکت در مزایده:

- شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
- پاکت های پیشنهادی به همراه یک فقره چک بانکی تضمینی، ضمانت نامه بانکی و یا فیش واریزی طبق فرم شرایط شرکت در مزایده می بایست حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ به واحد فروش شرکت واقع در نشانی مورد اشاره تحویل گردد.
- بازگشایی پاکت های پیشنهادی در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ انجام خواهد شد.
- پیشنهادهای فاقد سپرده، مخدوش، مبهم، مشروط و کمترازمبلغ پایه از درجه اعتبارساقط می باشد.
- بازدید از واحد با هماهنگی دفتر فروش شرکت، الزامی می باشد.
- سایر شرایط دراسناد مزایده درج گردیده است.
- متقاضیان جهت اخذ اطلاعات بیشتر می توانند ازتاریخ انتشارآگهی به نشانی های اینترنتی www.arc.co.ir و www.tcdgroup.ir مراجعه نمایند.
- کلیه هزینه های مزایده به میزان ۲۵ درصد مبلغ پایه اجاره بها، ماهیانه به عهده برنده مزایده می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

بانک گردشگری در نظر دارد نسبت به‌فروش اقلام مازاد و اسقاطی خود از طریق مزایده عمومی، اقدام نماید.

متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ جهت دریافت اسناد و مدارک به آدرس: تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، نبش کوچه نور، ساختمان مرکزی بانک گردشگری، طبقه چهارم، مدیریت امور پشتیبانی و املاک مراجعه نمایند.

* بدیهی است شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد بوده و بانک در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
* هزینه آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

بانک گردشگری TOURISM BANK

بانک گردشگری - مدیریت امور پشتیبانی و املاک

مرحله آگهی مزایده

شرکت فجراعتبار (سهامی خاص)
شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۰۹۹۷۱

این شرکت بازرگانی در نظر دارد ملک خود را به مساحت ۵۳۲۱ مترمربع سهم مشاع از ۱۹۰۹۵مترمربع عرصه و اعیان به پلاک ثبتی شماره ۱۸۱۹۹ فرعی از ۱۴۶ اصلی و ملک به مساحت ۹۹۲۶ مترمربع به‌صورت شش دانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی به‌شماره ۱۸۶۲۴ فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در (شهرستان کرج - اراضی صوفی آباد - شهرک یاس - خیابان پاسداران - اراضی دامداری) خود را از طریق مزایده به بالاترین قیمت به‌فروش برساند، متقاضیان تا ۱۰ روز پس از تاریخ آگهی می‌توانند نسبت به تهیه اسناد و مشخصات ملک مذکور جهت درخواست خرید و پیشنهاد مبلغ در پاکت در بسته از طریق ایمیل fajreetebar@yahoo.com و همچنین شماره تلفن‌های ۸۱۰۵۷۰۷ - ۰۹۱۰ و ۲۲۰۷۴۹۳۶ اقدام نمایند.

بدیهی است درصورت انصراف برنده مزایده سپرده مذکور به نفع شرکت ضبط خواهد شد و شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات مختار می‌باشد.

هیأت‌مدیره شرکت فجر اعتبار

مناقصه عمومی دومرحله‌ای

تأمین مصالح و اجرای مسیرهای دسترسی خودرویی Bund Wall مخازن

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-Bund Wall-TE- 02841

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام)

شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس (سهامی عام) در نظر دارد **تأمین مصالح و اجرای مسیرهای دسترسی خودرویی Bund Wall مخازن ذخیره خود شامل تهیه مصالح مصرفی و غیر مصرفی، اجرای تمامی عملیات عمرانی مورد نیاز در اطراف و داخل محوطه مخازن و Ramp مورد نیاز جهت عبور خودرو از روی خطوط FireWater موجود در محوطه مخازن، شامل عملیات خاکبرداری، بسترسازی، خاکریزی، کمپکت، اجرای سازه‌های بتنی و احداث مسیرها و جاده‌های دسترسی بتنی در محوطه داخلی و پیرامونی مخازن و غیره** را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به متقاضی واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ با ارسال نامه، اعلام آمادگی خود را (مطابق دستورالعمل مکاتبات مندرج در وبگاه شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس سربرگ مناقصات به آدرس WWW.PGSOC.IR) به‌همراه فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیون) ریال واریزی به‌حساب شماره ۰۲۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴۸ بانک تجارت با شماره شبا IR۵۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴ به‌نام شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس (متقاضیان به‌منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی با شماره‌های ۰۷۶-۳۱۳۱۲۶۷۲، ۰۷۶-۳۱۳۱۲۶۳۵، ۰۷۶-۳۱۳۱۲۶۶۰ و ۰۷۶-۳۱۳۱۳۳۵۷ تماس حاصل فرمایند.)

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۳۳،۲۶۰،۰۰۰،۰۰۰ (سی و سه میلیارد و دویست و شصت میلیون) ریال. (در مرحله دوم دریافت می‌شود.)

میزان پیش پرداخت: ۲۵ (بیست و پنج) درصد مبلغ کل قرارداد در قبال دریافت ضمانت‌نامه بانکی معتبر

مدت قرارداد: ۱۸ (هجده) ماه شمسی

تاریخ جلسه توجیهی: جلسه توجیهی در ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ در محل سالن هنگام پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس برگزار می‌گردد. متقاضیان باید حداکثر تا ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ نسبت به معرفی نماینده خود جهت بازدید اقدام فرمایند.

مهلت تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه (پیشنهاد فنی "پاکت ب" و ارزیابی کیفی "پاکت د" در قالب لوح فشرده (CD)): تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

محل تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه و پروژه: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس، امور حقوقی، حاکمیت شرکتی و قراردادها

تلفن: ۰۷۶-۳۱۳۱۰۰۰۰ داخلی ۳۰۲۷، **دورنگار:** ۰۷۶-۳۱۳۱۳۱۳۱، کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، **ایمیل:** Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و بین الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس

مرحله آگهی مزایده

شرکت فجراعتبار (سهامی خاص)
شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۰۹۹۷۱

این شرکت بازرگانی در نظر دارد شش دانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی ۱۳۰۱۷-۱۵۵/۳۷۶۶ به متراژ عرصه ۴۳۳ مترمربع و پلاک‌های ثبتی ۱۳۰۱۹-۸۸۶۷-۸۶۹۷-۱۵۵/۱۳۰۱۸ شامل ۳ باب واحد تجاری و دو طبقه مسکونی (واقع در استان البرز - شهرکرج خ مطهری بلوار نبوت جنب قنادی توتک) خود را از طریق مزایده به بالاترین قیمت به‌فروش برساند، متقاضیان تا ۱۰ روز پس از تاریخ آگهی می‌توانند نسبت به تهیه اسناد و مشخصات ملک مذکور جهت درخواست خرید و پیشنهاد مبلغ در پاکت در بسته از طریق ایمیل fajreetebar@yahoo.com و همچنین شماره تلفن‌های ۸۱۰۵۷۰۷ - ۰۹۱۰ و ۲۲۰۷۴۹۳۶ اقدام نمایند.

بدیهی است درصورت انصراف برنده مزایده سپرده مذکور به نفع شرکت ضبط خواهد شد و شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات مختار می‌باشد.

هیأت‌مدیره شرکت فجر اعتبار

آگهی مناقصه عمومی
صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان
آگهی مناقصه شماره ۷۹-۱۴۰۴

موضوع مناقصه: سه مرحله ماشینکاری قطعه فولادی ابعاد حدود ۸۰×۲۲۲ میلیمتر جمعاً به تعداد ۷۵۰۰۰ عدد (تأمین متریال بر عهده کارفرما می‌باشد)

الف - ضمانت شرکت در مناقصه: حاوی سپرده شرکت در مناقصه، ضمانت بادشده به یکی از دو روش قابل ارائه می‌باشد: ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی یا چک صیادی و سفته هر کدام معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی (جمعا به میزان ۱۰٪ مبلغ کل پیشنهادی)

ب - مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

ج - مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

د- زمان بازگشایی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

هـ - محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان - مبارکه، روبه‌روی روستای باغ ملک، صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان، معاونت بازرگانی «مدیریت خرید»

شماره تماس: ۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۵-۲۹ و ۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۰

(هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.)

روابط عمومی صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان

یادداشت

سعید ساویز
کارشناس اقتصادی

ضرورت تنوع بخشی به سبد انرژی

بخشی از نیروگاه‌های کشور پیش از انقلاب ساخته شده‌اند. براساس گزارش رسمی، در تعدادی از این نیروگاه‌ها، به‌خصوص آنهایی که نزدیک شهرهای بزرگ هستند، مازوت‌سوزی انجام نمی‌شود و می‌گویند که مثلاً گازوئیل آلوده است. اما نکته اول این است که ۵۰ساله بودن این نیروگاه‌ها خود یک مسأله جدی است؛ این سؤال مطرح است که چرا طی این سال‌ها آنها را نوسازی و بهینه نکرده‌ایم. بنابراین در موضوع مازوت‌سوزی و بالابودن گوگرد گازوئیل، در درجه اول باید یک آنالیز دقیق از وضعیت آلودگی ارائه شود، زیرا حرف‌هایی که مطرح می‌شود متناقض است و به نظر می‌رسد نوعی تلاش برای انداختن مسئولیت بر گردن وزارت نفت وجود دارد که رویکرد درستی نیست.
برخی نیروگاه‌ها ذاتاً مازوت‌سوز هستند و حتی با مازوت بهتر کار می‌کنند؛ اما مسأله این است که چرا این سیستم‌ها طی همه این سال‌ها بهینه نشده‌اند؟ امروز مصرف گاز در ایران به حدی زیاد است که تولید گاز پاسخگوی آن نیست و ما مجبور می‌شویم به سوخت‌های دیگر رو بیاوریم. اساساً نباید گازرسانی کشور به این شکل گسترده انجام می‌شد. وقتی برای یک ثروت خدادادی مثل گاز برنامه‌ریزی می‌کنیم، باید آینده را هم ببینیم. هر میدان نفتی یا گازی یک پیک تولید دارد و پس از آن وارد دوره افت می‌شود. امروز میدان‌های ما وارد دوره افت تولید شده‌اند و این طبیعی است و ما چاله‌ای بزرگ‌تر از ظرفیت واقعی گاز ایجاد کردیم.
اکنون تولید برق تقریباً فقط حرارتی است، از طرف دیگر پتروشیمی‌های گازپایه، متانول سازها و صنعت فولاد بخشی از گاز را مصرف می‌کنند؛ اما در کنار اینها مصرف خانگی بار سنگین‌تری بر سیستم گاز تحمیل کرده است. چون زمانی گاز فراوان داشتیم، هیچ‌گاه به این فکر نکردیم که ممکن است ۱۵ سال بعد چنین فراوانی وجود نداشته باشد. این فاصله میان تولید و مصرف اکنون یک شکاف بزرگ ایجاد کرده است.
راهکار، تنوع‌بخشی به سبد انرژی است. چرا باید در عمل فقط نیروگاه حرارتی و تا حدی برق‌آبی داشته باشیم؟ چرا توسعه انرژی خورشیدی و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر جدی گرفته نشده است؟ انرژی‌های نو هرچند گران‌تر هستند، اما گزینه‌هایی قابل اتکا و ضروری‌اند.
نبود تنوع در سبد انرژی نتیجه سال‌ها تلاش برای پایین نگه‌داشتن قیمت‌هاست، امروز باید بپذیریم که گاز کافی نداریم و نباید در دود خفه شویم و منتظر بادوباران بمانیم. باید از تجربه دیگر کشورها الگوبرداری کنیم. کشوری مانند ایران که این همه آفتاب دارد، قطعاً ظرفیت بزرگی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دارد.

یادداشت

حسین میرافضل
کارشناس حوزه انرژی

هزینه رفع آلودگی بیشتر است یا ایجاد آلودگی؟

آلودگی هوای تهران و شهرهای مشابه را می‌توان در دو قالب اصلی بررسی کرد؛ نخست ذرات معلق ریز که عمدتاً از احتراق ناقص سوخت در خودروها، بخاری‌های قدیمی، نیروگاه‌ها، پکیج‌ها و موتورخانه‌ها ناشی می‌شوند و اثرات بهداشتی شدیدی برجای می‌گذارند. دوم گاز دی اکسیدکربن (CO_2) که یکی از عوامل اصلی گرمایش زمین نیز محسوب می‌شود. در تحلیل منشأ انتشار باید گفت که برخلاف تصور رایج، حدود ۷۰ درصد از انتشار CO_2 در تهران و شهرهای بزرگ ناشی از مصرف گاز طبیعی در بخش‌های خانگی، تجاری و نیروگاهی است و سهم خودروها در کنار دیگر منابع، حدود ۳۰ درصد است. این یعنی گاز طبیعی که به عنوان سوختی پاک‌تر شناخته می‌شود، به دلیل حجم بالای مصرف نقش اصلی را در تولید این گاز گلخانه‌ای ایفا می‌کند. در مورد عامل اصلی انتشار ذرات معلق وضعیت متفاوت است. در این زمینه هم منابع گازسوز (مانند موتورخانه‌ها، پکیج‌ها و بخاری‌های قدیمی) و حتی خودروها سهم قابل توجهی دارند. وجود حدود ۲۱ میلیون بخاری قدیمی با راندمان پایین در کشور که احتراق ناقصی دارند سهم بزرگی در تولید این ذرات خطرناک ایفا می‌کنند.
راهکار خروج از این بحران یک اقدام دو وجهی است. به طوری که اول کاهش سهم گاز در گرمایش ساختمان‌ها در کلانشهرهایی مانند تهران که به دلیل اقلیم خاص و وارونگی دما، ظرفیت تحمل این حجم از آلاینده را ندارند. بنابراین پیشنهاد می‌کنم که طی یک برنامه ۳ تا ۵ ساله سهم گاز در گرمایش خانه‌ها به زیر ۵۰ درصد کاهش پیدا کند و با هیترهای برقی با راندمان بالا جایگزین شود. زیرساخت برق کشور در زمستان به دلیل ظرفیت مازاد توان پشتیبانی از این انتقال را دارد. این هشدار در قالب «طرح توازن گاز کشور» که حدود ۲۰ سال پیش ارائه شد، داده شده بود اما مورد توجه قرار نگرفت.
دومین و اساسی‌ترین راهکار از نظر من، مدیریت مصرف و جلوگیری از هدررفت عظیم انرژی در ساختمان‌هاست. مشکل اصلی اتلاف گرماست. به عنوان مثال، یک خانه ۱۰۰ متری با عایق‌بندی مناسب، با حداقل انرژی گرم می‌ماند. راه‌های ساده و کم هزینه‌ای مانند نصب درزگیر برای پنجره‌ها، استفاده از پرده‌های ضخیم و بستن دریچه‌های کولر می‌تواند تا ۴۰ درصد از اتلاف انرژی کم کند. هزینه واقعی رفع آلودگی، نه بعد از تولید آن، بلکه در جلوگیری از مصرف بی رویه و هدررفت انرژی است.
علاوه بر آن در کنار این دو محور اعمال قوانین سختگیرانه بر وسایل نقلیه امری ضروری است و خودروها و کامیون‌های فرسوده و فاقد معاینه فنی استاندارد که دودزایی می‌کنند، نباید کوچک‌ترین مجوزی برای تردد در مراکز شهری مانند تهران داشته باشند. مقابله با آلودگی نیازمند قطع ریشه‌ها در سرمنشأ است.
در نتیجه هزینه پیشگیری و کاهش مصرف (که همان رفع آلودگی از مبدأ است) همواره به مراتب کمتر و مؤثرتر از هزینه‌های مادی و بهداشتی ناشی از ایجاد و گسترش آلودگی است.

«ایران» به سهم خودروهای فرسوده در آلودگی هوا پرداخت

اسقاطی‌ها؛ متهم ردیف اول آلودگی تهران

عکس: ایران

گزارش

پاییز که می‌آید، تهران و دیگر کلان‌شهرها در هاله خاکستری رنگی پنهان می‌شوند. تصویرها تار و مه گرفته و اتاقی به بزرگی چند ده میلیون نفر که همگی گاز را به ریه‌هایشان هدایت می‌کنند. این تشریح شرایطی است که هر سال بدتر از سال قبل گریبان پایتخت و بسیاری از شهرهای دیگر ایران را می‌گیرد. تعطیلی‌های مداوم مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات، هشدارهای زرد و قرمز و نارنجی و بنفش، راهکارهایی است که اگرچه هر سال تکرار می‌شود، اما حکم مسکن دارد و موضوع را ریشه‌ای حل نمی‌کند. پس ریشه آلودگی مداوم و رو به ازدیاد هوا در چیست؟ آیا این عارضه ریشه اقتصادی دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد عواملی همچون مازوت‌سوزی کارخانه‌ها، وارونگی هوا در پاییز و زمستان، تردد خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌های کاربراتوری، ریزگردها و نبود بارندگی بازیگران مهمی در آلودگی هوا هستند. در این گزارش نقش خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌های کاربراتوری در آلودگی هوا از نگاه کارشناسان و صاحبنظران بررسی شده است؛ نقشی مهم که گفته می‌شود بیشترین سهم را در هوای امروز دارد.

سهم وسایل نقلیه از آلودگی هوا

چندی پیش ایرنا نوشته بود: «وسایل نقلیه با سهم حدود ۶۵ درصد، بیشترین سهم را در انتشار ذرات معلق از ۲٫۵ میکرون دارند و متهم ردیف اول آلودگی هوا در کلان‌شهرها به خصوص در فصول سرد سال هستند». این آمار، اهمیت اسقاط خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌های قدیمی را به وضوح توضیح می‌دهد. در عین حال موضوع از جایی وخامت شرایط را نشان می‌دهد که حسن سالاریه، رئیس سابق ستاد نوسازی ناوگان در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «موتورسیکلت‌های فرسوده و کاربراتوری، ۴ برابر خودروهای فرسوده آلودگی ایجاد می‌کنند.» شاید به همین دلیل است که مرکز شهر، هوایی به‌شدت آلوده‌تر از مناطق دیگر تهران دارد. چراکه تردد موتورسیکلت در مرکز شهر بیشتر از سایر نقاط پایتخت است. بنابراین به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته باید اسقاط موتورسیکلت‌های فرسوده در اولویت قرار می‌گرفت. اما اظهارات رئیس سابق ستاد نوسازی ناوگان خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. او می‌گوید: «اسقاط موتورسیکلت‌های فرسوده پیچیده است و باید زیرساخت‌های لازم برای آن فراهم شود. به تازگی این زیرساخت‌ها فراهم شده و به‌زودی اسقاط آنها آغاز می‌شود.» او در پاسخ به این سؤال که چه مشکلی برای از رده خارج کردن این موتورسیکلت‌ها وجود داشته، چنین می‌گوید: «مشکلات اسقاط موتورسیکلت به دلیل مسائلی است که در مالکیت آن وجود دارد. در واقع بیشتر موتورسیکلت‌ها مالکیت رسمی ندارند و به صورت قولنامه‌ای معامله می‌شوند. از این رو دیتایی هم نزد پلیس وجود ندارد. اما این چالش‌ها برطرف شده و طرح جایگزینی موتورسیکلت‌های جدید با کاربراتوری اجرا می‌شود.»

آخرین آمار خودروهای فرسوده

بر اساس آخرین آمار اعلامی پلیس راهور فراجا، بیشترین استان‌ها با تردد وسایل نقلیه؛ تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس و آذربایجان شرقی هستند که البته ۵۰ درصد خودروهای فرسوده نیز تنها در این پنج استان تردد دارند. بررسی وضعیت خودروهای فرسوده در کل کشور نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد خودروهای در حال تردد یعنی چیزی حدود ۲۲ میلیون و ۱۰۲ هزار دستگاه در کشور فرسوده است.

> بررسی وضعیت خودروهای فرسوده در کل کشور نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد خودروهای در حال تردد یعنی چیزی حدود ۲۲ میلیون و ۱۰۲ هزار دستگاه در کشور فرسوده است

چه تعداد خودروی فرسوده اسقاط شده اند؟

ایرنا نوشته است: «طبق آمارها از سال ۱۳۸۶ که اسقاط خودروهای فرسوده آغاز شده، تنها ۲ میلیون و ۵۶۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شده است. بررسی عملکرد اسقاط خودرو در سال‌جاری نشان می‌دهد که بیشترین سهم اسقاط خودروها به سواری با ۱۲۰ هزار و ۵۱۵ دستگاه، وانت با ۹ هزار و ۶۴۴ دستگاه، تاکسی با پنج هزار و ۲۱۹ دستگاه و کامیونت با چهار هزار و ۸۷۴ دستگاه می‌رسد و مابقی اسقاط به خودروهای کامیون کشنده، کامیون، مینی بوس، اتوبوس، کامیونت ون و آمبولانس اختصاص یافته است.»
حسن سالاریه آماری در خصوص اسقاط خودروها اعلام می‌کند که نشان می‌دهد روند اسقاط خودرو در دولت چهاردهم بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. اما رد پای تحریم و شرایط اقتصادی را می‌توان در این موضوع هم دید. او می‌گوید: «در سال‌های گذشته با تحریم‌هایی مواجه شدیم و مصارف ارزی محدود و واردات خودرو نیز ممنوع شد. حال آنکه در قانون آمده‌بود به ازای واردات خودرو باید اسقاط خودروی فرسوده صورت بگیرد. بنابراین با ممنوعیت واردات، تقریباً پرونده اسقاط خودرو از سال ۹۸ نیمه بسته ماند و تا سال ۱۴۰۱ تنها ۵۷ هزار دستگاه خودرو اسقاط شد. اما در سال ۱۴۰۱ آیین‌نامه‌ای تدوین شد که خودروساز داخلی را مکلف می‌کرد به ازای یک چهارم تولیدش، خودرو اسقاط کند. این آیین‌نامه در سال ۱۴۰۲ اجرایی شد که بر اساس آن شاهد اسقاط ۷۷ هزار خودرو بودیم. اما رکورد اصلی در سال ۱۴۰۳ رقم خورد که ۳۵۰ هزار دستگاه خودرو از رده خارج شد. پیش از آن در سال ۹۳ بیشترین آمار اسقاط خودرو ثبت شده بود که شامل ۱۲۰ هزار دستگاه می‌شد. امسال هم حدود ۱۵۴ هزار دستگاه تا به امروز اسقاط شده‌است.»
بر اساس گفته‌های کارشناسان، در برنامه هفتم توسعه نیز به خروج سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده از ناوگان اشاره و بر آن تأکید شده‌است. اما حسن کریمیان، رئیس هیأت مدیره انجمن کارفرمایی مراکز اسقاط سراسر کشور به «ایران» گفته است: «اگر بخواهیم با همین برنامه هفتم نیز پیش برویم و سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو را از رده خارج کنیم، با احتساب اینکه هیچ خودرویی از امروز تولید و وارد نشود و وضعیت هوا هم در این نقطه فریز شود، ۴۴ سال طول می‌کشد تا همین میزان خودروی فرسوده را از کف خیابان‌ها جمع کنیم. حالا تصور کنید که اگر هر خودروساز یک میلیون و پانصد هزار دستگاه خودرو در طول سال تولید کند و تنها ۵۰۰ هزار دستگاه از رده خارج شود، ما سالانه یک میلیون خودرو را به بازار تزریق کرده‌ایم ولی خودروهای فرسوده همچنان درسطح شهر می‌چرخند.»
در این رابطه سالاریه، کارشناس و رئیس سابق ستاد نوسازی ناوگان می‌گوید: «به اعتقاد من باید هدفگذاری تغییر کند، برنامه هفتم تغییر کند. زمانی که من در ستاد بودم آیین‌نامه‌ای را تنظیم کردیم که این ظرفیت را افزایش می‌داد و قرار بود به هیأت دولت برود و تصویب شود.»

قیمت دستوری باز هم دردسرساز شد

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس اعلام کرده است: «خودروهای صفر تولید داخل مصرف سوخت استاندارد ندارند.» این گزاره زمانی غم‌انگیز می‌شود که بدانیم حدود ۲۲ میلیون خودروی فرسوده هنوز در خیابان‌ها تردد دارند. بنابراین از یک سو خودروهای فرسوده معضل قدیمی آلودگی هواست و از سوی دیگر خودروهای جدید هم از استانداردهای کافی برخوردار نیستند. سالاریه رئیس سابق ستاد نوسازی ناوگان در پاسخ به این سؤال که چرا خودروهای جدید ارتقای استاندارد نمی‌دهند می‌گوید: «زمانی که قیمت‌گذاری دستوری بر این صنعت حاکم است، خودروساز هم مجبور است به دلیل آنکه قیمت تمام‌شده خود را با آن قیمت اعلامی تطبیق دهد، از حداقل استانداردها استفاده کند و از این نظر، لب مرز باشد. در این شرایط اگر به سمت آزادسازی قیمت‌ها پیش برویم و برای واردات هم تعرفه‌های منطقی تعریف کنیم که رقابت خودروهای داخلی و خارجی رقم بخورد، استاندارد داخلی‌ها هم بهتر می‌شود.»

سه اقدامی که دولت باید انجام دهد

بخش خصوصی اظهار کرده‌است که در روند اسقاط خودروهای فرسوده نقش‌آفرینی خواهد کرد. اما نیاز به کمک دولت دارد. کریمیان در این باره عنوان کرده‌است: «بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری برای ایجاد مراکز اسقاط، در این روند حضور دارد و حتی آمادگی دارد ظرفیت این مراکز را بالا ببرد. اما دولت نیز در سه بخش نیاز است به کمک بخش خصوصی بیاید.»
او در توضیح بخش اول گفته‌است: «وقتی خودروی فرسوده را به مراکز اسقاط می‌آورند، برگه اسقاط صادر می‌شود که مشتری‌های این برگه واردکنندگان و تولیدکنندگان هستند. با توجه به شرایط نه چندان مناسب تولیدکنندگان و واردات اندک خودرو، این برگه‌های اسقاط بدون مشتری می‌ماند و صاحب خودرو نیز در این شرایط حاضر به اسقاط نیست. اینجا دولت می‌تواند به کمک بخش خصوصی بیاید و این برگه‌ها را خریداری کند.»
کریمیان در بخش دوم به ضعف در ناوگان حمل‌ونقل عمومی اشاره و اظهار کرد: «خودروهای ۲۰ ساله ۲ تا ۳ برابر بیشتر از خودروهای عادی بنزین مصرف می‌کنند؛ دولت نیز اعلام کرده که سالانه چند میلیارد دلار بنزین وارد می‌کند. پیشنهاد ما این است که به جای هزینه برای واردات بنزین، ناوگان حمل‌ونقل عمومی را تقویت کند تا در کنار کاهش مصرف بنزین، از تردد خودروهای تک سرنشین هم جلوگیری شود.»
او همچنین در خصوص سومین بخش توضیح داده‌است: «دولت باید خودروسازان را موظف به تولید خودرو با مصرف بنزین پایین کند. افزایش قیمت بنزین موضوعی نیست که بتواند کاهش مصرف ایجاد کند. بلکه یک مسکن موقت است.»

سیاست نادرست وابسته کردن همه کشور به گاز

هادی موسوی
کارشناس انرژی

یکی از تصورات رایجی که این روزها بسیار مطرح می‌شود، این است که کشور با کمبود گاز مواجه است. درحالی که اگر مجموع گاز تولیدی در بخش‌های مختلف را با میزان مصرف مقایسه کنیم، تولید ما به‌مراتب بیشتر از مصرف است. مسأله اصلی کمبود نیست؛ مشکل در هدررفت و افت فشار است.
بر اساس گزارش‌ها، حدود ۱۵ درصد از گاز کشور در فرآیندهای انتقال، توزیع و در فلرها تلف می‌شود. نکته مهم اینجاست که همین ۱۵ درصد تقریباً معادل همان مقداری است که امروز از کمبود آن صحبت می‌کنیم؛ بنابراین می‌توان گفت مشکل در تولید نیست؛ مشکل در مدیریت، انتقال و نگهداری شبکه است. بخشی از این مسأله نیز ناشی از فرسودگی شبکه انتقال است.
دلیل مهم دیگر، سیاست‌های پوپولیستی در گازرسانی به همه نقاط کشور بوده است. این سیاست باعث شد شبکه انتقال گاز بسیار گسترده شود و طبیعی است هرچه شبکه گسترده‌تر باشد، افت فشار افزایش می‌یابد. برای مثال، توزیع یک واحد گاز میان ۱۰۰ نفر با توزیع همان مقدار میان ۲۰۰ نفر تفاوت دارد؛ در زمان پیک مصرف، وقتی گاز باید میان ۲۰۰ نفر توزیع شود، فشار افت می‌کند، بخشی از مشترکان دچار قطع گاز می‌شوند یا مجبور می‌شوند گاز صنایع مهم مثل پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها را قطع کنند تا به مصرف‌کنندگان خانگی برسد. یعنی در واقع مشکل کمبود نیست، مشکل افت فشار است. گاهی گاز وجود دارد؛ اما فشار آن به حدی نیست که به مصرف‌کننده برسد و با افزایش فشار می‌توان تعداد بیشتری را پوشش داد.
در بخش پتروشیمی نیز سال‌ها به دلیل قیمت بسیار ارزان گاز، توسعه گسترده تولید متانول را شاهد بودیم. این واحدها عملاً گاز ارزان دریافت کرده و محصول فروخته‌اند؛ حالا هم با هر قطع گاز، اعتراض می‌کنند که چرا گاز نداریم.
بر اساس یک مطالعه مرکز پژوهش‌های مجلس، اگر کل گازی را که طی این سال‌ها به متانول‌سازها داده‌ایم صادر می‌کردیم، حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد نصیب کشور می‌شد، اما متانول‌سازها از محل فروش محصول خود تنها ۸ میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. یعنی در مجموع، کشور ۴ میلیارد دلار زیان کرده است. اگر همان گاز باقیمت واقعی یا صادراتی به آنها عرضه می‌شد، به‌صرفه‌تر بود و به درآمد ارزی کشور زیان نمی‌رسید.
همین موضوع سبب شده که در زمستان‌ها ناچار شویم گاز متانول‌سازها و اوره‌سازها را قطع کنیم؛ این صنایع که بسیاری از آنها وابسته به صندوق‌های بازنشستگی هستند، با کاهش تولید، درآمدشان کاهش پیدا می‌کند و صندوق‌های بازنشستگی دچار مشکل می‌شوند و حتی در پرداخت حقوق بازنشستگان نیز فشار ایجاد می‌شود. این چرخه یک لوپ معیوب است که شکستن آن بسیار دشوار شده است. مشکل دیگر، راندمان پایین نیروگاه‌های کشور است. حتی در تابستان که با محدودیت گاز روبه‌رو نیستیم، نیروگاه‌های ما قادر نیستند یک واحد گاز را با عملکرد مطلوب به برق تبدیل کنند؛ بنابراین مصرف گاز در نیروگاه‌ها نسبت به میزان تولید کشور بسیار بالاست. اگر در سال‌های گذشته بهینه‌سازی پتروشیمی‌ها انجام می‌شد و شبکه گازرسانی تا این اندازه گسترده نمی‌شد، میزان گاز در دسترس برای نیروگاه‌ها در زمستان کافی بود و طبیعتاً آلودگی هوا هم ایجاد نمی‌شد. اکنون به دلیل قطع گاز نیروگاه‌ها، آنها مجبورند به سمت مازوت بروند و مازوت تولید داخل نیز به دلیل گوگرد بالا و نبود تجهیزات گوگردزدایی، آلایندگی شدید ایجاد می‌کند. فناوری‌های گوگردزدایی فرآیندهای پیچیده و پرهزینه‌ای هستند که به دلیل تحریم‌ها، کمبود سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های تکنولوژی، امکان استفاده از آنها به شکل گسترده وجود ندارد.

شاخص کل سهام یک رکورد تاریخی جدید ثبت کرد

چرایی همسویی بورس و ارز

عکس: سجاد صفری/ ایران

گزارش خبری

حبیب آرین
گروه بورس

شاخص کل بورس روز گذشته با صعود به محدوده ۳ میلیون و ۳۱۴ هزار واحد، بار دیگر در جایگاه بالاترین رکورد تاریخی ایستاد؛ رکوردی که البته این بار در هماهنگی با بازارهای رقیب یعنی ارز و طلا رخ داد. این رفتار هماهنگ میان دلار و بورس که البته به طور تاریخی نیز مشاهده می‌شد، طی یک سال گذشته کم‌نظیر بوده است.

به عبارت دقیق‌تر، در دورانی که ریسک‌های سیاسی متغیر اصلی اثرگذار بر بازار بودند رابطه دلار و بورس کاملاً معکوس بود؛ اما حالا همراهی این دو بازار تا حدودی نشان‌دهنده امیدواری فعالان اقتصادی به اصلاحات است. اصلاحاتی که البته هنوز جامه‌عمل نپوشانده، اما در ذهن‌ها انتظار می‌رود با حذف ارز رانتی، بورس نیز رونق بگیرد. کارنامه ناکام سیاست‌های دستوری در کنترل تورم و رشد نقدینگی از یک‌سو و امیدواری به وعده‌های وزیر اقتصاد در سمت دیگر، توانسته رونق را در بازار سهام با وجود همه نااطمینانی‌ها حفظ کند.

> در گذشته هر زمان دلار رشد می‌کرد، بورس نیز بلافاصله واکنش نشان می‌داد، اما با ظهور نرخ‌هایی مانند نیمایی، توافقی و نرخ‌های غیررقابتی برای صادرات، این رابطه از بین رفت. شرکت‌ها بسیاری از هزینه‌های خود را با دلار آزاد می‌پرداختند اما فروششان با نرخ‌های پایین‌تر ثبت می‌شد و همین اختلاف، سودآوری را محدود و بازار سهام را از محرک سنتی خود جدا کرد

همچنین، ریسک‌های سیاسی از جنس تقابل سخت نیز از نگاه فعالان بازار سرمایه کم‌رنگ شده و این نیز بر بهبود فضای معاملات دیروز اثرگذار بوده است. با این حال، جریان ورود و خروج پول سرمایه‌گذاران حقیقی بین دارایی‌های مختلف نشان می‌دهد در کنار بازار سهام، صندوق‌های طلا نیز به عنوان پناهگاه در شرایط تورمی با اقبال مواجهند؛ اتفاقی که تأکید می‌کند تا رفع همه ابهامات فاصله زیادی است و فرصت سیاست‌گذار برای اقدامات عملی در راستای رونق بخش مولد اقتصاد محدود است.

بازگشت دلار به عنوان محرک اصلی رشد بازار؟

در روزهایی که شاخص در حال فتح قله‌های جدید است، تحلیلگران معتقدند موتور اصلی این رشد دوباره به نرخ ارز گره خورده است. آراد پورکار، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «ایران» توضیح می‌دهد که بورس دوباره وارد مرحله‌ای شده که رشد آن با حرکت دلار همگرا شده است؛ روندی که طی دو سال اخیر به دلیل چندنرخی شدن ارز تضعیف شده بود.

پورکار می‌گوید: «در گذشته هر زمان دلار رشد می‌کرد، بورس نیز بلافاصله واکنش نشان می‌داد، اما با ظهور نرخ‌هایی مانند نیمایی، توافقی و نرخ‌های غیررقابتی برای صادرات، این رابطه از بین رفت. شرکت‌ها بسیاری از هزینه‌های خود را با دلار آزاد می‌پرداختند اما فروششان با نرخ‌های پایین‌تر ثبت می‌شد و همین اختلاف، سودآوری را محدود و بازار سهام را از محرک سنتی خود جدا کرد.»

به گفته او، حالا ورق در حال برگشتن است؛ انتقال ارز فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها به بازار دوم باعث شده فروش‌های صادراتی به نرخ‌های رقابتی نزدیک شود و این اتفاق، چشم‌انداز سودآوری صنایع بزرگ را به‌طور معناداری بهبود داده است. در روزهای اخیر همین انتظار موجب افزایش تقاضا در نمادهای کالایی شده و بخشی از رکورد روزگذشته (دوشنبه) نیز ناشی از همین متغیر است.

اصلاح نرخ خوراک؛ متغیری که می‌تواند همه‌چیز را تغییر دهد

پورکار همچنین به اصلاح نرخ خوراک پتروشیمی‌ها اشاره می‌کند و معتقد است: «این موضوع در کنار بازار دوم مهم‌ترین محور اثرگذار بر روند آینده است. حذف فرمول‌های قدیمی و منطقی‌تر شدن عدد خوراک، نه‌تنها سودآوری شرکت‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه انتظارات بازار را نیز در جهت مثبت تحریک می‌کند.» از نظر او هرگونه تأیید، تکذیب یا ابهام درباره نرخ خوراک می‌تواند به‌سرعت بر نوسانات روزانه بازار اثر بگذارد.

او می‌گوید: «بازار در حال حاضر بیش از هر زمان به این دو خبر وابسته است: اگر سیاست‌گذار مسیر مثبت‌تری برای هرکدام از این موضوعات انتخاب کند، رشد بازار می‌تواند ادامه‌دار باشد و اگر مخالفت یا عقب‌نشینی صورت گیرد، نوسانات منفی می‌تواند دوباره به سطح معاملات بازگردد.»

صندوق‌های طلا؛ مقصد امن نقدینگی در دوران پرریسک

در کنار عوامل ارزی و سیاستی، ابزارهای مالی نقش مهمی در حرکت نقدینگی این روزها دارند. صندوق‌های طلا بار دیگر به یکی از جذاب‌ترین ابزارهای سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند؛ ابزارهایی که در دوره‌های ریسک ژئوپلیتیک و نوسان ارزی بیشترین جذابیت را برای سرمایه‌گذاران خرد دارند.

اکنون خالص ارزش دارایی صندوق‌های طلا از ۳۵۰ هزار میلیارد تومان گذشته و سرعت رشد آنها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند بخش مهمی از دارایی خود را به پناهگاه ببرند. جریان اقبال به طلا ویژه ایران نیست و طی یکی دو سال گذشته افزایش ریسک‌های مختلف ژئوپلیتیک منجر به هجوم تقاضای حقیقی و حقوقی به سوی فلز زرد بوده است.

بانک‌های مرکزی جهان طی سال گذشته خالص خرید هزار تن طلا را در کارنامه دارند که در تاریخ ثبت‌شده آمار بی‌سابقه است. همچنین، صندوق‌های سرمایه‌گذاری ETF طلا با اقبال گرم در مناطق مختلف دنیا مواجه بوده‌اند که طی ماه‌های گذشته به تقاضای طلا کمک کرده‌اند. مجموع این مسائل نشان می‌دهد در کنار برخی خوشبینی‌های «مشروط» به بازار سهام، سرمایه‌گذاران با نگاهی منطقی بازار طلا را نیز رصد می‌کنند.

> جریان اقبال به طلا ویژه ایران نیست و طی یکی دو سال گذشته افزایش ریسک‌های مختلف ژئوپلیتیک منجر به هجوم تقاضای حقیقی و حقوقی به سوی فلز زرد شده است

گزارش

اوج‌گیری دوباره نقره؛ گواهی شمش نقره بورس کالا و رکورد جهانی

روز گذشته، نقره در بازارهای جهانی با رشد بیش از یک درصدی از مرز ۵۷ دلار به ازای هر اونس عبور کرد و رکورد تازه‌ای در معاملات به ثبت رساند.

این رشد ادامه موج صعودی هفته‌های اخیر است و توجه فعالان بازار را بیش از پیش به خود جلب کرده است.

کاهش موجودی انبارهای مرتبط با بورس شانگهای به کمترین سطح یک دهه، انتظارات فزاینده برای کاهش نرخ بهره آمریکا و ادامه تقاضای انرژی خورشیدی، ترکیبی ساختاری برای تقویت قیمت نقره ایجاد کرده‌اند.

افزوده شدن نقره به فهرست «مواد معدنی حیاتی» آمریکا نیز نگرانی‌هایی درباره محدودیت‌های احتمالی تجاری و کاهش عرضه جهانی ایجاد کرده است.

این جهش جهانی به سرعت در بازار داخلی ایران نیز بازتاب یافت. در کنار افزایش نرخ ارز، گواهی شمش نقره بورس کالا دیروز با رشد ۴.۶۶ درصدی به ۲۳۱ هزار تومان رسید. این رشد نشان‌دهنده هم‌زمانی تأثیر عوامل بین‌المللی و تحولات داخلی است و حجم معاملات این ابزار مالی در بورس کالا نیز افزایش یافته است.

تحلیلگران معتقدند که ترکیب جهش جهانی نقره با افزایش نرخ ارز در داخل، سرمایه‌گذاران را به سمت گواهی‌های شمش نقره جذب کرده و انتظار می‌رود این روند در کوتاه‌مدت نیز ادامه یابد.

از منظر بنیادی، افزایش تقاضای صنعتی نقره - به ویژه در صنایع مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر، پنل‌های خورشیدی و تجهیزات الکترونیکی - به عنوان محرک دیگری برای رشد قیمت عمل کرده است.

نقره در شرایط فعلی نه تنها به عنوان یک دارایی امن در برابر نوسانات اقتصادی مورد توجه است، بلکه به دلیل کاربردهای صنعتی و محدودیت‌های احتمالی عرضه جهانی، جذابیت سرمایه‌گذاری آن نیز افزایش یافته است.

در مجموع، روز گذشته نشان داد که نقره هم در بازار جهانی و هم در بازار داخلی ایران مسیر صعودی پرقدرتی را طی می‌کند. جهش قیمت جهانی و رشد گواهی شمش نقره بورس کالا نشان می‌دهد که این فلز، در شرایط فعلی یکی از محورهای اصلی بازارهای کالایی است و معامله‌گران و سرمایه‌گذاران باید با دقت تحولات آن را دنبال کنند.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۲۹

بنیاد تعاون ارتش جمهوری اسلامی ایران (شرکت عمران توسعه‌گران پیشگام) در نظر دارد انجام عملیات سفتکاری، نازک‌کاری، تأسیسات مکانیکی و برقی یک بلوک ۹۶ واحدی به متراژ ۱۶۴۲۱ مترمربع واقع در شهرستان پردیس فاز ۱۱ بلوک دو را برابر شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه به شرکت دارای صلاحیت واگذار نماید. شرکت‌های واجد شرایط از تاریخ درج آگهی به مدت ۶ روز مهلت دارند جهت خرید اسناد مناقصه به نشانی تهران، بزرگراه شهید بابایی، روبه‌روی دانشگاه امام حسین(ع)، شهرک شهید بهشتی، شرکت عمران توسعه‌گران پیشگام، مدیریت پیمان مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۷۷۱۱۸۸۳۵-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

آگهی مناقصه
(خرید گلوله‌های کروم‌دار قطر ۹۰-۸۰-۶۰-۵۰-۳۰ میلی متر)

شرکت سیمان یاسوج در نظر دارد "[خرید گلوله‌های کروم‌دار قطر ۹۰-۸۰-۶۰-۵۰-۳۰ میلی متر]" را با شرایط مندرج در اسناد از طریق مناقصه واگذار نماید لذا از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید.
- **شرایط اخذ اسناد مناقصه:** مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱۱۲۲۶۰۲۱۲۰۰۲ نزد بانک صادرات بنام شرکت سیمان یاسوج پرداخت و رسید آن به شرح مندرج در اسناد تحویل گردد.
- **زمان اخذ اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ می‌باشد.
- **زمان تحویل اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ می‌باشد.
- **تضمین مناقصه:** مبلغ ۱۰٪ قیمت پیشنهادی به عنوان تضمین شرکت در مناقصه می‌باشد که در معامله میلا در وجه شرکت سیمان یاسوج ثبت گردد. هزینه ثبت آگهی (جراید عمومی) بر عهده‌ی برنده‌ی مناقصه می‌باشد.
- **تاریخ تحویل اسناد:** تا (ساعت ۱۶:۳۰) مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲.
- **تاریخ بازگشایی اسناد:** ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ می‌باشد.
- جهت اخذ اسناد مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت شرکت سیمان یاسوج مراجعه نمایید.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ذیل تماس بگیرید.
۰۷۴-۳۳۲۶۲۲۰۱ تا ۰۹۱۷-۱۴۱۷۴۰۳ www.yasujcement.ir
شرکت سیمان یاسوج

آگهی مناقصه عمومی
نوبت اول
با اخذ سپرده
درخواست شماره: RHP-7302506451-T25
موضوع آگهی:
خرید لودر
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

بانک ملت bank mellat
مناقصه عمومی - دومرحله‌ای
نوبت اول
شماره ۱۴۰۴/۱۳۸

بانک ملت در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار «سیم‌بانی تلفن‌های ساختمان مرکزی فرصت و ایرانشهر به همراه یک نفر تکنسین مقیم»، از طریق برگزاری مناقصه عمومی - دو مرحله‌ای اقدام نماید.
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ و شناسه واریز ۱۴۰۴۳۳۰۰۰۲۰۱۳۸۲۰۴ در وجه اداره کل حسابداری مالی بانک ملت
محل دریافت اسناد مناقصه: تهران، خیابان طالقانی، روبه‌روی وزارت نفت، اداره کل مهندسی ساختمان بانک ملت، واحد معاملات و قراردادها، شماره تماس: ۶۴۸۲۱۲۵۸

جدول زمانی برگزاری مناقصه	
فروش اسناد مناقصه	از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ الی پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹
مهلت ارسال مدارک مناقصه	روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰
تاریخ بازگشایی پاکات	پاکات «الف» و «ب» رأس ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ بازگشایی پاکت «ج» متعاقباً به شرکت‌کنندگان در مناقصه اعلام خواهد شد.

اداره کل مهندسی ساختمان - واحد معاملات و قراردادها

بانک ملت bank mellat
آگهی تمدید مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۱۴۴

الف: مناقصه‌گزار: بانک ملت
ب: موضوع مناقصه: خرید، نصب و راه‌اندازی، گارانتی و پشتیبانی تعداد ۲۵ دستگاه یونیت دندانپزشکی با تجهیزات جانبی جهت کلینیک بانک ملت
ج: تضامین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۱۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال با فیش واریز نقدی مبلغ فوق به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۳۵۹۵ به شناسه واریز ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۴۴۱۷۵ (قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت)
د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ با شناسه ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۴۴۲۶۴ قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت.
هـ: محل دریافت اسناد مناقصه: تهران - خیابان طالقانی - مقابل ساختمان وزارت نفت- ساختمان شماره ۳۸۰ - طبقه ششم - واحد معاملات و قراردادها.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۸۲۱۲۳۸ / ۰۲۱-۶۴۸۲۱۳۹۷

جدول زمانی انجام مناقصه	
آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۰۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
تاریخ بازگشایی پاکت‌ها	رأس ساعت ۰۹:۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

اداره کل تدارکات - واحد معاملات و قراردادها

گروه توسعه ساختمان تدبیر
رویا ساختمان آریا
مزایده ۴۲-۱۴۰۴

ردیف	نام شرکت (فروشنده)	نام پروژه	کاربری	طبقه /موقعیت	مساحت (متر مربع)	ضمائم	مبلغ پایه مزایده (ریال)	پیشرفت فیزیکی
۱	شرکت رویا ساختمان آریا	گل سرخ	مسکونی	اول غربی	۱۸۸	به انضمام ۲ واحد پارکینگ و ۱ باب انباری	۴۲۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	٪۹۵
۲				سوم غربی	۱۸۸		۴۴۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	
۳				پنجم شرقی	۱۸۸		۴۵۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	
۴	گروه توسعه ساختمان تدبیر			پنجم غربی	۱۸۸		۴۵۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، خیابان خواجه عبداله انصاری، خیابان شهید عراقی، کوچه گل سرخ، پلاک ۱۰ و ۱۲
★ **نحوه دریافت ثمن معامله:** ۲۰٪نقد، ۸۰٪ در اقساط ۳۰ ماهه
★ در صورت آماده تحویل بودن، واحد پس از پرداخت حداقل ۳۰٪ ثمن کل قرارداد به خریدار تحویل می گردد.

گروه توسعه ساختمان تدبیر (سهامی خاص) و **شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص)** درنظر دارند نسبت به فروش تعدادی از واحدهای مسکونی خود به شرح جدول فوق با **شرایط ویژه و به صورت نقد و اقساط (بدون کارمزد)** از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نمایند.
متقاضیان **از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ طی روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰** مهلت دارند جهت اخذ اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مزایده به دفتر فروش شرکت به نشانی ذیل مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.
تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان ۳۳، پلاک ۱۴، طبقه پنجم
شماره های تماس:
۰۲۱-۸۸۱۹۸۴۲۹-۸۴۳۴۹۳۲۷-۸۸۱۹۴۱۷۸-۸۸۱۹۱۷۴۹

شرایط شرکت در مزایده:
- شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
- پاکت های پیشنهادی به همراه یک فقره چک بانکی تضمینی ، ضمانت نامه بانکی و یا فیش واریزی به میزان ۵ درصد قیمت پایه طبق فرم شرکت در مزایده می بایست **حداکثر پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲** به واحد فروش شرکت واقع در نشانی مورد اشاره تحویل گردد.
- **بازگشایی پاکت های پیشنهادی در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ انجام خواهد شد.**
- بازدید از پروژه با هماهنگی دفتر فروش شرکت، الزامی می باشد.
- پیشنهادهای فاقد سپرده، مخدوش، مبهم، مشروط و کمتراز مبلغ پایه از درجه اعتبارساقط می باشد.
- سایر شرایط دراسناد مزایده درج گردیده است.
- متقاضیان جهت اخذ اطلاعات بیشتر می توانند ازتاریخ انتشارآگهی به نشانی های
- اینترنتی www.tcdgroup.ir و www.arc.co.ir مراجعه نمایند.
کلیه هزینه های مزایده به میزان دو دهم درصد ارزش پایه مزایده به عهده
- برنده می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (تجدید) نوبت اول
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید ۳۳ دستگاه ترانسفورماتور توزیع کم تلفات مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.
شرح مختصری از کالا (نوع، کمیت وکیفیت کالا):

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۲۷۳۴۰۰۱۳۳
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۴۱۰۰۱۵۳۴
موضوع مناقصه	خرید ۳۳ دستگاه ترانسفورماتور توزیع کم تلفات
مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)	۱۴،۶۷۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
مهلت فروش اسناد	از روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ لغایت روزدوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۹ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۹ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
ارزیابی کیفی	دارد
صلاحیت و گواهی‌نامه لازم	۱-۳- مناقصه‌گر می‌بایست تولیدکننده یا نماینده مجاز فروش تولیدکننده داخلی باشد. ۱-۱-۳- ارائه پروانه بهره‌برداری به‌همراه گواهی ظرفیت تولید سالیانه برای تولیدکنندگان الزامی می‌باشد.(تصویر مدارک ضمیمه گردد) ۲-۱-۳- ارائه نامه نمایندگی مجاز فروش از یک شرکت تولیدکننده توسط نمایندگان فروش به‌همراه گواهی ظرفیت تولید سالیانه تولیدکننده الزامی می‌باشد. (تصویر مدارک ضمیمه گردد). ۲-۳- مناقصه‌گر می‌بایست دارای تأییدیه از شرکت توانیر برای تولیدکنندگان و نمایندگی فروش تولیدکنندگان درخصوص کالای موضوع مناقصه باشد. ۳-۳- کالای ارائه شده توسط مناقصه‌گر می‌بایست دارای گواهی مطابقت شرکت توانیر باشد.
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۲۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایرآن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد:
-جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱،۵۰۰،۰۰۰ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند.ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
_ به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش وپیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر درفراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC
امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

شرایط فروش

آغاز دهمین مرحله فروش فوری ایران‌خودرو

دهمین مرحله فروش فوری محصولات ایران‌خودرو از ساعت ۱۶ روز دوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴ آغاز شد که تا پایان روز جمعه ۱۴ آذر ادامه خواهد داشت. در این دوره، خودروها با موعد تحویل ۳۰ روزه عرضه می‌شوند و ثبت‌نام برای سه گروه متقاضیان عادی، مشمولان طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و همچنین متقاضیان طرح جایگزینی خودروهای فرسوده تعریف شده است. در این مرحله، سه محصول از خانواده هایما شامل هایما S5 پرو، هایما X7 و هایما S8 قابل عرضه هستند. متقاضیان می‌توانند در زمان اعلام‌شده با مراجعه به سامانه فروش اینترنتی ایران‌خودرو نسبت به ثبت نام و شرکت در فرآیند اولویت‌بندی اقدام کنند. همانند دوره‌های گذشته، هر فرد تنها امکان انتخاب یک خودرو را دارد و برای ثبت‌نام نیازی به مسدودسازی وجه در حساب بانکی نیست. ایران‌خودرو اعلام کرده است که فرآیند اولویت‌بندی متقاضیان واجد شرایط با حضور نمایندگان دستگاه‌های نظارتی برگزار خواهد شد تا شفافیت مراحل فروش تضمین شود. همچنین زمان دقیق برگزاری این مراسم از طریق پایگاه خبری رسمی شرکت اطلاع‌رسانی خواهد شد.

بازار خودرو

بازار خودرو در تب افزایش قیمت

بازار خودرو در اولین روزهای هفته دوباره وارد فاز هیجانی شد. بررسی سایت‌های خرید و فروش خودرو نشان می‌دهد نمودار قیمت‌ها در اغلب بخش‌ها رو به بالا حرکت کرده است. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان بازار همچنان بر تداوم رکود معاملاتی و کشش نداشتن بازار برای رشد واقعی قیمت‌ها تأکید می‌کنند. موضوعی که نشان می‌دهد بخش مهمی از افزایش‌ها، رفتار هیجانی و ناشی از جو روانی بازار است نه افزایش تقاضای واقعی. در بخش خودروهای داخلی، سمند سورن پلاس دوگانه‌سوز بیشترین توجه را به خود جلب کرد و با جهشی جدید، ۷۵ میلیون تومان افزایش یافت و به ۱ میلیارد و ۲۱۰ میلیون تومان رسید. در میان مونتاژی‌ها نیز روند افزایش قیمت ادامه داشت؛ چری تیگو ۷ پرو هیبرید با رشد ۲۰۰ میلیون تومانی به ۳ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان رسید. فونیکس تیگو ۸ پرو مکس جهشی سنگین‌تر را تجربه کرد و با ۵۵۰ میلیون تومان افزایش، در مرز ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان معامله شد. از سوی دیگر، فیدلیتی پرایم تیپ ۱ پنج‌نفره نیز ۱۰۰ میلیون تومان گران شد و به ۲ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان رسید. هرچند بازار تنها در یک نقطه خلاف جهت حرکت کرد؛ تویوتا کرولا کراس هیبرید که طی روز یکشنبه ۱۰۰ میلیون تومان کاهش قیمت داشت، روز دوشنبه حدود ۵ میلیارد تومان خرید و فروش شد.

معاون وزیر صمت خبر داد

واردات ۳۱ هزار دستگاه خودرو از ابتدای سال

تا سه سال آینده ۳۰ درصد تولیدات خودروسازان هیبریدی و برقی خواهد شد

گزارش

سارا غضنفری
دبیر گروه خودرو

«از ابتدای سال ۳۱ هزار خودروی وارداتی از گمرکات ترخیص شده و برای بیش از ۳۰ هزار خودرو که ثبت سفارش انجام شده است. برای ۷۵ هزار خودروی وارداتی دیگر نیز درخواست ثبت سفارش شده است و با نظام تعرفه‌ای جدید تلاش شده تا قیمت خودروهای اقتصادی افزایش نیابد.» این گفته‌های سیدحامد عاملی، معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت است. او در یک نشست خبری آمار واردات خودرو اعلام کرده که نسبت به مورد مشابه سال قبل حدود ۳۹ درصد افزایش واردات داشته‌ایم. واردات خودرو سواری در شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ معادل تعداد ۲۲ هزار و ۲۵۳ دستگاه بوده است. در شش‌ماهه اول ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل تعداد ۸۷۴۷ خودرو بیشتر وارد شده است. پس در شش ماهه اول سال ۱۴۰۴ حدود ۳۹ درصد رشد در واردات خودرو نسبت به مدت مشابه سال قبل صورت گرفته است.

منطق تعیین تعرفه ها

معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت درباره تعرفه واردات خودرو نیز می‌گوید: «در قانون بودجه امسال الزام شده بود که برای واردات خودرو منابعی اختصاص یابد و بخشی از منابع باید از تعرفه واردات همین خودروها تأمین می‌شد. در تعرفه‌های جدید برای خودروهای اقتصادی، تعرفه پایین در نظر گرفته شد تا با قیمت کمتری در بازار عرضه شوند. برای واردات خودروهای خاص، دولت تعرفه بالا تعیین کرد تا درآمدهای دولت محقق شود، تعرفه خودروهای مونتاژی هم بر اساس میزان ساخت داخل آنها تعیین شده است، خودروهای مونتاژی با عمق داخلی‌سازی کمتر از ۵۰ درصد، باید به سمت افزایش عمق داخلی سازی بروند.»

۳۰ درصد تولیدات داخلی باید برقی و هیبریدی شود

معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت با اشاره به تولید خودروهای هیبریدی و برقی می‌گوید: «به‌تازگی سند سوخت خودروسازان تدوین و ابلاغ شد که براساس آن برنامه‌ریزی شده تا طی سه سال آینده، ۳۰ درصد از سبد محصولات تولید داخل را خودروهای هیبریدی و برقی تشکیل دهند. خودروسازان باید هر سال در مصرف سوخت خودروهای تولیدی اصلاحاتی را داشته باشند و به سمت تولید خودروهای هیبریدی و برقی حرکت کنند.»

> معاون وزیر صمت: به‌تازگی سند سوخت خودروسازان تدوین و ابلاغ شد که براساس آن برنامه ریزی شده تا طی سه سال آینده، ۳۰ درصد از سبد محصولات تولید داخل را خودروهای هیبریدی و برقی تشکیل دهند

عکس: مهر

تغییر استاندارد آلایندگی خودرو

این روزها با توجه به افزایش وحشتناک آلودگی هوا؛ تمام حوزه‌ها دست به کار شده‌اند بلکه بتوانند معضل آلودگی هوا را تا حدودی کاهش دهند. نکته مهم نقش سوخت و خودروهای تولید داخل است. رئیس جمهوری به خودروسازان برای بهینه‌سازی موتور خودروهای تولیدی هشدار داده است. واردات خودرو با تمام اتفاقات و موانع به سختی در هر صورت در حال انجام است. روز گذشته نیز فرزانه انصاری، رئیس سازمان ملی استاندارد ایران در آیین نوزدهمین دوره جایزه ملی کیفیت، اعلام کرد: «در حوزه کیفیت و کاهش آلایندگی‌ها، مهم‌ترین بخش استانداردسازی است. در این راستا استانداردهای خوبی تهیه شده است، استاندارد خودروهایی که آلایندگی شدیدی دارند، تجدید نظر شده و آماده بهره‌برداری است.» او درباره آلودگی هوا نیز گفت: «باید همه نهادها با عزم ملی در راستای حل مشکل آلودگی هوا قدم بردارند، شانه خالی کردن قابل پذیرش نیست در همین راستا سازمان استاندارد تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا وظایفی را که دولت و قانون هوای پاک محول کرده است، انجام دهد.»

حرف خودروسازان چیست؟

برش

تمام این اقدامات در صنعت خودرو تأثیر دارد اما مهم‌ترین موضوع این است که در مورد خودروهای وارداتی تأخیر تحویل و خدمات پس از فروش این خودروها پیگیری شود. از سوی دیگر، در مورد تولید خودروهای برقی و هیبریدی رسیدگی به وعده تجهیز زیرساخت‌ها بسیار مهم است. تأمین برق، جایگاه شارژ و گستردگی این تجهیزات بسیار دارای اهمیت است. اگر پای حرف خودروسازان بنشینیم احتمالاً آنها هم حرفی برای گفتن در زمینه این موضوعات خواهند داشت که چرا کیفیت محصولات‌شان پایین آمده و استانداردهای لازم را پاس نمی‌کند. در زمینه واردات خودرو هم همچنان واردکنندگان خودرو با مشکل تخصیص ارز روبه رو هستند که باید رسیدگی شود. اگر واردات درست شود یعنی بازار و تولیدات به سمت رقابت و افزایش کیفیت پیش خواهد رفت.

میان‌بُر شیائومی برای تحویل فوری خودرو

شیائومی زمان انتظار برای SU7 را به حداقل رساند

ترجمه

یاسمن صادق‌شیرازی
گروه خودرو

شیائومی با معرفی برنامه تازه‌ای تحت عنوان طرح خرید خودروهای موجود در انبار، روند تحویل برخی مدل‌های خود را متحول کرده است. این برنامه قرار است زمان انتظار خریداران را کوتاه کند و خودروهایی که آماده تحویل هستند. از صفر کیلومتر گرفته تا نمایشگاهی و نزدیک‌به‌نو به‌سرعت در اختیار مشتریان قرار بگیرد.

اولویت‌بندی تحویل خودروها

به گزارش سایت carnewschina، در این طرح، بخشی از خودروهای صفر کیلومتر مربوط به سفارش‌هایی است که به دلایل غیرمنتظره از سوی مشتریان نهایی نشده‌اند. گروه دوم، خودروهای نمایشگاهی هستند؛ مدل‌هایی که در سالن‌های رسمی شیائومی در معرض نمایش قرار داشته‌اند، اما برای تست‌درایو استفاده نشده‌اند. این خودروها پیش از عرضه، از نظر وضعیت بدنه و فضای داخلی کاملاً بازنگری و آماده‌سازی می‌شوند و جزئیات وضعیت هر خودرو در سند رسمی تحویل ثبت خواهد شد. دسته سوم نیز خودروهای نزدیک به‌نو هستند؛ خودروهایی که ممکن است هنگام حمل‌ونقل دچار آسیب‌های جزئی شده اما با تعمیر رسمی کارخانه و انجام دوباره بازرسی‌های پیش‌فروش، حالا در شرایط کامل فنی عرضه می‌شوند.

برنامه‌ای تازه برای تحویل فوری خودرو

خریدارانی که از این طرح استفاده می‌کنند، از تحویل فوری، گارانتی کامل کارخانه و خدمات پس از فروش رسمی برخوردار خواهند شد و برخی مدل‌ها نیز با تخفیف ویژه ارائه می‌شوند. شیائومی همچنین اعلام کرده اگر سفارش تا پایان ۲۶ دسامبر ۲۰۲۵ نهایی شود، تحویل خودرو تا پایان همان سال انجام خواهد شد. در صورتی که به دلیل تأخیر از جانب شرکت، تحویل به سال ۲۰۲۶ کشیده شود، مشتریان یارانه مالیات سال‌گذری دریافت خواهند کرد.

مرحله اول این برنامه از اول دسامبر به صورت محدود برای کسانی آغاز شده که پیش‌تر مدل‌هایی مانند شیائومی SU7، SU7 Ultra یا YU7 را سفارش داده و هنوز تحویل نگرفته‌اند.

> خریدارانی که از این طرح استفاده می‌کنند، از تحویل فوری، گارانتی کامل کارخانه و خدمات پس از فروش رسمی برخوردار خواهند شد و برخی مدل‌ها نیز با تخفیف ویژه ارائه می‌شوند

این گروه می‌توانند سفارش خود را به یکی از خودروهای آماده تحویل تبدیل کنند. از سوم دسامبر نیز این طرح برای عموم خریداران در دسترس خواهد بود.

در مورد خودروهای نمایشگاهی، شیائومی شرط ویژه‌ای را در نظر گرفته است: مشتری باید ظرف ۷۲ ساعت پس از ثبت سفارش، حضوری به مرکز تحویل مراجعه کرده و خودرو را بررسی کند. تنها پس از تأیید وضعیت خودرو، سفارش نهایی و قفل می‌شود. در غیر این صورت، سفارش به‌طور خودکار لغو شده و امکان خرید همان خودرو از بین می‌رود. با اجرای این برنامه، شیائومی تلاش می‌کند فشار صف‌های طولانی تحویل را کاهش دهد و مدل‌های پرفروش خود، بویژه سری SU7 را سریع‌تر به دست مشتریان برساند. اقدامی که می‌تواند رقابت خودروساز چینی را در بازارهای جهانی نیز سرعت ببخشد.

سابقه ورود شیائومی به بازار خودروی ایران

برند شیائومی هرچند در ایران سال‌ها با گوشی‌های هوشمند، گجت‌ها و لوازم هوشمند خانگی شناخته می‌شد، اما فعالیت رسمی آن در حوزه خودرو در سال ۱۴۰۳ وارد مسیر تازه‌ای شد. زمانی که اولین نمونه‌های وارداتی شیائومی SU7 توسط چند واردکننده خصوصی وارد کشور شد و توجه بازار را به خود جلب کرد.

نیم کلاچ

اجرای تصمیم دولت برای احیای قطعه‌سازان

۴۰ همت نقدینگی به زنجیره تولید تزریق شد

گروه خودرو

دولت در ادامه برنامه‌های خود برای حمایت از صنعت خودروسازی و احیای قطعه‌سازان، تصمیمی کلیدی را که پیش‌تر اتخاذ کرده بود، هفته گذشته به مرحله اجرا رساند. هدف از این اقدام، کاهش فشار مالی زنجیره تأمین و جلوگیری از توقف خطوط تولید خودرو بود؛ مشکلی که ماه‌ها قطعه‌سازان را تحت فشار قرار داده و بسیاری از واحدهای فعال را به تعطیلی یا تعدیل نیرو کشانده بود. هشتم آبان ماه سال جاری، سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در نشستی با فعالان اقتصادی اعلام کرد که بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی با وزارت صمت همکاری کرده‌اند تا به هر خودروساز، معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شود، به شرط آنکه این مبلغ مستقیماً به حساب قطعه‌سازان واریز شود و هیچ گردش مالی در حساب خودروسازان رخ ندهد. به عبارت دیگر، جریان نقدینگی از خودروساز عبور نکرده و مستقیماً به زنجیره تأمین منتقل شد. در همین راستا، عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، جزئیات بیشتری از این اقدام ارائه داد و گفت: «هفته گذشته دو منبع بانکی به ارزش مجموع ۲۰ هزار میلیارد تومان مستقیماً در اختیار قطعه‌سازان قرار گرفت. این منابع به هیچ عنوان در حساب خودروسازان گردش مالی نخواهند داشت.» زارعی توضیح داد که مکانیزم عملیاتی این تسهیلات به این شکل است که ابتدا قطعه‌سازها به بانک معرفی می‌شوند و پس از تأیید بانک، مبلغ اعلام شده به حساب آنها واریز می‌شود. او افزود: «این منابع مالی مستقیماً در اختیار سازمان مربوطه قرار می‌گیرد و نه تنها هیچ‌گونه گردش مالی در حساب خودروسازان ایجاد نمی‌کند، بلکه مسیر تأمین قطعات حیاتی خطوط تولید را هموارتر می‌کند.» وی همچنین گفت: «با دریافت این منابع، خودروسازان می‌توانند تکالیف تولیدی خود را با سرعت بیشتری انجام دهند و پروژه‌ها را از طریق قطعه‌سازان پیش ببرند. این اقدام فشار مالی بر زنجیره تأمین را کاهش می‌دهد و به تحقق برنامه‌های تولید کمک می‌کند.» زارعی تأکید کرد که این تزریق نقدینگی، یک نقطه عطف در ثبات بخشی به زنجیره خودروسازی کشور است و می‌تواند مسیر احیای صنعت قطعه‌سازی را هموار کند. بحران نقدینگی و مطالبات معوقه طی ماه‌های گذشته بسیاری از قطعه‌سازان را تهدید کرده بود، اما اجرای این تصمیم دولتی بارقه‌ای از امید را برای بازسازی بنیه مالی این بخش ایجاد کرده است. کارشناسان معتقدند که این اقدام می‌تواند نه تنها جریان تولید را تثبیت کند، بلکه زمینه را برای نوآوری و توسعه ظرفیت‌های داخلی صنعت خودرو فراهم آورد.

به این ترتیب، تزریق ۴۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی به‌طور مستقیم به قطعه‌سازان، عملیاتی شده و دولت نشان داد که در کنار سیاست‌های کلان حمایتی، آماده است تا بحران مالی صنعت خودرو را با تصمیمات عملیاتی و مستقیم مدیریت کند. اکنون انتظار می‌رود که این منابع، با کاهش فشار مالی، تولید خودرو را تسریع کرده و زنجیره تأمین را از شرایط بحرانی خارج کند.

آگهی مناقصه عمومی
(همراه با ارزیابی کیفی)
شماره ۹-۳
نوبت اول

شرکت عمران شهر جدید پرند، به آدرس کیلومتر ۳۰ اتوبان تهران- ساوه، فاز چهار شهر جدید پرند در نظر دارد، نسبت به **آماده‌سازی بخشی از اراضی تجاری واقع در فاز ۶ و محوطه‌سازی بخشی از پروژه‌های اقدام ملی مسکن فاز ۶ شهر جدید پرند تا سقف ۷۰درصد تهاتر از اراضی و مستحدثات در شهر جدید پرند** را حسب مشخصات ذیل به پیمانکار واجد شرایط که دارای حداقل رتبه ۵ راه و ترابری و ظرفیت آزاد براساس بخش‌نامه شماره ۹۹/۴۰۲۲۲۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ و بخش‌نامه ۹۵/۵۷۶۷۵۶ مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ و ۱۴۰۰/۱۹۴۰۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ و ۳۷۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌باشند را با شماره سیستمی ۲۰۰۴۰۱۰۷۷۰۰۰۰۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی، واگذار نماید:

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها اعلام به برنده و غیره از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم به ذکر است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

جمع کل برآورد: ۴۱۸,۳۴۹,۲۱۷,۴۹۹ ریال (براساس فهارس بهای سال ۱۴۰۴)

نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای (با ارزیابی کیفی)

نوع و تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۲۰,۹۱۷,۴۶۰,۸۷۵ ریال حسب بخش‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ- مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و همچنین اصلاحیه آن به‌شماره ۵۲۱۱/ت۵۷۵۹۲هـ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ هیأت محترم وزیران که در مشخصات مناقصه قیدگردیده است.

الف) چاپ آگهی نوبت اول در روزنامه ایران و مناقصه-مزایده مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ چاپ آگهی نوبت دوم در روزنامه ایران مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲می باشد.

ب) مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه برای متقاضیان واجدشرایط، روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ از سامانه مذکور می‌باشد.

پ) آخرین مهلت ثبت اسناد مذکور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ساعت ۱۳،۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ می‌باشد.

ت) آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف (تضمین) به‌صورت لاک و مهر شده، تا ساعت ۱۳:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۳به دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پرند الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه اصل پاکت الف (تضمین)، پاکات ب و ج بازگشایی نمی‌گردد)

ث) تاریخ بازگشایی پیشنهادها ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ ساعت ۱۱صبح (اتاق جلسات)

درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن ۵۴-۵۶۷۹۰۰۵۴-۰۲۱ با داخلی ۱۵۳ بابت اسناد و بابت مسائل فنی با آقای مهندس فلاح نژاد با شماره موبایل ۰۹۱۲۰۱۴۷۷۶۱، تماس حاصل نمایند.

توجه مهم: مهر و امضای دیجیتال اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) با استفاده از نرم‌افزار مهر و موم الزامی می‌باشد.

شرکت عمران شهر جدید پرند

کیا اسپورتیج؛ بازگشت یک کراس‌اوور محبوب به بازار خودرو

پیشنهاد خودرو

کیا اسپورتیج سال‌هاست نامی آشنا برای خریداران خودروهای وارداتی در ایران است. کراس‌اووری که از اواسط دهه ۸۰ وارد کشور شد و با ورود نسل‌های سوم و چهارم، به یکی از پرفروش‌ترین و محبوب‌ترین گزینه‌های بازار تبدیل شد. اما با توقف واردات، حضور رسمی این خودرو برای مدتی طولانی قطع شد و بازار تنها به نسخه‌های کارکرده با قیمت‌های روبه‌افزایش محدود ماند. حالا با فعال‌شدن دوباره سامانه فروش خودروهای وارداتی، اسپورتیج پس از چند سال وقفه، بار دیگر در لیست عرضه قرار گرفته است. نسخه ارائه‌شده در سامانه، اسپورتیج لانگ است؛ مدل تازه‌تری که در بازار جهانی هم به‌عنوان یک کراس‌اوور خوش‌فروش شناخته می‌شود و از نظر طراحی، تجهیزات و کیفیت کابین نسبت به نسل‌های قبلی ارتقای محسوسی داشته است. این نسخه به پیشرانه‌ای مجهز است که ۱۹۸ اسب بخار قدرت و ۲۵۳ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند و از طریق یک گیربکس ۸ سرعته اتوماتیک نیرو را به محور جلو می‌فرستد. براساس اطلاعات منتشرشده از سوی شرکت عرضه‌کننده، قیمت اسپورتیج لانگ در سامانه وارداتی حدود ۴ میلیارد و ۲۶۸ میلیون تومان اعلام شده و این خودرو در بازار آزاد نیز حدود ۶ میلیارد تومان معامله می‌شود.

بخشش قاتل در یک قدمی چوبه دار

تابلوی زیارت عاشورا مرد زندانی را نجات داد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ ساخت تابلوی چوبی زیارت عاشورا به دست مرد زندانی و خوابی که مادر مقتول ۲۴ ساعت قبل از اجرای حکم قصاص دید، باعث شد که پس از ۵ سال قاتل پسرش را ببخشد.

به گزارش «ایران»، اتفاق عجیبی که نیمه شب زمستان سال ۹۹ برای مردی دکه‌دار در شیراز رخ داد، زندگی‌اش را به سیاهی کشاند. حدود ساعت یک بامداد بود که او وحشت‌زده با پلیس تماس گرفت و گفت: «من یک نفر را کشته‌ام. فوراً خودتان را برسانید.»

وقتی مأموران پلیس شیراز به دکه او رسیدند، مرد جوان کنار جسدی خونین ایستاده بود. صاحب دکه جگرکی در رابطه با حادثه‌ای که رخ داده بود، این طور توضیح داد: «مدت‌هاست که در این دکه مشغول به کار هستم و جگر می‌فروشم. معمولاً تا ساعت سه بامداد دکه‌ام باز است و مشتری دارم.»

او ادامه داد: «ساعت حدود ۱۲ و نیم شب بود که مقتول به سمتم آمد. تا به حال او را ندیده بودم به من گفت جگر داری؟ نگاهی به او انداختم و با لبخند گفتم بله دارم، چند سیخ می‌خواهی؟ اما او با طعنه گفت از این جگرها نه، جگر تازه می‌خواهم. از حرفش تعجب کردم. جملات بعدی‌مان به جر و بحث تبدیل شد و ناگهان مقتول با قمه به طرفم حمله کرد. او را به عقب هل دادم و قمه را از دستش گرفتم. نمی‌خواستم او را به قتل برسانم، اما وقتی فحاشی کرد خیلی عصبانی شدم و یک ضربه به گردنش زدم. اما پشیمان شدم و با اورژانس و پلیس تماس گرفتم.»

به‌دنبال اظهارات مرد جوان، جسد به دستور بازپرس جنایی شیراز به پزشکی قانونی منتقل و محمد بازداشت شد.

وقتی پرونده به دادگاه رفت، متهم همان اظهارات روز اول را تکرار کرد و خواهان بخشش شد اما مادر مقتول که تنها ولی دم پرونده بود درخواست قصاص قاتل فرزندش را داد.

قضات دادگاه کیفری استان فارس نیز باتوجه به درخواست مادر مقتول، رأی بر قصاص داده و با تأیید این حکم در دیوان‌عالی کشور، پرونده برای اجرا به دادسرا ارجاع شد. نام محمد سه بار در لیست محکومان اجرای حکم قرار گرفت اما دوبار توانست مهلت بگیرد و سومین بار از سوی مادر مقتول بخشیده شد.

تابلوی نجات‌بخش

مرد زندانی درباره ماجرای بخشیده شدنش به «ایران» گفت: «دوبار قبلی که برای اجرای حکم مرا به محوطه بردند هر بار با تلاش نیکوکاران از جمله آذرخانم شهسواری، مسئول کمیته سفیران صلح و دوستی انجمن حمایت از زندانیان و مسئولان زندان موفق شدم از اولیای دم مهلت بگیرم و به سلولم برگشتم. من هر بار که به انفرادی منتقل می‌شدم واقعاً خودم را در پایان راه می‌دیدم و شمارش معکوس برایم آغاز می‌شد.»

او ادامه داد: «اما دفعه سومی که مرا به انفرادی بردند و قرار بود سحرگاهش اعدام شوم، آن روز با مادر مقتول صحبت و تقاضای بخشش کردم و گفتم که از صمیم قلب پشیمانم. از او خواستم مرا به خاطر مادرم ببخشد. به او گفتم در زندان با دستان خودم تابلویی چوبی از زیارت عاشورا درست کرده‌ام و به حرمت مقام مادر و به حرمت امام حسین(ع) تابلو را تقدیمش کردم.» مادر مقتول هم در پاسخ گفت: «اگر امشب خواب پسرم را ببینم، تو را می‌بخشم.»

وی در رابطه با تابلو گفت: «۳ ماه شبانه‌روزی برای ساخت تابلو کار کردم. بزرگترین تابلوی زیارت عاشورا در این ابعاد در استان فارس بود. شاید بیش از ۵۰ میلیون تومان قیمت داشت. اما قیمت اصلی تابلو قیمت سال‌های عمرم بود.»

در حالی که نور امیدی در قلبم روشن شده بود، ثانیه‌ها می‌گذشت و من منتظر بودم تا اینکه نزدیک سحر در سلول انفرادی باز شد و مأمور زندان گفت: «بیا بیرون، بخت با تو یار بوده و مادر مقتول از قصاص گذشت کرده است.» با شنیدن این جمله روحم پرواز کرد، نمی‌دانستم چگونه از خدا و مادر مقتول تشکر کنم. روزی که قرار بود اعدام شوم، برگه آزادی‌ام را به دستم دادند. تابلوی زیارت عاشورا معجزه کرد و مادر مقتول خواب پسرش را دیده بود؛ خوابی که برای من نجات‌بخش بود.

محمد گفت: «۵ سال در زندان بودم و باتوجه به اینکه در زندان خوش‌رفتاری کرده و آزارم به کسی نمی‌رسید، با بخشش اولیای دم آزاد شدم. بخشی از دیه درخواستی را پرداخت کرده‌ام و بخش دیگرش را باید قسطی پرداخت کنم. به مادر مقتول گفتم تا آخر عمر برایت خدمت می‌کنم، فکر کن من پسرت هستم.»

او ادامه داد: «به خاطر سال‌هایی که در زندان بودم، کارم را از دست داده و سرمایه‌ای هم ندارم. همسر و یک دختر ۱۱ ساله دارم. حالا که آزاد شده‌ام اگر نیکوکاران کمکم کنند و اندک سرمایه‌ای فراهم کنم تا کاری برای خودم راه بیندازم، می‌توانم هم مابقی دیه را بپردازم و هم خرج زن و بچه‌ام را بدهم تا شرمنده آنها نشوم.»

علت سانحه رانندگی خانواده معاون رئیس جمهور

گروه حوادث: کارشناسان پلیس راه استان سمنان علت سانحه رانندگی خانواده معاون رئیس‌جمهور را خستگی و خواب‌آلودگی راننده اعلام کردند.

سردار کرمی‌اسد، رئیس پلیس راه‌هور فراجا درباره جزئیات این سانحه گفت: «ساعت ۱۳:۲۱ یکشنبه یک دستگاه سواری تارا با چهار سرنشین در مسیر تهران به سمنان در حرکت بود که در محدوده ایوانکی با یک کامیون بنز که در حاشیه جاده متوقف بود، برخورد کرد. در این حادثه فاطمه حیدری، ۳۴ ساله و از سرنشینان سواری تارا (همسر معاون رئیس‌جمهور، اسماعیل سقاب‌اصفهانی) در صحنه در دم جان باخت. همچنین پدر ۵۶ ساله وی، دختر ۱۲ ساله و پسر ۹ ساله خانواده مجروح شدند که توسط نیروهای امدادی به بیمارستان معتمدی گرمسار و سپس به تهران منتقل شدند و فرزند خردسال پس از مداوا مرخص شد.»

سرهنگ موسی بزرگی، رئیس پلیس راه استان سمنان نیز علت تصادف خودروی حامل خانواده معاون رئیس‌جمهور را خستگی و خواب‌آلودگی راننده این خودرو اعلام کرد و گفت: «این تصادف رانندگی در ورودی شهر ایوانکی رخ داد و با بررسی‌های تخصصی کارشناسان تصادفات پلیس راه استان سمنان، مشخص شد علت تامه این سانحه ناتوانی راننده تارا در کنترل وسیله نقلیه ناشی از خستگی و خواب‌آلودگی بوده است.»

جرثقیل ۲۵ تنی راننده‌اش را زیر گرفت

گروه حوادث: حرکت ناگهانی جرثقیل ۲۵ تنی در خیابان منجر به مرگ راننده شد.

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: «ساعت ۸:۴۷ صبح دوشنبه در خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان صدر یک جرثقیل ۲۵ تنی مقابل ساختمانی مستقر شده بود تا پالت‌های شیشه را جابه‌جا کند و اپراتور جرثقیل نیز در حال استقرار دستگاه و زدن جک‌ها بود که ناگهان جرثقیل بنا به دلایلی که باید بررسی شود به حرکت درآمد.»

ملکی ادامه داد: «راننده قصد داشت خودرو را متوقف کند اما به دلیل برخورد جرثقیل با موانع و بخش‌هایی از سازه، جان باخت. دو خودروی سواری شامل یک دستگاه اف‌ام‌سی و یک دستگاه پراید نیز دچار خسارت شدند. در نهایت، جرثقیل پس از برخورد با یکی از خودروها متوقف شد.» سخنگوی آتش‌نشانی تهران با اشاره به خطرات جدی کار با جرثقیل‌ها گفت: «یکی از تهدیدهای جدی برای اپراتورهای جرثقیل، حرکت ناگهانی دستگاه به دلیل نقص فنی یا عدم مهار صحیح است. اگر سطح شیب‌دار باشد، باید حتماً از موانع مخصوص که اصطلاحاً «دنده» نامیده می‌شود، استفاده شود. اپراتورها باید پیش از آغاز عملیات از سلامت بخش‌هایی مانند ترمز دستی و سیستم‌های نگه‌دارنده اطمینان کامل داشته باشند تا از وقوع چنین حوادث تلخی جلوگیری شود.»

وکیل دادگستری منکر قتل همکارش شد

گروه حوادث/ وکیل دادگستری که متهم است همکارش را با خودرو زیر گرفته وقتی پس از ۴ ماه دستگیر شد با انکار قتل گفت: «خودروی مرا سرقت کرده بودند.»

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۸ تیر امسال، گزارش قتل یک وکیل پایه یک دادگستری مقابل خانه‌اش در منطقه ولنجک به بازپرس سالار صنعتگر اعلام شد. بدین ترتیب بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت نشان داد وی از سوی راننده یک پژو ۲۰۶ به عمد زیر گرفته شده است.

در بررسی‌های صورت گرفته شماره پلاک خودروی پژو به دست آمد و کارآگاهان به سراغ مالک خودرو که زن جوانی بود، رفتند. زن جوان در تحقیقات گفت: «مدتی قبل خودروام را به عنوان دستمزد به یک وکیل دادم اما او نه کارم را انجام داد و نه خودرو را برگرداند.»

با به دست آمدن هویت وکیل جوان، مشخص شد وی با خانواده‌اش اختلاف ملکی داشته و مقتول وکیل خانواده او بوده و بر سر همین موضوع باهم اختلاف داشته‌اند.

با ردیابی‌های پلیسی سرانجام روز گذشته مخفیگاه او در تهرانسر شناسایی و بازداشت شد. در بازرسی از مخفیگاه او دو کلت کمری، مقداری دلار، فشنگ و سکه طلا کشف شد. او در تحقیقات منکر قتل شده و ادعا کرد: «اسلحه مال من نیست و دلارها هم برای برادرم است. روز حادثه من در دفتر کارم بودم و احتمالاً یک نفر خودروام را سرقت کرده و جنایت را رقم زده است.»

وی در رابطه با فراری بودنش نیز گفت: «چند سال قبل به خاطر اختلاف مالی با یک نفر او را به کلانتری برده و تحویلش دادم. اما مرد جوان به اتهام آدم‌ربایی از من شکایت کرد که با وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد شدم. منتها دادگاه به خاطر شکایت آدم‌ربایی مرا به دو سال و نیم حبس محکوم کرد که من هم متواری شدم.»

پایان راه جیب بران بازار و مترو

گروه حوادث: دو جیب‌بر سابقه‌دار که با سوءاستفاده از شلوغی بازارچه‌ها و ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، از مردم سرقت می‌کردند دستگیر شدند.

سرهنگ کارآگاه سیدقاسم موسوی فرمانده پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت، گفت: «پس از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت دو سارق جیب‌بر در نقاط شلوغ شهر، موضوع به صورت ویژه در دستور کار تیم مبارزه با سرقت جیب‌بری پایگاه ششم قرار گرفت. کارآگاهان با تحلیل سوابق متهمان، بررسی پرونده‌های کهنه و تازه و انجام اقدامات اطلاعاتی، موفق شدند مخفیگاه سارقان را شناسایی کنند. در ادامه، پس از هماهنگی با مقام قضایی، دو عملیات غافلگیرانه اجرا شد و هر دو متهم در مخفیگاه‌هایشان بازداشت شدند.»

وی ادامه داد: «در بازرسی از محل اختفای آنان، چندین گوشی تلفن همراه، کارت حافظه، انواع کلاه‌های نقاب‌دار و چندین کیف زنانه کشف و ضبط شد.»

یکی از متهمان گفت گوشی‌های مسروقه را در محدوده مولوی به افراد مختلف می‌فروختند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۹۰۲

آسان

۶				۳				
	۹		۲	۱	۶	۴	۵	
	۴		۸	۹			۳	
		۷		۵			۶	
	۵	۴				۱	۹	
	۱			۴		۷		
	۸			۶	۱		۴	
	۷	۲	۳	۸	۴		۱	
				۲				۷

متوسط

	۳		۵	۱				۶
۵				۲			۳	۹
	۷		۸			۵		
۴					۳	۱	۹	۸
۱	۲	۷	۹					۳
		۲			۸		۴	
۶	۴			۹				۵
۳				۵	۴		۲	

سخت

				۹			۶	۵
۵								
۳	۷		۴	۵		۹		
	۶	۴	۹			۱		
		۹				۳		
		۵			۸	۴	۲	
		۳		۷	۱		۴	۸
								۳
۴	۵			۶				

خیلی سخت

		۸	۹					۶
	۶			۷	۲			
۲	۷				۴			
		۷						۵
۸	۲						۴	۹
۵						۷		
			۱				۹	۲
			۸	۴			۵	
۱					۹	۶		

حل جدول سودوکو شماره ۴۹۰۲

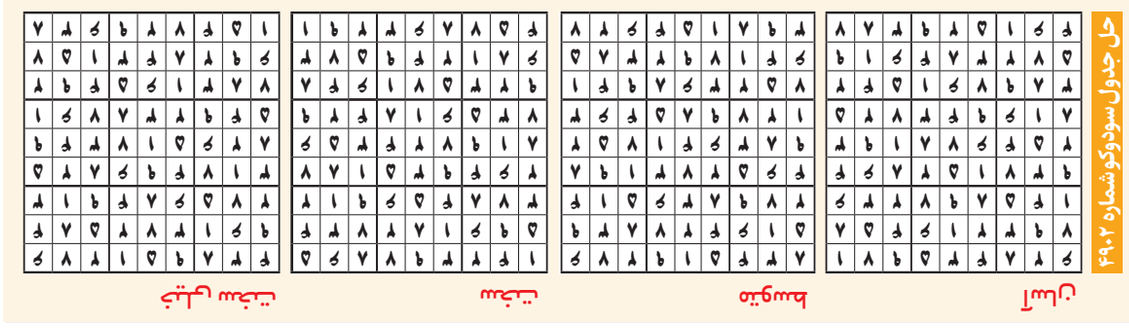

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۹۰۰

جدول عادی

افقی:

۱- یکی از محله‌های مرفه‌نشین تهران واقع در شمال غربی این کلانشهر - دارای زن و فرزند
۲- کارها، شغل‌ها - خوردنی اطفال! - مرتب‌سازی
۳- همشیره - بیکارگی و تنبلی - قاتل
۴- استخر حمام - ابر رقیق - بار درخت - یک عامیانه
۵- مروارید - از حواس پنجگانه - پُرچانه
۶- عددی ترتیبی - جمع فن - طرف
۷- شفابخش است اگر خدا بخواهد - آرمانی، رویایی - آن‌سوی سقف
۸- هیکل - اسم - صحرا
۹- آفت کشتزار - شرکت مادر برق - پارسای دیرنشین
۱۰- جاروی دسته‌دار - سخنان آتشین راهپیمایی‌ها - بهترین ورزش
۱۱- میوه مخملی - محل هلاکت - مرگ از غصه
۱۲- عضو دونده - مرکز کشور «آذربایجان» - تپانچه - حرف سفره نوروزی!
۱۳- برگه کوچک مقوایی - از گل‌ها - دالان
۱۴- صلاح‌اندیشی - کمیابی - لاستیک ماشین
۱۵- پرورش جانور اهلی - معتبر و نفیس

عمودی:

۱- عجیب و غریب بودن - جالباسی
۲- صاف - پیشوند ضدیت - عنوان امرای عثمانی
۳- روح و جان - انسانی در اسارت مالک - بازی هندی
۴- کشور مدار ۳۸ درجه - گونه‌ای موسیقی - خرده‌سنگ - شکننده
۵- مصطکی - شگفت‌زده - خمیدگی کاغذ
۶- بندگی و عبودیت - مثل - مجبور به کاری
۷- ثروتمند - فارسی آن «هم‌اندیشی» است - سنگ معدنی
۸- یک روش تکثیر گیاه است - خوراک مرغ - روحانی زردشتی
۹- برتر، والا - باشعور - پشت سر
۱۰- از حواریون - شیرینی تر - این‌هم شیرینی خامه‌دار
۱۱- ضمیر متصل دوم شخص مفرد - حرکتی بین راه رفتن و دویدن - تمام و همگی
۱۲- قایق موتوری بزرگ - نام زنانه فرنگی - کنجد کوبیده - از عناصر اربعه
۱۳- کارها و تکالیف - امر به ماندن - عرضه شدنی در بورس
۱۴- وسیله بازتاب - شهر استان مرکزی - کهن
۱۵- انداختن چیزی با دست - بازیگر فیلم «شاه نقش» (روی پرده سینما)

جدول ویژه

افقی:

۱- سریالی با هنرنمایی لعیا زنگنه - شهر «برج هشتل» در استان مازندران
۲- دستینه - پدر حضرت ابراهیم(ع) - نوعی غذای آماده
۳- پسر مازنی - مستمری - مقاصد
۴- رها و آزاد - فلز سرخ - کشوری در اروپا - زشت و ناپسند
۵- او - شهرستان استان گیلان - یک موتور جست‌جوی وب
۶- آشکار - نظم، تشریفات - واژه تمجید
۷- سازی بادی از خانواده نی - فنی در جودو - از افعال ربطی
۸- پُر - از توابع شهرستان مغان - در یک محل کار می‌کنند
۹- شهر «مجارستان» - از خودروهای شاسی بلند - همدستان
۱۰- ضمیر خودخواه - سیاهی شهر - یک فرایند یا روش تفکر
۱۱- سلطان فصل‌ها - از پرندگان - نشانه بیماری
۱۲- متضاد «ماده» - کشور نیشکر - پسوند برخی آش‌ها - شهر نیروگاه
۱۳- نام «فولچ» بازیگر اسپانیایی - رنگ آسمان - اظهار نظر بی‌جا در امری
۱۴- دیدن - سرزمینی قدیمی - مهره ای در شطرنج
۱۵- مرکز «کویت» - یکی از زیباترین صنایع دستی دزفول

عمودی:

۱- بازیگر نقش صاحب پرورش ماهی در سریال «افرا» - از عناصر اربعه
۲- فالگیری - داستان - آجر نصفه
۳- خبر، رویداد - دارایی - پاره‌خط جهت‌دار
۴- زینت ناخن - طبل‌زن - عدد حرکت - مؤسس اشکانیان
۵- شغل‌ها - برس دندان - آب در لغت محلی
۶- شیره خرما - هواپیمایی ارتش - واژگون
۷- آتش عرب - قلاب یک کمربند - گوشه‌هایی از دستگاه‌های موسیقی ایرانی
۸- حرکت و جابه‌جایی - روغن - کفش سنتی
۹- نور دیده پدر - تیم انگلیسی - سیخ تنور
۱۰- نوعی خوشبو کننده - ضروری - گفتاواز
۱۱- کافی - ماه میلادی - فراخ
۱۲- پول «کره جنوبی» - مخفف گند - ملحد - نیک و پسندیده
۱۳- واحد لگاریتمی - مرکز «غنا» - عقیم
۱۴- کلاهبردار - تاج ساخته شده از گل - مشق محصل
۱۵- نان صبحانه - دلیل شهرت «آلساندرو ولتا»

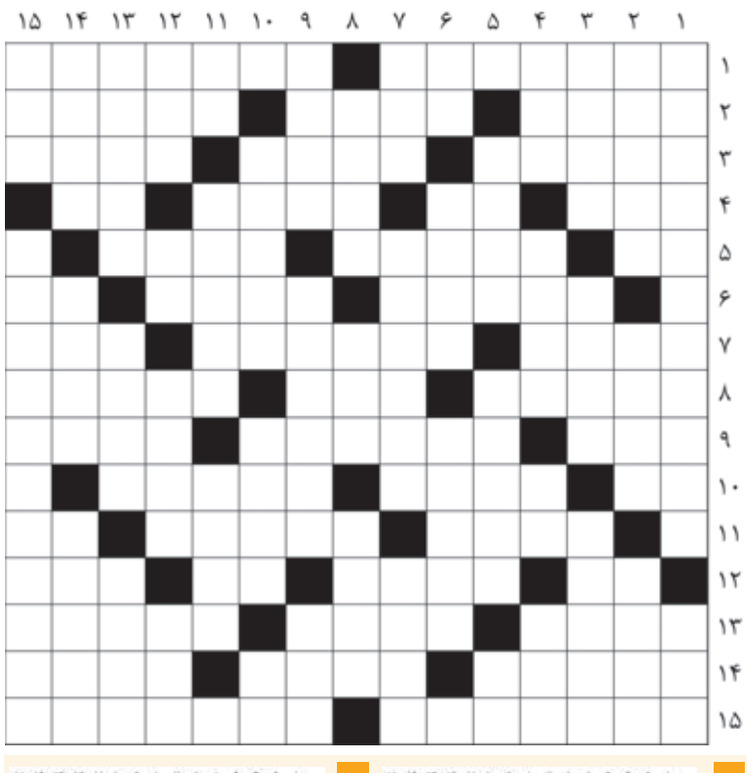

حل جدول عادی شماره ۸۸۹۹

حل جدول ویژه شماره ۸۸۹۹

فوتبال ایران هنوز زنده است!

احسان محمدی
رئیس سابق کمیته مسئولیت اجتماعی فدراسیون فوتبال

اینکه شهرآورد تهران میان استقلال و پرسپولیس را فقط تا سرحد یک بازی فوتبال تقلیل دهیم، بی‌انصافی است. شهرآورد یک جور آیین جمعی است، مناسک شهری، روانی، خانوادگی و حتی اداری!
خیلی از کسانی که تمام سال می‌گویند «فقط لیگ‌های اروپایی ارزش دیدن دارند» درست همان‌ها هستند که در این ۹۰ دقیقه، با قیافه‌ای کاملاً علمی و روشنفکرانه، کنترل تلویزیون را یواشکی شکار می‌کنند. به همسرشان می‌گویند «فقط چند دقیقه رو می‌بینم!» اما پنج دقیقه، بیست دقیقه می‌شود، بعد نیمه می‌شود، بعد هم زیرلب غر می‌زنند: «این شبکه سه چرا تبلیغ زیاد داره؟»
شهرآورد یک چیز عجیب است، کسانی دنبالش می‌کنند که حتی اسم پنج بازیکن دو تیم را هم نمی‌دانند، اما همان‌ها سر صحنه گل خوردن طوری فریاد می‌زنند که انگار روی نیمکت مربیگری نشسته‌اند و «اوسمار» و «ساپینتو» مشاور فنی‌شان هستند. مادرها کنار بچه‌هایشان حرص می‌خورند، پدرها نقش تحلیلگر رسمی صداوسیما را بازی می‌کنند و وزرایی هستند که احتمالاً همان روز به منشی‌شان می‌گویند: «هر کس زنگ زد بگو جلسه‌ام...» و بعد با خیال راحت کانال را از شبکه خبر می‌زنند شبکه سه.
این مسابقه برای ما فقط سرگرمی نیست، یک جور فراموشی جمعی است؛ نسخه‌ای موقتی اما مؤثر. در کشوری که بهانه‌های شادی کم است، فوتبال نقش آن مسکن عمومی را دارد که پزشک هم نمی‌تواند برایش نسخه بنویسد. سرزنش فوتبال و فوتبال‌دوست‌ها - مخصوصاً حالا که نه سرگرمی ارزان داریم، نه امکان رویدادهای بزرگ - خطاست. شهرآورد از سیستان و بلوچستان تا کردستان، از گیلان تا بوشهر و یزد، مردم را برای دقایقی از تورم، آلودگی هوا، کم‌آبی، مکانیسم ماشه و خبرهای تحریمی جدا می‌کند. یک نوع اتحاد بی‌هیاهوست، هرچند اتحادش در قالب دعواهای خانوادگی واتس‌اپی و طعنه‌های کاری و شوخی‌های توئیتر نمود پیدا می‌کند! اما همان چند دقیقه‌هایی که مردم کنار هم، با شور مشترک، یک بازی را دنبال می‌کنند خودش یک معجزه اجتماعی است. در روزگاری که هر چیز ساده‌ای می‌تواند سوژه اختلاف شود، شهرآورد برای لحظه‌ای ما را تبدیل می‌کند به یک جامعه هم‌نفس، نفس به نفس فوتبال.
پس زنده‌باد فوتبال، زنده‌باد شهرآورد.

«ایران» بررسی می‌کند؛ چرا دوئل پرسپولیس و استقلال همیشه برای هواداران تماشایی است؟

دربی پایتخت؛ نقطه جوش فوتبال

سینا حسینی / رویارویی آبی و قرمز پایتخت سال‌هاست که مانند آتشفشانی زیر خاکستر، فقط منتظر سوت آغاز است؛ نبردی که حتی اگر دو تیم در پایین‌ترین سطح آمادگی باشند، بازهم هیجانش مثل موجی از میان شهر عبور و همه را درگیر خود می‌کند. کافی است نام «دربی» شنیده شود انگار جریان برق در رگ‌های هواداران جاری می‌شود؛ از ورزشگاه تا کافه‌ها، از تحریریه‌ها تا اتاق‌های جلسات سیاسی، همه به نوعی وارد میدان می‌شوند. دربی پایتخت یک ابرپدیده اجتماعی است؛ پدیده‌ای که کری‌خوانی‌های بی‌پایان، آن را زنده و پرحرارت نگه می‌دارد.
نگاهی به تاریخچه این جدال نشان می‌دهد دربی همیشه فراتر از یک بازی معمولی بوده؛ رویدادی که رسانه‌های داخلی و خارجی با کمترین جرقه، شعله‌اش را بزرگ می‌کنند. پس لرزه‌هایش هفته‌ها در شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های ورزشی و حتی محافل غیرورزشی ادامه دارد و هر بار بخش تازه‌ای از افسانه دربی نوشته می‌شود.
اما دربی دور رفت لیگ بیست‌وپنجم مزه‌ای متفاوت دارد؛ چون درست همزمان با قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ برگزار می‌شود. با این حال، عجیب است که هیاهوی آن مراسم بزرگ جهانی در برابر تپ دربی رنگ می‌بازد. همه درباره این نبرد حرف می‌زنند؛ نه از روی عادت، بلکه از سر یک هیجان خالص که فقط دربی قادر به خلق آن است.
این بار حتی نبود زمین مناسب در تهران هم نتوانسته از حرارت کار کم کند؛ دربی قرار است کیلومترها دورتر از پایتخت برگزار شود، اما موج هیجانش مثل طوفان از شمال تا جنوب کشور پیچیده. انگار نه فاصله مهم است نه مکان؛ آنچه اهمیت دارد لحظه برخورد دو جریان عظیم است؛ ۹۰ دقیقه‌ای که ضربان قلب میلیون‌ها نفر را تندتر می‌کند و بار دیگر ثابت می‌کند دربی پایتخت فقط یک بازی نیست؛ یک رویداد است، یک روایت جمعی، یک انفجار احساسی که هر بار هیجان ایرانی‌ها را زیر و رو می‌کند.

چهره‌های ویژه تاریخ دربی پایتخت

هویت گره خورده به یک نبرد بزرگ

گزارش

ایلیا بهزاد اول/ برخی بازیکنان تاریخ پرسپولیس و استقلال، هویتشان به لحظات حساس و تاریخی دربی تهران گره خورده و به شناسنامه یکی از بزرگ‌ترین دربی‌های فوتبال آسیا تبدیل شده‌اند. مانند صفر ایرانپاک که با ۷ گل زده همچنان پس از دهه‌ها، برترین گلزن تاریخ دربی تهران است. هرچند که علی علیپور یکی از موفق‌ترین بازیکنان سال‌های اخیر دربی با ۵ گل زده، تنها بازیکن فعالی است که می‌تواند جایگاه او به عنوان برترین گلزن دربی تهران را تهدید کند. در جمع گلزنان ۵ گله تاریخ دربی تهران اما نام یک بازیکن بیش از سایر ستارگان خودنمایی می‌کند؛ مهدی هاشمی‌نسب. بازیکنی که مشهورترین یاغی پایتخت محسوب می‌شود و توانسته با لباس هر دو تیم استقلال و پرسپولیس، ۵ بار در دربی گلزنی کند که مشهورترین آن، گلی بود که با لباس استقلال وارد دروازه احمدرضا عابدزاده کرد.
برخی چهره‌ها با خلق لحظاتی ماندگار در دربی، محبوبیتی دست‌نیافتنی بین هواداران تیم‌های خود پیدا کردند. مانند فرهاد مجیدی ۴ گله که در دربی ۷۰ در لحظات پایانی، گل پیروزی‌بخش استقلال را در یک دربی جنجالی به ثمر رساند یا ایمون زاید که به عنوان یک خارجی ناشناس در دبی ۷۵، با سه گل خود در دقایق پایانی بازی، بزرگ‌ترین بازگشت پرسپولیس در تاریخ دربی را رقم زد؛ بازگشتی که به نوار چهار برد متوالی پرویز مظلومی به عنوان سرمربی در دربی خاتمه داد. سرمربی‌ای که بهترین آمار دوران مربیگری خود را مقابل پرسپولیس داشت و توانست القاب جالبی از سوی هواداران استقلال کسب کند.
رکورددار نباختن در دربی امید عالیشاه با ۱۹ بازی است که می‌تواند رکورد خود را در بازی حساس روز جمعه ارتقا ببخشد. نکته این‌جاست که رکورد معکوس نبردن در دربی، متعلق به سیدحسین حسینی بود که بدون برد در اوقات قانونی، راهی سپاهان شد. حالا باید دید در بازی حساس این جمعه که برای چهارمین بار به میزبانی شهری به‌جز پایتخت برگزار خواهد شد، چه بازیکنانی نام خود را در تاریخ دربی تهران ثبت خواهند کرد.

> رکورددار نباختن در دربی امید عالیشاه با ۱۹ بازی است که می‌تواند رکورد خود را در بازی حساس روز جمعه ارتقا ببخشد

> رکورد نبردن در دربی، متعلق به سیدحسین حسینی بود که بدون برد در اوقات قانونی، راهی سپاهان شد

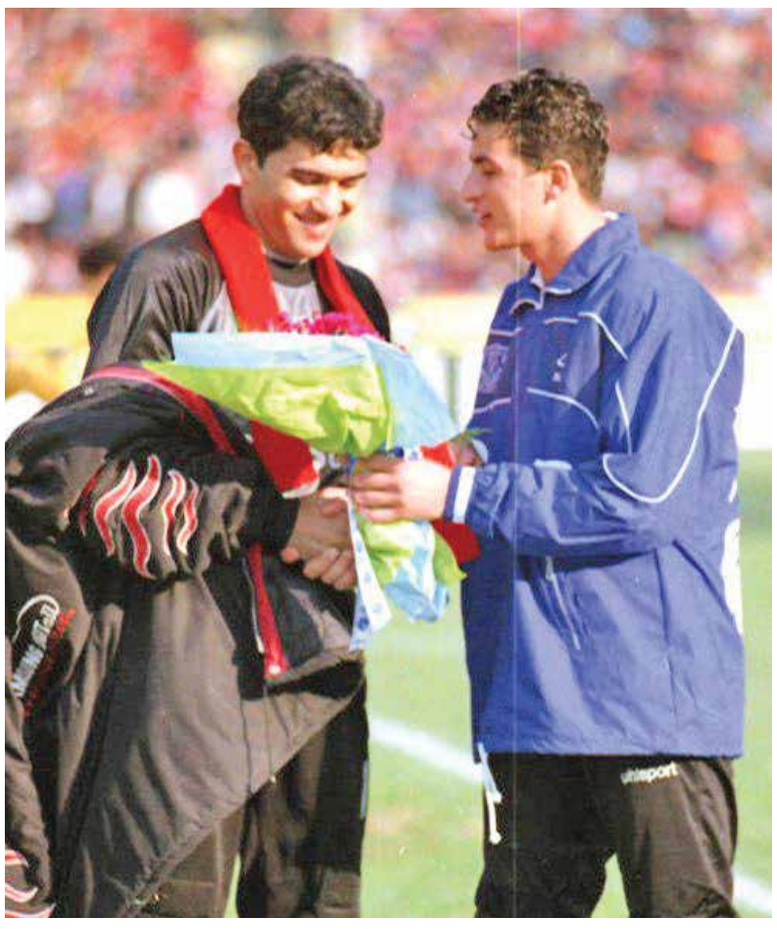

سرخ‌ها به دنبال تکرار خاطرات خوش اراک

آبی‌ها طلسم‌شکنی می‌کنند؟

گروه ورزشی/ دربی تهران روز جمعه در شرایطی برگزار می‌شود که پرسپولیس با توجه به نتایج خوب خود در سال‌های اخیر، در تعداد پیروزی‌ها توانسته از استقلال پیشی بگیرد و با ۲۹ برد، بالاتر از استقلال با ۲۶ برد قرار گرفته است.
هرچند که در موردی نادر بین دربی‌های بزرگ فوتبال جهان، تساوی بیشترین سهم را از نتایج دربی با ۵۰ نتیجه مساوی دارد.
تا زمان دربی ۱۰۰ تهران، استقلال با ۲۶ برد از پرسپولیس پیشی گرفته بود اما برد تیم یحیی گل‌محمدی مقابل ساپینتو با تک گل عیسی آل‌کثیر و پس از آن پیروزی در فینال جام حذفی، پرسپولیس را در آمار تاریخ دربی‌ها بالاتر از استقلال قرار داده است.
آخرین برد استقلال در اوقات قانونی دربی، به ۱۰ اسفند ۱۳۹۶ و گلزنی وریا غفوری در تقابل با پرسپولیس برانکو ایوانکوویچ برمی‌گردد.
از آن زمان در ۱۷ بازی برگزار شده و سوپرجام فوتبال ایران که برگزار نشد، استقلال دو بار در ضربات پنالتی جام حذفی به برد رسیده اما این بردهای خارج از زمان قانونی بازی طبق قوانین، در دسته‌بندی تساوی‌ها قرار می‌گیرند و بنابراین، استقلال می‌خواهد در دربی روز جمعه به طولانی‌ترین طلسم نبردن در تاریخ دربی پاسخ دهد.
پرسپولیس در سال‌های ۷۵ تا ۷۷ در سه دربی متوالی لیگ آزادگان مقابل استقلال پیروز شد اما هیچ‌گاه نتوانسته در لیگ برتر، طی سه بازی متوالی پیروز دربی شود و در دربی جمعه با پیروزی، این رکورد را ثبت می‌کند. برخلاف استقلال که در دوران پرویز مظلومی در سال‌های ۸۹ و ۹۰، توانست به سه پیروزی متوالی با کلین‌شیت در لیگ برتر برسد.

اعتماد هواداران به اوسمار و ساپینتو

سرخابی ها ، آماده دوئل خارجی‌های جذاب

گروه ورزشی/ هواداران دو تیم پرسپولیس و استقلال با توجه به فرم خوب خود در هفته‌های اخیر، امید زیادی به دربی این هفته دارند. پس از شروع ضعیف در ابتدای فصل، پرسپولیس با حضور اوسمار بار دیگر به جمع مدعیان بازگشته و با دو پیروزی مقابل استقلال خوزستان و شمس آذر، در بهترین فرم این فصل خود قرار گرفته است. البته تساوی‌های متعدد ابتدای فصل باعث شده پرسپولیس به ۳ امتیاز هر بازی نیاز داشته باشد اما در حال حاضر جو مثبتی پیرامون باشگاه پرسپولیس و ارتباط آنها با هواداران وجود دارد و آرامش با حضور اوسمار به اردوی تیم بازگشته است؛ سرمربی‌ای که یک‌بار در دربی مقابل جواد نکونام قرار گرفت و به تساوی بدون گل رسید. در سمت مقابل، استقلال با یک بازی کمتر نسبت به پرسپولیس در صدر جدول قرار گرفته و پس از برد روحیه‌بخش مقابل فولاد، به دنبال شکستن طلسم هشت ساله پیروزی در دربی‌های لیگ برتری است. برخلاف شایعات ابتدای فصل، ساپینتو بار دیگر به سرمربی محبوب آبی‌ها تبدیل شده و به او برای ادامه فصل و تکمیل کار ناتمام خود اعتماد شده است؛ کار ناتمام رویای قهرمانی در لیگ و حذفی که با دو شکست در دربی بر باد رفت. این برای سیزدهمین‌بار در تاریخ دربی تهران است که هر دو سرمربی خارجی هستند؛ پیش از انقلاب اسلامی، رایکوف در استقلال و راجرز در پرسپولیس ۷ بار به مصاف هم رفتند که حاصل آن ۴ برد برای پرسپولیس (از جمله پیروزی مشهور شش بر صفر)، ۲ برد برای استقلال و یک تساوی بود. در تقابل‌های برانکو ایوانکوویچ و وینفرد شفر، برانکو به دو برد رسید، یک برد سهم شفر شد و یک بازی نیز به تساوی رسید. تنها دربی استراماچونی و کالدرون، با پیروزی پرسپولیس به پایان رسید و سال گذشته در تقابل کارتال و بوژوویچ، سرمربی ترکیه‌ای پرسپولیس به برد رسید تا پرسپولیس در بازی‌های دو تیم با مربیان خارجی، آمار بهتری داشته باشد.

از مصطفوی تاهاشمی نسب یاغی‌های جنجالی

کلکسیون اتفاقات عجیب در دربی‌های خاطره انگیز

گروه ورزشی/ در ۱۰۵ مسابقه‌ای که استقلال و پرسپولیس پیش از این انجام دادند، حاشیه‌ها و اتفاقات عجیب و غریب زیادی رخ داده که در ادامه به برخی موارد از آنها اشاره شده است.
از داریوش مصطفوی، اولین یاغی فوتبال ایران که اواخر دهه ۴۰ از استقلال به پرسپولیس رفت، تا بازیکنانی که با تک‌گل‌ها یا درگیری‌های خود جنجال‌ساز شدند، این مسابقه پر از لحظات تاریخی و به‌یادماندنی است. مصطفوی به دلیل دوستی دیرینه با همایون بهزادی و ادامه تحصیل، از استقلال جدا و راهی پرسپولیس شد؛ اقدامی که آن زمان بسیار جنجالی بود.
یکی از مهم‌ترین انتقال‌های جنجالی، مهدی هاشمی‌نسب بود؛ مدافعی که پس از اختلاف با علی پروین در پرسپولیس، با پیشنهاد ۱۰۰ میلیون تومانی به استقلال پیوست و در دربی‌ها با گل‌هایش، هواداران دو تیم را شوکه کرد. دروازه‌بان استقلال، بهزاد غلامپور نیز با واکنش‌های تاریخی خود در سال ۷۴، نشان داد در دربی‌ها هر لحظه می‌تواند سرنوشت بازی تغییر کند.

دربی‌های خاطره‌انگیز دیگری هم هست؛ مانند دربی ۷۴ که با ورود ایمون زاید و هت‌تریک او، پرسپولیس ۱۰ نفره توانست بازگشتی تاریخی داشته باشد، یا درگیری‌های بچه‌گانه بازیکنان مثل طارمی و رضائیان که پنالتی را به دعوا کشاند. خشن‌ترین دربی تاریخ به ۹ دی ۱۳۷۹ بازمی‌گردد که استیلی و تارتار با ضربات خود جنجال آفریدند.
از نظر هواداری، پرتماشاگرترین دربی در ۱۵ مهر ۱۳۶۲ با ۱۲۰ هزار نفر ثبت شد و تاریخی‌ترین نتیجه به ۰-۶ شدن استقلال در شهریور ۱۳۵۲ تعلق دارد.

در کنار این، داوری‌های جنجالی، مثل قضاوت احمد ابهران در دربی ۳۸ و صفر-صفرهای متوالی در دربی‌های ۷۹ تا ۸۳ نیز به تاریخ مسابقه بین این دو تیم افزوده شده‌اند.
نکته جالب دیگر، لقب ۳۰ ثانیه است؛ دو بازیکن استقلال، عباس سرخاب و بعدها علی سامره، با گل‌های زودهنگام خود این نام را به دست آوردند و هنوز هم هواداران آنها را با این لقب به یاد می‌آورند.

وقتی تهرانی‌ها به شهرستان می‌روند

گروه ورزشی/ دربی تهران، این نبرد سنتی میان استقلال و پرسپولیس، غالباً در استادیوم‌های آزادی و شیرودی (امجدیه تهران) برگزار شده، اما ۴ بار نیز به دلایلی خاص و پرحاشیه، خارج از پایتخت انجام شده است. این مسابقات، گرچه از شور و هیجان همیشگی برخوردار هستند اما نمایانگر چالش‌های فوتبال ایران نیز بوده‌اند. استقلال در این دیدارهای «مهمان» هنوز موفق به کسب پیروزی نشده، در حالی که پرسپولیس با برد اخیر خود، طلسم را شکست. مروری بر این دربی‌های خارج از خانه:

۱- دربی ۴۰ (۱۳۷۱) - بندرعباس:
به دنبال حواشی دربی ۳۹، این بازی به عنوان تنبیه به بندرعباس تبعید شد.
مسابقه در غیاب تماشاگران (یا با تعداد محدود) در گرمای جنوب برگزار شد و با نتیجه صفر-صفر به پایان رسید.

1

۲- دربی ۶۳ (۱۳۸۱) - تبریز:
به دلیل تعمیرات آزادی، دربی به تبریز منتقل شد. علی سامره گل زودهنگامی برای استقلال به ثمر رساند، اما پنالتی دقیقه ۹۰ علی انصاریان بازی را به تساوی کشاند.

2

۳- دربی ۱۰۴ (۱۴۰۳) - اراک:
باز هم به دلیل تعمیرات آزادی، دربی در اراک برگزار شد. پرسپولیس با گل دقیقه ۹۰+ کنعانی‌زادگان از روی نقطه پنالتی، یک-صفر پیروز شد و اولین برد خود در دربی خارج از تهران را جشن گرفت. این باخت، ناکامی‌های استقلال در دربی‌های خارج از خانه را تداوم بخشید.

3

درگیری‌های تاریخی در دربی پایتخت

از کتک‌کاری محرمی و قلعه‌نویی تا مشت برومند

محمدرضا رحیم‌پور/ دربی پایتخت، فراتر از یک مسابقه فوتبال، همواره صحنه‌ای از غرور، رقابت و گاهی برخوردهای فیزیکی بوده است. در ۵۷ سال گذشته، این رویارویی شاهد درگیری‌هایی بوده که از زمین بازی به سکوها و حتی رختکن‌ها هم کشیده شده است. گاهی تنها چند ثانیه کافی بود تا اختلافات شعله‌ور شده و میدان مسابقه به صحنه‌ای پرآشوب تبدیل شود.

یکی از پرحاشیه‌ترین درگیری‌ها به دربی ۳۹ (مهر ۱۳۷۱) بازمی‌گردد. در دقیقه ۷۵، تکل خشن مجتبی محرمی روی امیر قلعه‌نویی، آغازگر یک زد و خورد تمام‌عیار شد و هر ۲۲ بازیکن وارد درگیری شدند. پرتاب صندلی از سوی تماشاگران و ورود نیروهای نظامی، شدت ماجرا را نشان داد.
در دربی شماره ۴ (۱۳۴۸) نیز اعتراض شدید بازیکنان پرسپولیس به داور باعث شد دروازه‌بان این تیم، عزیز اصلی، سیلی به داور بزند. این اقدام منجر به ترک زمین توسط سرخ‌پوشان و ثبت اولین نتیجه انضباطی تاریخ دربی شد.
دربی ۴۹ (۱۳۷۹) با مشت پرویز برومند و درگیری گسترده میان بازیکنان و دربی ۲۳ (۱۳۵۴) با هجوم تماشاگران، نمونه‌هایی دیگر از تنش‌های تاریخی بودند. در دهه ۹۰، شکل درگیری‌ها تغییر یافت؛ در دربی ۸۲ (بهمن ۱۳۹۵) بهزاد غلامپور، مربی دروازه‌بانان استقلال، مهدی ترابی را در بین دو نیمه هل داد و تصاویر آن در فضای مجازی نیز منتشر شد.
در دربی ۹۵ (آذر ۱۴۰۰) تکل خشن محمد نادری روی عیسی آل‌کثیر و درگیری دقیقه ۹۶ و در دربی ۱۰۴ (اراک)، تنش میان کنعانی‌زادگان و بازیکنان استقلال تا تونل رختکن ادامه یافت.

این درگیری‌ها، اگرچه چهره‌ای ناخوشایند از دربی ارائه می‌دهند، اما بخشی از تاریخ این مسابقه هستند و سوژه‌ای برای کری‌خوانی و خاطرات هواداران شده‌اند. با این حال، حفظ فضای ورزشی و جوانمردانه، همواره باید در اولویت باشد.

وقتی شهر دوپاره می‌شود!

فرخ حسابی/ دربی‌ها در فوتبال، تنها یک مسابقه فوتبال نیستند بلکه روایت رویارویی تاریخ، فرهنگ، هویت و تعصب میلیون‌ها هوادارند. از آمریکای جنوبی تا اروپا، تقابل تیم‌هایی که یک شهر، یک جامعه و گاهی یک ملت را دو یا چند پاره می‌کنند، همواره صحنه‌هایی خلق کرده‌اند که در حافظه فوتبال جهان ماندگار شده است.
در بوئنوس‌آیرس، سوپرکلاسیکو میان بوکا جونیورز و ریورپلاته پرالتهاب‌ترین دربی جهان شناخته می‌شود. این جدال نه‌تنها خیابان‌های آرژانتین را به لرزه درمی‌آورد، بلکه توجه جهانی فوتبال را هم جلب می‌کند. فینال لیبرتادورس ۲۰۱۸ بین این دو تیم یکی از جنجالی‌ترین مسابقات تاریخ بود. حمله به اتوبوس بازیکنان ریورپلاته باعث تعویق بازی شد و در نهایت مسابقه از قاره آمریکا به مادرید منتقل شد! اتفاقی کم‌نظیر در تاریخ فوتبال.
در اروپا، ال‌کلاسیکو میان بارسلونا و رئال مادرید شاید مشهورترین رقابت فوتبالی دنیا باشد که البته بین دو تیم از یک شهر نیست اما تمام ویژگی‌های یک دربی را دارد. این تقابل که ریشه‌هایی فراتر از ورزش دارد، بارها شاهد صحنه‌های دراماتیک بوده است.
انگلیس نیز میزبان برخی از قدیمی‌ترین و احساسی‌ترین دربی‌های جهان است. دربی مرسی‌ساید بین لیورپول و اورتون با بیشترین تعداد کارت قرمز در لیگ برتر شناخته می‌شود و همواره تنشی خاص در آن جریان دارد. دربی منچستر میان یونایتد و سیتی، با ظهور سیتی قدرتمند در دهه اخیر، به یکی از پرخبرترین رقابت‌های جهان تبدیل شده و بازی‌هایی مانند پیروزی ۶-۱ سیتی در اولدترافورد، سال‌ها سوژه رسانه‌ها بوده است.
در ایتالیا، دربی دلامادونینا میان اینتر و میلان یکی از زیباترین تقابل‌های فوتبالی جهان از نظر تقابل‌های هواداری است. تیفوسی‌های هر دو تیم با پرچم‌های غول‌پیکر خود سن‌سیرو را به صحنه‌ای تئاتری بدل می‌کنند. یکی از فراموش‌نشدنی‌ترین رویدادهای این دربی، دیدار لیگ قهرمانان ۲۰۰۵ بود که با پرتاب مواد آتش‌زا و دخالت پلیس متوقف شد.
در اسپانیا، جدال اتلتیک بیلبائو و رئال سوسیداد نیز یکی از دربی‌های مبتنی بر هویت‌های فرهنگی است، تقابلی که ریشه در تاریخ و افتخارات منطقه باسک دارد. همچنین در ترکیه، دربی استانبول میان فنرباغچه و گالاتاسرای با شور خاص مدیترانه‌ای همراه است، رقابتی که بارها به درگیری‌های شدید و داستان‌های فراموش‌نشدنی انجامیده است.
از آمریکای جنوبی تا اروپا و از استانبول تا اسکاتلند، دربی‌ها قلب تپنده فوتبال جهان هستند، بازی‌هایی که ورای نتیجه، تاریخ و احساس یک نسل را روایت می‌کنند.

پرواز بی‌صدا با «جت بایک» نوآورانه

فناوری

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

سال‌هاست که بشر به دنبال پرواز انفرادی بوده و ساخت انواع بالن، کایت، جت پک و... هم به منظور تحقق این رویای فانتزی انجام شده است. بسیاری از علاقه‌مندان به پرواز، آرزو دارند بدون نظارت هیچ شخص دیگری یا برج کنترل و...، در آسمان پرواز کنند و البته این وسیله پرواز آنقدر هم کوچک باشد که بدون دردسر بتوانند آن را در پارکینگ خانه خود پارک کنند. هرچند این آرزو کمی دور از دسترس به نظر می‌رسید اما حالا همکاری یک مخترع با نام «پیت بیتار» و یک طراح خودرو با نام «کارلوس سالاف»، این رویا را با جت‌بایک LEO Solo محقق کرده است؛ یک هواپیمای نوآورانه شخصی و کوچک برقی که قابل شارژ است و خلبان آن می‌تواند بدون نیاز به گواهینامه خلبانی در ارتفاع پایین، پروازی ایمن داشته باشد.

پارک در پارکینگ‌های خانگی

در نگاه اول، جت‌بایک LEO Solo با ابعاد حدود ۲ در ۲، بیشتر شبیه یک میز بازی است تا یک وسیله نقلیه پرنده و می‌توان آن را در یک پارکینگ با متراژ متوسط پارک کرد. طراحی این وسیله پروازی هم جالب است و جلوه‌های بصری ساده را با یک طرح ساختاری هدفمند متعادل می‌کند. موقعیت صندلی، کنترل‌ها و طراحی قاب جت‌بایک LEO Solo، یک زیبایی مینیمال اما ممتاز ایجاد می‌کند. این جت‌بایک همچنین از یک سیستم قدرت حالت جامد استفاده می‌کند که در مقایسه با باتری‌های لیتیوم-یونی فعلی، چگالی انرژی و ایمنی بهتری ارائه می‌دهد و شارژ آن را می‌توان در خانه و بدون زیرساخت‌های تخصصی هم انجام داد. این جت‌بایک با یک بار شارژ کامل، می‌تواند ۱۰ تا ۱۵ دقیقه با سرعت حدود ۲۴ تا ۹۶ کیلومتر بر ساعت پرواز کند و با تکامل فناوری باتری حالت جامد، انتظار می‌رود مدت زمان پرواز و سرعت شارژ بیشتر بهبود یابد. این جت بایک بیشتر برای پروازهای تفریحی و آموزشی طراحی شده و سفرهای هوایی طولانی مدت برای آن درنظر گرفته نشده است.

۴۸ فن در بین کانال‌های هوا

یکی از ویژگی‌های جت‌بایک LEO Solo این است که به جای بال یا روتور، برای تولید نیروی بالابر و رانش، به ۴۸ فن کانالی الکتریکی (ducted fan) متکی است که در سراسر قاب آن توزیع شده‌اند. این نوع فن برخلاف سایر انواع فن صنعتی و فن خانگی موجود در بازار، به جای اینکه در ابتدا و انتهای مسیر تهویه و کانال‌های هوا نصب شود، در بین کانال‌های هوا نصب می‌شوند. فن بین کانالی با استفاده از نیروی گریز از مرکز، هوا را در لوله‌ها و کانال‌های هوا انتقال می‌دهند. با گردش پره‌های فن بین کانالی، هوا از مرکز فن به سمت قسمت بیرونی هدایت می‌شود که این حرکت، یک فضا با فشار پایین در مرکز فن ایجاد می‌کند. این فشار کم، باعث مکش هوا به سمت فن شده و سپس از سمت دیگر فن به بیرون هدایت می‌شود. این پیکربندی، ایمنی راکب را افزایش می‌دهد چراکه حتی در صورت خرابی یک یا چند فن، باز هم سیستم می‌تواند با ایمنی بالا پرواز را ادامه دهد و فرودی کم خطر داشته باشد.

پرواز بی‌صدا

با توجه به ساختار این پرنده، انتظار می‌رود این جت بایک، پروازی پرسروصدا داشته باشد ولی جالب است که صدای آن در طول حرکت، به اندازه یک جاروبرقی خانگی است بنابراین سازگارتر از جت‌پک‌های احتراقی یا هلیکوپترهای کوچک است و پروازهای شخصی برای شهروندان و همسایگان، آلودگی صوتی ایجاد نمی‌کند. درحال حاضر پیش فروش این جت‌بایک با مبلغ حدود ۱۳۲۲ دلار انجام می‌شود اما قیمت نهایی خرده‌فروشی آن هنوز اعلام نشده است.

توسعه تولید سبز با مهندسی مواد

یادداشت

شهرام رایگان
عضو هیأت علمی دانشکده متالورژی و مواد دانشگاه تهران

تحولات دانش متالورژی و مواد، آینده‌ای را نوید می‌دهند که در آن مواد نه‌تنها نیازهای صنعتی را پاسخ می‌دهند، بلکه به صورت هوشمند و سازگار با محیط زیست طراحی و تولید خواهند شد.

بی‌شک پیشرفت‌های نوین متالورژی و مواد، تأثیر عمیقی بر صنعت، فناوری‌های پزشکی، انرژی و حتی زندگی روزمره خواهند گذاشت و چنین پیشرفت‌هایی، نقش این علم را بیش از پیش برجسته خواهند کرد. حتی می‌توان گفت مهندسی مواد در خط مقدم مبارزه با تغییرات اقلیمی قرار دارد و برای گذار به سمت انرژی‌های پاک، به ما کمک می‌کند. در مجموع، آینده مهندسی مواد به سمت طراحی مولکولی، ساخت هوشمند و تولید سبز حرکت می‌کند و یکی از دلایل آن، توسعه باتری‌های خاص است. با توجه به نقش حیاتی دانش متالورژی و مواد در حوزه انرژی، توسعه باتری‌های حالت جامد، باتری‌های لیتیوم-هوا و الکترودهای نانوساختار و توسعه باتری‌های حالت جامد نویدبخش انقلابی در فناوری خودروهای الکتریکی و ذخیره‌سازی انرژی هستند. طراحی مواد جدید برای سلول‌های سوختی، توربین‌های گازی و نیروگاه‌های هسته‌ای هم می‌تواند به افزایش بازده و کاهش مصرف سوخت کمک شایان توجهی کند.

مواد جدید مورد استفاده برای ذخیره انرژی حرارتی و تولید و ذخیره‌سازی هیدروژن نیز نقشی اساسی در پیشبرد فناوری‌های سبز و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی دارد. علاوه بر این، کاربرد مواد مقاوم به خوردگی و اکسیداسیون در صنایع نفت، گاز و نیروگاهی برای افزایش طول عمر تجهیزات و کاهش هزینه‌های تعمیراتی اهمیت فراوانی دارد. در واقع ترکیب مدل‌سازی رایانه‌ای پیشرفته، روش‌های تجربی دقیق و تولید مبتنی بر نیازهای صنعتی، این امکان را فراهم می‌کند که مواد با ویژگی‌هایی دقیقاً مطابق عملکرد مورد انتظار، طراحی شوند. علاوه بر این، تحقیقات در زمینه مواد هوشمند که قادر به پاسخگویی به عوامل محیطی مانند دما، فشار یا میدان مغناطیسی هستند، مسیر تازه‌ای برای تولید حسگرها و سازه‌های خودترمیم‌پذیر گشوده است؛ چراکه آلیاژهای حافظه‌دار هوشمند، شکل اولیه خود را به خاطر می‌سپارند؛ اگر هم تغییر شکل یابند، با یک محرک ساده مثل حرارت، به شکل اصلی خود بازمی‌گردند و از این فناوری می‌توان در استنت‌های قلبی، قطعات هواپیما و حتی قاب عینک‌ها بهره گرفت.

حوزه فاوا

■ اولین نمایشگاه بین‌المللی هوش مصنوعی ایران AIX Expo 2026 با مجوز رسمی سازمان توسعه تجارت ایران و با حمایت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از ۲۲ تا ۲۵ دی‌ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. در این نمایشگاه فعالان اکوسیستم نوآوری و مدیران صنایع دستاوردهای خود را ارائه می‌دهند.

کوتاه از فناوری

■ شرکت خودروساز چینی، چانگان موتورز با سرمایه‌گذاری ۲۲۵ میلیون یوان (۳۱٫۸ میلیون دلار) رسماً به حوزه روباتیک وارد شد. این شرکت یک واحد جدید تأسیس کرد که هدف آن توسعه «هوش تجسم‌یافته» بر پایه فناوری روبات‌های انسان‌نما و ارائه راهکارهای پیشرفته است.

■ «پاول دورف» اعلام کرد، شبکه غیرمتمرکز پردازش محرمانه Cocoon رسماً فعال شده است. این شبکه اکنون می‌تواند درخواست‌های هوش مصنوعی کاربران را با محرمانگی کامل پردازش کند و مالکان GPU نیز با پردازش این درخواست‌ها درآمد مبتنی بر توکن TON داشته باشند.

تازه‌های موبایل

■ برند کاویار مجموعه محدود Secret Love را برای آیفون ۱۷ پرو و پرومکس معرفی و تنها ۱۹ دستگاه از هر مدل تولید کرده است. این سری با قیمت پایه ۱۰ هزار و ۲۰۰ دلار عرضه شده و تمرکز آن بر هنر دست، طراحی فصل‌محور و المان‌های الهام گرفته از عشق و جشن‌های زمستانی است.

روبات

■ یک دانش‌آموز ۱۷ ساله هندی بدون آموزش رسمی، یک معلم روباتیک ساخته که هدف آن بهبود آموزش در مناطق روستایی هند با وجود چالش‌های مالی بوده است.

ایلان ماسک:

هوش مصنوعی بحران بدهی آمریکا را حل می‌کند

آمریکا درحال حاضر بیش از ۳۸ تریلیون دلار بدهی دارد و ایلان ماسک در جدیدترین مصاحبه یوتیوبی خود با Nikhil Kamath ادعا کرده است افزایش بهره‌وری ناشی از هوش مصنوعی و علم روباتیک، می‌تواند تنها چیزی باشد که این بحران را حل کند. به اعتقاد مدیرعامل تسلا و اسپیس ایکس، استفاده گسترده از هوش مصنوعی و روبات‌ها باعث کاهش قابل توجه تورم خواهد شد، زیرا تولید کالاها و خدمات به طور چشمگیری افزایش می‌یابد.

او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌های خود توضیح داد: «اگر تولید واقعی خدمات و کالاها کندتر از عرضه پول رشد کند، تورم ایجاد می‌شود. به همین سادگی است؛ بنابراین اگر هوش مصنوعی و علم روباتیک باعث افزایش چشمگیر تولید کالاها و خدمات شوند، احتمالاً کاهش تورم خواهیم داشت.» ماسک همچنین پیش‌بینی کرد که در کمتر از سه سال، تولید کالاها و خدمات از نرخ تورم پیشی خواهد گرفت. ایلان ماسک همچنین سخنان پیشین خود را تکرار کرد و یادآور شد: «گسترش هوش مصنوعی و علم روباتیک می‌تواند کار کردن را اختیاری کند.» او سناریویی را ترسیم کرد که در آن بهره‌وری بسیار بالاست و کالاها و خدمات به طور گسترده در دسترس هستند، به‌طوری که هیچ‌کس برای تأمین نیازهای پایه خود مجبور به کارکردن نخواهد بود. ایده ایلان ماسک برای حل بحران بدهی آمریکا با هوش مصنوعی و علم روباتیک در شرایطی مطرح می‌شود که شرکت‌ها درحال اخراج کارکنان و جایگزینی آنها با اتوماسیون و هوش مصنوعی هستند. درحالی که هنوز مشخص نیست آیا هوش مصنوعی می‌تواند بحران بدهی را حل کند یا خیر، برخی معتقدند روندهای فعلی نشان می‌دهد که هوش مصنوعی ممکن است به بیکاری گسترده در آمریکا منجر شود.

«خاموش کردن لامپ‌های اضافی، ساده‌ترین راه صرفه‌جویی در مصرف برق است»

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه)

به‌شماره ط/ ۴۰۴/۲۴

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای خراسان

شرکت برق منطقه‌ای خراسان در نظردارد "**انجام خدمات نظافتی امور اتوماسیون پست‌ها به‌صورت حجمی**" را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) به پیمانکار حائز شرایط ذیل واگذار نماید.

شماره فراخوان درسامانه ستاد	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مدت پیمان	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	محل اعتبار
۲۰۰۴۰۰۱۱۲۳۰۰۰۰۴۰	ط/۴۰۴/۲۴	انجام خدمات نظافتی امور اتوماسیون پست‌ها به‌صورت حجمی	۱۲ ماه شمسی	۶،۶۷۶،۸۹۰،۰۶۶	منابع داخلی (غیرعمرانی)

* **شرط لازم جهت شرکت در مناقصه:**
- دارا بودن گواهی‌نامه صلاحیت معتبر پیمانکاری (با کد فعالیت عمومی و رتبه در محدوده مبلغ برآوردی از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و داشتن ظرفیت آزاد .)
* **نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:**
مناقصه‌گران می‌توانند پس از ثبت‌نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، فایل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه را بدون واریز وجه بارگیری نمایند.
* **تاریخ دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:**
از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۰ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنج‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۳.
* **تاریخ بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و محل تحویل پاکت تضمین:**
از پیشنهاددهندگان تقاضا می‌گردد: ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک (اسناد ارزیابی کیفی، پاکت الف، ب و ج) را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۸:۳۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲۹ بارگذاری نمایند و اصل پاکت الف با شرایط درج شده در اسناد مناقصه و به‌صورت لاک و مهرشده تا ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲۹ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق منطقه‌ای خراسان به آدرس: مشهد - انتهای بلوار وکیل آباد - نرسیده به جاده شاندیز - سمت راست - به امور تدارکات و قراردادها - تلفن ۳۶۱۰۳۶۰۸-۰۵۱ - دورنگار ۶۱۰۳۶۲۹-۰۵۱-۳ تحویل نمایند.
* **تاریخ و محل گشایش پاکات کیفی:**
ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲۹ در محل امور تدارکات و قراردادها.
* درصورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با مشاور (شرکت منیران-آقای حکیم عطار) به‌شماره ۳۸۷۱۷۲۰۰-۰۵۱ یا با امور تدارکات و قراردادها به‌شماره ۳۶۱۰۳۶۰۸-۰۵۱ (خانم طمنی) تماس حاصل فرمایند.
* به پیشنهادها و مستندات فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعداز انقضای مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثرداده نخواهد شد.
* مناقصه‌گران موظف به ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار معتبر و قابل تمدید مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی می‌باشند. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثرداده نخواهد شد.
* سایراطلاعات وجزئیات دراسنادمناقصه درج شده است.

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

پایگاه اطلاع‌رسانی معاملات توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات	http:/iets.mporg.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت برق منطقه‌ای خراسان	www.krec.ir
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد»	www.setadiran.ir

شناسه آگهی ۲۰۵۸۱۸۴
روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای خراسان

آگهی مزایده عمومی

موضوع مزایده: فروش ۷ تن ورق آلومینیوم ضایعاتی (دم قیچی عایق) پتروشیمی ایلام

شماره مزایده: ILPC-A-04-018 نوبت اول

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات در نظر دارد مطابق مشخصات درج شده در اسناد مزایده، فروش ۷ تن ورق آلومینیوم ضایعاتی (دم قیچی عایق) پتروشیمی ایلام را طبق مشخصات مندرج در اسناد به مزایده بگذارد. لذا بدینوسیله از مزایده‌گران واجد شرایط دعوت می‌گردد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ به نشانی ذیل:
www.ilampetro.com / بخش کمیسیون معاملات/زیربخش مزایده مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ هر سه پاکت‌های الف، ب و ج خود را فقط به‌صورت فیزیکی در پاکت‌های مهر و موم شده به یکی از دو نشانی ذیل تحویل دهند: درج شماره موبایل و آدرس ایمیل بر روی پاکات الزامی می‌باشد.
تهران- میدان شیخ بهایی- پلاک ۱۸- ساختمان رایان ونک- طبقه هفتم- واحد ۷۰۱- واحد کمیسیون معاملات
ایلام - چوار - نرسیده به روستای آبزا - شرکت پتروشیمی ایلام - ساختمان مدیریت - واحد کمیسیون معاملات
بازدید از اقلام مزایده به‌صورت حضوری با درخواست کتبی، بلامانع است.
مزایده‌گر لازم است توانایی تودیع ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان ۵۲۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پانصد و بیست و پنج میلیون ریال) را داشته باشد.
سایر اطلاعات و جزییات مربوطه در اسناد مزایده آمده است.
در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مزایده‌گران می‌توانند با شماره تلفن: ۰۸۴۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۲۲۱۳/۴۲۱۵ و یا تلفن همراه: ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ تماس حاصل فرمایند.
آدرس: ایلام - چوار- نرسیده به روستای آبزا- شرکت پتروشیمی ایلام
تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی: ۲۲۱۳-۴۲۱۵ تلفکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰
روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام

مناقصه عمومی و دومرحله‌ای

نوبت دوم

تأمین آب معدنی
به شماره: PZD-T-1404-488

شرکت عملیات غیرصنعتی بازارگاد در نظردارد تأمین آب معدنی مورد نیاز سالانه خود را به‌صورت مناقصه عمومی و دومرحله‌ای، به شرکت واجد صلاحیت واگذار کند.

۱- مشخصات مناقصه‌گزار	۱) نشانی و تلفن: عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، سایت مثلثی، شرکت عملیات غیرصنعتی بازارگاد، تلفن: ۰۷۷-۳۲۵۵۰۰۰۰ و ۰۷۷-۳۲۵۵۶۱۵۱-۴۶ ۲) پست الکترونیکی: tenders@pazargad.ir ۳) سامانه الکترونیکی: www.pazargad.ir قسمت مناقصه‌ها و مزایده ها
۲- تاریخ نشرآگهی	۱۴۰۴/۰۹/۱۰ و ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ — ۳- مدت پیمان: یک‌سال خورشیدی
۴- مبلغ برآورد	مبلغ برآورد اولیه اجرای پروژه بالغ بر ۴۳۲،۶۹۰،۰۰۰،۰۰۰ریال (چهارصد و سی و دو میلیارد و ششصد و نود میلیون ریال) است.
۵- تضمین شرکت در مناقصه	ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا واریز نقدی به حساب شرکت به مبلغ: ۲۱،۶۳۴،۵۰۰،۰۰۰ ریال (بیست و یک میلیارد و ششصد و سی و چهار میلیون و پانصد هزار ریال)
۶- مهلت و شرایط دریافت فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه و تاریخ تشکیل جلسه توجیهی	۱) آخرین مهلت: ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ است. ۲) مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: - معرفی‌نامه معتبر (دربردارنده شماره اقتصادی، شماره ثبت، شناسه ملی، کدپستی ۱۰ رقمی، شماره تلفن و نمابر) به‌همراه مهر شرکت. - فیش بانکی پرداختی به مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد به‌حساب شماره: ۲۶۴۳۴۵۰۰۵۷ بانک تجارت شعبه عسلویه به‌نام شرکت عملیات غیرصنعتی بازارگاد. (شماره شبا: IR ۳۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۲۶۴۳۴۵۰۰۵۷) ۳) مراجعه به آدرس مناقصه‌گزار (دبیرخانه کمیسیون معاملات) و یا تماس با تلفن فوق. ۴) جلسه توجیهی جهت رفع ابهام، رأس ساعت ۱۱:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ در سالن روابط عمومی (خلیج‌فارس) محل اصلی شرکت تشکیل می‌گردد.
۷- تحویل فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی، مستندات مربوط و پاکت‌های «الف»، «ب» و «ج»	۱) آخرین مهلت: ساعت ۱۶:۰۰ روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ ۲) مکان: آدرس مناقصه‌گزار، دبیرخانه کمیسیون معاملات
۸- گشایش پاکت‌های «الف» و «ب»	زمان: رأس ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶
۹- گشایش پاکت‌های «ج»	زمان: رأس ساعت ۱۱:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ مکان: آدرس مناقصه‌گزار، ساختمان مدیریت، سالن جلسات

۱۰- طبق تبصره ماده ۱۳ آیین‌نامه معاملات هلدینگ خلیج‌فارس و شرکت‌های تابعه، اشخاص حقیقی و حقوقی که به تشخیص کمیسیون معاملات و تأیید مدیرعامل شرکت، در ایفای تعهدات قبلی خود تعلل ورزیده و کالا، خدمت یا حقوق موضوع مناقصه را به نحو مطلوب تهیه، تدارک، انجام و یا تحویل نداده باشند و به تأیید هیأت‌مدیره بازارگاد رسیده باشد، از حضور در این مناقصه محروم می‌باشند.
۱۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر مراجعه به آدرس: www.pazargad.ir و یا تلفن: ۰۷۷-۳۲۵۵۰۰۰۰ و ۰۷۷-۳۲۵۵۶۱۵۱-۴۶
۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه، در اسناد مناقصه آمده است.

روابط عمومی شرکت عملیات غیرصنعتی بازارگاد

IRAN DAILY 1877
www.newspaper.iran-daily.com

ایران در «ایران»

فعالیت سامانه بارشی از شمال غربی کشور آغاز شد

برف و باران سرانجام به تهران رسید

ایران زمین- با استقرار سامانه بارشی تازه در کشور، مناطق شمال‌غرب کشور، سواحل دریای خزر و ارتفاعات البرز و زاگرس شاهد وقوع رگبار باران، بارش برف و وزش باد خواهند بود. بارش باران از روز گذشته کرج و مناطقی از تهران را هم تحت تاثیر قرار داد و باعث شد اندکی از غلظت آلاینده های هوای این دو کلانشهر کاسته شود.

«صادق ضیائیان» رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا سازمان هواشناسی با تشریح آخرین وضعیت جوی ایران گفت: «روز گذشته با ورود سامانه بارشی به شمال‌غرب کشور، در آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و برخی نقاط استان‌های کردستان، کرمانشاه، همدان و مرکزی ابرناکی، رگبار پراکنده و وزش باد شدید موقتی رخ داد.» وی افزود: «همچنین دامنه‌های جنوبی البرز شامل زنجان، قزوین، البرز و تهران نیز تحت تأثیر این شرایط قرار گرفتند. با این حال، افزایش محسوس سرعت باد باعث کاهش غلظت آلاینده‌ها در شمال‌غرب و غرب کشور و از اواخر وقت در قزوین، البرز، تهران و اصفهان خواهد شد.»

ضیائیان یادآورشد:« امروز (سه‌شنبه، ۱۱ آذر) در ارتفاعات زاگرس مرکزی در جنوب‌غرب و غرب کشور و همچنین در غرب اصفهان، شمال آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل افزایش ابر، وزش باد، رگبار، رعدوبرق و بارش برف پیش‌بینی می‌شود.

از بعدازظهر سه‌شنبه نیز با نفوذ جریانات شمالی به غرب سواحل خزر، در گیلان و شرق اردبیل ابرناکی، کاهش دما، وزش باد و آغاز بارش رخ خواهد داد.»

وی تصریح کرد: «روز چهارشنبه (۱۲ آذر) در شرق اردبیل، گیلان، مازندران، مناطقی از گلستان و خراسان شمالی رگبار، رعدوبرق، وزش باد و کاهش نسبی دما مشاهده می‌شود. در ارتفاعات البرز بارش باران و برف انتظار می‌رود. همچنین در مناطقی از شرق لرستان، ارتفاعات شرق خوزستان، چهارمحال و بختیاری، شمال فارس، اصفهان، یزد، خراسان جنوبی و خراسان رضوی ابرناکی، وزش باد و رگبار پراکنده باران پیش‌بینی می‌شود.» رئیس مرکز ملی پیش‌بینی ادامه داد: «روز پنجشنبه (۱۳ آذر) بارندگی در سواحل شمالی ادامه یافته و در خراسان شمالی، خراسان رضوی و ارتفاعات خراسان جنوبی نیز ابرناکی، رگبار پراکنده و وزش باد رخ می‌دهد. این موج بارشی اوایل شب پنجشنبه از شمال‌شرق کشور خارج خواهد شد.»

رئیس سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد

کمبود جبران‌ناپذیر بارش پاییزه

گزارش خبری

سهیلا یادگاری

بارش‌های پاییز حدود ۲۵ درصد از کل بارش سالانه را تشکیل می‌دهند که اگر در فصل‌های بعدی میزان بارش افزایش یابد، امکان جبران بخشی از این کمبود وجود دارد. با توجه به شرایط آب و هوایی ایران که تقریباً در اقلیم خشک قرار دارد، کم بارشی در اکثر سال‌ها در کشور مشاهده شده است اما سازمان هواشناسی اعلام کرده امسال وضعیت بارش‌ها از دهه‌های گذشته بدتر شده است.

سحر تاجبخش رئیس سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران» در پاسخ به این سؤال که امسال از نظر بارشی با سال‌های قبل چه تفاوتی دارد؟ گفت: «بارش سال آبی جاری به‌طور قابل‌توجهی کمتر از میانگین بلندمدت (۳۰ تا ۵۰ سال اخیر) است. در اغلب استان‌های واقع در غرب، فلات مرکزی و شرق کشور، بارش یا ثبت نشده و یا بسیار ناچیز بوده است. براساس رتبه‌بندی بارش از فروردین ۱۴۰۴ تا ۱۳ آبان ۱۴۰۴، ایران با خشک‌ترین دوره در ۵۰ سال اخیر مواجه بوده و از نظر میزان بارش دریافتی در بدترین وضعیت نیم‌قرن اخیر قرار دارد. البته تقریباً تمامی کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه نیز با خشکسالی و کمبود شدید بارش روبه‌رو هستند.»

رئیس سازمان هواشناسی در خصوص پیش‌بینی بلند مدت و تا پایان سال از وضعیت بارش‌ها گفت: «به‌طور میانگین، بارش‌های پاییز حدود ۲۵ درصد از کل بارش سالانه را تشکیل می‌دهند. بنابراین اگر در فصل‌های بعدی میزان بارش افزایش یافته و شرایط بهتری نسبت به نرمال حاکم شود، امکان جبران بخشی از این کمبود وجود دارد.»

با این حال، بر اساس خروجی مدل‌های پیش‌بینی فصلی، احتمال وقوع ترسالی در ماه‌های آینده پایین است و به‌نظر می‌رسد کمبود بارش پاییزه تا پایان سال جبران نخواهد شد.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در زمستان و نیمه اول بهار نیز احتمال وقوع بارش‌های کمتر از نرمال، بویژه در نیمه شرقی و جنوبی کشور وجود دارد. با خوش‌بینی می‌توان امیدوار بود که بارش‌های نرمال یا اندکی بیش از نرمال در غرب و شمال کشور در این بازه زمانی، بخشی از بحران آبی را کاهش دهد. با این حال، کسری مخازن سطحی و زیرزمینی که طی دهه‌های گذشته ایجاد شده‌اند، همچنان موجب تداوم تنش و بحران آب خواهند شد.

> در اغلب استان‌های واقع در غرب، فلات مرکزی و شرق کشور، بارش یا ثبت نشده و یا بسیار ناچیز بوده است

در مجموع، با توجه به روند تغییر اقلیم، افزایش تبخیر و کاهش بارش‌ها، آینده منابع آبی در خاورمیانه - بویژه در کشورهایی مانند ایران، ترکیه و عراق که بخش مهمی از اقتصادشان به کشاورزی وابسته است - نگران‌کننده و نامطمئن به نظر می‌رسد.

وی با مقایسه وضعیت جوی ایران با کشورهای همسایه، در پاسخ به این سؤال که در این کشورها نیز بارش‌ها به حداقل رسیده یا وضعیت متفاوت است؟ خاطرنشان کرد:« اغلب کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه در زمره مناطق کم‌بارش جهان قرار دارند و شرایط اقلیمی مشابهی دارند. با این حال، کشورهایی که وابستگی بیشتری به منابع آب سطحی برای کشاورزی یا تولید برق دارند (مانند ایران و عراق)، آسیب‌پذیری بسیار بیشتری نسبت به کشورهای کم‌وابسته‌تری چون امارات متحده عربی یا قطر نشان می‌دهند.»

رئیس سازمان هواشناسی با اشاره به تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر وضعیت آب و هوایی کشور، توضیح داد: «تغییر اقلیم عمدتاً نتیجه فعالیت‌های انسان‌ساخت است؛ از جمله سوزاندن سوخت‌های فسیلی و افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای مانند متان و دی‌اکسیدکربن در جو زمین. این فرآیند موجب حبس گرما در اتمسفر و افزایش میانگین دما طی بیش از یک قرن گذشته شده است.»

به گفته تاجبخش، علاوه بر این، عواملی چون جنگل‌زدایی، تغییر کاربری گسترده زمین و مداخلات انسانی در سامانه‌های طبیعی، سبب تغییر در الگوهای چرخه هوا و آب شده‌اند. پیامد این تغییرات، بروز پدیده‌هایی است که در گذشته یا وجود نداشته یا بسیار نادر بوده‌اند؛ مانند طوفان‌های شدید، بارش‌های ناگهانی و سیل‌آسا و خشکسالی های طولانی‌مدت. با وجود تلاش کشورها برای افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر (مانند انرژی خورشیدی) در سبد انرژی مصرفی، روند گرمایش جهانی همچنان ادامه دارد. براساس سناریوهای میان مدت و خوش بینانه «هیأت بین‌الدول تغییر اقلیم (IPCC)»، دمای زمین تا پایان قرن حاضر ممکن است بین ۲.۸ تا ۴.۵ درجه سانتی‌گراد بیش از میانگین عصر پیشاصنعتی افزایش یابد. در این شرایط، ادامه زندگی در مناطق خشک و کم‌بارش، از جمله فلات مرکزی ایران، بسیار دشوار خواهد بود.

رئیس سازمان هواشناسی در خصوص موضوع بارورسازی ابرها و اینکه این اقدام بخشی از کم بارشی را جبران می‌کند؟ پاسخ داد:« بارورسازی ابرها موضوعی علمی و فنی است که بشر به‌دلیل کمبود منابع آب در مناطق خشک به آن توجه کرده است. این روش سابقه‌ای بیش از ۶ یا ۷ دهه در مناطق خشک جنوب‌غرب ایالات متحده دارد، اما با وجود این، کمبود آب همچنان یکی از چالش‌های اصلی آن مناطق است. برخی کشورها، صرف‌نظر از نتایج قطعی و اثربخشی بارورسازی، به‌دلیل اهمیت حیاتی آب برای فعالیت‌های انسانی، اقدام به اجرای این طرح‌ها می‌کنند.»

سازمان جهانی هواشناسی (WMO) کارگروه تخصصی ویژه‌ای را برای استانداردسازی و توسعه دانش بارورسازی تشکیل داده است. در بیانیه رسمی این سازمان آمده است: «سازمان جهانی هواشناسی در زمینه بارورسازی ابرها رویکردی بی‌طرفانه دارد؛ نه آن را ترویج و نه مانعی در برابر آن ایجاد می‌کند.»

وی با اشاره به اینکه تمرکز اصلی WMO بر تحقیقات علمی معتبر و تدوین دستورالعمل‌ها و استانداردهای فنی بین‌المللی برای اجرای پروژه‌های بارورسازی است، افزود: «بر این اساس، بارورسازی همچنان موضوعی تحقیقاتی است و لزوماً انجام آن به‌معنای افزایش بارش نیست؛ حتی در برخی شرایط ممکن است اثرات منفی نیز داشته باشد. از دیدگاه اقلیمی، منطقه خاورمیانه به‌دلیل کمبود رطوبت و وجود فراوان ذرات گرد و غبار که خود هسته‌های طبیعی تراکم محسوب می‌شوند، محیط مناسبی برای بارورسازی گسترده محسوب نمی‌شود. هرگونه عملیات بارورسازی باید با رعایت دقیق ملاحظات علمی، پایش مستمر و در بازه زمانی طولانی (حداقل ۵ تا ۱۰ سال یا بیشتر) انجام شود. در غیر این صورت، نمی‌توان درباره اثربخشی یا زیان‌بار بودن آن قضاوت علمی داشت.»

رئیس سازمان هواشناسی گفت: «بنابراین، در غیاب رعایت استانداردهای علمی و اجرایی سازمان جهانی هواشناسی، هرگونه ادعای افزایش محسوس بارش، فاقد اعتبار علمی است. به‌طورکلی، بیشتر پروژه‌های بارورسازی در جهان جنبه تحقیقاتی داشته و با هدف بررسی امکان‌پذیری فنی و علمی آن اجرا شده‌اند، نه بر پایه اطمینان از افزایش قطعی بارش.»

۱۸۷۷
IRNA
Islamic Republic News Agency
سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی
ایران
ایران سازمان آگهی‌های بازرگانی

Iran MS Society
انجمن ام اس ایران
آماده دریافت کمک‌های نقدی و غیرنقدی شما نیکوکاران گرامی می‌باشد
ام اس شاید بتواند راه ما را ناهموار سازد
اما هرگز نمی‌تواند ما را از رفتن باز دارد
ادرس: خیابان انقلاب، خیابان وصال‌شیرازی نرسیده به چهارراه طالقانی، خیابان شمس، پلاک ۳۵
تلفن: ۸ - ۶۶۹۵۱۱۸۷ ● ۹ - ۶۶۹۵۳۹۰۷
● فکس: ۶۶۴۹۹۵۱۴
info@iranms.ir - www.iranms.ir

پرچم سرعت بالاست!
همراه اول
mci Mobile Communications of Iran

آگهی دعوت به مزایده عمومی املاک

شرکت فراوری و توسعه ابنیه شاهد در نظر دارد تعداد ۴ واحد از آپارتمان‌های مسکونی در حال ساخت واقع در مجتمع مسکونی افرا به نشانی: تهران، خیابان ظفر - خیابان فرید افشار- خیابان دولتشاد - انتهای خیابان صبا شرقی را از طریق مزایده به‌صورت نقد و اقساط به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج این آگهی جهت دریافت اسناد به دفتر شرکت به نشانی: تهران- خیابان مطهری- خیابان کوه نور - پلاک ۲۴ - طبقه دوم مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۸۸۵۴۱۴۵۲- ۸۸۵۴۱۴۵۳ داخلی ۲۳ یا ۲۷ تماس حاصل فرمایند.

شرایط پرداخت:
- چهل درصد هم‌زمان با امضای قرارداد
- پنجاه درصد طی ۱۸ ماه در ۶ قسط هر سه ماه یکبار
- پنج درصد هم‌زمان با تحویل واحد
- پنج درصد هم‌زمان با انتقال سند
- واحدها در حال ساخت می‌باشند با پیشرفت هفتاد درصد.

- **مهلت خرید اسناد مزایده** تا پایان ساعت اداری روز سه‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ می‌باشد و متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ به شرکت ارائه نمایند.
- **تضمین شرکت در مزایده** به مبلغ ۵٪ قیمت واحد مورد نظر می‌باشد که به یکی از صورت‌های زیر در پاکت الف ارائه خواهد شد:
الف) رسید بانکی واریز وجه مزبور به‌حساب بانکی شرکت فرآوری و توسعه ابنیه شاهد.
ب) ضمانت‌نامه بانکی به‌نام شرکت فرآوری و توسعه ابنیه شاهد.
- جهت خرید اسناد مزایده برای هر واحد به‌صورت مجزا، واریز مبلغ ۵۰ میلیون ریال به‌حساب شماره شبای IR ۴۹۰۶۰۰۳۰۱۴۰۱۱۱۹۷۲۰۶۳۷۰۰۱ بانک قرض الحسنه مهر ایران به‌نام شرکت فرآوری و توسعه ابنیه شاهد و ارائه فیش واریزی در زمان تحویل اسناد الزامی می‌باشد.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

آپارتمان‌های مجتمع مسکونی افرا تهران

ردیف	طبقه	سمت	مساحت تقریبی (مترمربع)	قیمت پایه مزایده هر مترمربع (ریال)	قیمت پایه مزایده واحد (ریال)
۱	دوم	شمال غربی	۱۴۹	۱,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۷۵,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	سوم	جنوب غربی	۱۴۸	۱,۸۹۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۷۹,۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	چهارم	شمال شرقی	۱۲۷	۱,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۷,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۴	پنجم	جنوب شرقی	۱۱۴	۱,۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۲۵,۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰

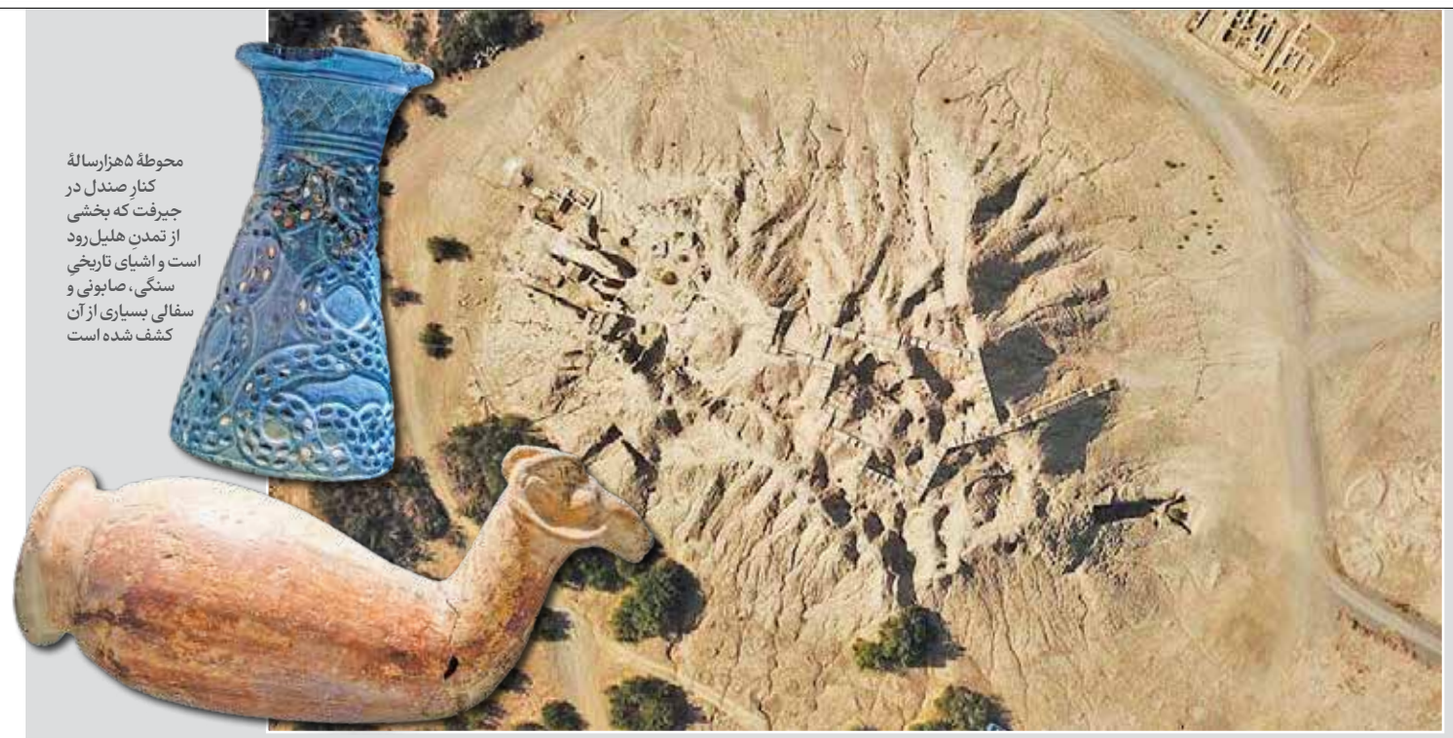

محوطهٔ ۵هزارسالهٔ کنارِ صندل در جیرفت که بخشی از تمدنِ هلیل‌رود است و اشیای تاریخی سنگی، صابونی و سفالی بسیاری از آن کشف شده است

عکس‌ها: علی محمدی / ایران

۱۲ هزار شیء ۱۵ سال است در انتظار ساخت موزه منطقه‌ای در جیرفت هستند

تمدن ۵ هزار ساله در انبارها

گزارش ها

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

تمدن پنج هزار ساله کنارصندل جیرفت، امروز با ۳۰۰ شیء بی‌همتای سنگ صابونی در موزه‌ای کوچک سر می‌کند؛ در حالی که ۱۲ هزار اثر دیگر آن در انبارها خاک می‌خورند. کمال‌الدین ضیاءکمالی، سرپرست اداره میراث فرهنگی جیرفت، وسط موزه کوچک این شهر به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «مطالبه اصلی مردم جیرفت تکمیل موزه منطقه‌ای ۱۴ طبقه است؛ بزرگ‌ترین پروژه میراث فرهنگی کشور که ۱۵ سال پیش زمینش واگذار شد، اما هنوز نیمه‌کاره مانده؛ همان موزه‌ای که قرار بود همزمان با همدان و سیستان ساخته شود، آن دو موزه ساخته شدند اما جیرفت جا ماند.»

او تأکید می‌کند: «آثار کلریتی (سنگ صابونی) جیرفت در هیچ جای جهان مشابه ندارند؛ سال‌های ۸۳-۸۲ دکتر یوسف مجیدزاده، سرپرست وقت کاوش‌های باستان‌شناسی کنارصندل ثابت کرد هر ظرف سنگ صابونی در هر نقطه از دنیا باشد، ریشه‌اش جیرفت است؛ همین یک جمله قاچاق را در ۱۶ کشور متوقف کرد.»

ضیاءکمالی قدمت این آثار را بین ۴ تا ۵ هزار سال می‌داند و توضیح می‌دهد: «سنگ کلرید به دلیل نرمی، این امکان را فراهم می‌کرد که در دوران باستان با تیغه‌هایی از سنگ‌های سخت‌تر -که عمدتاً در منطقه اسفندقه کرمان یافت می‌شد - نقش‌برجسته‌های بسیار زیبایی بر آن حکاکی شود. بیشتر این نقوش، نماد قدرت و زندگی هستند.»

ضیاءکمالی می‌گوید: «موزه ۱۴ طبقه منطقه‌ای جیرفت با وجود واگذاری زمین و آغاز کار از ۱۵ سال پیش، بارها متوقف شده و با وجود پیشرفت‌هایی، دو سال است دوباره نیمه‌کاره مانده و همچنان بزرگ‌ترین پروژه نیمه‌تمام میراث فرهنگی کشور است.» او معتقد است، «تکمیل این موزه با توجه به ارزش جهانی آثار سنگ صابونی جیرفت، می‌تواند به دروازه ورود گردشگران به ایران تبدیل شود.»

ضیاءکمالی با اشاره به علاقه گردشگران فرهنگی ژاپن به تاریخ جیرفت می‌گوید: «پیش از کرونا در سال ۹۷، با فعال کردن این ظرفیت، ۲۲ تور ژاپنی به جیرفت آمدند. این نشان می‌دهد با تجهیز موزه و نمایش کامل آثار، می‌توان تورهای تخصصی باستان‌شناسی را از سراسر جهان جذب کرد.»

او یادآوری می‌کند: «در کشورهای اروپایی و حتی برخی کشورهای عربی، بهترین موزه‌ها و ساختمان‌ها ساخته می‌شود و آثار کشورهای ایران، عراق و افغانستان را قاچاق و در آنجا نگهداری می‌کنند، اما ما هنوز نتوانسته‌ایم برای میراث خودمان فضاهای استاندارد فراهم کنیم. این موضوع نیازمند توجه جدی است.»

این مسئول، ساخت و تکمیل موزه منطقه‌ای جیرفت را نیازمند منابع ملی می‌داند و می‌گوید: «اگر بتوانند جیرفت را از تهران و استان حمایت مالی کنند و حداقل نیاز مالی فاز اول موزه -که حدود ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار می‌خواهد- تأمین شود، می‌توان آن را تکمیل و تجهیز کرد تا این آثار ارزشمند در معرض دید قرار گیرند.»

ضیاءکمالی می‌گوید: «در حال حاضر، حتی در بسیاری از محوطه‌ها نمی‌توانیم کاوش انجام دهیم، چون ممکن است آثاری کشف شود که نگهداری آن با توجه به کمبود فضا مشکل است. این موضوع فقط مسأله جیرفت نیست؛ مسأله‌ای ملی است، چون معرفی این داشته‌ها به دنیا به سود کل ایران خواهد بود.»

ضیاءکمالی اعتقاد دارد: «با تکمیل موزه منطقه‌ای جیرفت، این مجموعه می‌تواند به «دروازه ورود گردشگران به ایران» تبدیل شود. گردشگران با برنامه‌ریزی سفرهایی شامل مقاصدی مانند شیراز، اصفهان یا یزد، نهایتاً به جیرفت خواهند آمد. اگرچه مقصد اصلی آنان ممکن است ارگ بم یا باغ شاهزاده ماهان باشد، اما وجود این موزه، سفر آنها را کامل‌تر و جذاب‌تر کرده و به رونق گردشگری سراسر کشور کمک می‌کند. این پروژه مطابق با سیاست‌های توسعه گردشگری دولت، نقش کلیدی در معرفی ظرفیت‌های ایران خواهد داشت.»

شهر قدیم جیرفت

محوطه تاریخی شهر قدیم جیرفت خلوت بود. فقط نیروهای پایگاه حفاظت میراث فرهنگی جیرفت قدیم بودند و چند سگ که در سایه آثار باقی‌مانده از کاوش‌های حمیده چوبک، سرپرست کاوش‌های این شهر، آرام گرفته بودند؛ شهری که ۸۰۰ سال پیش محل زندگی اهالی جیرفت امروز بود. کاوش‌های حمید چوبک نشان داد، این شهر یکی از شهرهای ثروتمند در دوره سلجوقی بود؛ شهری که در آن سفالی کشف شد که روی آن زنی می‌نواخت. این سفال را باستان‌شناسان نشانه‌ای برای شاد بودن جامعه آن روز جیرفتی‌ها می‌دانند. نادر سلیمانی علیدادی، باستان‌شناس کرمانی، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «حمله «ترکمانان غُز» به حیات جیرفت قدیم پایان می‌دهد. پس از آن، جیرفت جدید و امروزی شکل می‌گیرد و دوران تازه‌ای از زیست انسانی در این منطقه آغاز می‌شود.»

کدام دقیانوس؟

جیرفتی‌ها به شهر قدیم جیرفت، «دقیانوس» می‌گویند که هیچ ربطی به آن دقیانوس معروف و اصحاب کهف ندارد. مردم تنها به دلیل قدیمی بودن این شهر به آن دقیانوس می‌گویند. سال‌ها پیش وقتی به جیرفت قدیم می‌رفتید روی تابلوی ورودی آن بزرگ نوشته شده بود به شهر جیرفت قدیم (دقیانوس) خوش آمدید. اما الان خبری از آن نیست، چون بسیاری از گردشگرانی که به منطقه می‌آمدند، جیرفت قدیم را با دقیانوس و اصحاب کهف یکی می‌دانستند، بنابراین آن تابلو برداشته شد.

شهر قدیم جیرفت تقریباً بیش از ۲۰ سال است که در رسانه‌ها مطرح شده، اما توجهی که باید به آن نمی‌شود. هرچند کاوش‌های آن به سرپرستی «حمیده چوبک» دوباره شروع شده است و چند وقت پیش فصل سال ۱۴۰۴ آن به پایان رسید. کاوش‌های باستان‌شناسی حمیده چوبک نشان داد که جیرفت در زمان سلجوقی‌ها یکی از شهرهای ثروتمند و آباد ایران بوده است. اما این شهر ۸۰۰ ساله، هنوز جایگاهی را که باید در مسیر گردشگری داشته باشد، ندارد. شاید دلیل آن را لکنت در روایت آن دانست.

ضیاءکمالی در پاسخ به این انتقاد می‌گوید: «برای جذب گردشگر به شهر قدیم جیرفت و کنارصندل برنامه داریم، اما همه برنامه‌ها نیازمند تخصیص اعتبار است. شهر قدیم باید به سایت‌موزه تبدیل شود تا گردشگر بتواند از آن بازدید کند، اما در حال حاضر امکانات لازم فراهم نیست.»

او می‌گوید: «در اوج گردشگری، راهنماهای باستان‌شناس را به منطقه می‌آوریم، اما امکان استقرار دائمی راهنما وجود ندارد چرا که تعداد گردشگران در ماه‌های اخیر بشدت کاهش یافته و تقریباً به صفر رسیده است. راه‌اندازی سایت‌موزه در شهر قدیم، کمک شایانی به جذب گردشگر خواهد کرد.»

چرا تاریخ ۵ هزار ساله اقتصادی نشد؟

تمدن هلیل‌رود، محوطه ۵ هزار ساله کنارصندل و شهر قدیم جیرفت در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ خورشیدی در کنار هم در سطح جهانی شناخته شدند. با این اهمیت فوق‌العاده، این ظرفیت عظیم، به یک قطب گردشگری پایدار و درآمدزا تبدیل نشد تا هم هزینه‌های حفاظت و کاوش تأمین شود و هم جامعه محلی از منافع آن بهره‌مند شود.

ضیاء کمالی در پاسخ به چرایی این اتفاق می‌گوید: «متأسفانه در همان سال‌های اوج توجه جهانی به جیرفت (۸۴-۱۳۸۲) چند اتفاق همزمان رخ داد که ضربه سنگینی به روند تبدیل این محوطه به یک مقصد گردشگری وارد کرد: اول اینکه کاوش‌های علمی کنارصندل ناگهان متوقف شد؛ «دکتر یوسف مجیدزاده» سرپرست کاوش‌ها به دلایلی نتوانست کار را ادامه دهد. اگر این کاوش متوقف نشده بود شاید الان موزه بزرگ جیرفت ساخته شده بود همان‌طورکه دو موزه سیستان و بلوچستان و همدان به‌طور همزمان با موزه جیرفت کلید خورده و ساختمان‌هایشان ساخته شد، اما موزه جیرفت ساخته نشد.»

تمدن جیرفت، همسایگان و خویشاوندان

او توقف کاوش‌های کنارصندل را یکی از مؤثرترین ضربه‌ها به جذب گردشگر در جیرفت می‌داند و از برگزاری همایش بزرگ «تمدن جیرفت، همسایگان و خویشاوندان»- شناخت ژرف‌تر منظر فرهنگی جیرفت در بستر تمدن‌های هم‌زمان پیرامونی و فرامنطقه‌ای- در دی‌ماه امسال خبر می‌دهد و می‌گوید: «امیدواریم که خروجی این همایش، تخصیص و تصویب ردیف اعتباری ملی سالانه برای کاوش کنارصندل و محوطه‌های مرتبط و راه‌اندازی موزه منطقه‌ای جیرفت باشد.»

ضیاءکمالی در پاسخ به این سؤال که سوای تلاش برای دریافت اعتبارات ملی و استانی، چه برنامه‌ای در جیرفت می‌شود اجرایی کرد که به رشد اقتصاد گردشگری منجر شود هم می‌گوید: «یک‌سری کارها را داریم انجام می‌دهیم، از جمله تقویت اقامتگاه‌های بوم‌گردی در نزدیکی سایت‌های باستانی مثل شهر قدیم و کنار صندل. اما بحث این است که باید یک‌سری مسائل ملموس باشد تا گردشگر بیاید و ببیند. الان گردشگر می‌آید کنارصندل و می‌گوید: «اینکه یک تپه خاکی است.» وقتی سایت‌موزه شود، نگاهش عوض می‌شود، یک چیزهایی می‌بیند، تاریخ و تمدن برای گردشگر ملموس است.»

نگاه ویژه

او از برنامه‌ریزی برای ایجاد یک سالن (سازه سبک قابل حمل) برای معرفی در سایت کنارصندل خبر می‌دهد و درباره پرونده ثبت جهانی کنارصندل هم می‌گوید: «وزیر میراث فرهنگی نگاه ویژه‌ای به حوزه میراث فرهنگی و گردشگری جیرفت دارد. سالن معرفی می‌تواند شامل عکس‌ها، ویدیوها و توضیحات باشد تا گردشگران چیزی قابل مشاهده داشته باشند. یا تصاویر و فیلم‌هایی از فرآیند کاوش‌ها برای آنها پخش می‌شود.»

او با توجه به علاقه دانشجویان رشته باستان‌شناسی دانشگاه‌های ایران و حتی کشورهای اروپایی برای مشاهده کاوش‌های باستان‌شناسی از نزدیک در فصل کاوش می‌گوید: «طرحی برای بازدید آنها یا ماندگار کردن و جذب دانشجویان باستان‌شناسی نوشته شده است. این دانشجویان بیایند و در یک محوطه کار کنند، هم برای آنها تجربه می‌شود و هم رزومه خوبی برای آنها به وجود می‌آید که روی تمدن هلیل‌رود کاوش کرده‌اند. این تجربه برای هر باستان‌شناسی بسیار ارزشمند است، زیرا فرصت کار در یک تمدن تاریخی واقعی را به آنها می‌دهد. اما اجرای این طرح هم منوط به تخصیص و جذب اعتبار است و پول می‌خواهد.»

او امیدوار است که نگاه ویژه استاندار و وزیر میراث فرهنگی به جیرفت، به اتفاق خوبی برای تمدن هلیل‌رود منجر شود.

ضیاءکمالی کنارصندل را یک محوطه بسیار گسترده می‌داند و می‌گوید: «تمام روستای کنارصندل در حریم محوطه ۵ هزار ساله قرار دارد. اهالی می‌خواهند برای جوانان خانه‌ای بسازند، این موضوع هم می‌طلبد که دولت پای کار بیاید، اعتبار ویژه‌ای تعیین کند، روستای جدیدی برای نسل جوان این روستا تعریف کند تا دیگر در این روستا ساخت‌وساز نشود. چون این موضوع ربط مستقیم با ثبت جهانی کنارصندل دارد.»

او جابه‌جایی روستای قدیم را قابل امکان نمی‌داند اما تأکید می‌کند که برای ثبت جهانی کنارصندل، نباید ساخت‌وساز جدیدی انجام بگیرد. به گفته ضیاءکمالی، وزیر میراث فرهنگی با توجه به اهمیت تمدن ۵ هزار ساله هلیل‌رود، پرونده ثبت جهانی «کنارصندل را در اولویت» گذاشته است. او می‌گوید: «تاکنون سه هیأت از وزارت میراث فرهنگی برای بررسی پرونده به جیرفت آمده‌اند. بزودی هم گروهی مستقر می‌شود تا کارهای پرونده و اقدامات لازم برای ثبت جهانی را ادامه دهد.»

او از احتمال انجام کاوش‌های جدید در کنارصندل قبل از برگزاری همایش خبر می‌دهد.

> در کشورهای اروپایی و حتی برخی کشورهای عربی، بهترین موزه‌ها و ساختمان‌ها ساخته می‌شود و آثار کشورهای ایران، عراق و افغانستان را قاچاق و در آنجا نگهداری می‌کنند، اما ما هنوز نتوانسته‌ایم برای میراث خودمان فضاهای استاندارد فراهم کنیم. این موضوع نیازمند توجه جدی است

چگونه گردشگری خوراک، مسیر ژاپنی ها را در کرمان تغییر داد؟

سامورایی‌ها در جیرفت نمک‌گیر شدند

جهان، ژاپن را با فرهنگ غذایی عمیق و آیین‌مندش می‌شناسد؛ مردمی که «سوشی» را به جهانیان شناساندند و «واشوکو»ی آنان توسط یونسکو به ثبت رسید. اما موضوع این گزارش، ستایش آشپزی ژاپنی‌ها نیست. «ایتو اوگاوا»، نویسنده ژاپنی، در رمان رستوران عشق نوپافته اعتراف می‌کند که چطور «کاری انار» یاد گرفته از یک سرآشپز ایرانی توانسته بدون سفر، ایران را در ذهنش زنده کند. موضوع این گزارش نمک گیر شدن یک ژاپنی در جنوب کرمان است.

«ایتو اوگاوا» می‌نویسد: «من هیچ‌وقت به ایران نرفته‌ام، ولی طعم آن خوراک کاری این قدرت را داشت که تصاویر منظره‌های ایران را به‌صورت قهوه‌ای‌رنگ در آدم برانگیزاند. برای من یک غذای ویژه بود. غذایی که من و دوستم تصمیم گرفتیم در منوی رستورانی که قرار بود باز کنیم بگنجانیم. پس ما اولین نفراتی بودیم که آن را به ژاپنی‌ها معرفی می‌کرد.»

طعم یک غذا

در جنوب کرمان هم، گردشگرانی از سرزمین خورشید، آمده بودند تا تاریخ ۵ هزار ساله کنار صندل در جیرفت را ببینند اما طعم یک غذا برای همیشه زیر دندان آنها مزه کرد. آنطور که «محمدعلی افشاری‌پور» مدیر اجرایی دفتر نمایندگی اتاق بازرگانی جنوب استان کرمان به «ایران» می‌گوید ماجرا از برنامه توسعه گردشگری ایران در بازار ژاپن شروع شد. قصد داشتند کرمان را معرفی کنند، بویژه جاذبه‌های مناطق شرق و جنوب آن. معرفی تاریخ جنوب کرمان اصل ماجرا بود اما همه ماجرا نبود. گردشگری غذا هم از پیشنهاد «عباسعلی امامیه»، نماینده اطلاع‌رسانی گردشگری ایران در ژاپن شروع می‌شود. او یادآوری می‌کند که گردشگران ژاپنی در ایران نیز به دنبال تجربه مزه‌ها و طعم‌های منحصربه‌فردند. گردشگران ژاپنی همین جا توی تور گردشگری خوراک جنوب کرمان می‌افتند، آن هم فقط با یک غذای محلی.

افشاری‌پور می‌گوید: «در ژاپن و برخی کشورهای دیگر، کیفیت و اصالت مواد غذایی از اهمیت بالایی برخوردار است و برای گردشگران خارجی جذابیت فراوانی دارد.» کرمانی‌ها، گردشگران ژاپنی را پای درختی می‌برند که می‌خواهند با میوه آن، از آنها پذیریی کنند؛ آنجا است که غذای اصلی منوی پیشنهادی ژاپنی‌ها برای همیشه زیر درخت بنه (پسته) کوهی بسته می‌شود؛ «آب بنه» یا «قاتق بنه» که به گفته افشاری‌پور در کرمان شهرت دارد. کرمانی‌ها مراحل تولید این غذا را برای میهمانان ژاپنی توضیح می‌دهند تا خیال آنها از ارگانیک بودن آن، راحت شود. این کارشناس می‌گوید: «قاتق بنه از میوه درخت پسته کوهی به‌دست می‌آید. میوه‌ها چیده و آسیاب می‌شوند و طی یک فرآیند سنتی، با مالش و استخراج، روغن آنها گرفته می‌شود. سپس با آب ترکیب شده و محصولی حاصل می‌شود که به آن قاتق بنه می‌گویند. ما این محصول را – شاید بتوان گفت با جرأت – به‌عنوان یک غذای کاملاً ارگانیک ایرانی معرفی کردیم.»

او می‌گوید: «به‌ویژه در مناطقی مانند بافت یا ساردوئیه که مردم برای پذیرایی از میهمان‌ها از این غذا استفاده می‌کنند، گردشگران تجربه طعم جدید و متفاوتی کسب می‌کنند که در توسعه گردشگری بسیار مؤثر است.»

به گفته این کارشناس، طعم این غذای محلی، توانست در جذب گردشگران ژاپنی در جنوب استان کرمان اثر بگذارد و اکنون یکی از مقاصدی است که در بسته‌های گردشگری ژاپن گنجانده می‌شود، جنوب و شرق استان کرمان است. یعنی یک غذا، ژاپنی‌ها را پابند کرمان کرد.

> طعم این غذای محلی، توانست در جذب گردشگران ژاپنی در جنوب استان کرمان اثر بگذارد و اکنون یکی از مقاصدی است که در بسته‌های گردشگری ژاپن گنجانده می‌شود، جنوب و شرق استان کرمان است. یعنی یک غذا، ژاپنی‌ها را پابند کرمان کرد

یک دبه قاتق بنه

کمال‌الدین ضیاءکمالی، سرپرست اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جیرفت هم به «ایران» می‌گوید: «ژاپنی‌ها، ابتدا با تردید به قاتق بنه نگاه می‌کردند، اما وقتی متوجه شدند غذا کاملاً ارگانیک و بومی است و میوه آن متعلق به یک درخت خودرو است، درختی که در کوه رشد می‌کند. شروع به خوردن کردند و حتی دوباره درخواست سرو آن را کردند.» به گفته ضیاءکمالی، این تجربه باعث شد در سفرهای بعدی پیش از حضور، هر گروه ژاپنی که می‌خواست به ایران بیاید سفارش می‌کرد که «آب بنه» یا «قاتق بنه» تهیه شود. او تأکید می‌کند که کرمانی‌ها می‌خواهند این غذا را با نام محلی‌اش جابیندازند؛ یعنی قاتق بنه.

سرپرست میراث فرهنگی جیرفت، از تیمی ژاپنی که به کرمان می‌آیند و به بم می‌روند اما نمی‌توانند جیرفت را ببینند، یاد می‌کند و می‌گوید: «مسئول تور تماس گرفت و گفت که این گروه هم غذای محلی «قاتق بنه» می‌خواهد. پرسیدند که آیا امکان دارد قاتق بنه برای ما به بم بفرستید؟ اینجا به خانمی که این غذا را می‌پزد، گفتیم و ایشان غذا را پخت و یک دبه قاتق بنه را به بم فرستادیم.»

پهنه جنگلی بنه

افشاری‌پور نیز به نقل از آمار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، می‌گوید: «وسعت جنگل‌های بنه در این منطقه بسیار زیاد است. طبق اطلاعات منابع طبیعی، بزرگ‌ترین جنگل‌های بنه ایران در این محدوده قرار دارند. این جنگل‌ها که به آنها «جنگل‌های ایرانی - تورانی» می‌گویند، حدود ۲۵۰۰ هکتار وسعت دارند و در رشته‌کوه جبالبارز، حدفاصل ساردوئیه تا جبالبارز و دهبکری واقع شده‌اند. این منطقه یکی از معدود نقاط استان کرمان است که چنین تراکم گسترده‌ای از جنگل‌های بنه در آن دیده می‌شود.»

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور در گفت‌وگو با «ایران»:

اصلاح‌طلبی نسخه نجات کشور است

گفت‌وگو
مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

معاون اول رئیس جمهور صبح ۲۶ آبان ماه گذشته برای شرکت در اجلاس نخست وزیران سازمان شانگهای عازم مسکو شد و عصر ۲۷ آبان ماه پس از دیدار نخست وزیران با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در کرملین به کشور بازگشت. این گفت‌وگو در مسیر بازگشت محمدرضا عارف از این سفر به تهران انجام شد.

اظهارات و راهبردهای اعلامی نخست وزیران عضو سازمان شانگهای در اجلاس مسکو، نشان می‌دهد عضویت ایران در این سازمان چه اندازه مهم بوده و می‌تواند پیامدهای مثبتی برای ایران داشته باشد. اساساً چه دلایلی باعث شد که توجه ایران به این سازمان جلب شود و عضویت در آن در دستور کار قرار بگیرد؟

از دهه ۸۰ به این نتیجه رسیدیم که سازمان همکاری اقتصادی شانگهای برای ما یک فرصت است. این سازمان به طور رسمی در سال ۱۳۸۰ تشکیل شد و دو قدرت بزرگ آسیایی یعنی چین و روسیه در آن حضور دارند. شانگهای یک سازمان شرقی و یک سازمان اوراسیایی هم بود. بنا به این ملاحظات، در دولت اصلاحات به این نتیجه رسیدیم که باید عضو سازمان شانگهای باشیم، در دنیای امروز نمی‌شود منویات خود را به صورت انفرادی دنبال کرد. درست است که ما دنبال جنگ نیستیم، اما برخورداری از استقلال سیاسی و اقتصادی نیازمند داشتن ارتباطاتی در حوزه بین‌المللی هم هست. منظور از ارتباطات، کشورهایی است که با آنها روابط برابر داشته باشیم و در موارد ضروری به یاری هم بیاییم. حضور و عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند چنین ظرفیتی را ایجاد کند. برای همین، حضور در اتحادیه‌های منطقه‌ای به عنوان یک راهبرد تعیین شد. وقتی که به این نتیجه رسیدیم، در اجلاس سران شانگهای شرکت کردیم. این اجلاس در سال ۱۳۸۴ در مسکو برگزار شد که آن زمان به عنوان معاون اول رئیس جمهور در آن شرکت کردم و تقاضای عضویت ایران در این سازمان به عنوان ناظر مطرح شد. استقبال اعضای شانگهای از این پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران بسیار بالا بود.

در جلسه با دیپلمات‌های ایرانی در مسکو هم اشاره کردید که کشورهای عضو شانگهای از پیشنهاد ایران استقبال کردند. اما چطور متوجه شدید اعضا از عضویت ایران استقبال کردند؟

در آن سفر آقای پوتین وقت مستوفایی برای ملاقات تعیین کرد. من هم در آن دیدار نگاه ایران را به آینده این سازمان را برای آقای پوتین مطرح کردم. اشاره کردم این که به نظر ایران این سازمان فقط یک اتحادیه اقتصادی نیست و نخواهد ماند و جایگاه آن در منطقه و جهان ارتقا پیدا خواهد کرد. البته قبل از ایجاد سازمان شانگهای، ایران در سازمان اکو هم عضویت داشت که اساساً یک رویکرد اقتصادی دارد و ما هم روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه را از طریق اکو پیش می‌بردیم. اما آنچه در نگاه ما به شانگهای مطرح بود، یک نگاه تمدنی، اجتماعی و امنیتی-سیاسی بود که در درون خود سایر مسائل مانند مقابله با فساد را نیز دنبال می‌کرد. منظور اینکه، نگاه ما به شانگهای صرفاً اقتصادی نبود، بلکه فراتر از آن، شانگهای را سازمانی می‌دیدیم که یک جایگاه تمدنی خواهد داشت، به ویژه اینکه کشورهای آسیا تا اوراسیا را دربر می‌گیرد. در همان سفر سال ۱۳۸۴، علاوه بر آقای پوتین، رئیس جمهوری چین هم وقت مفصلی را برای ملاقات اختصاص داد و ایشان هم از پیشنهاد ایران استقبال کرد. پس از آن اجلاس، ایران عملاً وارد فرآیند عضویت در سازمان شانگهای شد، اما رسمی شدن عضویت مدت‌ها طول کشید.

اگر از پیشنهاد ایران استقبال شد، علت این تأخیر چه بود؟

در سال‌های پس از آن، مسائلی بین ما و برخی کشورهای منطقه مطرح بود که در مقطع فعلی صلاح نیست بازگو شود. به طور کلی تصمیمات در اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی چون شانگهای اجماعی است و اگر یک کشور مخالف یک تصمیم، مثلاً عضویت ایران در اتحادیه باشد، آن تصمیم تصویب نخواهد شد. در گذشته برخی کشورها که البته امروز روابط بسیار حسنه‌ای با آنان داریم، مسائلی با ما داشتند که باعث شد عضویت ما در شانگهای به تأخیر بیفتد. اما امروز بسیار خرسندیم که در فاصله ۱۸ سال میان طرح پیشنهاد عضویت ناظر ایران در این سازمان، برای تعامل و همکاری با این سازمان و اعضای آن تلاش‌های بسیاری شد تا در نهایت در سال ۱۴۰۲ ایران به صورت رسمی به عضویت سازمان شانگهای درآمد.

سال‌های زیادی است که برخی کشورهای غربی تلاش می‌کنند ایران را در صحنه بین‌الملل منزوی کنند. به رغم این چالش‌ها، جایگاه ما در شانگهای و ارتباط با اعضای آن چگونه پیش رفت؟

هم از سال ۱۳۸۴ که پیشنهاد عضویت ناظر ایران مطرح شد و هم از سال ۱۴۰۲ که ایران عضو رسمی شانگهای شد، نگاه و جایگاه ما در این سازمان کاملاً متفاوت شد. زیرا ما به عنوان یک عضو مؤثر وارد این میدان شدیم، چرا که می‌دانیم عضویت در شانگهای قطعاً به نفع ماست و می‌توانیم بسیاری از ظرفیت‌های خود را در اختیار اعضا قرار دهیم و در مقابل از ظرفیت‌ها، تفکر و دیگر مسائل مرتبط با اعضای سازمان استفاده کنیم. بنابراین، با عضویت ایران در این سازمان، احساس کردیم وارد یک خانواده بزرگ به اسم شانگهای می‌شویم. مسأله دیگر این واقعیت است که در بسیاری از حوزه‌ها بویژه حوزه‌های بین‌المللی تفکر کشورهای عضو شانگهای به ما نزدیک است. درست است که با بسیاری از کشورهای عضو همسایه هستیم و به رغم بروز اختلافات احتمالی، عموماً همسایگان روابط حسنه‌ای با یکدیگر دارند، مسأله بسیار مهم این است که ما و همسایگان از این اختلاف نظرها عبور کردیم و نگاه ما همواره به آینده است. نگاه ما به سازمان همکاری اقتصادی شانگهای با درنظر داشتن این واقعیت است که مجموعه کشورهای عضو، با در اختیار داشتن یک وسعت سرزمینی ۲۵ میلیون کیلومتر مربعی، ۴۲ درصد جمعیت جهان را در خود دارند، در کنار اینکه امروز شانگهای دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقتصادهای نوظهور است که به نوبه خود با در اختیار داشتن مجموعه‌ای از فناوری‌های پیشرفته، پیشرفت در علم و ظرفیت‌های اقتصاد، می‌تواند در رفع مشکلات اعضا بسیار کمک کننده باشد. نکته مهم دیگر این است که نگاه اعضا به سازمان و به یکدیگر، مبتنی بر یکجانبه‌گرایی نیست. نه تنها دولت‌های عضو یکجانبه‌گرا نیستند، بلکه به یک قطبی بودن سازمان اعتقاد ندارند و به کمک کشورهای عضو می‌آیند. اینکه نگاه اعضای شانگهای یکجانبه گرایانه نیست برای ایران که رویکرد مبتنی بر چند قطبی و چندجانبه‌گرایی را دنبال می‌کند، بسیار اهمیت دارد. این رویکرد باعث شده است امروز همه اعضا بدون توجه به توان و قدرت شان حقوق مساوی داشته باشند. مجموعه این شرایط و ظرفیت‌ها، به این معنی است که باید حضور جدی در این سازمان داشته باشیم. در دو سال گذشته پس از رسمی شدن عضویت ایران، وزرای ما در نشست‌های سازمان حضور جدی داشتند و همواره در سطح عالی در اجلاس‌ها شرکت کردیم. در اجلاس نخست وزیران مسکو نیز به صورت جدی شرکت کردیم و مواضع خود را شفاف و جدی مطرح کردیم. امیدواریم با استفاده از نظرات و راهنمایی نخبگان، بویژه نخبگانی که با برنامه‌ها و نیازهای کشور آشنا هستند و ظرفیت‌های اتحادیه‌های منطقه‌ای که می‌توانند به این برنامه‌ها کمک کنند را هم می‌شناسند، از ظرفیت شانگهای به خوبی بهره ببریم. این را هم اضافه کنم که در کنار سازمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا هم یکی از ظرفیت‌های جدی است که توجه ویژه‌ای به آن داریم. نگاه ما به شانگهای و اوراسیا، یک نگاه تمدنی است و معتقدیم در سازمان‌هایی با کشورهایی که در یک حوزه تمدنی مشترک قرار دارند، همکاری می‌کنیم. در کنار این ظرفیت‌های تمدنی، اشتراک جغرافیایی هم وجود دارد که ظرفیت دیگری برای ماست. امروز ایجاد ظرفیت‌ها و کریدورهای ترانزیت کالا به کشورهای محصور در خشکی راهبرد جدی ماست، مبنی بر اینکه به این کشورها بندرگاه بدهیم تا هم منافع خود را تضمین و به رشد اقتصاد و ارتباطات اقتصادی خود کمک کنیم و هم این همسایگان بتوانند رشد بالای اقتصادی را تجربه کنند و ظرفیت‌های تجاری خود را در جهان، از مسیر ایران، گسترش دهند.

نخست‌وزیران حاضر در اجلاس مسکو، در سخنرانی‌های خود به طور مشترک خطر یکجانبه‌گرایی در جهان را مطرح کردند؛ نخست‌وزیران روسیه و بلاروس از تحریم‌ها انتقاد کردند، نخست‌وزیر چین از تحولات جدید تعرفه‌ای انتقاد کرد و خطر بهم خوردن نظم جهانی به دلیل تحولات یک سال گذشته جهان را گوشزد کرد، وزیر امور خارجه هند هم از خطرات پیش روی جهان گفت. در پاسخ به این نگرانی مشترک، نخست‌وزیران راهکارهای مشترکی هم مطرح کردند که ایجاد سازوکار مالی مشترک بین اعضا و ایجاد بانک توسعه شانگهای از آن جمله بود. آیا دغدغه‌های مشترک اعضای شانگهای که ناشی از یکجانبه‌گرایی غرب است، می‌تواند به راه‌حل‌های مشترک درون سازمانی برای مقابله با این یکجانبه‌گرایی منتهی شود؟

ایران و تاحدود زیادی روسیه و سپس بلاروس، با تحریم‌های غیرقانونی و نامشروع و هزینه‌های ناشی از تحریم آشنا هستیم. در ایران، ما تسلیم تحریم نشدیم، تلاش کردیم آن را مدیریت کنیم. حتی می‌توانم بگویم ما تحریم‌ها را کنار زدیم. اما نمی‌توان کتمان کرد که تحریم برای ما هزینه داشته و دارد و اگر تحریم‌ها نبود، مطمئناً شرایط اقتصادی ما و کشورهای تحت تحریم متفاوت می‌بود. بنابراین سازوکارهایی مانند ایجاد بانک توسعه شانگهای یا سازوکار مالی بین اعضای یا پیشنهاد ایران مبنی بر تعریف رمزارز مشترک میان کشورهای عضو، می‌تواند باعث مصونیت تجارت کشورهای عضو از تحریم‌ها و یکجانبه‌گرایی غرب، مشخصاً مصون از برخوردهای آمریکا بشود.

مسأله این است که کشورهای عضو شانگهای چقدر در پیشبرد این ایده‌ها جدی هستند؟

مسأله ایجاد بانک توسعه شانگهای در صحبت‌های همه نخست‌وزیران بود. حتی در جلسه خصوصی نخست‌وزیران با آقای پوتین هم فعال شدن بانک توسعه شانگهای جزو توصیه‌های ایشان بود. راهبرد سازمان بریکس هم همین است، یعنی تعریف ارز مشترک یا ارز بریکسی. در شانگهای هم این راهبرد وجود دارد که بانکی ایجاد شود تا ارز کشورهای عضو را به رسمیت بشناسد و با این ارزها کار کند. اگر این اتفاق بیفتد که خواهد افتاد، زیرا اجماع بسیار خوبی حول این مسأله وجود دارد، خوشبین هستم که در این صورت مشکلاتی که امروز در رابطه با ارز داریم، مبنی بر اینکه نرخ ارز ما از یک موضع سیاسی در خارج از کشور تعیین می‌شود، تا حد زیادی مصونیت پیدا کند و رابطه خوبی میان ارز کشورهای عضو شانگهای ایجاد شود. البته قبل از ایجاد این بانک، بحث تعریف شیوه‌های جدید و داخلی برای تبادلات بین‌بانکی بین کشورهای عضو هم مطرح است، یعنی قبل از آغاز فعالیت بانک توسعه شانگهای که قاعدتاً زمان می‌برد، روابط بانکی بین کشورهای عضو توسعه پیدا کند. امیدوارم با انجام این تحول، بخش زیادی از مشکلات تجار ما حل شود.

در این اجلاس، همه کشورها از یکجانبه‌گرایی غرب و پیامدهای آن برای جهان انتقاد کردند که نشان می‌دهد شرق جهان نسبت به غرب جهان نگاه مشترک انتقادی دارد. اما در کشور ما عموماً شاهد نگاه منفی نسبت به روسیه یا حتی چین هستیم، درحالی که همین حالا روسیه در نفت و گاز، کالاهای اساسی یا فناوری‌های نوین می‌تواند طرف تجاری خوبی برای ما باشد. خوشبینی مفرط همیشه مذموم است، اما چرا در داخل، نگاه ما به روسیه مبتنی بر واقع بینی نیست و از ظرفیت‌های این همسایه غفلت می‌کنیم؟

برخی‌ها پیشنهاد می‌کنند به جای روس‌هراسی، بهتر است از واژه روس‌گریزی استفاده کنیم. واقعیت این است که این نگاه به روسیه در میان مردم ما عمومیت ندارد، شاید فقط بخشی از جامعه ما روس‌گریزی را دنبال کنند. امروز باید این واقعیت مهم را لحاظ کنیم که ما و روسیه دو همسایه بودیم و هستیم و به همین دلیل، تاریخی با نوسانات و فراز و نشیب‌های بسیار داشتیم. بر پایه این تاریخ و حتی بر پایه تجربیات ما در جنگ‌های جهانی اول و دوم، حق می‌دهیم که برخی در کشور این‌طور موضع بگیرند. اما نباید فراموش کنیم که در انقلاب اسلامی، مسأله ما آمریکا بود؛ چه کشوری کودتای ۲۸ مرداد ایجاد کرد؟ آمریکا بود که از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی از منافع غیرمشروع خود در ایران دست بر نمی‌داشت.

به نظر نمی‌رسد امروز هم نگاه آمریکا به ایران تفاوتی کرده باشد و ما را به‌عنوان کشوری مستقل بپذیرد.

بعد از انقلاب دستیابی آمریکا به منافع غیرمشروعی که پیش از انقلاب در ایران دنبال می‌کرد، قطع شد. پیش از انقلاب، آمریکایی‌ها حتی در کارهای تخصصی هم به کارشناسان ما اجازه ورود به بسیاری از بخش‌ها را نمی‌دادند. خود من در مخابرات دیدم که آمریکایی‌ها حضور ایرانی‌ها در بعضی سالن‌ها را ممنوع کردند و بعد از انقلاب بسیاری از اسنادی را که طبق قانون متعلق به ما بود با خودشان بردند. منظور من این نیست که امروز سوابق تاریخی کشورها را با هم مقایسه کنیم، حرف ما این است که اتفاقاً ما علاقه‌مند به داشتن رابطه با کشورهایی هستیم که به رسمیت می‌شناسیم، اما رابطه در شرایط متعادل و با حقوق برابر. در چنین شرایطی، مذاکره می‌کنیم و طبیعی است که در هر مذاکره‌ای کشورها دنبال منافع خودشان هستند؛ اما نه هر منافعی، بلکه صرفاً منافع مشروع. ایرانیان انقلاب کردند تا قلدری را نپذیرند و امروز هم مردم ما تسلیم قلدری و دیکتاتوری نمی‌شوند، ما اهل صلح و گفت‌وگو هستیم. ما چه زمانی گفتیم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؟ تأکید ما بر حضور واسطه در مذاکره ما با آمریکا این بود که این واسطه، شاهدی باشد تا اگر لازم باشد، حرف‌های ما و آمریکا را اعلام کند. در آخرین مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، وزیر امور خارجه عمان به عنوان طرف سوم حاضر بود و دید که ایران چه مواضعی داشت و آمریکا چه مواضعی و درعین اینکه روند مذاکرات به اصطلاح رضایت‌بخش بود، به ایران حمله کردند. بنابراین چنین مقایسه‌هایی اصولاً قیاس مع‌الفارق است.

در آخرین دور مذاکرات ایران و آمریکا دو طرف از روند مذاکرات راضی بودند؟

آقای عراقچی وزیر امور خارجه هر بار از روند مذاکرات به دولت گزارش می‌داد. ممکن است در برخی نشست‌ها روند پیشرفت مذاکرات تند یا کند بوده باشد، بالاخره هر طرف انتظاراتی از مذاکره داشتند، اما واقعیت این بود که در کنار این فراز و فرودها، روند کلی مذاکرات مثبت بود و به سمت همگرایی و رسیدن به نتیجه پیش می‌رفت. بنابراین، اگر برگردیم به سؤال قبلی شما درباره نگاه ما به کشورها، اگر این فرآیند را با دیگر رویدادهای تاریخی مقایسه کنیم، می‌بینیم جایگاه کشورها اصلاً قابل قیاس نیست. بنا نیست که ما برپایه چنین مقایسه‌هایی نتیجه بگیریم این کشور برای ما منافع ملی و امنیت ملی مطرح است و فلان کشور اصلاً مطرح نیست. مقام معظم رهبری مدت‌ها پیش راهبرد سیاست خارجی ما را تعیین کردند و هر کشوری که رابطه و مناسبات با آن، در آن چهارچوب قرار بگیرد، با آن کشور روابط خوبی خواهیم داشت. امروز در نگاه به کشورهای منطقه، راهبرد ما تعامل و همکاری در بهترین شرایط با این کشورهاست. ما در اجرای این راهبرد مصمم هستیم و به درستی هم پیش می‌رویم. امروز مواضعی که روسیه در زمینه قطعنامه‌ها می‌گیرد، مواضعی منطقی، اصولی، تابع حق و تابع حقوق بین‌الملل است. ما نیز همین را می‌خواهیم. چرا نباید با چنین همسایه‌ای رابطه خوبی داشته باشیم؟ بنابراین، آنچه درون کشور و در حوزه عمومی شاهد هستیم، نوعی روسیه‌گریزی است که امیدواریم با تبیین روابط، البته درحدی که امکان دارد و لازم است و نیز با روند رو به رشد توسعه همکاری‌های میان تهران و مسکو، این روسیه‌گریزی نیز به تدریج کمرنگ شود.

در نشست با دیپلمات‌های ایران در مسکو، گزارشی ارائه شد مبنی بر اینکه در ۳۰ سال گذشته نظرسنجی‌ها نشان می‌داد حدود ۳۰ درصد جمعیت روسیه نسبت به ایران و برنامه هسته‌ای نظر مثبتی دارند، اما امروز نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مردم روسیه نسبت به ایران نظر مثبت دارند و برنامه هسته‌ای ما را صلح‌آمیز می‌دانند و از گسترش تعامل با ایران استقبال می‌کنند.

گزارش بسیار جالب و مهمی بود و برای همین تقاضا کردم بدون اینکه رنگ و بوی سیاسی بگیرد، این گزارش در اختیار مردم ما قرار داده شود تا همه متوجه این تغییر شویم که در ۳۰ سال گذشته، یعنی از بعد از فروپاشی شوروی تا امروز، تا چه میزان نگاه مردم روسیه نسبت به ایران تغییر کرد و بهبود یافت. این تغییر رویکرد برای ما بسیار ارزشمند است. زیرا این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت مردم کشور همسایه ما نگاه مثبتی به دیگر همسایه خود، یعنی ایرانیان دارند. حتماً باید از این روند مثبت استقبال کنیم و با دولت و ملت روسیه روابط حسنه داشته باشیم و حتماً شرایط را برای توسعه روابط بین ملت‌های دو کشور در حوزه‌های گردشگری، مسافرت، دانشگاه، علم و فناوری و تجارت فراهم کنیم.

نکته دیگری که در سفارت ایران در مسکو در جمعیت فعالان اقتصادی تأکید کردید، این مسأله بود که چرا در شرایط تحریمی، باید کالاهای اساسی خود را از آن سر دنیا تأمین کنیم؟ درصورتی که همسایگانی مانند روسیه می‌توانند نیازهای ما را تأمین کنند؟ یا به استفاده از ظرفیت‌های روسیه در نفت و گاز و فناوری‌های نوین تأکید کردید. این مطالب نشان دهنده رویکرد «بازگشت به همسایگان» است که در دولت چهاردهم چشمگیر است. آیا تحریم باعث شد راهبرد بازگشت به همسایگان را انتخاب کنیم یا ملاحظات دیگری وجود دارد؟

پاسخ صادقانه این است که این رویکرد، ناشی از یک آینده نگری است و این آینده نگری درست از اولین روزهای شروع به کار دولت چهاردهم شکل گرفت. اساساً تدوین یک برنامه برای اداره کشور در یک شرایط جنگی مانند جنگ ۱۲ روزه، از اوایل شهریور ۱۴۰۳ شروع شد. دلیل اینکه چرا از اوایل شهریور سال گذشته تدوین چنین برنامه‌ای را شروع کردیم مشخص است. روز اول فعالیت دولت، در یک ترور ناجوانمردانه، میهمان رسمی ما را به شهادت رساندند که به معنی جنگ بود. اما باوجود اینکه درون خود دولت پذیرفته بودیم که جنگ در عمل آغاز شده است، راهبرد ما این بود که نباید باعث سلب آرامش از جامعه شویم، باید تلاش کنیم آرامش جامعه حفظ شود، اما دولت در خودش و برای خودش آرایشی متناسب با شرایط جنگی داشته باشد. در همین راستا، برنامه اقتصادی زمان جنگ را تدوین کردیم که در آذرماه ۱۴۰۳ نهایی شد و این برنامه که حدود ۹ ماه قبل یا بیشتر آماده شده بود، در ۱۲ روز جنگ بر کشور حاکم شد. امروز هم همین نگاه را به مسأله‌های کشور داریم. درست است که ما با این دشمن در وضعیت توقف آتش هستیم، یعنی وضعیت نه جنگ و نه صلح، اما تجربه نشان داده که اصلاً نمی‌شود به این دشمن اعتماد کرد. بنابراین باید فرض را بر این بگذاریم که هر لحظه ممکن است دشمن شیطنتی انجام دهد و این دشمن صرفاً در شرایطی به ما حمله نخواهد کرد که نیروهای کشور توان دفاعی خود را حفظ کنند و آن را ارتقا بخشند. در ۴-۵ ماه گذشته در زمینه دفاع نظامی، رزمندگان و نظامیان ما اقدامات ارزشمندی انجام دادند که با کمک متفکرین، اندیشمندان و فناوران ما دنبال شد. بنابراین کارهای این بخش دفاعی به خوبی درحال پیش رفتن است. در حوزه اقتصاد، باید همچنان برای شرایط جنگی آماده باشیم، زیرا در صورت نبود این آمادگی، کشور دچار آسیب خواهد شد. به همین منظور در دولت برای وضعیت‌های خاص یک برنامه اقتصادی تدوین شد که مهم‌ترین محور آن تنوع بخشی به تأمین کالاها، بویژه کالاهای اساسی است. در این برنامه حتی این مسأله را پیش‌بینی کردیم که در شرایطی که نتوانیم از راه دریا و هوا، کالاهای مورد نیاز را تهیه و تأمین کنیم، مسیرهای جایگزین پیش‌بینی کردیم که ناظر بر مرزهای زمینی و ریلی ماست. به همین دلیل راهبرد تفویض اختیار به استانداران را دنبال کردیم زیرا با تفویض اختیارات، استاندار به رئیس‌جمهوری استان تبدیل می‌شود و این امر به استانداران اجازه می‌دهد نه تنها تعاملات مرزی داشته باشند، بلکه با کشورهای همسایه و استان‌های مرزی آنان تعامل داشته باشند تا کالاهای مورد نیاز کشور را تأمین کنند. در این مسیر به خوبی درحال پیش رفتن هستیم. این نکته هم مهم است که هم کیفیت کالاها در کشورهای همسایه ما خوب است و هم مدت زمان یا شکل مبادله‌ای یک استان ما برای خرید از یک کشور همسایه به گونه‌ای است که با سرعت عمل بیشتری همراه است و به همین دلیل هر استان یا استاندار می‌تواند مترصد باشد که در شرایط ارزانی کالا، آن را وارد کند. بنابراین در منطقه و از طریق تعاملات استان‌ها، می‌توانیم کالاهای مناسب‌تر و با قیمت‌های مناسب‌تر را از کشورهای همسایه تأمین کنیم. برای تسهیل بیشتر این امر حتی شیوه تبادل کالایی «تهاتر» را هم تعریف کرده‌ایم.

علت انتخاب «تهاتر» به عنوان یک شیوه تعامل اقتصادی با منطقه چه بود؟

البته شیوه تهاتر شیوه اصلی تبادلات ما نیست و استان‌ها در صورت لزوم می‌توانند از آن استفاده کنند. راهبرد تهاتر به این دلیل تعریف شد که بخش زیادی از اقتصاد کشورهای منطقه، به ویژه در نواحی هم مرز، مکمل یکدیگر هستند. به عنوان مثال، می‌توانیم کالایی که پاکستان نیاز دارد را در اختیار آن قرار دهیم و در مقابل از این همسایه گوشت گوساله یا برنج تهیه کنیم. پاکستان هم به دلیل مسلمان بودن و هم کیفیت کالاهای آن برای این منظور مناسب است. با دیگر همسایگان مانند روسیه، قزاقستان و قرقیزستان به همین صورت می‌توان عمل کرد و همه این تدابیر با این هدف اتخاذ شده که در صورت وقوع هر حادثه یا شرایطی که رابطه هوایی یا دریایی ما با مشکل مواجه شد، رابطه زمینی برای تأمین کالاهای کشور قطع نمی‌شود.

تاکنون از تهاتر استفاده شد؟

ستاد مقابله با تحریم مجوز انجام تهاتر برای مبادله را به دولت داده و دولت هم درحال تدوین سازوکار مناسب این امر برای مناطق مختلف است. دلیل این بررسی‌های پیشینی دقیق‌تر، این است که آشنایی چندانی با روش تهاتر نداریم، بنابراین باید راه‌های انجام آن شناسایی و پیش‌بینی شود تا در موارد ضروری به کمک کشور بیاید. این که تهاتر با چه شیوه‌هایی، در چه زمان‌هایی و مبتنی بر چه سازوکارها یا با چه کشورها و در چه حوزه‌های کالایی انجام شود، همه اینها در دولت در حال بررسی است.

در حوزه مسائل داخلی، دولت آقای پزشکیان شرایط ویژه‌ای دارد؛ ویژه بودن دولت نه بابت شرایط منطقه، بلکه ناشی از این است که اساساً دولت زمانی کار خود را شروع کرد که وضعیت سرمایه‌های اجتماعی خوب نبود، در کنار این، به دلیل انباشت مسائل در گذشته، انتظارات مردم و حتی حامیان دولت هم از دولت بالاست. به علاوه همه اینها، باید این مشکل را هم اضافه کرد که دولت چهاردهم پول هم ندارد.

در مسأله کمبود منابع که اشاره کردید، واقعاً وضعیت دولت چهاردهم با همه دولت‌های گذشته متفاوت است و این تفاوت، نه فقط به خاطر تحریم‌ها، بلکه به دلیل مشکلات ساختاری است که از سال‌های دور انباشت شده. باوجود اینها، دولت هیچ گاه نخواسته با برجسته کردن مضیقه‌های مالی در جامعه ایجاد نگرانی کند یا کاستی‌های خود را با برجسته کردن این مضیقه‌ها توجیه کند.

اما می‌پذیرید که در سیاست داخلی، یعنی از نظر موقعیت در میان احزاب، طبقات و مجموع کنشگران سیاست و جامعه ایران، وضع دولت چهاردهم بسیار متفاوت است و همین کار دولت را دشوار کرده است؟

برای پاسخ به شما و اینکه چرا دولت چهاردهم چنین وضعیتی را دارد، سعی می‌کنم از خودم مثال بزنم. صادقانه عرض کنم که من به شخصه به نکته‌ای که شما گفتید عادت کرده‌ام. از نظر خودم، فردی با تفکر اصلاحات هستم، به این معنی که اصلاح‌طلبی را در ذات انقلاب می‌دانم. از ابتدای انقلاب و حتی سال‌های پیش از انقلاب همین تفکر را داشتم و امروز هم معتقدم این تفکر نجات دهنده کشور است. به همین دلیل برخی رفقا کنایه‌هایی به من می‌زنند؛ یعنی وقتی جریان چپ حاکم بود می‌گفتند فلانی راست است و وقتی هم که جریان راست حاکم بود، می‌گفتند چپ است. نه چپ‌های دوآتشه طرفدار من بودند و نه راست‌های دوآتشه، درحالی که من همواره با این دو جریان کنار می‌آمدم.

البته رؤسای پیشین سازمان برنامه در کتاب «اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران» گفتند که آقای عارف در زمان ریاست بر سازمان برنامه یا معاون اول دولت اصلاحات، نه به عدالت توزیعی باور داشت، نه کاملاً طرفدار بازار آزاد منهای دولت بود.

امروز هم همین نگاه و رویکرد را دنبال می‌کنم. خوشبختانه آقای پزشکیان از هیچ جریان یا فردی توقع بالایی ندارد. توقع آقای پزشکیان فقط این است که افراد خبره یا نخبه، در خدمت نظام و حل مشکل مردم باشند، راهکار بدهند و کمک کنند. واقعاً تا امروز من این گله را از آقای دکتر پزشکیان نشنیدم که چرا فلان گروه به دولت کمک نکرد. واقعاً این گله را از ایشان نشنیدم. دولت با همه گروه‌ها کار می‌کند و ما به نظرات همه گروه‌ها احترام می‌گذاریم. پیش‌فرض خود من این است که باید از کسی در دولت استفاده کرد که برنامه و راهبرد دولت را قبول داشته باشد. این راهبردی است که خود من مصر هستم آن را در دولت دنبال کنم و خوشبختانه در این زمینه با آقای دکتر پزشکیان هماهنگ هستیم.

شما در دولت چهاردهم یک مشکل دیگر هم دارید. دولت پروژه‌هایی را شروع کرد که طرفداران یا بهره‌مندان این پروژه‌ها در آینده می‌آیند؛ یعنی ایرانیان نسل بعد، شما را بابت این اصلاح‌ها تشویق خواهند کرد، اما امروز اجرای برنامه‌های اصلاحی مانند عملکردی کردن بودجه یا متناسب‌سازی ساختار دولت با مخالفت‌هایی روبه‌روست. مثلاً دولت اصلاح نظام اداری را از وزارت جهاد کشاورزی شروع کرد، اما همان کسانی که اصرار دارند برنامه هفتم اجرا شود، در مقابل این اصلاح که برپایه ماده ۱۰۵ برنامه هفتم است، به دولت نامه نوشتند که چرا می‌خواهید ساختار وزارت جهاد کشاورزی را اصلاح کنید.

اما مسأله این است که ما در دولت برای اجرا و پیشبرد این سیاست‌های اصلاحی که واقعاً برای کشور ضروری است، ایستاده‌ایم.

این پروژه‌های اصلاحی مانند اصلاح ساختار اداری وزارتخانه‌ها، واقعاً بزرگ است.

و در کنار بزرگ بودن، پروژه‌های بسیار سنگینی است.

نکته این است: درست است که این پروژه‌های اصلاحی برای آینده ایران ضروری هستند، اما موقعیت سیاسی و اجتماعی دولت در میان بازیگران امروز سیاست ایران به گونه‌ای نیست که به‌راحتی این پروژه‌ها را پیش ببرد. فکر نمی‌کنید چنین پروژه‌های سنگینی باید در دولت‌هایی دنبال شود که یا در سیاست یا در جامعه، موقعیت مستحکم‌تری داشته باشند؟

ببینید! ما با حمایت مردم، نخبگان و همراهی ارکان کشور، با توکل به خدا جلو می‌رویم. خاطرم هست که در دولت دوم آقای خاتمی می‌خواستیم دو سه کار بزرگ انجام دهیم. به آقای خاتمی و گاهی هم به هیأت وزیران می‌گفتم آمادگی دارم این پروژه‌ها را اجرا کنم و هزینه اجرای آنها عزل من باشد، اما این کارها باید بشود، زیرا برای کشور و ملت و آینده ایران ضروری است. کاش ما آن کارها را کرده بودیم. امروز هم روحیه و نگاه ما به مسأله‌های کشور و حل مسأله‌ها همین است. اصل برای ما، نه موقعیت من به عنوان معاون اول، بلکه این است که مصلحت کشور، مردم، آینده مردم و سرنوشت مردم و کشور چه چیزی را اقتضا می‌کند.

آن پروژه‌ها چه بود؟

یکی از آنها اصلاحات ساختار نظام اداری بود، مورد دیگر اصلاح نظام قیمت‌گذاری بنزین. تا نظام قیمت‌گذاری بنزین به‌گونه‌ای باشد که همراه با تورم پیش برود تا ما امروز در کشور دچار مشکلات این‌چنینی نباشیم که تقریباً همه دولت‌ها با مسأله قیمت‌گذاری و چگونگی اصلاح نظام قیمتی و توزیع بنزین مواجه هستند.

حاضر بودید به قیمت عزل، اصلاحات را دنبال کنید؟

این را به آقای خاتمی و در دولت عنوان کردم. البته دولت اصلاحات در یکی از این سیاست‌های اصلاحی یعنی تک‌نرخی کردن ارز موفقیت خوبی به دست آورد که تا چند سال بعد از دولت آقای خاتمی هم ارز تک‌نرخی باقی ماند. یک مورد هم درباره ورزش و مسائل مرتبط با آن بود. یک مسأله دیگر، تعطیلی برخی مکان‌های مهم بود. در دولت اصلاحات این آمادگی را داشتم و اعلام کردم. در دولت چهاردهم هم نگاه و رویکرد من همین است، یعنی به شخصه آمادگی دارم کارهای تحولی که برای نظام ما حیاتی است انجام شود، ولو به قیمت نبود من. درباره میزان حیاتی بودن و سنگینی این اصلاح‌ها، می‌خواهم از اصلاح ساختار اداری مثال بزنم. باید به خاطر داشته باشید که وقتی بخواهید در یک اداره حتی یک نفر را تعدیل کنید، کار بسیار دشواری است و دشواری کار به این دلیل است که با یک انسان و سرنوشت او سروکار دارید و تصمیم‌گیری به این سادگی نیست. برای انسانی که با دریافت یک حداقل حقوق زندگی و معیشت خود را اداره می‌کند، چه کار می‌توانید بکنید؟ ما با این مسأله‌های انسانی روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر، تورم غیرقابل تحمل نظام اداری و بوروکراسی فاقد توان که بر کشور حاکم شده باید اصلاح شود. در شرایطی که با این دو وضعیت متناقض روبه‌رو هستیم، می‌بینید که تصمیم‌گیری‌ها تا چه میزان دشوار و سنگین است. اما هر شرایطی که باشد، باید حتی در چنین وضعیت‌هایی هم جلو برویم. البته بر این باوریم که در تصمیم و اجرا نباید عجله کنیم، بلکه با منطق، بررسی‌های دقیق و درنظر گرفتن همه جوانب انسانی و اداری پیش برویم. در اصلاح ساختار وزارت جهاد کشاورزی، به این نتیجه رسیدیم آن بخش‌هایی که برای اصلاح آنها میان وزارت و سازمان اداری و استخدامی تفاهم وجود دارد، عمل شود و اصلاحات دنبال شود و برای اصلاح دیگر بخش‌ها که تفاهمی وجود ندارد و این دو سازمان با هم اختلاف نظر دارند، با هم مذاکره کنیم تا در نشست‌های مشترک و بررسی‌های بسیار، به راه‌حل مورد قبول دو طرف برسیم که هم اصلاحات انجام شود و هم اصلاحات بدون کمترین مشکل باشد.

در سال‌های اخیر انحصار واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد کرد که خالی فروشی برخی شرکت‌ها که به تازگی رخ داد از آن جمله بود. در ستاد تنظیم بازار با دادن اختیار واردات به استان‌ها و نیز مجازشمردن واردات نهاده‌ها از محل ارز بیرون از کشور، این انحصار را شکستید.

در همه جای دنیا مقابله با انحصار به معنی بازی با آتش است. شما دیدید که در این مدت در رسانه‌ها چه مسائلی را نوشتند.

منظور شما مطالبی است که درباره استعفای شما مطرح می‌شد؟

این‌ها قابل انتظار بود، اما راهی که ما باید برای آینده کشور و در مسیر تأمین بهینه کالاهای اساسی مورد نیاز مردم می‌رفتیم، شکستن این انحصار بود، با هر مشکل و با هر هزینه‌ای که داشته باشد. برای همین وقتی در ستاد تنظیم بازار، با دو یا سه ابربنگاه واردکننده کالاهای اساسی برخورد کردیم، دیدیم که در برخی رسانه‌ها جایگاه قانونی ستاد تنظیم بازار را زیر سؤال بردند و گفتند ستاد جایگاه قانونی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ندارد، درحالی که جایگاه قانونی ستاد تنظیم بازار مشخص است. اما نکته‌ای که بارها هم عنوان کردم این است که وقتی در گام‌های اصلاحی خود که به نفع کشور است، با چنین ان‌قلت‌هایی مواجه می‌شویم، آن هم در تصمیم‌گیری برای حل مسائلی که برای کشور فوریت دارد و حیاتی است، مسأله این نیست که ابتدا باید دنبال مجوز بگردیم، بلکه در چنین مواردی اصل مهم و اساسی، اقتدار نظام و دولت و منافع مردم و کشور است. در شرایط خاص، دولت باید این اقتدار را داشته باشد که هر تصمیمی که به نفع مردم باشد اتخاذ کند. قوانین و اقتدار دولت، فقط برای دوران صلح نیست، در دوران جنگ دولت هم باید اقتدار لازم را داشته باشد و هم از اختیار و اقتدار خود استفاده کند. اصل اساسی برای دولت، صیانت از مطالبات مردم و پاسخ دادن به مطالبات آنان است. بنابراین اگر دوباره با بحران دیگری روبه‌رو شویم، دولت باز هم از اقتدار خود و اختیارات قانونی‌اش برای رفع فوری نیازهای کشور و مردم استفاده خواهد کرد تا مردم آسیب نبینند. در دوران تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، استانداران اختیاراتی داشتند که شاید از نظر برخی جایگاه قانونی این اختیارات محل سؤال بوده باشد، اما نتیجه این تصمیمات این بود که در طول ۱۲ روز جنگ بنادر کشور با سرعت دو برابر بیشتر از گذشته تخلیه شد، یا وزرا اختیاراتی داشتند که در شرایط عادی نداشتند، اما شرایط کشور ایجاب می‌کرد این اختیارات داده شود تا مسأله‌های کشور حل شود. البته که اگر در مواردی مشکلی وجود داشت، دولت به سرعت تذکرات لازم را داد.

انحصار واردات نهاده‌های دامی کاملاً شکسته شد؟

به طور طبیعی این انحصار شکسته شد و این امر راهبرد اصلی و مهم دولت است. اما نکته‌ای که همه باید در نظر داشته باشند این است که ما در دولت به تعهدات گذشته خود کاملاً وفادار هستیم و خواهیم بود. در دیدار شهریورماه گذشته دولت با رهبر معظم انقلاب، ایشان فرمودند این انحصار باید جای خود را به رقابتی شدن این بازار بدهد. اما باز هم تأکید می‌کنم که درعین این ضرورت، دولت به تعهدات خود هم پایبند است. در اسلام عمل به تعهد بسیار مهم است، به این معنی که وقتی امروز تصمیمی برای شکستن انحصار و رقابتی کردن این بازار گرفتیم، بنا نیست همه تصمیمات قبلی خود را ملغی اعلام کنیم، بلکه به تصمیمات گذشته خود که بیانگر یک تعهد به مردم و جامعه است احترام می‌گذاریم. اما وقتی تصمیم جدیدی گرفتیم، مسیر آینده با تصمیمات جدید تعیین می‌شود و ما زین پس در این مسیر جدید حرکت خواهیم کرد.

رقابتی شدن بازار تأمین نهاده‌ها از خارج یا واردات کالاهای اساسی از چه طریقی انجام شد؟

برای رقابتی کردن این بازار، یک تصمیم این است که استانداران وارد عمل شوند و با استان‌های مجاور خود در کشورهای همسایه، وارد مذاکره شده و نهاده‌ها و کالاهای اساسی را وارد کنند. مسیر دیگر، برای کسانی است که در خارج کشور ارز دارند، اینها می‌توانند بدون رفع تعهد در داخل، کالاهای اساسی و نهاده‌ها را تأمین کنند. مسیر سوم هم تهاتر است. به هر صورت، در آینده نزدیک امیدواریم به جای آن دو یا سه ابربنگاه‌ها، واردکنندگان و فعالان اقتصادی دیگر وارد این بازار شوند و ما شاهد رقابتی شدن این بازار شویم که هم باعث کاهش قیمت و هم تأمین بموقع کالاها خواهد شد.

اساساً انتقاد و طرح نظرات حق همه شهروندان بویژه اصلاح‌طلبان است، اما فکر می‌کنم برخی از دوستان ما متوجه موقعیت و جایگاه دولت نیستند. متوجه نیستند که دولت در چه شرایط حساس سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای کار خود را شروع کرد، یا در چه شرایط حساسی در حال حرکت است. در کنار اینها متوجه این واقعیت هم نیستند که این دولت، به واقع یک ظرفیت مهم برای اصلاح‌طلبان و طرح مطالبات و خواسته‌های آنان است

به شخصه آمادگی دارم کارهای تحولی که برای نظام ما حیاتی است انجام شود، ولو به قیمت نبود من. درباره میزان حیاتی بودن و سنگینی این اصلاح‌ها، می‌خواهم از اصلاح ساختار اداری مثال بزنم. باید به خاطر داشته باشید که وقتی بخواهید در یک اداره حتی یک نفر را تعدیل کنید، کار بسیار دشواری است

برش

به نظر می‌رسد شما و آقای پزشکیان در ارکان کشور مشکلی ندارید و با همراهی روبه‌رو هستید. چطور این همراهی کسب شد؟ این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که نه‌تنها این انتظار وجود نداشت که یک رئیس جمهوری و معاون اول اصلاح‌طلب داشته باشیم، بلکه شما و آقای پزشکیان مدت‌ها بود از سیاست در این سطح دور بوده‌اید. چطور این سطح از همکاری و همدلی ایجاد و کسب شد؟

البته ما از سیاست دور نبودیم. آقای پزشکیان سال‌ها نماینده مجلس بود، من هم به نوبه خودم همیشه در عرصه سیاسی حضور داشتم، اما اصولاً رویکرد من این است که حضور رسانه‌ای کمی داشته باشم. در بنیاد امید ایرانیان، احساس می‌کردیم کشور به تشکیلات راهبردی غیرحزبی نیاز دارد و این مأموریت را به بنیاد دادیم تا به عنوان یک نهاد ویژه در جریان اصلاحات و در چهارچوب ارزش‌ها باشد. به همین دلیل در همه انتخابات‌ها، در عمل برنامه‌های راهبردی را، به صورت پایه‌ای، بنیاد امید ایرانیان ارائه می‌کرد. البته هیچ وقت توقعی نداشتیم. امروز دوستان ما نمی‌توانند حتی یک مورد مثال بزنند که بنیاد امید ایرانیان اصرار داشته یک نفر در لیست باشد. در انتخابات مجلس دهم و در شورای اسلامی شهر، رئیس شورایی بودم که فهرست نامزدها را نهایی می‌کرد. دوستان اصلاح‌طلب یادشان هست که هیچ وقت نخواستم یا اصرار نکردم اسم حتی یک نفر در لیست باشد، درحالی که رئیس این شورا بودم. زیرا برای من هیچ وقت مسأله فرد مطرح نیست، سعی کردم فردگرا نباشم و جمع‌گرا باشم. اینکه این فرد بیاید یا آن فرد، چندان فرقی نمی‌کند، مهم، راه و تفکر است و باید بر اجرای برنامه اصرار داشت. به همین دلیل، فکر می‌کنم ما همیشه در عرصه سیاست حضور داشتیم. بله، حضور حزبی نداشتیم، زیرا احساس می‌کردیم هنوز شرایط کشور برای رسیدن به یک حزب فراگیر و جامع که بتواند برنامه بدهد و به مردم پاسخگو باشد فراهم نیست. مرامنامه بنیاد امید ایرانیان که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد، بر این پایه بود که در ۱۰ سال آینده به یک حزب فراگیر تبدیل شود، اما هرچه به پایان این زمان ۱۰ساله نزدیک شدیم، دیدیم شرایط برای ایجاد حزب فراگیر مهیا نیست، الان هم این شرایط مهیا نیست. برای همین، امروز بنیاد امید ایرانیان همان نگاه راهبردی را دارد و بر همین اساس کار می‌کند. امروز راهبرد بنیاد امید ایرانیان، تشویق مردم به حضور در انتخابات شوراهاست.

به نظر می‌رسد نگاه جریان‌های سیاسی بویژه اصلاح‌طلبان به شما به عنوان معاون اول رئیس جمهور، فراگیر نیست. انگار اصلاح‌طلبان انتظارات دیگری دارند یا انتقادات دیگری مطرح می‌کنند.

اساساً انتقاد و طرح نظرات حق همه شهروندان بویژه اصلاح‌طلبان است، اما فکر می‌کنم برخی از دوستان ما متوجه موقعیت و جایگاه دولت نیستند. متوجه نیستند که دولت در چه شرایط حساس سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای کار خود را شروع کرد، یا در چه شرایط حساسی در حال حرکت است. در کنار اینها متوجه این واقعیت هم نیستند که این دولت، به واقع یک ظرفیت مهم برای اصلاح‌طلبان و طرح مطالبات و خواسته‌های آنان است. دولت از این مسیر عدول یا عقب‌نشینی نکرده، اما بنای دولت لحاظ کردن همه شرایط کشور و درعین حال همکاری با ارکان کشور است.

برش

بعد از اینکه شورای عالی اداری بر پایه تکلیف ماده ۱۰۵ برنامه هفتم اصلاح ساختار وزارت جهاد کشاورزی را تصویب کرد، خود شما که رئیس شورای عالی اداری هم هستید، ناچار شدید چندین جلسه با حضور سازمان اداری و استخدامی و وزارت جهاد کشاورزی برگزار کنید تا میان آنها تفاهم ایجاد شود.

بله، اما اساساً راهبرد اصلاح ساختار اداری را از وزارتخانه‌ها و بخش‌های بزرگ شروع کردیم. برای همین، نه تنها وزارت جهاد کشاورزی، بلکه اصلاحات وزارت راه و شهرسازی هم در دستورکار است. در وزارت آموزش و پرورش هم برنامه‌ها دنبال می‌شود.
امیدوار هستیم با همکاری این وزارتخانه‌ها این کار ملی و به نفع نظام و کشور پیش برود. واقعاً همکاری وزیر و دیگر ارکان این وزارتخانه‌ها برای پیشبرد این اصلاحات بسیار مهم است. امیدواریم با همکاری مدیران و ارائه توضیح و اقناع مردم، بتوانیم مسیر را به‌خوبی پیش ببریم.

جلسات شما با معاونان قوای دیگر، به ویژه قوه قضائیه اثربخش است. تأکید بر بازگشت هنرمندان و دیگر ایرانیان خارج از کشور در این جلسات، یا حل مسأله‌های مهمی چون خالی فروشی نهاده‌ها، آن هم بدون ایجاد حاشیه سیاسی و رسانه‌ای، بدون آن جلسات و آن هماهنگی‌ها ممکن نبود.

همه اینها بخشی از مسئولیت هر فردی است که به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور فعالیت کند. اما واقعاً دغدغه آقای دکتر پزشکیان همکاری با همه قواست و همه بخش‌های دولت در این مسیر حرکت می‌کنند.
دنبال کردن خواست‌های اصلاح طلبانه به معنای ستیز و عدم همکاری با قوای دیگر نیست. امروز همکاری ما با دیگر قوای کشور در بهترین سطح خود قرار دارد و ما در دولت معتقد هستیم که هر اصلاحی، بدون این همکاری و همراهی ممکن نیست.

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور در گفت‌وگو با «ایران»:

اصلاح‌طلبی نسخه نجات کشور است

گفت‌وگو

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

معاون اول رئیس جمهور صبح ۲۶ آبان ماه گذشته برای شرکت در اجلاس نخست وزیران سازمان شانگهای عازم مسکو شد و عصر ۲۷ آبان ماه پس از دیدار نخست وزیران با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در کرملین به کشور بازگشت. این گفت‌وگو در مسیر بازگشت محمدرضا عارف از این سفر به تهران انجام شد.

اظهارات و راهبردهای اعلامی نخست وزیران عضو سازمان شانگهای در اجلاس مسکو، نشان می‌دهد عضویت ایران در این سازمان چه اندازه مهم بوده و می‌تواند پیامدهای مثبتی برای ایران داشته باشد. اساساً چه دلایلی باعث شد که توجه ایران به این سازمان جلب شود و عضویت در آن در دستور کار قرار بگیرد؟

از دهه ۸۰ به این نتیجه رسیدیم که سازمان همکاری اقتصادی شانگهای برای ما یک فرصت است. این سازمان به طور رسمی در سال ۱۳۸۰ تشکیل شد و دو قدرت بزرگ آسیایی یعنی چین و روسیه در آن حضور دارند. شانگهای یک سازمان شرقی و یک سازمان اوراسیایی هم بود. بنا به این ملاحظات، در دولت اصلاحات به این نتیجه رسیدیم که باید عضو سازمان شانگهای باشیم، در دنیای امروز نمی‌شود منویات خود را به صورت انفرادی دنبال کرد. درست است که ما دنبال جنگ نیستیم، اما برخورداری از استقلال سیاسی و اقتصادی نیازمند داشتن ارتباطاتی در حوزه بین‌المللی هم هست. منظور از ارتباطات، کشورهایی است که با آنها روابط برابر داشته باشیم و در موارد ضروری به یاری هم بیاییم. حضور و عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند چنین ظرفیتی را ایجاد کند. برای همین، حضور در اتحادیه‌های منطقه‌ای به عنوان یک راهبرد تعیین شد. وقتی که به این نتیجه رسیدیم، در اجلاس سران شانگهای شرکت کردیم. این اجلاس در سال ۱۳۸۴ در مسکو برگزار شد که آن زمان به عنوان معاون اول رئیس جمهور در آن شرکت کردم و تقاضای عضویت ایران در این سازمان به عنوان ناظر مطرح شد. استقبال اعضای شانگهای از این پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران بسیار بالا بود.

در جلسه با دیپلمات‌های ایرانی در مسکو هم اشاره کردید که کشورهای عضو شانگهای از پیشنهاد ایران استقبال کردند. اما چطور متوجه شدید اعضا از عضویت ایران استقبال کردند؟

در آن سفر آقای پوتین وقت مستوفایی برای ملاقات تعیین کرد. من هم در آن دیدار نگاه ایران را به آینده این سازمان را برای آقای پوتین مطرح کردم. اشاره کردم این که به نظر ایران این سازمان فقط یک اتحادیه اقتصادی نیست و نخواهد ماند و جایگاه آن در منطقه و جهان ارتقا پیدا خواهد کرد. البته قبل از ایجاد سازمان شانگهای، ایران در سازمان اکو هم عضویت داشت که اساساً یک رویکرد اقتصادی دارد و ما هم روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه را از طریق اکو پیش می‌بردیم. اما آنچه در نگاه ما به شانگهای مطرح بود، یک نگاه تمدنی، اجتماعی و امنیتی-سیاسی بود که در درون خود سایر مسائل مانند مقابله با فساد را نیز دنبال می‌کرد. منظور اینکه، نگاه ما به شانگهای صرفاً اقتصادی نبود، بلکه فراتر از آن، شانگهای را سازمانی می‌دیدیم که یک جایگاه تمدنی خواهد داشت، به ویژه اینکه کشورهای آسیا تا اوراسیا را دربر می‌گیرد. در همان سفر سال ۱۳۸۴، علاوه بر آقای پوتین، رئیس جمهوری چین هم وقت مفصلی را برای ملاقات اختصاص داد و ایشان هم از پیشنهاد ایران استقبال کرد. پس از آن اجلاس، ایران عملاً وارد فرآیند عضویت در سازمان شانگهای شد، اما رسمی شدن عضویت مدت‌ها طول کشید.

اگر از پیشنهاد ایران استقبال شد، علت این تأخیر چه بود؟

در سال‌های پس از آن، مسائلی بین ما و برخی کشورهای منطقه مطرح بود که در مقطع فعلی صلاح نیست بازگو شود. به طور کلی تصمیمات در اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی چون شانگهای اجماعی است و اگر یک کشور مخالف یک تصمیم، مثلاً عضویت ایران در اتحادیه باشد، آن تصمیم تصویب نخواهد شد. در گذشته برخی کشورها که البته امروز روابط بسیار حسنه‌ای با آنان داریم، مسائلی با ما داشتند که باعث شد عضویت ما در شانگهای به تأخیر بیفتد. اما امروز بسیار خرسندیم که در فاصله ۱۸ سال میان طرح پیشنهاد عضویت ناظر ایران در این سازمان، برای تعامل و همکاری با این سازمان و اعضای آن تلاش‌های بسیاری شد تا در نهایت در سال ۱۴۰۲ ایران به صورت رسمی به عضویت سازمان شانگهای درآمد.

سال‌های زیادی است که برخی کشورهای غربی تلاش می‌کنند ایران را در صحنه بین‌الملل منزوی کنند. به رغم این چالش‌ها، جایگاه ما در شانگهای و ارتباط با اعضای آن چگونه پیش رفت؟

هم از سال ۱۳۸۴ که پیشنهاد عضویت ناظر ایران مطرح شد و هم از سال ۱۴۰۲ که ایران عضو رسمی شانگهای شد، نگاه و جایگاه ما در این سازمان کاملاً متفاوت شد. زیرا ما به عنوان یک عضو مؤثر وارد این میدان شدیم، چرا که می‌دانیم عضویت در شانگهای قطعاً به نفع ماست و می‌توانیم بسیاری از ظرفیت‌های خود را در اختیار اعضا قرار دهیم و در مقابل از ظرفیت‌ها، تفکر و دیگر مسائل مرتبط با اعضای سازمان استفاده کنیم. بنابراین، با عضویت ایران در این سازمان، احساس کردیم وارد یک خانواده بزرگ به اسم شانگهای می‌شویم. مسأله دیگر این واقعیت است که در بسیاری از حوزه‌ها بویژه حوزه‌های بین‌المللی تفکر کشورهای عضو شانگهای به ما نزدیک است. درست است که با بسیاری از کشورهای عضو همسایه هستیم و به رغم بروز اختلافات احتمالی، عموماً همسایگان روابط حسنه‌ای با یکدیگر دارند، مسأله بسیار مهم این است که ما و همسایگان از این اختلاف نظرها عبور کردیم و نگاه ما همواره به آینده است. نگاه ما به سازمان همکاری اقتصادی شانگهای با درنظر داشتن این واقعیت است که مجموعه کشورهای عضو، با در اختیار داشتن یک وسعت سرزمینی ۲۵ میلیون کیلومتر مربعی، ۴۲ درصد جمعیت جهان را در خود دارند، در کنار اینکه امروز شانگهای دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقتصادهای نوظهور است که به نوبه خود با در اختیار داشتن مجموعه‌ای از فناوری‌های پیشرفته، پیشرفت در علم و ظرفیت‌های اقتصاد، می‌تواند در رفع مشکلات اعضا بسیار کمک کننده باشد. نکته مهم دیگر این است که نگاه اعضا به سازمان و به یکدیگر، مبتنی بر یکجانبه‌گرایی نیست. نه تنها دولت‌های عضو یکجانبه‌گرا نیستند، بلکه به یک قطبی بودن سازمان اعتقاد ندارند و به کمک کشورهای عضو می‌آیند. اینکه نگاه اعضای شانگهای یکجانبه گرایانه نیست برای ایران که رویکرد مبتنی بر چند قطبی و چندجانبه‌گرایی را دنبال می‌کند، بسیار اهمیت دارد. این رویکرد باعث شده است امروز همه اعضا بدون توجه به توان و قدرت شان حقوق مساوی داشته باشند. مجموعه این شرایط و ظرفیت‌ها، به این معنی است که باید حضور جدی در این سازمان داشته باشیم. در دو سال گذشته پس از رسمی شدن عضویت ایران، وزرای ما در نشست‌های سازمان حضور جدی داشتند و همواره در سطح عالی در اجلاس‌ها شرکت کردیم. در اجلاس نخست‌وزیران مسکو نیز به صورت جدی شرکت کردیم و مواضع خود را شفاف و جدی مطرح کردیم. امیدواریم با استفاده از نظرات و راهنمایی نخبگان، بویژه نخبگانی که با برنامه‌ها و نیازهای کشور آشنا هستند و ظرفیت‌های اتحادیه‌های منطقه‌ای که می‌توانند به این برنامه‌ها کمک کنند را هم می‌شناسند، از ظرفیت شانگهای به خوبی بهره ببریم. این را هم اضافه کنم که در کنار سازمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا هم یکی از ظرفیت‌های جدی است که توجه ویژه‌ای به آن داریم. نگاه ما به شانگهای و اوراسیا، یک نگاه تمدنی است و معتقدیم در سازمان‌هایی با کشورهایی که در یک حوزه تمدنی مشترک قرار دارند، همکاری می‌کنیم. در کنار این ظرفیت‌های تمدنی، اشتراک جغرافیایی هم وجود دارد که ظرفیت دیگری برای ماست. امروز ایجاد ظرفیت‌ها و کریدورهای ترانزیت کالا به کشورهای محصور در خشکی راهبرد جدی ماست، مبنی بر اینکه به این کشورها بندرگاه بدهیم تا هم منافع خود را تضمین و به رشد اقتصاد و ارتباطات اقتصادی خود کمک کنیم و هم این همسایگان بتوانند رشد بالای اقتصادی را تجربه کنند و ظرفیت‌های تجاری خود را در جهان، از مسیر ایران، گسترش دهند.

نخست‌وزیران حاضر در اجلاس مسکو، در سخنرانی‌های خود به طور مشترک خطر یکجانبه‌گرایی در جهان را مطرح کردند؛ نخست‌وزیران روسیه و بلاروس از تحریم‌ها انتقاد کردند، نخست‌وزیر چین از تحولات جدید تعرفه‌ای انتقاد کرد و خطر بهم خوردن نظم جهانی به دلیل تحولات یک سال گذشته جهان را گوشزد کرد، وزیر امور خارجه هند هم از خطرات پیش روی جهان گفت. در پاسخ به این نگرانی مشترک، نخست‌وزیران راهکارهای مشترکی هم مطرح کردند که ایجاد سازوکار مالی مشترک بین اعضا و ایجاد بانک توسعه شانگهای از آن جمله بود. آیا دغدغه‌های مشترک اعضای شانگهای که ناشی از یکجانبه گرایی غرب است، می‌تواند به راه‌حل‌های مشترک درون سازمانی برای مقابله با این یکجانبه‌گرایی منتهی شود؟

ایران و تاحدود زیادی روسیه و سپس بلاروس، با تحریم‌های غیرقانونی و نامشروع و هزینه‌های ناشی از تحریم آشنا هستیم. در ایران، ما تسلیم تحریم نشدیم، تلاش کردیم آن را مدیریت کنیم. حتی می‌توانم بگویم ما تحریم‌ها را کنار زدیم. اما نمی‌توان کتمان کرد که تحریم برای ما هزینه داشته و دارد و اگر تحریم‌ها نبود، مطمئناً شرایط اقتصادی ما و کشورهای تحت تحریم متفاوت می‌بود. بنابراین سازوکارهایی مانند ایجاد بانک توسعه شانگهای یا سازوکار مالی بین اعضای یا پیشنهاد ایران مبنی بر تعریف رمز ارز مشترک میان کشورهای عضو، می‌تواند باعث مصونیت تجارت کشورهای عضو از تحریم‌ها و یکجانبه‌گرایی غرب، مشخصاً مصون از برخوردهای آمریکا بشود.

مسأله این است که کشورهای عضو شانگهای چقدر در پیشبرد این ایده‌ها جدی هستند؟

مسأله ایجاد بانک توسعه شانگهای در صحبت‌های همه نخست‌وزیران بود. حتی در جلسه خصوصی نخست‌وزیران با آقای پوتین هم فعال شدن بانک توسعه شانگهای جزو توصیه‌های ایشان بود. راهبرد سازمان بریکس هم همین است، یعنی تعریف ارز مشترک یا ارز بریکسی. در شانگهای هم این راهبرد وجود دارد که بانکی ایجاد شود تا ارز کشورهای عضو را به رسمیت بشناسد و با این ارزها کار کند. اگر این اتفاق بیفتد که خواهد افتاد، زیرا اجماع بسیار خوبی حول این مسأله وجود دارد، خوشبین هستم که در این صورت مشکلاتی که امروز در رابطه با ارز داریم، مبنی بر اینکه نرخ ارز ما از یک موضع سیاسی در خارج از کشور تعیین می‌شود، تا حد زیادی مصونیت پیدا کند و رابطه خوبی میان ارز کشورهای عضو شانگهای ایجاد شود. البته قبل از ایجاد این بانک، بحث تعریف شیوه‌های جدید و داخلی برای تبادلات بین‌بانکی بین کشورهای عضو هم مطرح است، یعنی قبل از آغاز فعالیت بانک توسعه شانگهای که قاعدتاً زمان می‌برد، روابط بانکی بین کشورهای عضو توسعه پیدا کند. امیدوارم با انجام این تحول، بخش زیادی از مشکلات تجار ما حل شود.

در این اجلاس، همه کشورها از یکجانبه‌گرایی غرب و پیامدهای آن برای جهان انتقاد کردند که نشان می‌دهد شرق جهان نسبت به غرب جهان نگاه مشترک انتقادی دارد. اما در کشور ما عموماً شاهد نگاه منفی نسبت به روسیه یا حتی چین هستیم، درحالی که همین حالا روسیه در نفت و گاز، کالاهای اساسی یا فناوری‌های نوین می‌تواند طرف تجاری خوبی برای ما باشد. خوشبینی مفرط همیشه مذموم است، اما چرا در داخل، نگاه ما به روسیه مبتنی بر واقع‌بینی نیست و از ظرفیت‌های این همسایه غفلت می‌کنیم؟

برخی‌ها پیشنهاد می‌کنند به جای روس‌هراسی، بهتر است از واژه روس‌گریزی استفاده کنیم. واقعیت این است که این نگاه به روسیه در میان مردم ما عمومیت ندارد، شاید فقط بخشی از جامعه ما روس‌گریزی را دنبال کنند. امروز باید این واقعیت مهم را لحاظ کنیم که ما و روسیه دو همسایه بودیم و هستیم و به همین دلیل، تاریخی با نوسانات و فراز و نشیب‌های بسیار داشتیم. بر پایه این تاریخ و حتی بر پایه تجربیات ما در جنگ‌های جهانی اول و دوم، حق می‌دهیم که برخی در کشور این‌طور موضع بگیرند. اما نباید فراموش کنیم که در انقلاب اسلامی، مسأله ما آمریکا بود؛ چه کشوری کودتای ۲۸ مرداد ایجاد کرد؟ آمریکا بود که از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی از منافع غیرمشروع خود در ایران دست بر نمی‌داشت.

به نظر نمی‌رسد امروز هم نگاه آمریکا به ایران تفاوتی کرده باشد و ما را به‌عنوان کشوری مستقل بپذیرد.

بعد از انقلاب دستیابی آمریکا به منافع غیرمشروعی که پیش از انقلاب در ایران دنبال می‌کرد، قطع شد. پیش از انقلاب، آمریکایی‌ها حتی در کارهای تخصصی هم به کارشناسان ما اجازه ورود به بسیاری از بخش‌ها را نمی‌دادند. خود من در مخابرات دیدم که آمریکایی‌ها حضور ایرانی‌ها در بعضی سالن‌ها را ممنوع کردند و بعد از انقلاب بسیاری از اسنادی را که طبق قانون متعلق به ما بود با خودشان بردند. منظور من این نیست که امروز سوابق تاریخی کشورها را با هم مقایسه کنیم، حرف ما این است که اتفاقاً ما علاقه‌مند به داشتن رابطه با کشورهایی هستیم که به رسمیت می‌شناسیم، اما رابطه در شرایط متعادل و با حقوق برابر. در چنین شرایطی، مذاکره می‌کنیم و طبیعی است که در هر مذاکره‌ای کشورها دنبال منافع خودشان هستند؛ اما نه هر منافعی، بلکه صرفاً منافع مشروع. ایرانیان انقلاب کردند تا قلدری را نپذیرند و امروز هم مردم ما تسلیم قلدری و دیکتاتوری نمی‌شوند، ما اهل صلح و گفت‌وگو هستیم. ما چه زمانی گفتیم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؟ تأکید ما بر حضور واسطه در مذاکره ما با آمریکا این بود که این واسطه، شاهدی باشد تا اگر لازم باشد، حرف‌های ما و آمریکا را اعلام کند. در آخرین مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، وزیر امور خارجه عمان به عنوان طرف سوم حاضر بود و دید که ایران چه مواضعی داشت و آمریکا چه مواضعی و درعین اینکه روند مذاکرات به اصطلاح رضایت‌بخش بود، به ایران حمله کردند. بنابراین چنین مقایسه‌هایی اصولاً قیاس مع‌الفارق است.

در آخرین دور مذاکرات ایران و آمریکا دو طرف از روند مذاکرات راضی بودند؟

آقای عراقچی وزیر امور خارجه هر بار از روند مذاکرات به دولت گزارش می‌داد. ممکن است در برخی نشست‌ها روند پیشرفت مذاکرات تند یا کند بوده باشد، بالاخره هر طرف انتظاراتی از مذاکره داشتند، اما واقعیت این بود که در کنار این فراز و فرودها، روند کلی مذاکرات مثبت بود و به سمت همگرایی و رسیدن به نتیجه پیش می‌رفت. بنابراین، اگر برگردیم به سؤال قبلی شما درباره نگاه ما به کشورها، اگر این فرآیند را با دیگر رویدادهای تاریخی مقایسه کنیم، می‌بینیم جایگاه کشورها اصلاً قابل قیاس نیست. بنا نیست که ما برپایه چنین مقایسه‌هایی نتیجه بگیریم این کشور برای ما منافع ملی و امنیت ملی مطرح است و فلان کشور اصلاً مطرح نیست. مقام معظم رهبری مدت‌ها پیش راهبرد سیاست خارجی ما را تعیین کردند و هر کشوری که رابطه و مناسبات با آن، در آن چهارچوب قرار بگیرد، با آن کشور روابط خوبی خواهیم داشت. امروز در نگاه به کشورهای منطقه، راهبرد ما تعامل و همکاری در بهترین شرایط با این کشورهاست. ما در اجرای این راهبرد مصمم هستیم و به درستی هم پیش می‌رویم. امروز مواضعی که روسیه در زمینه قطعنامه‌ها می‌گیرد، مواضعی منطقی، اصولی، تابع حق و تابع حقوق بین‌الملل است. ما نیز همین را می‌خواهیم. چرا نباید با چنین همسایه‌ای رابطه خوبی داشته باشیم؟ بنابراین، آنچه درون کشور و در حوزه عمومی شاهد هستیم، نوعی روسیه‌گریزی است که امیدواریم با تبیین روابط، البته درحدی که امکان دارد و لازم است و نیز با روند رو به رشد توسعه همکاری‌های میان تهران و مسکو، این روسیه‌گریزی نیز به تدریج کمرنگ شود.

در نشست با دیپلمات‌های ایران در مسکو، گزارشی ارائه شد مبنی براینکه در ۳۰ سال گذشته نظرسنجی‌ها نشان می‌داد حدود ۳۰ درصد جمعیت روسیه نسبت به ایران و برنامه هسته‌ای نظر مثبتی دارند، اما امروز نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مردم روسیه نسبت به ایران نظر مثبت دارند و برنامه هسته‌ای ما را صلح‌آمیز می‌دانند و از گسترش تعامل با ایران استقبال می‌کنند.

گزارش بسیار جالب و مهمی بود و برای همین تقاضا کردم بدون اینکه رنگ و بوی سیاسی بگیرد، این گزارش در اختیار مردم ما قرار داده شود تا همه متوجه این تغییر شویم که در ۳۰ سال گذشته، یعنی از بعد از فروپاشی شوروی تا امروز، تا چه میزان نگاه مردم روسیه نسبت به ایران تغییر کرد و بهبود یافت. این تغییر رویکرد برای ما بسیار ارزشمند است. زیرا این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت مردم کشور همسایه ما نگاه مثبتی به دیگر همسایه خود، یعنی ایرانیان دارند. حتماً باید از این روند مثبت استقبال کنیم و با دولت و ملت روسیه روابط حسنه داشته باشیم و حتماً شرایط را برای توسعه روابط بین ملت‌های دو کشور در حوزه‌های گردشگری، مسافرت، دانشگاه، علم و فناوری و تجارت فراهم کنیم.

نکته دیگری که در سفارت ایران در مسکو در جمعیت فعالان اقتصادی تأکید کردید، این مسأله بود که چرا در شرایط تحریمی، باید کالاهای اساسی خود را از آن سر دنیا تأمین کنیم؟ درصورتی که همسایگانی مانند روسیه می‌توانند نیازهای ما را تأمین کنند؟ یا به استفاده از ظرفیت‌های روسیه در نفت و گاز و فناوری‌های نوین تأکید کردید. این مطالب نشان دهنده رویکرد «بازگشت به همسایگان» است که در دولت چهاردهم چشمگیر است. آیا تحریم باعث شد راهبرد بازگشت به همسایگان را انتخاب کنیم یا ملاحظات دیگری وجود دارد؟

پاسخ صادقانه این است که این رویکرد، ناشی از یک آینده نگری است و این آینده نگری درست از اولین روزهای شروع به کار دولت چهاردهم شکل گرفت. اساساً تدوین یک برنامه برای اداره کشور در یک شرایط جنگی مانند جنگ ۱۲ روزه، از اوایل شهریور ۱۴۰۳ شروع شد. دلیل اینکه چرا از اوایل شهریور سال گذشته تدوین چنین برنامه‌ای را شروع کردیم مشخص است. روز اول فعالیت دولت، در یک ترور ناجوانمردانه، میهمان رسمی ما را به شهادت رساندند که به معنی جنگ بود. اما باوجود اینکه درون خود دولت پذیرفته بودیم که جنگ در عمل آغاز شده است، راهبرد ما این بود که نباید باعث سلب آرامش از جامعه شویم، باید تلاش کنیم آرامش جامعه حفظ شود، اما دولت در خودش و برای خودش آرایشی متناسب با شرایط جنگی داشته باشد. در همین راستا، برنامه اقتصادی زمان جنگ را تدوین کردیم که در آذرماه ۱۴۰۳ نهایی شد و این برنامه که حدود ۹ ماه قبل یا بیشتر آماده شده بود، در ۱۲ روز جنگ بر کشور حاکم شد. امروز هم همین نگاه را به مسأله‌های کشور داریم. درست است که ما با این دشمن در وضعیت توقف آتش هستیم، یعنی وضعیت نه جنگ و نه صلح، اما تجربه نشان داده که اصلاً نمی‌شود به این دشمن اعتماد کرد. بنابراین باید فرض را بر این بگذاریم که هر لحظه ممکن است دشمن شیطنتی انجام دهد و این دشمن صرفاً در شرایطی به ما حمله نخواهد کرد که نیروهای کشور توان دفاعی خود را حفظ کنند و آن را ارتقا بخشند. در ۴-۵ ماه گذشته در زمینه دفاع نظامی، رزمندگان و نظامیان ما اقدامات ارزشمندی انجام دادند که با کمک متفکرین، اندیشمندان و فناوران ما دنبال شد. بنابراین کارهای این بخش دفاعی به خوبی درحال پیش رفتن است. در حوزه اقتصاد، باید همچنان برای شرایط جنگی آماده باشیم، زیرا در صورت نبود این آمادگی، کشور دچار آسیب خواهد شد. به همین منظور در دولت برای وضعیت‌های خاص یک برنامه اقتصادی تدوین شد که مهم‌ترین محور آن تنوع بخشی به تأمین کالاها، بویژه کالاهای اساسی است. در این برنامه حتی این مسأله را پیش‌بینی کردیم که در شرایطی که نتوانیم از راه دریا و هوا، کالاهای مورد نیاز را تهیه و تأمین کنیم، مسیرهای جایگزین پیش‌بینی کردیم که ناظر بر مرزهای زمینی و ریلی ماست. به همین دلیل راهبرد تفویض اختیار به استانداران را دنبال کردیم زیرا با تفویض اختیارات، استاندار به رئیس‌جمهوری استان تبدیل می‌شود و این امر به استانداران اجازه می‌دهد نه تنها تعاملات مرزی داشته باشند، بلکه با کشورهای همسایه و استان‌های مرزی آنان تعامل داشته باشند تا کالاهای مورد نیاز کشور را تأمین کنند. در این مسیر به خوبی درحال پیش رفتن هستیم. این نکته هم مهم است که هم کیفیت کالاها در کشورهای همسایه ما خوب است و هم مدت زمان یا شکل مبادله‌ای یک استان ما برای خرید از یک کشور همسایه به گونه‌ای است که با سرعت عمل بیشتری همراه است و به همین دلیل هر استان یا استاندار می‌تواند مترصد باشد که در شرایط ارزانی کالا، آن را وارد کند. بنابراین در منطقه و از طریق تعاملات استان‌ها، می‌توانیم کالاهای مناسب‌تر و با قیمت‌های مناسب‌تر را از کشورهای همسایه تأمین کنیم. برای تسهیل بیشتر این امر حتی شیوه تبادل کالایی «تهاتر» را هم تعریف کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد شما و آقای پزشکیان در ارکان کشور مشکلی ندارید و با همراهی روبه‌رو هستید. چطور این همراهی کسب شد؟ این سؤال را به این دلیل می‌پرسم که نه‌تنها این انتظار وجود نداشت که یک رئیس جمهوری و معاون اول اصلاح‌طلب داشته باشیم، بلکه شما و آقای پزشکیان مدت‌ها بود از سیاست در این سطح دور بوده‌اید. چطور این سطح از همکاری و همدلی ایجاد و کسب شد؟

البته ما از سیاست دور نبودیم. آقای پزشکیان سال‌ها نماینده مجلس بود، من هم به نوبه خودم همیشه در عرصه سیاسی حضور داشتم، اما اصولاً رویکرد من این است که حضور رسانه‌ای کمی داشته باشم. در بنیاد امید ایرانیان، احساس می‌کردیم کشور به تشکیلات راهبردی غیرحزبی نیاز دارد و این مأموریت را به بنیاد دادیم تا به عنوان یک نهاد ویژه در جریان اصلاحات و در چهارچوب ارزش‌ها باشد. به همین دلیل در همه انتخابات‌ها، در عمل برنامه‌های راهبردی را، به صورت پایه‌ای، بنیاد امید ایرانیان ارائه می‌کرد. البته هیچ وقت توقعی نداشتیم. امروز دوستان ما نمی‌توانند حتی یک مورد مثال بزنند که بنیاد امید ایرانیان اصرار داشته یک نفر در لیست باشد. در انتخابات مجلس دهم و در شورای اسلامی شهر، رئیس شورایی بودم که فهرست نامزدها را نهایی می‌کرد. دوستان اصلاح‌طلب یادشان هست که هیچ وقت نخواستم یا اصرار نکردم اسم حتی یک نفر در لیست باشد، درحالی که رئیس این شورا بودم. زیرا برای من هیچ وقت مسأله فرد مطرح نیست، سعی کردم فردگرا نباشم و جمع‌گرا باشم. اینکه این فرد بیاید یا آن فرد، چندان فرقی نمی‌کند، مهم، راه و تفکر است و باید بر اجرای برنامه اصرار داشت. به همین دلیل، فکر می‌کنم ما همیشه در عرصه سیاست حضور داشتیم. بله، حضور حزبی نداشتیم، زیرا احساس می‌کردیم هنوز شرایط کشور برای رسیدن به یک حزب فراگیر و جامع که بتواند برنامه بدهد و به مردم پاسخگو باشد فراهم نیست. مرامنامه بنیاد امید ایرانیان که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد، براین پایه بود که در ۱۰ سال آینده به یک حزب فراگیر تبدیل شود، اما هرچه به پایان این زمان ۱۰ساله نزدیک شدیم، دیدیم شرایط برای ایجاد حزب فراگیر مهیا نیست، الان هم این شرایط مهیا نیست. برای همین، امروز بنیاد امید ایرانیان همان نگاه راهبردی را دارد و بر همین اساس کار می‌کند. امروز راهبرد بنیاد امید ایرانیان، تشویق مردم به حضور در انتخابات شوراهاست.

به نظر می‌رسد نگاه جریان‌های سیاسی بویژه اصلاح‌طلبان به شما به عنوان معاون اول رئیس جمهور، فراگیر نیست. انگار اصلاح‌طلبان انتظارات دیگری دارند یا انتقادات دیگری مطرح می‌کنند.

اساساً انتقاد و طرح نظرات حق همه شهروندان بویژه اصلاح‌طلبان است، اما فکر می‌کنم برخی از دوستان ما متوجه موقعیت و جایگاه دولت نیستند. متوجه نیستند که دولت در چه شرایط حساس سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای کار خود را شروع کرد، یا در چه شرایط حساسی در حال حرکت است. در کنار اینها متوجه این واقعیت هم نیستند که این دولت، به واقع یک ظرفیت مهم برای اصلاح‌طلبان و طرح مطالبات و خواسته‌های آنان است. دولت از این مسیر عدول یا عقب‌نشینی نکرده، اما بنای دولت لحاظ کردن همه شرایط کشور و درعین حال همکاری با ارکان کشور است.

> اساساً انتقاد و طرح نظرات حق همه شهروندان بویژه اصلاح‌طلبان است، اما فکر می‌کنم برخی از دوستان ما متوجه موقعیت و جایگاه دولت نیستند. متوجه نیستند که دولت در چه شرایط حساس سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای کار خود را شروع کرد، یا در چه شرایط حساسی در حال حرکت است. در کنار اینها متوجه این واقعیت هم نیستند که این دولت، به واقع یک ظرفیت مهم برای اصلاح‌طلبان و طرح مطالبات و خواسته‌های آنان است

علت انتخاب «تهاتر» به عنوان یک شیوه تعامل اقتصادی با منطقه چه بود؟

البته شیوه تهاتر شیوه اصلی تبادلات ما نیست و استان‌ها در صورت لزوم می‌توانند از آن استفاده کنند. راهبرد تهاتر به این دلیل تعریف شد که بخش زیادی از اقتصاد کشورهای منطقه، به ویژه در نواحی هم مرز، مکمل یکدیگر هستند. به عنوان مثال، می‌توانیم کالایی که پاکستان نیاز دارد را در اختیار آن قرار دهیم و در مقابل از این همسایه گوشت گوساله یا برنج تهیه کنیم. پاکستان هم به دلیل مسلمان بودن و هم کیفیت کالاهای آن برای این منظور مناسب است. با دیگر همسایگان مانند روسیه، قزاقستان و قرقیزستان به همین صورت می‌توان عمل کرد و همه این تدابیر با این هدف اتخاذ شده که در صورت وقوع هر حادثه یا شرایطی که رابطه هوایی یا دریایی ما با مشکل مواجه شد، رابطه زمینی برای تأمین کالاهای کشور قطع نمی‌شود.

تاکنون از تهاتر استفاده شد؟

ستاد مقابله با تحریم مجوز انجام تهاتر برای مبادله را به دولت داده و دولت هم درحال تدوین سازوکار مناسب این امر برای مناطق مختلف است. دلیل این بررسی‌های پیشینی دقیق‌تر، این است که آشنایی چندانی با روش تهاتر نداریم، بنابراین باید راه‌های انجام آن شناسایی و پیش‌بینی شود تا در موارد ضروری به کمک کشور بیاید. این که تهاتر با چه شیوه‌هایی، در چه زمان‌هایی و مبتنی بر چه سازوکارها یا با چه کشورها و در چه حوزه‌های کالایی انجام شود، همه اینها در دولت در حال بررسی است.

در حوزه مسائل داخلی، دولت آقای پزشکیان شرایط ویژه‌ای دارد؛ ویژه بودن دولت نه بابت شرایط منطقه، بلکه ناشی از این است که اساساً دولت زمانی کار خود را شروع کرد که وضعیت سرمایه‌های اجتماعی خوب نبود، در کنار این، به دلیل انباشت مسائل در گذشته، انتظارات مردم و حتی حامیان دولت هم از دولت بالاست. به علاوه همه اینها، باید این مشکل را هم اضافه کرد که دولت چهاردهم پول هم ندارد.

در مسأله کمبود منابع که اشاره کردید، واقعاً وضعیت دولت چهاردهم با همه دولت‌های گذشته متفاوت است و این تفاوت، نه فقط به خاطر تحریم‌ها، بلکه به دلیل مشکلات ساختاری است که از سال‌های دور انباشت شده. باوجود اینها، دولت هیچ گاه نخواسته با برجسته کردن مضیقه‌های مالی در جامعه ایجاد نگرانی کند یا کاستی‌های خود را با برجسته کردن این مضیقه‌ها توجیه کند.

اما می‌پذیرید که در سیاست داخلی، یعنی از نظر موقعیت در میان احزاب، طبقات و مجموع کنشگران سیاست و جامعه ایران، وضع دولت چهاردهم بسیار متفاوت است و همین کار دولت را دشوار کرده است؟

برای پاسخ به شما و اینکه چرا دولت چهاردهم چنین وضعیتی را دارد، سعی می‌کنم از خودم مثال بزنم. صادقانه عرض کنم که من به شخصه به نکته‌ای که شما گفتید عادت کرده‌ام. از نظر خودم، فردی با تفکر اصلاحات هستم، به این معنی که اصلاح‌طلبی را در ذات انقلاب می‌دانم. از ابتدای انقلاب و حتی سال‌های پیش از انقلاب همین تفکر را داشتم و امروز هم معتقدم این تفکر نجات دهنده کشور است. به همین دلیل برخی رفقا کنایه‌هایی به من می‌زدند؛ یعنی وقتی جریان چپ حاکم بود می‌گفتند فلانی راست است و وقتی هم که جریان راست حاکم بود، می‌گفتند چپ است. نه چپ‌های دوآتشه طرفدار من بودند و نه راست‌های دوآتشه، درحالی که من همواره با این دو جریان کنار می‌آمدم.

البته رؤسای پیشین سازمان برنامه در کتاب «اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران» گفتند که آقای عارف در زمان ریاست بر سازمان برنامه یا معاون اول دولت اصلاحات، نه به عدالت توزیعی باور داشت، نه کاملاً طرفدار بازار آزاد منهای دولت بود.

امروز هم همین نگاه و رویکرد را دنبال می‌کنم. خوشبختانه آقای پزشکیان از هیچ جریان یا فردی توقع بالایی ندارد. توقع آقای پزشکیان فقط این است که افراد خبره یا نخبه، در خدمت نظام و حل مشکل مردم باشند، راهکار بدهند و کمک کنند. واقعاً تا امروز من این گله را از آقای دکتر پزشکیان نشنیدم که چرا فلان گروه به دولت کمک نکرد. واقعاً این گله را از ایشان نشنیدم. دولت با همه گروه‌ها کار می‌کند و ما به نظرات همه گروه‌ها احترام می‌گذاریم. پیش‌فرض خود من این است که باید از کسی در دولت استفاده کرد که برنامه و راهبرد دولت را قبول داشته باشد. این راهبردی است که خود من مصر هستم آن را در دولت دنبال کنم و خوشبختانه در این زمینه با آقای دکتر پزشکیان هماهنگ هستیم.

شما در دولت چهاردهم یک مشکل دیگر هم دارید. دولت پروژه‌هایی را شروع کرد که طرفداران یا بهره‌مندان این پروژه‌ها در آینده می‌آیند؛ یعنی ایرانیان نسل بعد، شما را بابت این اصلاح‌ها تشویق خواهند کرد، اما امروز اجرای برنامه‌های اصلاحی مانند عملکردی کردن بودجه یا متناسب‌سازی ساختار دولت با مخالفت‌هایی روبه‌روست. مثلاً دولت اصلاح نظام اداری را از وزارت جهاد کشاورزی شروع کرد، اما همان کسانی که اصرار دارند برنامه هفتم اجرا شود، در مقابل این اصلاح که بر پایه ماده ۱۰۵ برنامه هفتم است، به دولت نامه نوشتند که چرا می‌خواهید ساختار وزارت جهاد کشاورزی را اصلاح کنید.

اما مسأله این است که ما در دولت برای اجرا و پیشبرد این سیاست‌های اصلاحی که واقعاً برای کشور ضروری است، ایستاده‌ایم.

این پروژه‌های اصلاحی مانند اصلاح ساختار اداری وزارتخانه‌ها، واقعاً بزرگ است.

و در کنار بزرگ بودن، پروژه‌های بسیار سنگینی است.

نکته این است: درست است که این پروژه‌های اصلاحی برای آینده ایران ضروری هستند، اما موقعیت سیاسی و اجتماعی دولت در میان بازیگران امروز سیاست ایران به گونه‌ای نیست که به‌راحتی این پروژه‌ها را پیش ببرد. فکر نمی‌کنید چنین پروژه‌های سنگینی باید در دولت‌هایی دنبال شود که یا در سیاست یا در جامعه، موقعیت مستحکم‌تری داشته باشند؟

ببینید! ما با حمایت مردم، نخبگان و همراهی ارکان کشور، با توکل به خدا جلو می‌رویم. خاطرم هست که در دولت دوم آقای خاتمی می‌خواستیم دو سه کار بزرگ انجام دهیم. به آقای خاتمی و گاهی هم به هیأت وزیران می‌گفتم آمادگی دارم این پروژه‌ها را اجرا کنم و هزینه اجرای آنها عزل من باشد، اما این کارها باید بشود، زیرا برای کشور و ملت و آینده ایران ضروری است. کاش ما آن کارها را کرده بودیم. امروز هم روحیه و نگاه ما به مسأله‌های کشور و حل مسأله‌ها همین است. اصل برای ما، نه موقعیت من به عنوان معاون اول، بلکه این است که مصلحت کشور، مردم، آینده مردم و سرنوشت مردم و کشور چه چیزی را اقتضا می‌کند.

آن پروژه‌ها چه بود؟

یکی از آنها اصلاحات ساختار نظام اداری بود، مورد دیگر اصلاح نظام قیمت‌گذاری بنزین. تا نظام قیمت‌گذاری بنزین به‌گونه‌ای باشد که همراه با تورم پیش برود تا ما امروز در کشور دچار مشکلات این‌چنینی نباشیم که تقریباً همه دولت‌ها با مسأله قیمت‌گذاری و چگونگی اصلاح نظام قیمتی و توزیع بنزین مواجه هستند.

حاضر بودید به قیمت عزل، اصلاحات را دنبال کنید؟

این را به آقای خاتمی و در دولت عنوان کردم. البته دولت اصلاحات در یکی از این سیاست‌های اصلاحی یعنی تک‌نرخی کردن ارز موفقیت خوبی به دست آورد که تا چند سال بعد از دولت آقای خاتمی هم ارز تک‌نرخی باقی ماند. یک مورد هم درباره ورزش و مسائل مرتبط با آن بود. یک مسأله دیگر، تعطیلی برخی مکان‌های مهم بود. در دولت اصلاحات این آمادگی را داشتم و اعلام کردم. در دولت چهاردهم هم نگاه و رویکرد من همین است، یعنی به شخصه آمادگی دارم کارهای تحولی که برای نظام ما حیاتی است انجام شود، ولو به قیمت نبود من. درباره میزان حیاتی بودن و سنگینی این اصلاح‌ها، می‌خواهم از اصلاح ساختار اداری مثال بزنم. باید به خاطر داشته باشید که وقتی بخواهید در یک اداره حتی یک نفر را تعدیل کنید، کار بسیار دشواری است و دشواری کار به این دلیل است که با یک انسان و سرنوشت او سروکار دارید و تصمیم‌گیری به این سادگی نیست. برای انسانی که با دریافت یک حداقل حقوق زندگی و معیشت خود را اداره می‌کند، چه کار می‌توانید بکنید؟ ما با این مسأله‌های انسانی روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر، تورم غیرقابل تحمل نظام اداری و بوروکراسی فاقد توان که بر کشور حاکم شده باید اصلاح شود. در شرایطی که با این دو وضعیت متناقض روبه‌رو هستیم، می‌بینید که تصمیم‌گیری‌ها تا چه میزان دشوار و سنگین است. اما هر شرایطی که باشد، باید حتی در چنین وضعیت‌هایی هم جلو برویم. البته بر این باوریم که در تصمیم و اجرا نباید عجله کنیم، بلکه با منطق، بررسی‌های دقیق و درنظر گرفتن همه جوانب انسانی و اداری پیش برویم. در اصلاح ساختار وزارت جهاد کشاورزی، به این نتیجه رسیدیم آن بخش‌هایی که برای اصلاح آنها میان وزارت و سازمان اداری و استخدامی تفاهم وجود دارد، عمل شود و اصلاحات دنبال شود و برای اصلاح دیگر بخش‌ها که تفاهمی وجود ندارد و این دو سازمان با هم اختلاف نظر دارند، با هم مذاکره کنیم تا در نشست‌های مشترک و بررسی‌های بسیار، به راه‌حل مورد قبول دو طرف برسیم که هم اصلاحات انجام شود و هم اصلاحات بدون کمترین مشکل باشد.

در سال‌های اخیر انحصار واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد کرد که خالی فروشی برخی شرکت‌ها که به تازگی رخ داد از آن جمله بود. در ستاد تنظیم بازار با دادن اختیار واردات به استان‌ها و نیز مجازشمردن واردات نهاده‌ها از محل ارز بیرون از کشور، این انحصار را شکستید.

در همه جای دنیا مقابله با انحصار به معنی بازی با آتش است. شما دیدید که در این مدت در رسانه‌ها چه مسائلی را نوشتند.

منظور شما مطالبی است که درباره استعفای شما مطرح می‌شد؟

این‌ها قابل انتظار بود، اما راهی که ما باید برای آینده کشور و در مسیر تأمین بهینه کالاهای اساسی مورد نیاز مردم می‌رفتیم، شکستن این انحصار بود، با هر مشکل و با هر هزینه‌ای که داشته باشد. برای همین وقتی در ستاد تنظیم بازار، با دو یا سه ابربنگاه واردکننده کالاهای اساسی برخورد کردیم، دیدیم که در برخی رسانه‌ها جایگاه قانونی ستاد تنظیم بازار را زیر سؤال بردند و گفتند ستاد جایگاه قانونی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ندارد، درحالی که جایگاه قانونی ستاد تنظیم بازار مشخص است. اما نکته‌ای که بارها هم عنوان کردم این است که وقتی در گام‌های اصلاحی خود که به نفع کشور است، با چنین ان‌قلت‌هایی مواجه می‌شویم، آن هم در تصمیم‌گیری برای حل مسائلی که برای کشور فوریت دارد و حیاتی است، مسأله این نیست که ابتدا باید دنبال مجوز برگردیم، بلکه در چنین مواردی اصل مهم و اساسی، اقتدار نظام و دولت و منافع مردم و کشور است. در شرایط خاص، دولت باید این اقتدار را داشته باشد که هر تصمیمی که به نفع مردم باشد اتخاذ کند. قوانین و اقتدار دولت، فقط برای دوران صلح نیست، در دوران جنگ دولت هم باید اقتدار لازم را داشته باشد و هم از اختیار و اقتدار خود استفاده کند. اصل اساسی برای دولت، صیانت از مطالبات مردم و پاسخ دادن به مطالبات آنان است. بنابراین اگر دوباره با بحران دیگری روبه‌رو شویم، دولت باز هم از اقتدار خود و اختیارات قانونی‌اش برای رفع فوری نیازهای کشور و مردم استفاده خواهد کرد تا مردم آسیب نبینند. در دوران تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، استانداران اختیاراتی داشتند که شاید از نظر برخی جایگاه قانونی این اختیارات محل سؤال بوده باشد، اما نتیجه این تصمیمات این بود که در طول ۱۲ روز جنگ بنادر کشور با سرعت دو برابر بیشتر از گذشته تخلیه شد، یا وزرا اختیاراتی داشتند که در شرایط عادی نداشتند، اما شرایط کشور ایجاب می‌کرد این اختیارات داده شود تا مسأله‌های کشور حل شود. البته که اگر در مواردی مشکلی وجود داشت، دولت به سرعت تذکرات لازم را داد.

انحصار واردات نهاده‌های دامی کاملاً شکسته شد؟

به طور طبیعی این انحصار شکسته شد و این امر راهبرد اصلی و مهم دولت است. اما نکته‌ای که همه باید در نظر داشته باشند این است که ما در دولت به تعهدات گذشته خود کاملاً وفادار هستیم و خواهیم بود. در دیدار شهریورماه گذشته دولت با رهبر معظم انقلاب، ایشان فرمودند این انحصار باید جای خود را به رقابتی شدن این بازار بدهد. اما باز هم تأکید می‌کنم که درعین این ضرورت، دولت به تعهدات خود هم پایبند است. در اسلام عمل به تعهد بسیار مهم است، به این معنی که وقتی امروز تصمیمی برای شکستن انحصار و رقابتی کردن این بازار گرفتیم، بنا نیست همه تصمیمات قبلی خود را ملغی اعلام کنیم، بلکه به تصمیمات گذشته خود که بیانگر یک تعهد به مردم و جامعه است احترام می‌گذاریم. اما وقتی تصمیم جدیدی گرفتیم، مسیر آینده با تصمیمات جدید تعیین می‌شود و ما زین پس در این مسیر جدید حرکت خواهیم کرد.

رقابتی شدن بازار تأمین نهاده‌ها از خارج یا واردات کالاهای اساسی از چه طریقی انجام شد؟

برای رقابتی کردن این بازار، یک تصمیم این است که استانداران وارد عمل شوند و با استان‌های مجاور خود در کشورهای همسایه، وارد مذاکره شده و نهاده‌ها و کالاهای اساسی را وارد کنند. مسیر دیگر، برای کسانی است که در خارج کشور ارز دارند، اینها می‌توانند بدون رفع تعهد در داخل، کالاهای اساسی و نهاده‌ها را تأمین کنند. مسیر سوم هم تهاتر است. به هر صورت، در آینده نزدیک امیدواریم به جای آن دو یا سه ابربنگاه‌ها، واردکنندگان و فعالان اقتصادی دیگر وارد این بازار شوند و ما شاهد رقابتی شدن این بازار شویم که هم باعث کاهش قیمت و هم تأمین بموقع کالاها خواهد شد.

بعد از اینکه شورای عالی اداری بر پایه تکلیف ماده ۱۰۵ برنامه هفتم اصلاح ساختار وزارت جهاد کشاورزی را تصویب کرد، خود شما که رئیس شورای عالی اداری هم هستید، ناچار شدید چندین جلسه با حضور سازمان اداری و استخدامی و وزارت جهاد کشاورزی برگزار کنید تا میان آنها تفاهم ایجاد شود.

بله، اما اساساً راهبرد اصلاح ساختار اداری را از وزارتخانه‌ها و بخش‌های بزرگ شروع کردیم. برای همین، نه تنها وزارت جهاد کشاورزی، بلکه اصلاحات وزارت راه و شهرسازی هم در دستورکار است. در وزارت آموزش و پرورش هم برنامه‌ها دنبال می‌شود.

امیدوار هستیم با همکاری این وزارتخانه‌ها این کار ملی و به نفع نظام و کشور پیش برود. واقعاً همکاری وزیر و دیگر ارکان این وزارتخانه‌ها برای پیشبرد این اصلاحات بسیار مهم است. امیدواریم با همکاری مدیران و ارائه توضیح و اقناع مردم، بتوانیم مسیر را به‌خوبی پیش ببریم.

جلسات شما با معاونان قوای دیگر، به ویژه قوه قضائیه اثربخش است. تأکید بر بازگشت هنرمندان و دیگر ایرانیان خارج از کشور در این جلسات، یا حل مسأله‌های مهمی چون خالی فروشی نهاده‌ها، آن هم بدون ایجاد حاشیه سیاسی و رسانه‌ای، بدون آن جلسات و آن هماهنگی‌ها ممکن نبود.

همه اینها بخشی از مسئولیت هر فردی است که به عنوان معاون اول رئیس جمهور فعالیت کند. اما واقعاً دغدغه آقای دکتر پزشکیان همکاری با همه قواست و همه بخش‌های دولت در این مسیر حرکت می‌کنند.

دنبال کردن خواست‌های اصلاح طلبانه به معنای ستیز و عدم همکاری با قوای دیگر نیست. امروز همکاری ما با دیگر قوای کشور در بهترین سطح خود قرار دارد و ما در دولت معتقد هستیم که هر اصلاحی، بدون این همکاری و همراهی ممکن نیست.

> به شخصه آمادگی دارم کارهای تحولی که برای نظام ما حیاتی است انجام شود، ولو به قیمت نبود من. درباره میزان حیاتی بودن و سنگینی این اصلاح‌ها، می‌خواهم از اصلاح ساختار اداری مثال بزنم. باید به خاطر داشته باشید که وقتی بخواهید در یک اداره حتی یک نفر را تعدیل کنید، کار بسیار دشواری است

عکس: رضا مطربیان /ایران

گزارش میدانی، تحلیل های کارشناسی و بررسی راه حل های برون رفت از بحران آلودگی هوا

میراث خاکستری

گزارش

گروه گزارش/ آلودگی هوا میراثی است که از سال‌های گذشته به دولت چهاردهم رسیده است؛ بحرانی که تعطیلی‌های پیاپی مدارس و ادارات و اجرای طرح‌های زوج و فرد در سال‌های قبل نتوانست آن را برطرف کند و همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی شهرهای بزرگ باقی مانده است. آلودگی هوا در روزهای گذشته در بسیاری از شهرهای کشور و تهران بارها به مرز هشدار رسید و حتی دیروز با بارش اندک باران، دهمین روز متوالی ناسالم برای تهرانی‌ها رقم خورد. اتوبان آزادگان با کامیون‌های دیزلی و سوخت‌های پرگوگرد، به‌عنوان مسیر اصلی ورود آلودگی گوگردی به تهران شناسایی شد. کامیون‌های دیزلی شب‌ها کربن سیاه را بر فراز شهر پخش می‌کنند و روزها ترافیک سنگین، ذرات معلق را به اوج می‌رساند. در حالی که ۴۰ میلیون گواهی معاینه فنی بی‌اعتبار و ۲۴ میلیون وسیله نقلیه فرسوده همچنان در خیابان‌ها جولان می‌دهند، کارشناسان از مرگ سالانه ۵۹ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا خبر می‌دهند؛ فاجعه‌ای که اجرای ناقص قانون هوای پاک و مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها آن را تشدید کرده است. با وجود ریشه‌های این بحران در سال‌های گذشته، دولت چهاردهم تلاش دارد با نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، کنترل آلاینده‌های صنعتی و گسترش فضای سبز، بخشی از فشار سنگین این بحران را کاهش دهد. با این اوصاف، اقدامات دولت صرفاً به مدیریت مصرف انرژی محدود نیست و به حفظ سلامت شهروندان و کاهش هزینه‌های ناشی از آلودگی هوا هم توجه دارد. اما این روزها آلودگی هوا دیگر فقط یک عدد روی تابلوهای سنجش نیست و صحبت‌های مردم نشان می‌دهد این بحران تا چه اندازه به زندگی روزمره‌شان گره خورده است.

محله سیدخندان یکی از پترددترین محله‌های تهران در روزهای گذشته با وجود آلودگی هوا، شلوغ و پر ترافیک بود. راننده تاکسی با ماسکی بر صورت پشت فرمان نشسته و منتظر تکمیل مسافران است. او می‌گوید: «راننده‌ها بیش از همه هوای آلوده را مستقیم نفس می‌کشند. یادم هست در روزهای تلخ کرونا با وجود هوای سرد، مسافران می‌خواستند پنجره‌ها پایین باشد تا هوا عوض شود، اما امروز برعکس شده، مردم می‌خواهند همه پنجره‌ها بالا باشد تا هوای آلوده و دود بیرون به داخل ماشین نیاید.»

او می‌گوید: «خیلی از تاکسی‌های خطی همین پایانه، قدیمی و فرسوده‌اند. در هوای سرد، وقتی بخاری را روشن می‌کنیم، بوی دود و بنزین داخل ماشین می‌آید. این تاکسی‌ها واقعاً به نوسازی نیاز دارند. اگر دولت و شهرداری کمک کنند تا تاکسی‌ها نو شوند، هم راننده‌ها راحت‌تر نفس می‌کشند و هم مسافرها.» این راننده می‌گوید: «خیلی‌ها این درک را ندارند که وقتی مدارس، ادارات و حتی بانک‌ها تعطیل می‌شود، هدف کاهش تردد در خیابان‌هاست تا آلودگی کمتر شود. اما خود من در خط سیدخندان به سمت بازار، این چند روز بیشترین مسافر را داشتم. همه برای خرید راهی بازار می‌شدند و مدام از بلک فرایدی و قیمت‌های شکسته‌شده حرف می‌زدند. به‌ظاهر تعطیلی است، اما در عمل ترافیک و رفت‌وآمد بیشتر شده و دودش به چشم همه ما می‌رود. اما با توجه به اینکه سال‌هاست بحران آلودگی هوا فقط با تعطیلی‌های موقت مدیریت می‌شود، بهتر نیست مسئولان دولتی و شهری به جای این اقدامات کوتاه‌مدت، شرایطی برای نوسازی و برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی فراهم کنند تا اثرگذاری بلندمدت و پایدار بر کاهش آلودگی هوا داشته باشد؟»

جنتی، دانشجوی کامپیوتر که به‌تازگی موتورسیکلتی نو خریده در صف پمپ بنزین خیابان شریعتی منتظر است تا نوبتش شود. به گفته او موتورش از همان اولین بار سوختگیری با بنزین معمولی با مشکلات فنی روبه‌رو شده است. جنتی این تجربه را نشانه‌ای از کیفیت پایین تولیدات داخلی و بنزین بی‌کیفیت؛ عواملی که سال‌هاست پاییز و زمستان‌های تهران را به فصل‌های نفسگیر بدل کرده می‌داند. این موتورسوار در کنار نقد زیرساخت‌ها، به اهمیت آموزش عمومی اشاره می‌کند و با طرح این سؤال که اصلاً نمی‌دانم مسئولان تا به حال توانسته‌اند الگوهای موفق بین‌المللی در زمینه کاهش آلودگی هوا را با شرایط ایران بومی‌سازی کنند و به اجرا دربیاورند، می‌گوید: «اگر از سنین پایین مردم را با نقش خود در کاهش آلودگی هوا آشنا کنند، می‌توان امید داشت که با فرهنگ مسئولیت‌پذیری و اقدامات عملی شهروندان در کنار سیاست‌های دولتی، راهی برای عبور از این بحران باز شود.»

مردم خودشان بخشی از راه‌حل هستند

هوا آلوده است، با این اوصاف هنوز ماشین‌های بسیاری در شهر تردد می‌کنند، طرح زوج و فرد از در منازل و همچنین جریمه اعلام می‌شود اما انگار برخی اهمیتی به آن نمی‌دهند، باز هم ماشین‌ها در خیابان هستند. کارشناسان معتقدند بخش عظیمی از آلودگی هوا به عوامل متحرک یعنی همان خودروها مربوط است. اما آیا آلودگی هوا و رفع این مشکل بزرگ فقط تقصیر دولت‌هاست؟ افراد جامعه چه نقشی در ایجاد این بحران و رفع آن دارند.

آلودگی هوا سال‌هاست که زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داده؛ از تعطیلی مدارس گرفته تا افزایش بیماری‌های تنفسی و اضطراب در خانواده‌ها.

دکتر طاهره رستمی جامعه‌شناس و عضو پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی با بیان این مطلب به «ایران» می‌گوید: «این بحران دیگر فقط یک مسأله زیست‌محیطی یا فنی نیست، بلکه بخشی از واقعیت اجتماعی ما شده است؛ مسأله‌ای که به سبک زندگی، باورها و انتخاب‌های کوچک و بزرگ مردم گره خورده است.» او با اشاره به نقش عادت‌ها و هنجارهای فرهنگی ادامه می‌دهد: «در گفت‌وگو با مردم، بارها شنیده‌ام که ریشه آلودگی هوا فقط در خودروهای فرسوده یا کیفیت پایین سوخت جست‌وجو می‌شود، اما واقعیت بسیار عمیق‌تر است. بخشی از آن به عادت‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه برمی‌گردد؛ عادت‌هایی که گاهی آن‌قدر طبیعی شده‌اند که کمتر درباره آنها فکر می‌کنیم.» وابستگی شدید به خودروهای شخصی یکی از عوامل اصلی است. دکتر رستمی در مورد این موضوع توضیح می‌دهد: «در بسیاری از شهرهای جهان، استفاده از حمل‌ونقل عمومی نوعی انتخاب آگاهانه برای کمک به هوای پاک و نظم شهری است، اما در ایران، خودرو هنوز نماد استقلال، راحتی و حتی نوعی منزلت اجتماعی تلقی می‌شود. همین باعث می‌شود حتی کوتاه‌ترین مسیرها هم با خودرو طی شوند. تا زمانی که خودروی شخصی بخشی از هویت ما باشد، سیاست‌های محیط زیستی به‌تنهایی نمی‌توانند معجزه کنند.»

مصرف انرژی در خانه‌ها و محل‌های کار نیز نقش مهمی دارد. این پژوهشگر می‌گوید: «گاهی فراموش می‌کنیم که هر کولر بیش ازحد روشن، هر وسیله پرمصرف و هر بی‌توجهی به صرفه‌جویی انرژی، فشار بیشتری بر محیط زیست وارد می‌کند. کاهش مصرف انرژی فقط یک توصیه فنی نیست، بلکه بخشی از فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.»

نقش مردم در آلودگی هوا و تجربه جهان

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که مردم در کنار سیاست‌های دولت، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. دکتر رستمی با اشاره به تجربیات موفق کشورها می‌گوید: «در کره‌جنوبی، دولت با توسعه حمل‌ونقل عمومی پاک و کمپین‌هایی مانند «روز بدون خودرو» مردم را به کاهش استفاده از خودروهای شخصی تشویق کرد و مردم هم با استقبال از این طرح، آن را به یک حرکت جمعی تبدیل کردند. در ژاپن، آموزش محیط‌زیستی از دوران کودکی نهادینه شده و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست بخشی از زندگی روزمره مردم شده است. در کانادا هم مشارکت داوطلبانه مردم در کاشت درخت و صرفه‌جویی انرژی کیفیت هوا را پایدار نگه داشته است. این تجربه‌ها نشان می‌دهد که قانون و فناوری به تنهایی کافی نیست؛ مردم باید احساس کنند خودشان بخشی از راه‌حل هستند.»

او می‌گوید: «در ایران هم اگر بخواهیم از این بحران عبور کنیم، باید نگاه تازه‌ای به نقش مردم داشته باشیم. شهروندانی که در برابر محیط زیست احساس مسئولیت می‌کنند، نه‌تنها مصرف انرژی را تغییر می‌دهند، بلکه با رفتارشان فرهنگ جدیدی شکل می‌دهند. فرهنگ یعنی همان چیزی که آرام‌آرام و به مرور زمان، هنجار جمعی می‌شود و سبک زندگی را تغییر می‌دهد.» راه‌حل اصلی زمانی شکل می‌گیرد که مردم باور کنند تغییرات کوچک روزمره‌شان ارزشمند است. دکتر رستمی با بیان اینکه تغییرات می‌تواند شامل کم کردن استفاده از خودرو، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی، صرفه‌جویی در انرژی، نگهداری بهتر از وسایل گرمایشی و حتی مشارکت در برنامه‌های محلی باشد، توضیح می‌دهد: «تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که وقتی جامعه به این جمع‌بندی برسد که مسئولیت حفظ محیط‌زیست یک وظیفه جمعی است، تغییرات واقعی آغاز می‌شود. اگر مردم به این باور برسند که رفتارهای روزمره‌شان می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد، دیگر هیچ بحرانی تسخیرناپذیر نیست.»

این جامعه شناس معتقد است آلودگی هوا بحران مشترک همه ماست؛ بحرانی که زندگی، سلامت و آینده فرزندانمان با آن گره خورده است. او تأکید می‌کند: «اگر هر فرد سهم کوچک خود را بپذیرد، همان سهم کوچک در کنار دیگری تبدیل به نیرویی بزرگ خواهد شد. بحران امروز ما نه فقط نیازمند سیاست، تکنولوژی و قانون، بلکه محتاج همراهی واقعی مردم است. تجربه جهان نشان داده است که چنین همراهی می‌تواند سرنوشت یک شهر، یک کشور و حتی نسل‌های آینده را تغییر دهد.»

نگرانی شهروندان منطقه بازار بزرگ از آلودگی مداوم هوا

خیابان‌های منتهی به محلات قدیمی تهران هم در جنوب غربی شهر از پترددترین مناطق پایتخت به شمار می‌روند و به‌جرأت می‌توان گفت سهم قابل‌توجهی در آلودگی هوای تهران دارند، چرا که وسایل نقلیه موتوری به فراوانی در این مسیرها تردد می‌کنند. امیری، صحاف و صاحب یک چاپخانه کوچک در حوالی بازار تهران، با انتقاد از نابرابری‌ها و نقش نهادهای مسئول در تشدید بحران آلودگی هوا در روزهای اخیر، می‌گوید: «مسئولان، بویژه در شهرداری، قادر به حل این بحران نیستند و حتی در برخی موارد خودشان به تقویت آن دامن می‌زنند. برای نمونه، در حالی که افراد ثروتمند می‌توانند با پرداخت هزینه‌های بالا از طرح‌های ترافیک عبور کنند، مردم عادی ناچارند آلودگی بیشتری را تحمل کنند. از سوی دیگر، جلسات متعدد مدیران و مسئولان کشور برای کاهش آلودگی هوا تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداشته است. البته مردم هم سهم خود را ایفا نمی‌کنند و به جای استفاده از حمل‌ونقل عمومی همچنان استفاده از خودروهای شخصی و تک سرنشین را ترجیح می‌دهند.»

از تئوری تا عمل برای رفع آلودگی هوای تهران

امروز بررسی ابعاد مختلف معضل آلودگی هوا در تهران و سایر کلانشهرهای کشور به امری الزامی تبدیل شده است، چرا که شاخص کیفیت هوا در بسیاری از روزهای پاییز و زمستان در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس و حتی تمامی شهروندان قرار دارد. دکتر سجاد بهرامی، کارشناس شهری و جامعه‌شناس با اشاره به تداوم آلودگی هوا در کلانشهرها به «ایران» می‌گوید: «ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که از حالت حاد به مزمن تبدیل شده است. آلودگی هوا دیگر یک بحران فصلی نیست، بلکه به بخشی از زندگی روزمره شهروندان تهرانی و سایر کلانشهرها تبدیل شده است. تهران از نظر شاخص کیفیت هوا (AQI) در رده شهرهای بسیار آلوده جهان قرار دارد. میانگین سالانه ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون در تهران حدود ۳۵ میکروگرم بر مترمکعب است، این در حالی است که این شاخص در شهرهای اروپایی مانند استکهلم و کپنهاگ بین ۸ تا ۱۰ میکروگرم بر مترمکعب است. حتی در مقایسه با برخی کلانشهرهای آسیایی مانند توکیو و سئول که روزگاری مشکل مشابهی داشتند، ما وضعیت نامطلوب‌تری داریم.» این کارشناس ارشد شهری با تحلیل ریشه‌های تاریخی این معضل توضیح می‌دهد: «سه عامل اصلی در ایجاد این وضعیت نقش دارند؛ اول، توسعه شهری بدون برنامه‌ریزی یکپارچه و توجه ناکافی به حمل‌ونقل عمومی؛ دوم، صنایع آلاینده در حاشیه و حتی داخل شهرها و سوم، کیفیت پایین سوخت و خودروهای فرسوده. نکته قابل تأمل این است که ما از دهه ۷۰ با این مشکل آشنا هستیم و قوانین و مقررات متعددی نیز تصویب شده است، اما شکاف بین قانون و اجرا همچنان عمیق است.»

از حرف تا عمل

در این شرایط راهکارهای عملی بشدت مورد نیاز است. بهرامی می‌گوید: تحول در نظام مدیریت شهری باید انجام شود. ما نیازمند ایجاد یک نهاد فرابخشی با اختیارات گسترده برای مقابله با آلودگی هوا هستیم. این نهاد باید بتواند بر عملکرد تمام سازمان‌های مرتبط نظارت و آنها را هماهنگ کند. همچنین توسعه واقعی حمل‌ونقل عمومی و کاهش سرفاصله‌های قطارهای شهری و مترو باید انجام شود. سهم حمل‌ونقل عمومی در تهران حدود ۲۵ درصد است، این در حالی است که در شهرهای پیشرفته این سهم به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد، پس به سرمایه‌گذاری جدی در توسعه مترو، اتوبوسرانی و دوچرخه‌سواری نیاز داریم.

او با اشاره به اینکه معاینه فنی، حلقه مفقوده مبارزه با آلودگی هواست، توضیح می‌دهد: «معاینه فنی مؤثر می‌تواند سهم مهمی در کاهش آلودگی هوا داشته باشد. مطالعات شهری نشان می‌دهد خودروهای فاقد معاینه فنی تا ۱۰برابر بیشتر از خودروهای دارای معاینه فنی استاندارد، آلایندگی تولید می‌کنند. متأسفانه سیستم معاینه فنی ما با چالش‌های متعددی مواجه است. اولین مشکل، پوشش نداشتن کامل خودروهاست. برآوردها نشان می‌دهد حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد خودروها به طور منظم معاینه فنی نمی‌شوند. دومین مشکل، امکان دورزدن قانون از طریق روش‌های غیرمتعارف است.» این کارشناس شهری با صراحت به پدیده «ستادهای معاینه فنی حاشیه شهر» اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه برخی شهروندان به جای حل مشکلات فنی خودرو، با مراجعه به مراکز غیراستاندارد در حاشیه شهرها یا با استفاده از روابط خاص، گواهی معاینه فنی دریافت می‌کنند. این کار نه تنها مشکل آلایندگی خودرو را حل نمی‌کند، بلکه به تداوم چرخه معیوب آلودگی هوا کمک می‌کند. باید سیستم نظارتی را تقویت کنیم. استفاده از دوربین‌های پلاک‌خوان برای شناسایی خودروهای فاقد معاینه فنی، افزایش جریمه‌ها و نظارت مؤثر بر فعالیت مراکز معاینه فنی از ضروریات اجتناب ناپذیر است.»

> یک تعمیرکار خودرو: بیشتر خودروهایی که به اینجا می‌آورند از رده خارج هستند و آلودگی را تشدید می‌کنند. دولت باید همراه بخش خصوصی، بویژه خودروسازها، برای خارج کردن این خودروها و موتورسیکلت‌ها از چرخه مصرف همکاری بیشتری داشته باشد. به نظرم این کار قطعاً راه‌حل مؤثری برای کاهش آلودگی هوای شهر است

از مسئولیت فردی تا اقدام جمعی

همه شهروندان در کنار نهادهای مسئول در کاهش میزان آلودگی هوا سهم دارند. این جامعه‌شناس درباره نقش عموم شهروندان می‌گوید: «شهروندان باید بدانند که معاینه فنی فقط یک الزام قانونی نیست، بلکه مسئولیتی اجتماعی در قبال سلامت خود و دیگران است. هر شهروندی باید به مراکز معتبر معاینه فنی مراجعه و در صورت نیاز به تعمیر خودرو، نسبت به رفع مشکلات آلایندگی خودرو اقدام کند. نیازی نیست شهروندان برای اخذ معاینه فنی به دنبال راه‌های غیرمتعارف بروند. امروزه مراکز متعددی در سطح شهر وجود دارند که می‌توانند خدمات معاینه فنی را به صورت استاندارد ارائه دهند.» به اعتقاد این کارشناس شهری، آلودگی هوا فقط یک مشکل زیست‌محیطی نیست، بلکه تهدیدی جدی برای سلامت عمومی، اقتصاد و توسعه پایدار است. بر اساس مطالعات، آلودگی هوا سالانه هزاران مرگ زودرس در کشور را به دنبال دارد و هزینه‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم زیادی به جامعه تحمیل می‌کند: «فاصله ما با وضعیت مطلوب بسیار است، اما با اراده جدی، برنامه‌ریزی علمی و مشارکت همگانی می‌توانیم این فاصله را کاهش بدهیم. باید از مرحله شعار و تئوری خارج شویم و به اقدام عملی و مؤثر بپردازیم. سلامت نسل حاضر و آینده در گرو اقدام امروز ماست. حل معضل آلودگی هوا نیازمند عزمی ملی، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت تمامی نهادهای مسئول و شهروندان است.»

وظیفه شهروندان در روزهای آلوده سال چیست؟

اما در میان این گلایه‌ها، کمتر کسی از خود می‌پرسد سهم ما شهروندان در رهایی از این بحران چیست و به‌عنوان ساکنان این شهر چه مسئولیتی بر دوش داریم. علایی، زنی میانسال با ماسکی که تقریباً همه صورتش را پوشانده و سرفه‌های پشت هم می‌کند در مسیر درمانگاه «علی ابن ابیطالب» شهرک غرب است. او می‌گوید: «هوای آلوده برایم مثل سم است. آلرژی دارم و این روزها باید در خانه بمانم، هرچند دستگاه تصفیه هوا دارم اما هوای داخل خانه هم انگار برایم سالم نیست. از همسایه‌هایم گله دارم، هر خانواده دو تا سه خودرو دارند و در روزهای وارونگی هوا، خودروهایشان را در پارکینگ روشن می‌کنند تا گرم شود. دود این خودروها وارد ساختمان می‌شود و به چشم امثال من می‌رود.» او می‌گوید: «در این زمینه فرهنگ‌سازی کافی انجام نشده و شهروندان دقیقاً نمی‌دانند چه باید بکنند تا آلودگی کمتر شود. دست‌کم ما مردم باید بیشتر همراهی و همدلی کنیم؛ مثلاً تا حد امکان از اتوبوس و مترو استفاده کنیم. من ۲۰ سال است که شاغلم و به‌ندرت با ماشین شخصی به محل کار رفته‌ام. کافی است به شهر نگاه کنید، تهران تبدیل به یک پارکینگ بزرگ شده! مگر می‌شود در چنین پارکینگی هوا سالم باشد؟ من به‌عنوان یک شهروند سعی می‌کنم وظیفه‌ام را انجام دهم و در بیشتر رفت و آمدهایم یا از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنم یا پیاده بروم. دیگر نمی‌دانم چه کار دیگری از دستم برمی‌آید. حتی به ذهنم رسیده که از تهران مهاجرت کنم و در شهری کوچک زندگی کنم، اما تقریباً همه جای کشور گرفتار این آلودگی است.» رسولی، تعمیرکار خودرو، در حوالی دانشگاه امام صادق یک تعمیرگاه کوچک دارد. بدون ماسک، بی‌خیال مشغول تعمیر خودرویی در مغازه‌اش است. او می‌گوید: «من در هر شرایطی مجبورم به محل کارم بیایم و هزینه‌های زندگی‌ام را تأمین کنم. همه فکر می‌کنند باید با ماشین شخصی کارهایشان را انجام دهند. بیشتر خودروهایی که به اینجا می‌آورند از رده خارج هستند و آلودگی را تشدید می‌کنند. دولت باید همراه بخش خصوصی، بویژه خودروسازها، برای خارج کردن این خودروها و موتورسیکلت‌ها از چرخه مصرف همکاری بیشتری داشته باشد. به نظرم این کار قطعاً راه‌حل مؤثری برای کاهش آلودگی هوای شهر است.»

او با تأکید بر اینکه مردم باید در کنار مسئولان باشند و با آن‌ها همکاری کنند، توضیح می‌دهد: «هرچند وسایل نقلیه عمومی مشکلات خاص خود را دارد، اما دولت باید زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی را به‌روز کند تا مردم رغبت بیشتری به استفاده از آنها پیدا کنند. نمی‌شود هربار که هوا آلوده شد، دولت به ما بگوید از خانه خارج نشوید و ما هم چشم‌مان به آسمان باشد تا باد و باران بیاید تا آلودگی را با خود ببرد و دو روز بعد باز روز از نو، روزی از نو.» با آنکه هوا به‌شدت آلوده است و پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ طرح زوج و فرد از در منازل را اجرا کرده، همچنان در خیابان‌ها خودروهای تک‌سرنشین دیده می‌شود. مردی که به سمت ماشینش می‌رود، در پاسخ به این سؤال که به عنوان یک شهروند چه اقدامی برای کاهش آلودگی هوا انجام می‌دهد، با عصبانیت می‌گوید: «من به شخصه چه کار می‌توانم بکنم؟ بله، هر روز و در هر شرایطی ماشین می‌آورم و مجبورم از آن استفاده کنم. در نزدیکی محل کار و خانه‌ام نه ایستگاه اتوبوس هست و نه ایستگاه مترو. برای رسیدن به ایستگاه باید مسافت زیادی را در این هوای آلوده پیاده‌روی کنم یا ساعت‌ها در سرما کنار خیابان منتظر تاکسی بایستم. همین حالا هم سردرد دارم و نمی‌توانم این سختی‌ها و اتلاف وقت را تحمل کنم. تازه، خوب کردن هوا وظیفه من نیست؛ دولت باید به فکر راهکار اساسی باشد.»

چه باید کرد؟

برآیند گفت‌وگوها با مردم و کارشناسان این موضوع را تأیید می‌کند که همه به این موضوع واقف هستند که آلودگی هوا یک بحران قدیمی است و فقط با همکاری دولت، شهرداری، بخش خصوصی و خود شهروندان می‌توان به کاهش آن دست یافت. در میان همه راهکارها معاینه فنی استاندارد خودروها به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر و قابل اجرا، می‌تواند سهم مهمی در کاهش آلودگی هوا داشته باشد، مشروط بر اینکه به‌طور جدی و فراگیر پیگیری شود. بر اساس تحلیل‌های کارشناسی، مقابله با آلودگی هوا نیازمند عزمی هماهنگ و تقسیم وظایف دقیق بین نهادهای ذی‌ربط است. در این راستا، شهرداری‌ها با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مانند گسترش خطوط مترو و ناوگان اتوبوسرانی برقی و همچنین اجرای سیاست‌های مدیریت تقاضای سفر مانند گسترش محدوده طرح ترافیک، نقش محوری را ایفا می‌کنند. این نهاد موظف است با ایجاد و نگهداری فضای سبز راهبردی و پیاده‌روسازی معابر، به تصفیه طبیعی هوا و کاهش وابستگی به خودروی شخصی کمک شایانی کند. در بعد نظارتی و اجرایی، پلیس راهور با بهره‌گیری از فناوری مانند دوربین‌های پلاک‌خوان موظف به کنترل و اعمال قانون بر خودروهای فاقد معاینه فنی معتبر و جلوگیری از تردد خودروهای آلاینده است. هماهنگی استراتژیک بین این نهادها تحت مدیریت یک ستاد فرابخشی قدرتمند، شرط ضروری برای خروج از بن‌بست کنونی است.

> رستمی: در گفت‌وگو با مردم، بارها شنیده‌ام که ریشه آلودگی هوا فقط در خودروهای فرسوده یا کیفیت پایین سوخت جست‌وجو می‌شود، اما واقعیت بسیار عمیق‌تر است. بخشی از آن به عادت‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه برمی‌گردد؛ عادت‌هایی که گاهی آن‌قدر طبیعی شده‌اند که کمتر درباره آنها فکر می‌کنیم

انتظار برای باران، راهی برای رفع آلودگی هوا نیست

برش

میدان هفت‌حوض، یکی از شلوغ‌ترین نقاط محله نارمک در شرق تهران، این روزها به دلیل آلودگی هوا خلوت‌تر از گذشته شده است. اینکه آلودگی هوا در تهران موجب کاهش رونق مکان‌هایی مانند میدان هفت‌حوض شود، عجیب نیست. سلطانی، کاسب ۳۷ ساله بازار نارمک، علت تکرار هر ساله آلودگی هوا را نبود برنامه‌ریزی درست می‌داند و می‌گوید: «فکر نمی‌کنم در سال‌های گذشته اقدام اساسی برای رفع آلودگی هوا انجام شده باشد، در غیر این صورت وضعیت این نبود. بیشتر منتظر باد و باران هستیم تا اقدامی از سوی شهرداری یا دولت. همان‌طور که در سال‌های گذشته باران می‌آمد و هوای شهر را تمیز می‌کرد، اما چون امسال بارندگی نداشتیم، این مشکل شدیدتر احساس می‌شود.» او به اقدامات دولت برای رفع آلودگی هوا اشاره می‌کند می‌گوید: «دولت آقای پزشکیان حداقل تفاوت‌هایی با دولت‌های پیشین دارد؛ مثلاً برخی کارخانه‌ها را مجبور کرده‌اند از موتور برق استفاده کنند تا فشار مصرف برق بر نیروگاه‌ها کاهش یابد. البته این تنها اقدام مؤثر نبوده که من از دولت دیدم، اما چون از جزئیاتش باخبرم به آن اشاره کردم. شهرداری تهران هم می‌تواند اقدامات مؤثرتری برای کاهش آلودگی انجام دهد، مثلاً تعداد اتوبوس‌های بی‌آرتی را بیشتر کند یا در برخی نقاط خدمات حمل‌ونقل عمومی را رایگان کند تا مردم بیشتر از قبل به استفاده از وسایل نقلیه عمومی ترغیب شوند.» سلطانی به‌عنوان یک شهروند مسئولیت پذیر راهکاری برای کنترل این بحران پیشنهاد می‌دهد و می‌گوید: «اگر مبالغ حاصل از جریمه خودروها به‌طور مستقیم به بخش حمل‌ونقل عمومی اختصاص یابد تا شهروندان بتوانند از امکانات ارزان‌تر و باکیفیت‌تر بهره‌مند شوند شاید از ترددهای خودروهای شخصی تک سرنشین کاسته شود. همچنین لازم است اطلاع‌رسانی درباره وضعیت آلودگی هوا دست‌کم ۲۴ ساعت زودتر انجام شود تا مردم فرصت کافی برای برنامه‌ریزی و انتخاب شیوه مناسب رفت‌وآمد داشته باشند.» او با طرح این سؤال‌ها که چه میزان بودجه برای کنترل آلودگی هوا اختصاص یافته است و چه مقدار از این بودجه در مسیر درست هزینه شده و اینکه اگر هیچ اقدامی انجام نمی‌شد، وضعیت آلودگی هوا چه تفاوتی با شرایط امروز داشت؟ از مسئولان می‌خواهد توضیحاتی درباره اقدامات انجام‌شده برای مقابله با بحران آلودگی هوا بدهند.

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴ شماره ۸۹۰۰
irannewspaper irannewspapper

وارث زخم‌های تاریخی

نگاهی به **خانه خالی** اثر **لوران موینیه** برنده جایزه گنکور ۲۰۲۵ و آثار دیگر او

جوایز ادبی

راضیه خوئینی
گروه کتاب

لحظه اعلام نام لوران موینیه/ Laurent Mauvignier به‌عنوان برنده جایزه گنکور ۲۰۲۵، نه‌تنها برای این نویسنده کم‌صدا و متواضع، بلکه برای دنیای ادبیات فرانسه لحظه‌ای سرشار از شور و هیجان بود. این انتخاب فراتر از یك رویداد سالانه، نمایانگر ارزیابی عمیق و به‌جا از یك صدای آرام و صبور در عرصه ادبیات است.

موینیه، نویسنده‌ای که طی ۲۵ سال گذشته با رمان‌هایش به کاوش در سکوت‌ها، شرم‌ها و زخم‌های به جای مانده در حافظه فردی و جمعی کشورش پرداخته، اکنون با آخرین اثرش، «خانه خالی/ La Maison vide»، به نقطه اوج کارنامه ادبی خود دست یافته است. این رمان، نه‌تنها داستانی از دردها و یادآوری‌ها، بلکه سفری به عمق احساسات انسانی است که در لابه‌لای صفحاتش به زبانی شاعرانه و تأثیرگذار روایت می‌شود.

مفسران ادبی، این انتخاب هیأت داوران «گنکور» را «به‌جا»، «کمی دیرهنگام» و «تاج‌گذاری یکی از صبورترین و آرام‌ترین صداهای ادبیات فرانسه» توصیف کردند. این نویسنده که پیش از این با رمان مشهور «دور از آنها/ Loin d'eux» به شدت مورد توجه قرار گرفته بود، روز ۴ نوامبر، جایزه گنکور را به خاطر رمان «خانه خالی» از آن خود کرد. لوران موینیه به لطف جایزه گنکور امیدوار است «ادبیاتی دشوار، اما قابل فهم را به مردمش تقدیم کند، ادبیاتی که توسط افرادی از زادگاهش قابل خواندن و درك باشد.» این نویسنده ۵۸ ساله این جایزه را به‌عنوان یك سیلی به صورت خودش و به ریشه‌های اجتماعی خود می‌بیند، زیرا اصلاً از مدرسه خوشش نمی‌آمد. او پسر یك کارگر کارخانه و یك زن نظافتچی بود. موینیه می‌گوید: «مدت زمان زیادی طول کشید تا بفهمم یك نویسنده می‌تواند در جایی غیر از پاریس، حتی دورتر از حومه شهر زندگی کند. حالا می‌گویم من از یك مجتمع مسکونی در نقطه‌ای دورتر از حومه شهر آمده‌ام.»

چرا موینیه؟

«خانه خالی» تنها یك رمان نیست؛ بلکه سندی ادبی است که به بررسی سکوت‌های خانوادگی می‌پردازد و در عمق ضمیر جمعی فرانسویان غوطه‌ور می‌شود. این اثر، آمیزه‌ای از رمان و تحقیق است که در آن می‌توان سبك خودزندگی‌نگاری، شجره‌نامه‌نویسی و روایت تاریخی را به وضوح مشاهده کرد. مهم‌تر از همه، در این روایت می‌توان نقطه پیوند زبان، حافظه، تاریخ و درد را به خوبی حس کرد. این کتاب به قدری همه‌جانبه است که مرزهای ژانرها را درهم شکسته و داوران جایزه ادبی گنکور را وادار به تسلیم در برابر سبك نوآورانه‌اش کرده است.

این نویسنده ۵۸ ساله، از زمان انتشار «خانه خالی» در ۲۸ آگوست امسال (۶ شهریور) که به یکی از پرفروش‌ترین آثار تبدیل شد، به‌عنوان یکی از شانس‌های اصلی دریافت این جایزه شناخته می‌شد. او سرانجام با دریافت جایزه گنکور به رسمیت شناخته شد و ارزش ادبی آثارش بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این جایزه اگر چه به یك رمان استادانه تعلق می‌گیرد، اما سایر آثار نویسنده برنده این جایزه و هر اثر جدیدی که در آینده منتشر کند -چه رمان، چه نمایشنامه یا مقاله- در کانون توجه‌ها خواهد بود. نوشته‌های موینیه به عمق سکوت‌ها، پوچی‌ها و فقدان‌ها نفوذ می‌کند و با دقت به موشکافی‌شان می‌پردازد و به آنها شکل و معنا می‌بخشد. «خانه خالی» همچون آینه‌ای از روح انسانی، ما را به تفکر و تأمل در مورد تجارب خودمان دعوت می‌کند و در نهایت، یادآور قدرت کلمات در ترسیم تاریخ زندگی ما می‌شود.

البته شاید این انتخاب به طور چشمگیری با اهداف جایزه گنکور که مبنای آن «آثار داستانی» است در تضاد باشد؛ اما در دورانی که ژانرها آزادانه در حال ادغام شدن با هم هستند، چه کسی می‌تواند شکایتی داشته باشد؟ «خانه خالی» یك پیروزی ادبی محسوب می‌شود؛ اثری که نشان می‌دهد چگونه رمان می‌تواند از دل سکوت‌ها، جهان تازه‌ای بسازد. این روایت نشان می‌دهد ادبیات داستانی هنوز هم قدرت شفاف‌سازی و بیان حقایق نامرئی در طول زمان را دارد.

نویسنده تجربی

لوران موینیه، ۷ ژوئیه ۱۹۶۷ در خانواده‌ای کارگری در شهر تور فرانسه به دنیا آمد؛ پدرش کارگر کارخانه بود و زندگی خانوادگی او بیشتر زیر سایه زخم‌ها و دردهای پنهان و ناگفته‌ها شکل گرفت؛ زندگی‌ای خالی از گفت‌وگوهای زیبا. او برخلاف بسیاری از نویسندگان نسل خود با تحصیلات دانشگاهی و مدارج پرطمطراق به عرصه ادبیات وارد نشد. نه استاد دانشگاه شد، نه روزنامه‌نگار و نه فیلسوف. او از مسیر تجربه زیسته، کار مداوم و شنیدن صدای انسان‌های خاموش به قله ادبیات رسید.

عشق موینیه به نویسندگی خیلی زود آغاز شد. در ۸ سالگی، زمانی که در بیمارستان بستری بود کتاب «یك شیطان کوچك/ Un bon petit diable» اثر کومتِس سِگور را به‌عنوان هدیه دریافت کرد. مطالعه این کتاب، جرقه روشن شدن مسیر ادبی زندگی‌اش شد. سال ۱۹۸۴ در مدرسه هنرهای زیبای تور تحصیل کرد و سال ۱۹۹۱ مدرك هنرهای تجسمی خود را دریافت کرد. اما در دانشکده ادبیات مدرن تحصیلاتش را نیمه‌کاره رها کرد. در نهایت با دانش هنرهای تجسمی و با تمرکز بر زبان بدن، وارد قلمرو نویسندگی شد. در تمامی آثارش ترکیبی از دانش هنرهای تجسمی با زبان و ادبیات به چشم می‌خورد. موینیه پیش از جایزه گنکور، برنده جوایز مهم دیگری چون جایزه وپلر، جایزه کتاب اینتر و جایزه لوموند هم شده بود؛ اما گنکور او را از حاشیه ادبیات ممتاز به مرکز توجه‌ها کشاند.

از دیگر آثارش می‌توان به کتاب‌های «مردان/ Des hommes»؛ «در میان جمعیت/ Dans la foule»؛ «ادامه دادن/ Cotinuer»؛ «نبودن چیزی که عذابم می‌دهد/ Quelque chose d'absent qui me tourmente»؛ «سراسر جهان/ Autour du monde»؛ «داستان‌های شبانه/ Histoires de la nuit»؛ «تنهایان»؛ «تمام عشق من/ Tout mon amour» و «آموختن تا به پایان رسیدن/ Apprendre à finir» اشاره کرد. رمان «تمام عشق من» تنها اثری است که از این نویسنده به فارسی ترجمه شده و مترجم آن آیدا شیرینی است. این کتاب از سوی انتشارات مهراندیش در سال ۱۴۰۱ روانه بازار کتاب شده است.

باستان‌شناسی احساسات

از نگاه بیبلی اوبس و دیگر منتقدان ادبی، شباهت‌هایی میان رمان «کلخوز/ Kolkhoz» اثر امانوئل کارر؛ نویسنده ۶۷ ساله با «خانه خالی» لوران موینیه به چشم می‌آید. کلخوز هم یکی دیگر از نامزدهای جایزه گنکور امسال بود و هر دو رمان در رقابتی تنگاتنگ برای بردن جایزه گنکور بودند. در هر دو اثر، ما با تصاویری وسیع از زندگی خانوادگی روبه‌رو هستیم و خانواده، موضوعی است که در این دوره ادبی به طور مکرر به چشم می‌خورد. در حالی که مادر امانوئل کارر یك آکادمیسین (عضو مادام‌العمر یك فرهنگستان) است و خودش فرزند اشراف‌زادگان روسی. لوران موینیه اما پسر خانواده‌ای از قشر کارگر است و ریشه و شجره‌نامه‌اش به روستای «دِکارت» در شهرستان «لَندر-اِ-لُوآر/ L'Indre-et-Loire» برمی‌گردد؛ مکانی که نویسنده در آن بزرگ شده است. در بیشتر رمان‌های موینیه دهکده‌ای به نام لاباسه وجود دارد که مشخصات و توصیف‌هایش شباهت زیادی با «دکارت» دارد. می‌توان گفت لاباسه نسخه ادبی شده شهر کودکی موینیه و محل صحنه‌پردازی‌های اصلی روایت‌های او است؛ مکانی که مثل خود رمان، پر از اتاق‌های تاریك، اشیای گم شده، پیانوهای خاموش و رد پای ارواحی است که هنوز در خانه رفت‌وآمد می‌کنند. این دهکده همچنین دارای شباهت‌های زیادی با شهرستان یوکناپاتافا در آثار فاکنر است.

در واقع لاباسه در این رمان خانهِ مرگ، زندگی، زخم، سکوت و موسیقی است. مثل خاکی که همه چیز از آن آغاز می‌شود و به آن بازمی‌گردد. لاباسه پس‌زمینه رمان قبلی او «داستان‌های شبانه/ Histoires de la nuit» (۲۰۲۰) نیز هست. برخی منتقدان معتقدند تریلر «داستان‌های شبانه» به سبك استیون کینگ نوشته شده، اما در عین حال با سبك کلود سیمون ترکیب شده است و همین

La Maison vide
خانه خالی
- **نویسنده:** Laurent Mauvignier
- **لوران موینیه**
- **انتشارات:** Minuit
- **تعداد صفحات:** ۷۵۲ صفحه
- **قیمت:** ۲۵ یورو

ویژگی تقریباً می‌تواند به‌عنوان بخش ناخودآگاه «خانه خالی» هم خوانده شود؛ رویکردی داستانی و حتی غریزی به تابویی که در دل کتاب نهفته است.

همچنین الیزابت فیلیپ، معاون مدیر وزارت فرهنگ فرانسه و مفسر ادبی، این رمان را به مثابه باستان‌شناسی روح دانسته است. زیرا موینیه در «خانه خالی» طوری تصویرسازی کرده که می‌توان آن را «باستان‌شناسی احساس» نامید. این رمان، خانه خانوادگی رهاشده را به یک فضای نمادین تبدیل می‌کند؛ مکانی که اشیا سخن می‌گویند؛ عکس‌ها حقیقت را پنهان می‌کنند؛ پیانوهای خاموش از گذشته می‌نالند و سکوت از هر کلامی پرصداتر به گوش می‌رسد. منظور از خانه در این رمان یک بنا با معماری خاص نیست؛ بلکه خانه‌ای از غیبت‌هاست؛ خانه‌ای که در آن پدر خودکشی کرده، مادر افسرده شده، مادربزرگ حذف شده و نسل‌های گذشته به جای ترویج گفت‌وگو، تنها میراثی که برجای گذاشته‌اند «سکوت» است.

معمای ورودی کتاب

محور این کتاب یک راز خانوادگی است که لوران موینیه برای روایت آن، برای اولین بار از اول شخص «من» استفاده می‌کند. پیش از این هم او خودش را پشت صداهایی غیر از صدای خودش پنهان کرده بود تا پیامدهای جنگ الجزایر را که پدرش تجربه کرده بود، تداعی کند؛ در رمان «مردان» که سال ۲۰۰۹ منتشر شد. یا روایت فاجعه ورزشگاه هیسل در بلژیک که با عنوان رمان «در میان جمعیت» سال ۲۰۰۶ منتشر شد.

راوی در کتاب «خانه خالی» از خود می‌پرسد چرا در تمام عکس‌ها، چهره مارگریت، مادربزرگ پدری‌اش، پاک یا حذف شده یا هاشور خورده است. دلیل چنین حذفی چیست؟ لوران موینیه از دل این معما، رمان خود را روایت می‌کند و ریشه‌های کهن را جست‌وجو می‌کند. موینیه این پرسش را به نقطه ورود به رمان ۷۵۰ صفحه‌ای‌اش تبدیل می‌کند و با این پرسش به قرن بیستم بازمی‌گردد و سرگذشت سه نسل را از پیش از جنگ جهانی اول تا دهه ۱۹۷۰ روایت می‌کند. سؤال بزرگ راوی به سؤال‌های دیگر منتهی می‌شود: آیا خودکشی پدرش ریشه‌ای خانوادگی داشته؟ آیا زخم‌هایی که از نسل‌های قبل منتقل شده، در نهایت به او رسیدند؟ این پرسش، رمان را به اثری روان‌کاوانه تبدیل می‌کند؛ کتابی درباره انتقال ناخودآگاه آسیب‌ها از نسلی به نسل دیگر.

سبکی نوآور و ترکیبی

این رمان اثرگذار به راحتی در ذهن خواننده طنین‌انداز می‌شود، زیرا داستان آن می‌تواند با هر یک از ما سخن بگوید. این حقیقت بویژه زمانی روشن‌تر می‌شود که موینیه خاطرات خانوادگی خود را با رمان‌هایی که خوانده است، از جمله آثار امیل زولا، گوستاو فلوبر، ژان اشنوز و دیگران، در هم می‌آمیزد و بدین ترتیب، جذابیتی برای تخیل جمعی به وجود می‌آورد. منتقدان ادبی در واقع سبک موینیه را ترکیبی از سه نویسنده مشهور می‌دانند: فلوبر به خاطر دقت زبانی و وسواس در جملات؛ زولا به خاطر نگاه ساختاری به خانواده و میراث؛ استیون کینگ: به دلیل پرداختن به تنش‌های روانی و فضاهای شبح‌وار. این ترکیب باعث شده آثار او هم باب طبع نخبه‌پسندهای معاصر باشد و هم جذابیت گسترده پیدا کند.

نکته مهم دیگر زبان و قلم نویسنده است؛ جملات پرشمار و مسحورکننده‌ای که هم موضوع و هم خواننده را در بر می‌گیرند و رها نمی‌کنند. سبک نوشتار موینیه شامل ریتم، تنفس و زمان‌هایی است که کش می‌آیند. او از سال ۲۰۰۰ به بعد خالق زبانی محسوب می‌شود که ویژگی‌های مشخصی دارد: جمله‌های بلند با توقف‌های ناگهانی؛ کند شدن و کش‌آمدن زمان؛ تمرکز بر ریتم و تصویر؛ شنیدن سکوت میان واژه‌ها؛ بازگشت‌های متوالی و چرخش حول یک احساس؛ فرو رفتن در جزئیاتی که تبدیل به مرکز معنا می‌شوند. او خود درباره سبک نوشتارش می‌گوید: «برای من، اصل ریتم است، نه توصیف.»

این زبان، لایه‌های احساس را آرام‌آرام می‌شکافد؛ مثل دوربین سینمایی که بی‌وقفه روی یک جای زخم زوم کرده باشد. این رمان هم با بازگشت تدریجی به گذشته، زنده کردن اجداد و اشیا، از طریق جادوی نوشتن به راز خودکشی پدر راوی می‌پردازد. این جست‌وجو برای رسیدن به حقیقت، عمیقاً تأثیرگذار است. حقایقی مثل تنهایی، فقر، خشونت پنهان در ساختار خانواده، بار مراقبت‌ها و سکوتی که گاه شدیدتر و ویران‌کننده‌تر از جنگی مردانه تجلی می‌یابد. به همین دلیل «خانه خالی» یک رمان فمینیستی نیز محسوب می‌شود، حتی اگر نویسنده چنین ادعایی نداشته باشد. جمله‌های شکسته هم به امضای شخصی نویسنده تبدیل می‌شوند. در بسیاری از صفحات، جمله به‌صورت ناگهانی قطع می‌شود؛ گویی کسی وسط حرف راوی پریده؛ یا فکری تازه به ذهنش آمده؛ یا زخمی قدیمی دوباره سر باز کرده. این «شکستن‌های ناگهانی»، فرم ظاهری را با محتوا پیوند می‌زند؛ چرا که روایت زخم‌خورده باید زبانی مطابق خود داشته باشد.

اشیا در زبان موینیه به ابزارهای حافظه تبدیل می‌شوند. در «خانه خالی» اشیا مانند شخصیت‌ها رفتار می‌کنند: پیانوی ماری-ارنستین، روسری زرد؛ دراور مرمری لب‌پریده، عکس‌های هاشورخورده، کرکره‌هایی که خانه را از نور روز می‌ترسانند. این اشیا، در جهان موینیه ابزار یادآوری و اشاره هستند و به موجوداتی زنده تشبیه می‌شوند که حافظه را فعال می‌کنند. این کتاب از جنبه دیگری هم قابل تحسین است؛ توانایی لوران موینیه در تمرکز روی فضاها که شامل فضاهای فیزیکی، روانی، جغرافیایی و تاریخی می‌شود. او با دستمایه قرار دادن این فضاها، داستانی را خلق کرده که در اعماق وجود انسان نفوذ می‌کند و خواننده می‌تواند احساسات و تجربیات را با ظرافت و دقت تجسم و لمس کند.

اثر کلاسیک معاصر

«خانه خالی» یک اثر کلاسیک است؛ زیرا به وضوح سه عنصر اصلی این سبک را همزمان در خود دارد: وسعت تاریخی که شامل روایت سه نسل، دو قرن و دو جنگ بزرگ است. این رمان همچنین عمق روانی قابل توجهی دارد و به کاوش زخم‌های انتقالی از گذشته می‌پردازد. زیبایی زبان کلاسیک در این اثر به شکلی موسیقایی تجلی یافته و فضاهای روشن و تاریک را به طرز هنرمندانه‌ای به تصویر کشیده است.

این ترکیب دقیقاً ویژگی‌هایی است که ادبیات کلاسیک فرانسه را تعریف می‌کند و آن را در زمره آثار ماندگار قرار می‌دهد. در این رمان با سبک زندگی سه نسل گذشته از اقشار متوسط فرانسه آشنا می‌شویم. ابتدا، خواننده با زوجی همراه می‌شود که آنها را با نام فیرمین پروست و زنی با عنوان «مسئول پختن مرباها و رفو کردن جوراب‌ها» می‌شناسد. این ماجرا تا ۴۰۰ صفحه ادامه دارد و ناگهان اسم کوچک این زن که در بلند مدت نادیده گرفته می‌شد، فاش می‌شود. پروست‌ها نه دهقان هستند و نه بورژوا، بلکه مالک زمین‌هایی هستند که از اجدادشان به ارث برده‌اند و بر لاباسه سلطه دارند. دخترشان، ماری-ارنستین، ملقب به «بوله دور»، خیلی زود استعداد درخشان خود را در پیانو نشان می‌دهد. او عاشق معلم خود، فلورنتین کابانل، با ظاهری شیک و دلفریب می‌شود. اما به خواست فیرمین، با ژول، کارمند کارخانه چوب‌بری پدرش، ازدواج می‌کند.

مارگریت متولد سال ۱۹۱۳ در واقع حاصل این ازدواج برنامه‌ریزی شده است. وقتی ژول در جنگ کشته شد، این دختر کوچک تنها سه سال داشت. مارگریت، بی‌پدر و بی‌محبت مادرش، بی‌هدف و سرگردان بزرگ می‌شود. این ماجرا به سقوط اخلاقی او در دوران اشغال - هم برای خودش و هم برای خانواده پروست - منجر شد. دو جنگ جهانی تقریباً به طور کامل از نظر راویان غایب است. چرا که تقریباً همه چیز از نگاه زنانی روایت می‌شود که در روستا باقی مانده بودند؛ زنانی که زندگی‌شان جنگ‌های خاموش و درگیری در میدان نبرد با زندگی بود.

همچنین در این کتاب، ترس آزاردهنده لوران موینیه، ترسی که او هرگز با آن روبه‌رو نشده بود، وجود دارد: خودکشی پدرش. آیا آنچه پیش از آن اتفاق افتاده بود - ازدواج اجباری ماری-ارنستین، زندگی از هم پاشیده مارگریت - می‌توانست منجر به اقدام پدرش شده باشد؟ او در «خانه خالی» می‌نویسد: «انگار همه چیز نتیجه مانند نوعی منطق ریاضی، خاموش و بی‌رحمانه بود که قبل از تولد او، با منطق مادرش، مارگریت، یا حتی قبل از آن، با ژول، پدربزرگش، یا با مادربزرگش، ماری-ارنستین، در حرکت بود.»

مردان

در میان جمعیت

آموختن تا به پایان رسیدن

تمام عشق من

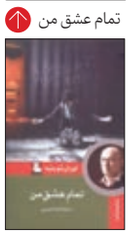

ماجرای یک راز خانوادگی

نقد و بررسی رمان خانه خالی

لوران کاشارد
نویسنده و منتقد ادبی فرانسوی

از نظر الزامات زبان و موضوع انتخابی: میراث خانوادگی، از همان ابتدا، به شکل خانه‌ای خالی و بی‌سکنه تجلی می‌یابد، جایی که راوی به دنبال مدال افتخار لژیون اجدادی خود است، که به ژول تعلق داشته؛ به خاطر فدا کردن جانش در راه میهن در طول جنگ؛ جنگی که باعث می‌شود بازماندگان بعدها به کسانی که به جنگ بعدی می‌روند به دیده تمسخر و تحقیر بنگرند مانند پدر راوی که حتی جنگ فرانسه با الجزایر را شایسته نام جنگ نمی‌داند.

از آنجا که هر سه نسل خانواده به نوعی تحت‌تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند، موینیه با حرکتی معکوس پیش می‌رود؛ با زیر و رو کردن خرده‌ریزها، اشیای قدیمی و حتی عطرها؛ تا داستانی از زمان، وضعیت زنان و آداب و رسوم آن زمان را توصیف کند. او اول داستان را حول محور فیرمین، یک پدرسالار که امپراطوری‌اش را بر اساس مزرعه‌ای پررونق در لاباسه بنا نهاده، متمرکز می‌کند.

راوی از ابتدا به «خانه خالی» یا همان خانه اجدادی‌شان بازمی‌گردد که بیشتر از بیست سال رها شده است. در داخل این خانه پیانویی قدیمی، یک دراور کشویی با ظاهر مرمری و لب‌پریده به چشم می‌خورد. روی آن یک مدال افتخار و قاب عکس‌هایی قرار دارد. این مکان سرشار از ردپاهای چندین نسل قبل است که با دو جنگ جهانی و زندگی روستایی اوایل قرن بیستم در فرانسه گره خورده.

او دنبال کشف رازهای پنهان و تاریخچه خانواده‌اش می‌گردد تا دلیل خودکشی پدرش را بفهمد. به تدریج، سرنوشت در هم تنیده زنانی فراموش‌شده را کشف می‌کند؛ از جمله مادربزرگش ماری - ارنستین؛ پیانیستی که رویایش با ازدواج اجباری به باد رفته و دخترش مارگریت که مورد بی‌مهری مادرش قرار گرفت و رسوایی به بار آورد.

نسل به نسل، زخم‌ها و انکارها و دردها منتقل می‌شوند و داستان دودمانی که مشخصه‌اش سکوت و فقدان است، در این روایت به وضوح نمایان می‌شود. این ماجرا، نه تنها کاوشی در دل تاریخ خانوادگی، بلکه سفری به عمق احساسات و تجربیات انسانی است که در پس این سکوت‌های تلخ نهفته‌اند.

منبع: مجله ادبی «تالارهای پاییزی / «Les Automn'halles

> «خانه خالی» نوشته لوران موینیه تنها یک رمان نیست؛ بلکه سندی ادبی است که به بررسی سکوت‌های خانوادگی می‌پردازد و در عمق ضمیر جمعی فرانسویان غوطه‌ور می‌شود

قصه تاریکی

نگاهی به **داستان‌های شبانه**

در رمان «داستان‌های شبانه» لوران موینیه که سال ۲۰۲۰ منتشر شد، ما به دنیای ماریون و دخترش آیدا وارد می‌شویم، جایی که هر شب ماریون داستان‌هایی را برای آیدا می‌خواند. این داستان‌ها گاهی ترسناک هستند، اما ماریون با لحن خندان و پرشوری، تلاش می‌کند هرگونه خطر را از دخترش دور کند. آیدا اگرچه وانمود می‌کند که از این داستان‌ها نمی‌ترسد، اما آنها به طرز مرموزی وارد رویاهایش می‌شوند و گاهی او را با لرز از خواب بیدار می‌کنند. اما آیدا، با شجاعت، اجازه نمی‌دهد که ترس و اژدهای داستان‌ها او را از پا درآورند و با دندان‌هایش به آنها حمله می‌کند.

ما به زندگی خانوادگی ساده و آرام خانواده برگونی در دهکده «تروا-ژون-فی» در «لاباسه» می‌پیوندیم. آنها تنها یک همسایه دارند، کریستین، هنرمند سابق مد که به حومه شهر تبعید شده است. در این ناکجاآباد، جایی که هیچ‌کس درباره‌اش صحبت نمی‌کند و هیچ چیز برای دیدن یا انجام دادن وجود ندارد. کریستین، به همراه سگش راجا، روزهایش را در آتلیه نقاشی‌اش سپری می‌کند. آیدا بعدازظهرهایش را در خانه خاله‌اش می‌گذراند و منتظر بازگشت والدینش می‌ماند. پدرش، پاتریس کشاورز است و مادرش، ماریون در یک چاپخانه کار می‌کند. یک روز، در حالی که آیدا، پاتریس و کریستین در حال آماده کردن وسایل جشن تولد برای غافلگیری ماریون هستند، راجا به طرز مرموزی ناپدید می‌شود و سه غریبه در اطراف دهکده دیده می‌شوند. رمان به سرعت ما را به داخل این درام خانوادگی می‌کشاند، جایی که رازهایی از گذشته در طول یک شب نشینی به صرف شام آشکار می‌شوند و تنش‌ها به تدریج به یک نمایش واقعی از فاجعه تبدیل می‌گردند. این تنش، نه تنها روایت را پیش می‌برد، بلکه خواننده را در حالت تعلیق نگه می‌دارد و به نظر می‌رسد که تمام آثار لوران موینیه در اینجا به اوج خود می‌رسند.

تسلط بر داستان‌سرایی

موینیه در این رمان نیز با نثری پخته، به توصیف مناظر، فضاها و شخصیت‌ها می‌پردازد.

در «داستان‌های شبانه»، او قلم خود را با تمام توانش به کار می‌گیرد و به طرز شگفت‌انگیزی قدرت ادبی خود را به نمایش می‌گذارد. جملات طولانی و کشیده، احساسات و هیجانات شخصیت‌ها را به وضوح منتقل می‌کنند و این نوشته نبردی است علیه ناگفته‌ها، برای افشای حقیقتی سرکوب‌شده. تسلط نویسنده بر سبک و روایت در این رمان به وضوح مشهود است. موینیه به بررسی پیچیدگی‌های شخصیت‌های عادی می‌پردازد که در مواجهه با فاجعه‌ای در حال وقوع، با خود و گذشته‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند. او به زیبایی نشان می‌دهد که این فاجعه چه معنایی برای شخصیت‌ها دارد و هر یک چه واکنشی نشان می‌دهند. در این رمان، تنش و تعلیق به گونه‌ای طراحی شده است که خواننده را بشدت درگیر می‌کند.

Histoires de la nuit
داستان‌های شبانه
- **نویسنده:** Laurent Mauvignier
- **لوران موینیه**
- **انتشارات:** Minuit
- **تعداد صفحات:** ۶۰۸ صفحه
- **قیمت:** ۲۴ یورو

موینیه با استفاده از تکنیک‌های روایی، ما را در مواجهه با درام ناتوان می‌کند، زیرا حتی قبل از وقوع رویدادها، ما می‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد. ما به عنوان خواننده، به تماشاگرانی تبدیل می‌شویم که در حال مشاهده رویدادها هستند، و نوعی حس ناامیدی ما را بشدت درگیر این ماجرا می‌کند.

خانواده و ارتباطات خاموش

در این داستان، خانواده برگونی با چالش‌های ارتباطی متعددی مواجه است. تلاش‌های آنها برای برقراری ارتباط، بیشتر به یک تعهد اخلاقی شبیه است تا کارکردی واقعی. در این فضا، سکوت و عدم ارتباط به وضوح حس می‌شود. هر شخصیت در تلاش است تا از طریق نگاه‌ها ارتباط برقرار کند، اما حتی این وسوسه نیز بی‌نتیجه می‌ماند.

موینیه با نگاهی عمیق به روابط انسانی و چالش‌های آن، توانسته است رمانی خلق کند که در آن احساسات و تجربیات عمیق شخصیت‌ها، در کنار فاجعه‌ای که بر آنها سایه افکنده، به زیبایی به تصویر کشیده شود. در نهایت، «داستان‌های شبانه» لوران موینیه نه تنها یک رمان جذاب، بلکه نوعی کاوش عمیق در دنیای احساسات، ارتباطات و فاجعه انسانی است. این اثر، به سبب قدرت داستان‌سرایی و توانایی نویسنده در ایجاد تنش و تعلیق، به یکی از آثار برجسته ادبیات معاصر تبدیل شده است. لوران موینیه با این رمان، بار دیگر توانمندی خود را در خلق داستانی عمیق و تأثیرگذار به اثبات رسانده است.

irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۹۰۰
• اذان ظهر ۱۱/۵۴ • اذان مغرب ۱۷/۱۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۰۵/۲۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۵۷

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام موسی کاظم (ع):
هر که می‌خواهد قوی‌ترین مردم باشد بر خدا توکل کند.

بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۴۳

تأکید براهمیت تولیدات بومی در سینمای ایران

نقل قول

پیش از پرداختن به همکاری با کشورهای خارجی، باید به تولیدات درون‌منطقه‌ای بپردازیم که جای آن در کشورمان خالی است. چرا نباید استان فارس، استان اصفهان و سایراستان‌ها، سینمای خودشان را داشته باشند؟ چرا نباید سینمای بومی خودشان را داشته باشند و فرهنگ خودشان را معرفی کنند؟ این همه طبیعت بکر و زیبا، این همه آثار باستانی، باید در فیلم‌هایمان حضورداشته باشند؛ این کارهم به لحاظ معنوی و فرهنگی و هم به لحاظ بصری، فیلم‌هایمان را متمایز می‌کند. می‌توان در فیلم‌ها شاهد لهجه‌های مختلف، آداب و رسوم گوناگون و موضوعات متنوع بود، مخصوصاً در حوزه سینمای کودک که جای آن بسیار خالی است؛ همه بچه‌های ایران باید خودشان را در فیلم‌ها ببینند، اما این اتفاق نمی‌افتد.

گزیده‌ای ازصحبت‌های مرضیه برومند کارگردان و فیلمنامه‌نویس پیشکسوت سینمای ایران درحاشیه چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجردرشیراز/ایرنا

هنرنمایی کامبیز دیرباز در فیلم علیرضا امینی

فیلم سینمایی «سمفونی باران» مقابل دوربین رفت. فیلمبرداری فیلم سینمایی «سمفونی باران» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا امینی پس از تکمیل مراحل نهایی پیش‌تولید در شمال کشور آغاز شد. این فیلم در ژانر درام عاشقانه ساخته می‌شود و در آن بازیگرانی همچون الهه حصاری، پدرام شریفی و کامبیز دیرباز مقابل دوربین رفته‌اند. اسامی سایر بازیگران و فهرست کامل عوامل پشت دوربین این فیلم در خبرهای بعدی رسانه‌ای خواهد شد. / **ایسنا**

سعید آقاخانی «اسباب زحمت» شد

سریال «اسباب زحمت» کمدی جدیدی از سعید آقاخانی است که برای پخش از ماه رمضان امسال در نظر گرفته شده است. طبق اعلام سیمافیلم، این سریال طنز اجتماعی یکی از گزینه‌های پخش در ماه مبارک رمضان است.

در این سریال سعید آقاخانی علاوه بر کارگردانی، بازی هم می‌کند و حسن معجونی و عباس جمشیدی فر نیز در کنار او ایفاگر نقش‌های اصلی مجموعه هستند. همچنین سعید آقاخانی و حسام بابایی تهیه‌کننده سریال هستند. / **مهر**

فرزاد حسنی با «کاپوتاژ» می‌آید

نمایش «کاپوتاژ» نوشته کامران شهلایی با کارگردانی مشترک شهلایی و محمد لارتی بزودی در یکی ازسالن‌های تئاتری شهرتهران روی صحنه می‌رود. طبق برنامه‌ریزی انجام شده قرار است فرزاد حسنی در این اثر نمایشی به ایفای نقش بپردازد.

«کاپوتاژ» با مضمون اجتماعی و نگاهی به یکی از دغدغه‌های اخلاقی تلخ و چالش‌برانگیز جامعه امروز، تولید شده و مراحل نهایی آماده‌سازی خود را سپری می‌کند. / **ایرنا**

نگاهی به کارکردهای فرامتنی سینما در جشنواره جهانی فیلم فجر

پنجره‌ای برای روایت ایران فرهنگی

عکس: ایسنا

یادداشت

جعفر انصاری‌فر
تحلیلگر سیاست و نورومدیا

مفاهیمی مانند دیپلماسی عمومی، فرهنگی و اخیراً دیپلماسی سینمایی، نقش مهمی در تولید قدرت نرم و برند ملی کشورهای جهان یافته‌اند. عبور از تمرکز صرف بر سیاست و امنیت، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری را برای کشورهای پیشرفته فراهم کرده است و کنشگران فرهنگی-هنری می‌توانند در میکروفیزیک قدرت ملی نقش‌آفرینی کنند که پیش‌تر کمتر مورد توجه بود.

توجه به دیپلماسی عمومی و فرهنگی آنقدر در سیاست‌گذاری و برنامه‌های قدرت‌های بزرگ اهمیت یافته که ایالات متحده برای این موضوع و ارائه برند ملی خود سالانه یک میلیارد دلار، انگلستان در حدود ۹۰۰ میلیون پوند و چین در بالاترین رتبه با هزینه کردن بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال، در حال شکل دادن به برند ملی خود به عنوان یک کشور خاص در جهان است. گفته می‌شود که بیش از ۵۰۰ مرکز و مؤسسه کنفوسیوس‌شناسی و بیش از ده‌ها رادیوی بین‌المللی توسط دولت چین برای تصویرسازی مورد نظر از آن کشور خریداری شده و در یک روند تدریجی و منعطف این رسانه‌ها در حال تولید قدرت و برند برای چین به عنوان قدرت برترآینده جهان هستند.

کشورهای دیگر هم به نوبه خود با هزینه کردن مبالغی قابل توجه در قالب برگزاری انبوه جشنواره‌های هنری، ورزشی، فرهنگی و... سعی می‌کنند تا از این قافله جذاب عقب نمانند.

وضعیت ایران

ایران با فرهنگ و تمدن تاریخی قدرتمند، تلاش‌هایی برای برندسازی ملی و دیپلماسی عمومی از طریق هنر و سینما داشته است. اما به دلیل تغییر دولت‌ها، نوسانات بودجه و نبود انسجام گفتمانی، این تلاش‌ها گاهی اثرگذاری لازم را نداشته‌اند. برخی منتقدان، هزینه‌ها را هدردادن منابع می‌دانند، اما بدون ارزیابی علمی و دقیق، نمی‌توان اثر واقعی این برنامه‌ها را نادیده گرفت.

نمونه‌هایی از موفقیت‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که جشنواره‌ها و نمایش‌های بین‌المللی، حتی با محدودیت‌های موجود، توانسته‌اند تصویر ایران را در ذهن مخاطبان خارجی تغییر دهند. این نشان می‌دهد که با سیاست‌گذاری و مدیریت هوشمندانه، می‌توان اثرگذاری این رویدادها را به حداکثر رساند.

جشنواره جهانی فیلم فجر فرصتی طلایی

در شرایطی که ایران تحت شدیدترین حملات رسانه‌ای و شناختی قرار دارد که هدف اصلی آن بی‌ثبات‌سازی اجتماعی از طریق آسیب‌زدن به انسجام ملی است، جشنواره جهانی فیلم فجر پنجره‌ای منحصر به‌فرد برای روایت صحیح ایران واقعی و فرهنگی است. این جشنواره با تمرکز بر موضوعات محوری داخلی و جهان اسلام با رویکردی معنویت‌گرا، می‌تواند فرآیندهای عصبی شناختی مخاطبان خارجی، از ایران را به نفع اهداف ملی تغییر دهد. در این صورت است که حضور سینماگران و منتقدان بین‌المللی، امکان معرفی ایران حقیقی را به جهان فراهم می‌کند و از این طریق، روایت‌های تحریف‌شده و سیاسی امپریالیزم دیجیتال را به چالش می‌کشد.

جشنواره جهانی فیلم فجر، فرصتی است برای نشان دادن ایران مقتدر، متمدن و هنرمند و می‌تواند تأثیر مستقیم بر قدرت نرم و برند ملی کشور داشته باشد. هر فیلم، کارگردان یا اثر سینمایی که در این رویداد حضور می‌یابد، می‌تواند یک پیام فرهنگی و هویتی قدرتمند به مخاطبان جهانی منتقل کند.

جشنواره‌ها به مثابه ابزار روایت‌سازی

رویدادهای فرهنگی-هنری باید به عنوان موقعیت‌های روایت‌ساز و برندساز دیده شوند. از منظر علوم اعصاب‌شناختی، سینما ظرفیت بالایی در همگام‌سازی واکنش‌های عصبی مخاطبان دارد. برای همین، موفقیت در این مسیر نیازمند ۱-سیاستگذاری دقیق و هماهنگ فرادولتی؛ ۲-برنامه‌ریزی و اجرای اثرگذار؛ ۳-انسجام گفتمانی و فرهنگی برندسازی ملی و ارائه روایت درست ایران، تنها با چهارچوب‌بندی منسجم، هماهنگی بین نهادها و اجرای به‌موقع سیاست‌ها امکان‌پذیر است.

انسجام گفتمانی برای رویدادهای جهانی، کلید موفقیت در این مسیر است.

جشنواره جهانی فیلم فجر، فرصتی طلایی برای ایران فرهنگی و هنری است تا تصویر واقعی خود را به جهان معرفی کند و اثرگذاری خود در قدرت نرم و برند ملی را افزایش دهد. این رویداد، در کنار دیگر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی، می‌تواند مانعی جدی برای حملات رسانه‌ای و شناختی علیه ایران باشد.

با سیاست‌گذاری دقیق، انسجام گفتمانی و مدیریت هوشمند، ایران می‌تواند روایت قدرتمند، متمدن و واقعی خود را تثبیت کرده و از این فرصت بین‌المللی نهایت بهره را ببرد.

> در شرایطی که ایران تحت شدیدترین حملات رسانه‌ای و شناختی قرار دارد که هدف اصلی آن بی‌ثبات‌سازی اجماعی از طریق آسیب‌زدن به انسجام ملی است، جشنواره جهانی فیلم فجر پنجره‌ای منحصر به‌فرد برای روایت صحیح ایران واقعی و فرهنگی است

> جشنواره جهانی فیلم فجر، فرصتی طلایی برای ایران فرهنگی و هنری است تا تصویر واقعی خود را به جهان معرفی کند و اثرگذاری خود در قدرت نرم و برند ملی را افزایش دهد

داورهای ایرانی و خارجی جشنواره جهانی فیلم فجر

جامعه‌شناسی یک رسم نوظهور

«بلک‌فرایدی» استعمار فرهنگی نوین در خانه ایرانی

نگاه

حسین نوروزی
پژوهشگر هنر

این روزها در کوی و برزنِ تهران و بسیاری از شهرهای ایران، عبارت «جمعه سیاه» یا «بلک‌فرایدی» همچون یک شعار هیجان‌زده تجاری به گوش می‌رسد؛ از ویترین فروشگاه‌ها تا صفحات اینستاگرامی و حتی برخی مراکز هنری. موجی که با شتابی شگفت‌انگیز در دو سه سال اخیر ریشه دوانده، بی‌آنکه بخش بزرگی از جامعه بداند این اصطلاح از کجا آمده، بر چه بستر تاریخی سوار است، چه انگیزه‌هایی پشت رواج آن پنهان است و مهم‌تر اینکه چه تأثیرات آشکار و پنهانی بر فرهنگ بومی ایران می‌تواند بگذارد.

این پدیده، برخلاف ظاهر ساده و تجاری‌اش، تنها یک «واژه» یا یک «روزِ خرید» نیست؛ بلکه حامل جهان‌بینی، الگوهای مصرفی و ساختارهای رفتاری جامعه‌ای دیگر است که امروز بی‌هیچ نقد و تأملی در مناسبات اقتصادی و هنری ایران جا خوش کرده است. درست به همین دلیل، پرداختن به آن ضرورت دارد: زیرا گاه یک واژه، سرآغاز فروریختن بخش‌هایی از فرهنگ است که سال‌ها برای حفظ و پاسداری‌اش تلاش شده است.

در چنین شرایطی، آنچه جای نگرانی دارد این نیست که مردم کالا می‌خرند مشکل در «نوع خرید» و «نوع نگاه» است. ایرانیان از دیرباز، خرید را با مناسبت‌ها و مناسک فرهنگی پیوند زده‌اند: خرید شب عید نوروز برای تحویل سال، خرید شب یلدا برای جشن بلندترین شب سال، تهیه کتاب و لوازم تحصیلی در اول مهر و دیگر مناسبت‌های ملی و مذهبی، همگی مبتنی بر معنا، برنامه‌ریزی و ارزش فرهنگی بوده است. حال تصور کنید این سنت‌ها در برابر یک «روز خرید آمریکایی» با هیاهوی تبلیغاتی و تخفیف‌های اغراق‌آمیز کم‌رنگ شود. این یعنی شکاف تازه‌ای در لایه‌های فرهنگ بومی و سبک زیست ایرانی در حال شکل‌گیری است.

اقتصاد هیجان تهدید تازه سبک زیست ایرانی

بلک‌فرایدی در ایران نه بر اساس نیاز اقتصادی بلکه بر اساس هیجان تبلیغاتی شکل گرفته است. سیل پیام‌های تخفیف که مردم را بمباران می‌کند، در عمل فرصت تحلیل را از آنان می‌گیرد و نوعی مصرف‌زدگی تکثیرشونده را ترویج می‌کند.

این مصرف‌گرایی، برخلاف سنت دیرینه خرید ایرانی که بر دوام کالا، عقلانیت اقتصادی و نگهداری طولانی مدت متکی بود، نگاه مردم را از کیفیت به «ارزان‌بودنِ لحظه‌ای» سوق می‌دهد.

اما عمق ماجرا آنجاست که بسیاری از این تخفیف‌ها واقعی نیستند. در موارد متعدد قیمت‌ها پیش از تخفیف بالا برده می‌شوند، یا درصدهای اغراق‌آمیز تنها برای بازارگرمی استفاده می‌شود. نتیجه آن، فرسایش اعتماد عمومی و شکل‌گیری یک بدبینی عمیق نسبت به اصالت بازار داخلی است؛ ضربه‌ای که جبران آن سال‌ها زمان می‌برد.

وقتی فرهنگ بصری قربانی مصرف‌گرایی می‌شود

در کشوری که هنرهای تجسمی، خوشنویسی، نقاشی خط، سفال، فرش و صنایع‌دستی بخشی از هویت ملی را شکل داده‌اند، ترویج یک روز مصرف‌گرایی غربی می‌تواند به تخریب آرام فرهنگ دیداری مردم منجر شود.

در بلک‌فرایدی، خانه‌ها مملو از کالاهای ارزان، دکوری‌های بی‌هویت و تزئینات وارداتی می‌شوند؛ اشیایی که نه ریشه دارند، نه معنا. ذائقه مردم از انتخاب آگاهانه به انتخاب سریع تغییر می‌کند و این نقطه آغاز کوچک‌ترین اما عمیق‌ترین بحران فرهنگی است: «سقوط معیارهای زیبایی‌شناسی جامعه.»

هنر جدی بر بستر تأمل، صبر و مواجهه آرام با اثر شکل می‌گیرد. اما بلک‌فرایدی ترویج‌کننده سرعت، عجله و رفتارهای مصرفی لحظه‌ای است. این دو با هم سازگار نیستند. اگر این رفتار فراگیر شود، جامعه‌ای که باید مخاطب آگاه هنر باشد، به مصرف‌کننده سطحی تزئینات تبدیل می‌شود.

بازار هنر و گالری‌ها زیر سایه رفتارهای آمریکایی

در سال‌های اخیر و دقیقاً در همین ایام بلک‌فرایدی، مشاهده می‌شود که برخی گالری‌ها و فروشگاه‌های آثار دکوراتیو، برای جذب مخاطب بیشتر و کسب سود آنی، از عنوان «جمعه سیاه» استفاده می‌کنند. این مسأله از دو جهت خطرناک است:

۱ تقلیل هنر به کالای ارزان و تخفیف‌دار

هنرِ جدی جایگزین‌پذیر نیست، ارزش ماهیتی دارد و در نظام قیمت‌گذاری هنری، تخفیف‌های انبوه جایگاهی ندارند. وقتی گالری‌دار برای دیده‌شدن، از شعارهای بلک‌فرایدی بهره می‌گیرد، این پیام را القا می‌کند که هنر نیز مثل یک محصول مصرفی است.

۲ انحراف بازار هنر از مسیر اصیل خود

گالری، نهادی فرهنگی است قبل از آنکه یک مکان تجاری باشد. رسالت آن معرفی هنرمند، تربیت مخاطب و حفاظت از فرهنگ بصری است. استفاده از ادبیات تخفیف‌های آمریکایی در چنین نهادی، به‌معنای ضربه‌زدن به حرمتِ هنر و تنزّل جایگاه آن در ذهن جامعه است.

علاوه بر این، با وجود قبح و زشتی این کار، یکی دو نفر از هنرمندان (!) همین ایام به تخفیف‌های ویژه به مناسبت جمعه سیاه در حوزه آموزش و فروش آثارشان اقدام کرده و تخفیف‌های ویژه بلک‌فرایدی را در آگهی‌هایشان درج کرده‌اند. این نمونه دقیقاً نشان می‌دهد که حتی بخشی از جامعه هنری که باید حافظ ارزش‌های فرهنگی و هنری باشد، تحت تأثیر تبلیغات مصرف‌گرایانه قرار می‌گیرد و به جای تقویت هنر ایرانی، آن را با رفتارهای بازارگرایانه تطبیق می‌دهد.

برای درک عمق این جریان، کافی‌ست چند مصداق واقعی از فضای امروز ایران را بررسی کنیم:

رشد پوسترهای فانتزی و تابلوهای چاپی بی‌ارزش

که در روزهای بلک‌فرایدی با قیمت‌های بسیار پایین فروخته می‌شوند و جایگزین آثار هنری اصیل ایرانی در خانه‌ها شده‌اند.

مزایده‌های آنلاین غیررسمی

که در قالب تخفیف‌های بلک‌فرایدی عمل می‌کنند و بازار رسمی هنر را دور می‌زنند، بدون رعایت استانداردهای قیمت‌گذاری یا اصالت‌سنجی اثر.

تقویت بازار کالاهای قاچاق و کپی آثار هنری

از تابلوهای مشهور نقاشان گرفته تا آثار چاپی جعلی که به نام «اثر هنری» در جشنواره‌های تخفیف عرضه می‌شوند.

تهاجم «زیبایی‌شناسی مصرفی»

خانه ایرانی از نمادهای فرهنگی‌اش تهی می‌شود و به سمت زیبایی‌شناسی سری‌دوزی‌شده فروشگاه‌های آنلاین متمایل می‌گردد.

فروپاشی آرام صنایع دستی

زیرا در برابر حجم انبوه کالاهای ارزان وارداتی، دیگر مزیت رقابتی ندارند. وقتی یک ماگ چینی با ۶۰ درصد تخفیف مقابل سفال دست‌ساز ایرانی قرار می‌گیرد، نتیجه از پیش معلوم است.

کمرنگ شدن خریدهای معنادار ایرانی:

وقتی بلک‌فرایدی جایگزین خریدهای سنتی شب عید، شب یلدا، اول مهر یا مناسبت‌های ملی و خانوادگی می‌شود، نه تنها ذائقه خرید تغییر می‌کند، بلکه معنای هدیه، سوغات و جشن‌های ایرانی نیز تهی می‌شود.

جایگزینی مصرف لحظه‌ای به جای برنامه‌ریزی طولانی:

خرید برای مناسبت‌های ملی و خانوادگی، معمولاً با تأمل و انتخاب دقیق همراه بوده است؛ اما با بلک‌فرایدی، این تجربه جای خود را به خرید سریع و هیجانی می‌دهد.

در لایه‌های عمیق‌تر؛ بحران معنا

بلک‌فرایدی تنها یک روز خرید نیست؛ سازوکار انتقال ارزش‌هاست.

در فرهنگ ایرانی، خرید همیشه با معنا همراه بود: برای عید، احترام، سوغات، هدیه، یا بزرگداشت. اما بلک‌فرایدی خرید را از معنا تهی می‌کند و به «انباشتن کالا» کاهش می‌دهد.

از دل این نگاه، انسان ایرانی به‌جای نیازهای اصیل، به نیازهای ساختگی وابسته می‌شود و این همان جایی‌ست که استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد: وقتی ذوق، نیاز و ذهنت را دیگران تعریف می‌کنند.

> در بلک‌فرایدی، خانه‌ها مملو از کالاهای ارزان، دکوری‌های بی‌هویت و تزئینات وارداتی می‌شوند؛ اشیایی که نه ریشه دارند، نه معنا. ذائقه مردم از انتخاب آگاهانه به انتخاب سریع تغییر می‌کند و این نقطه آغاز کوچک‌ترین اما عمیق‌ترین بحران فرهنگی است: «سقوط معیارهای زیبایی‌شناسی جامعه»

> بلک‌فرایدی در ایران نه بر اساس نیاز اقتصادی بلکه براساس هیجان تبلیغاتی شکل گرفته است. سیل پیام‌های تخفیف که مردم را بمباران می‌کند، در عمل فرصت تحلیل را از آنان می‌گیرد و نوعی مصرف‌زدگی تکثیرشونده را ترویج می‌کند

برش

نقش رسانه‌ها و برندها در ترویج مصرف‌گرایی

رسانه‌های بزرگ، فروشگاه‌های آنلاین و برندهای وارداتی برای بلک‌فرایدی میلیاردها تومان تبلیغ خرج می‌کنند. چرا؟

چون این روز، ابزاری است برای هدایت ترافیک پلتفرم‌ها، افزایش فروش، تقویت سرمایه‌گذاری خارجی و رقابت در بازار محتوا. اما این هزینه‌ها فقط از جیب مصرف‌کننده پرداخت نمی‌شود؛ از فرهنگ نیز هزینه می‌گیرد. وقتی شبکه‌های اجتماعی با هجوم پست‌های بلک‌فرایدی مواجه می‌شوند، هشتگ‌ها، ترندها و الگوریتم‌ها همه در خدمت تبدیل‌شدن این روز به «یک مناسک اجباری» به‌کار می‌افتند. مردم حتی اگر نخرند، احساس می‌کنند «چیزی را از دست داده‌اند».

این همان نقطه‌ای‌ست که در روانشناسی خرید به آن FOMO (ترس از جا ماندن) می‌گویند؛ تکنیک قدیمی بازار آمریکا برای کنترل رفتار مصرف‌کننده.

و در نهایت اینکه اگر امروز درباره این پدیده هشدار داده نشود، فردا دیر خواهد بود.

بلک‌فرایدی در ایران یک «هیجان اقتصادی» نیست؛ یک گسست فرهنگی است. سنتی آمریکایی که چون بی‌ریشه وارد شده، می‌تواند آرام‌آرام بخش‌هایی از فرهنگ ایرانی را تضعیف کند: از بازار هنر تا ذائقه دیداری، از رفتار مصرفی تا اعتماد عمومی. گسترش بی‌محابای این رسم، آن هم در شرایطی که برخی گالری‌ها و فروشگاه‌های هنری نیز به تقلید از آن روی آورده‌اند، علامتی است هشداردهنده:

اگر هنر را به کالا تقلیل دهیم، اگر ارزش را با تخفیف اندازه بگیریم و اگر فرهنگ را در برابر مصرف بی‌هویت قربانی کنیم، دیگر چیزی از آن ریشه عمیق و پرشکوه فرهنگ ایرانی باقی نخواهد ماند.

ایران سزاوار «زیبایی‌شناسی ریشه‌دار» است، نه مناسک مصرفی وارداتی. زمان آن رسیده است که هشیارانه، منتقدانه و با تکیه بر هویت خود، در برابر این موج ایستادگی کنیم، نه با تحریم خرید، بلکه با بازسازی ذائقه، حمایت از هنر، و احیای سنت‌های اصیلِ زیبایی ایرانی.